

کیمهان ۵۰۹

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح‌زاده

جمعه ۵ تا پنجشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۴ خورشیدی

سال چهل و یکم - شماره ۱۹۷۵

در انتظار «توافق»!

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:
دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife
@kayhanlife
@KayhanLife
https://kayhanlife.com/newsletters-subscription

کیهان شما، کیهان لندن

@KayhanLondon
@kayhanlondon
@kayhanlondon
https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهل و یکم
کیهان شماره ۱۹۷۵ (۵۰۹)
۵ تا ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۴
۲۵ آوریل تا ۱ مه ۲۰۲۵



آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سردبیری:
editorial@kayhan.london



نامه‌ها و عاشقانه‌ها
حکایتی شیرین از عشق و دلدادگی
نوشته: داریوش پیرنیا

به گوشش متصوره پیرنیا
لفظاً جهت: نیه کتاب "نامه‌ها و عاشقانه‌ها" با انتشارات مهر ایران
شماره تلفن: ۳۰۱۲۷۹۶۷۷۸ و ۲۴۰۶۰۲۷۲۳ در شرق آمریکا تماس حاصل نمایید.
Web: www.pirnia.com Email: pirnia@pirnia.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: جاله عنکبوت به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)»
برای نخستین بار ایده‌گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد.
عالمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.
Satrap Publishing: Email: satrap@bconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

کیمهان

فهرست مطالب

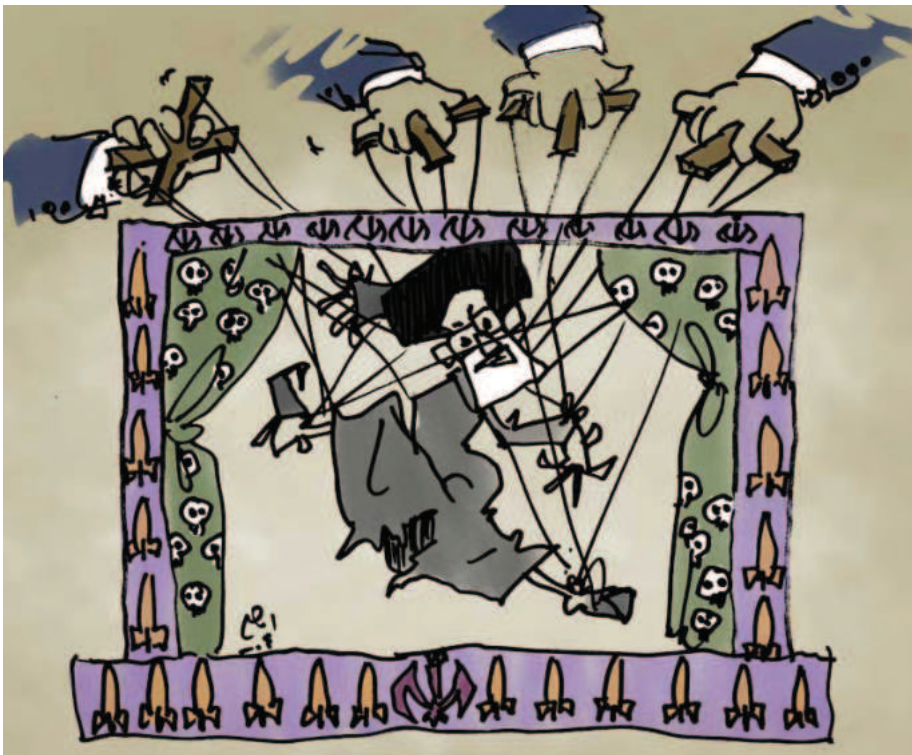
۴	سرمقاله - «ارزشی» یعنی کل نظام! / الاهه بقرات
۴-۵	تیر هفته - در انتظار «توافق»! ... /
۵	شاهزاده رضا پهلوی: مذاکره با رژیم ایران راه نجات برای یک دیکتاتوری در حال فروپاشی است...
۶-۷	شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با «پولیتیکو»: دولت‌های غربی باید با ایجاد «صندوق اعتصابات» از...
۸	«اسرائیل هیوم»: مذاکرات طی چند هفته آینده به دلیل شروط آمریکان شکست می‌خورد...
۹	رویتزر: طرح اسرائیل برای حمله محدود هوایی و کوماندویی به تأسیسات هسته‌ای در ایران...
۱۰-۱۱	ادعای نویسندگان «نیویورک تایمز»: جمهوری اسلامی در مذاکرات ژمن پیشنهاد سرمایه‌گذاری...
۱۱	زنها دارن میان... / خبرنگار پیش (احمد احرار)
۱۲-۱۳	قاضی پرو و غیر فاش می‌کند: آنچه نتوانستم بگویم (۳) ... /
۱۴	دونالد ترامپ: نمی‌گویم با حمله اسرائیل به ایران مخالفت کردم، ولی عجله‌ای برای این کار ندارم...
۱۴-۱۵	نتانیاهو: از تعهدم به مقابله با دستیابی رژیم ایران به سلاح اتمی یک میلی متر عقب‌نشینی نخواهم کرد...
۱۵	سخنگوی وزارت خارجه آمریکایک: در مذاکرات باید پاسخ روشن «بله» یا «نه» داده شود...
۱۶-۱۷	اتکای رژیم به ماهیت سرکوبگر خود: مردم خود باید بازیگردان باشند... / اکامران کوشان
۱۷	مارکوریو: اروپایی‌ها باید تصمیم مهمی درباره بازگرداندن تحریم‌های ایران بگیرند...
۱۸	جمهوری پنجم: بازخوانی پروژه‌های جمهوری‌سازی واداتی در ایران... / آریا جعفری
۱۸-۱۹	چراملی گرای اهمیت دارد و چگونه می‌تواند راه‌گذار ارتباط کنونی ایران باشد؟ / دکتر مهدی میرسعیدی
۲۰	تحریف وازدی سلطنت به جنبش پادشاهی آسیب می‌رساند... / فرخ‌نیک مراد
۲۱	اهمیت نقش نسل دوم ایرانیان برون‌مرز در جهانی‌سازی انقلاب ملی... / ابابک مسیحا
۲۲	رژیم ایران بدون تکیه بر قدرت‌های بزرگ توان مذاکره برای بقا را هم ندارد! / حامد محمدی
۲۳	ارتش اسرائیل رزمایش حمله به تأسیسات اتمی و نظامی جمهوری اسلامی را شبیه‌سازی کرد...
۲۴-۲۵	ایالات متحده باید شبکه‌های وابسته به رژیم ایران را در آمریکامورد بازرسی و... / آیدین پناهی
۲۵	ظهور سردار سپه (صد سال پهلوی: ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴) ... /
۲۶	خمینی «جام‌زهر» را نوشید: آیا خامنه‌ای و ترامپ استکان جای را... / عبدالرحمن شلقم (الشرق الاوسط)
۲۷	طرح جدید مجلس شورای اسلامی: حراست ادارات زیرمجموعه وزارت اطلاعات می‌شوند...
۲۸	مارکوریو: جمهوری اسلامی اجازه غنی‌سازی اورانیوم ندارد و برای مصارف صلح آمیز می‌تواند...
۲۹	اختلاف میان جمهوری اسلامی و آمریکایک بر سر خروج ۲۷۵ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصدی از ایران...
۳۰	روزنامه «تایمز»: تحقیقات درباره ارتباط خیریه «لیک بازهر» مستقر در بنیاد با حکومت ایران و...
۳۱	آسوشیند پرس: آغاز مذاکره دینی میان جمهوری اسلامی و آمریکایک به معنی نزدیکی به توافق نیست...
۳۲	تحریم شبکه فروشن نفت و گاز ایران وابسته به «اسدالله امام جمعه» و پسرش را آستانه... /
۳۲-۳۳	برگزاری دومین گفتگوی آمریکایک و جمهوری اسلامی در رم: فعلا ادامه دارد! ... /
۳۳	باب فرانسیس رهبر کاتولیک‌های جهان در گذشت... /
۳۴	وال استریت ژورنال: توافق احتمالی با جمهوری اسلامی باید شامل لیستی از مواد و انبارهای...
۳۴-۳۵	اتفاق مخالفان جمهوری اسلامی از ترامپ و ویتکاف: «راه جویاییدن رابرت مالی را نروید»...
۳۶	بنیامین نتانیاهو: نبرد اسرائیل با حکومت ایران سر نوشت جهان آزاد را رقم خواهد زد...
۳۶-۳۷	سر نوشت جمهوری اسلامی و خبرهایی که از مواضع و اهداف مشترک... / طارق الحمید (الشرق الاوسط)
۳۷	حمله «هکرهای مرتبط با سپاه پاسداران» به اطلاعات دفتر هانا نویمان رئیس هیات روابط با...
۳۸	«ایجاد حصارهای امنیتی اطراف تونل‌های اتمی در ایران» ... /
۳۹	تفاهم‌نامه‌ای خطرناک میان آموزش و پرورش و نیروی انتظامی... /
۴۰-۴۱	سونامی تعطیلی واحدهای تولیدی و صنعتی: امنیت شغلی کارگران قربانی رکود تورمی... /
۴۱	پروژه ۱۰۰ شهر فرامی‌خواند... /
۴۲-۴۳	روایت یک شاهد عینی علیه فراموشی: ۲۴ آوریل ۱۹۸۲... / بهروز اسدی
۴۳	ضرب و جرح دانشجویان ایرانی دانشگاه خواجه نصیر توسط «تورست دانشجوی» های حزب الله لبنان...
۴۴	به یاد عترت گودرزی الهی: بانویی از تبار قلم، کوشش و پایداری... /
۴۵	سقوط قدرت خرید خانوارها در ایران: فروش قسطی مواد خوراکی معمولی با چک! ... /
۴۶-۴۷	کارزاری بایش از ۱۴ هزار امضا برای پس گرفتن عرصه ۹۲ هکتاری از مالکان پروژه میانکاله... /
۴۷	بحران کم‌آبی تهدیدی علیه حیات وحش ایران... /
۴۸	قطع ۱۰ ساعته‌ی آب در استان گلستان به علت بحران در تأمین آب آشامیدنی... /
۴۹	تعیین نرخ ۲۰ هزار تومانی برای بنزین آزاد: واردات بنزین سوپر توسط بخش «خصوصی»...
۵۰-۵۱	بحران خشکسالی: جمهوری اسلامی با ناکارآمدی و سوءمدیریت ایران را تبدیل به آبکش...
۵۱	نمونه اقتصادداری جمهوری اسلامی: واردات مرغ‌های مادر که خروس از آب درآمدند! ... /
۵۲-۵۳	سال سخت حقوق بگیران: احتمال محو کامل طبقه متوسط... /
۵۳	با یک زنجانی وارد «صنعت ربلی» شد: قرار داد ۶۱ هزار میلیارد تومانی یک اثر مفید با «دولت وفاق»...
۵۴	موج جدید اعتراضات صنفی به بحران‌های اقتصادی و دستمزدهای ناچیز... /
۵۵	وزیر نیرو با قطع برق بخش خانگی و صنعتی به دنبال کاهش «فناوری» است! ... /
۵۶	توقف درمان از سوی بسیاری از بیماران به علت گرانی و کمبود دارو... /
۵۷	تورم در فروین ماه هم افزایش یافت: تورم ماهانه گروه میوه و خشکبار ۷/۱۱ درصد! ... /
۵۸	فناوری برق در تابستان به ۲۴ هزار مگاوات می‌رسد: مسعود پزشکیان لاف «راهبرد جامع» می‌زند...
۵۹	مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی: صندوق توسعه ملی منبع جبران کسری بودجه دولت‌ها! ... /
۶۰	پیش‌بینی جدید صندوق بین‌المللی پول درباره افزایش تورم و کاهش رشد اقتصادی و... /
۶۱	میانگین قیمت مسکن در تهران، ۱۰۲ میلیون تومان برای هر متر مربع... /
۶۲	نمایشگاه گروهی با موضوع «بدن» در پاریس... /
۶۳	نمایشگاه لیلای بازو کی در گالری «سیمین یاریس»... /
۶۴-۶۵	خبرهای کوتاه... /
۶۶	پشت جلد - عکس هفته / با عکس گروه گان‌های «حماس» در آشوب‌وتس...



باز نشر
باز نشر

تیتتر هفته

در انتظار «توافق»!



● **نگاهی به آنچه نه تنها در چند هفته اخیر بلکه طی بیست و اندی سال گذشته در ارتباط با برنامه اقی جمهوری اسلامی روی داده، به نوعی یادآور فاپشنامه معروف «ساموئل بکت» فاپشنامه نویس ایرلندی با عنوان «در انتظار گودو» است که هرگز از راه نمی رسد!**

اورانیوم غنی شده مورد نیاز را از کشورهای دیگر وارد کند، بخش دیگری از اقدامات شفاهی است که سرنوشت مذاکرات را بیش از پیش مبهم می کند.

همچنین در میانه مذاکره تحریم های جدیدی توسط ایالات متحده از جمله در زمینه انرژی به اجرا درآمده است. در این میان، جمهوری اسلامی اصرار دارد که حاضر نیست غنی سازی در خاک ایران را متوقف سازد و همزمان سرگرم ساختن تونل جدید با عمق زیاد در کنار تونل قدیمی اطراف تاسیسات نطنز است و گفته می شود حصارهای امنیتی نیز پیرامون دو تونل در دست احداث است.

به این ترتیب به نظر می رسد از آنجا که جمهوری اسلامی انجام غنی سازی را یکی از خط قرمزهای خود در این مذاکرات اعلام کرده و اسرائیل هم معتقد است که کل سیستم اقی جمهوری اسلامی مانند «مدل لیبی» در زمان قذافی باید پرچیده شود و آمریکا هم هنوز مشخص نیست از این مذاکرات چه می خواهد به دست آورد، طرفین ضمن مذاکراتی که آن را «سازنده» می خوانند، همزمان خود را برای بعد از شکست مذاکرات که می تواند رودررویی نظامی باشد آماده می کنند. صحبت از جلساتی توسط نیروی «قدس» سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با نیروهای نیابتی در لبنان و عراق می شود که جمهوری اسلامی از آنها می خواهد ضمن بی عملی در طول مذاکرات، خود را آماده اقداماتی در صورت شکست گفتگوها کند.

مذاکرات چندجانبه بجای دوجانبه اما بدون اروپا

این مذاکرات اگرچه رسماً دو طرف دارد، ولی در

دو نشست در انتظار یک توافق احتمالی، اولی در مسقط و دومی در رم، شنبه ۱۲ و ۱۹ آوریل ۲۰۲۵ برگزار شدند و نشست سومی هم بار دیگر در پایتخت عمان برای شنبه ۲۶ آوریل برنامه ریزی شده است.

در دو نشست اول چه گذشت، مشخص نیست! اگرچه هم جمهوری اسلامی و هم ایالات متحده آمریکا، و البته میانجی عمانی، صحبت از گفتگوهای «سازنده و مثبت» می کنند. آنهم درحالی که هنوز هیچکدام از مشکلاتی که تا قبل از آغاز این مذاکرات وجود داشت، گویا برطرف نشده اند و مشخص هم نیست که آیا اصولاً امکان برطرف شدن آنها وجود دارد یا نه. آنچه در عمل دیده می شود اینست که همزمان تصمیماتی اتخاذ می شوند یا حداقل گفته می شود که اتخاذ شده اند و یا در حال اجرا هستند که اظهارات خوشبینانه دو طرف را زیر سوال می برند. افزایش حضور مپ افکن های B-2 در پایگاه دیگو گارسیا در اقیانوس هند که قابلیت حمل مپ های ۱۴ هزار کیلوئی MOP برای حمله به تاسیسات در عمق زمین را دارند و همچنین تحرکات جمهوری اسلامی در اطراف تونل های اقی در ایران، از جمله این اقدامات هستند.

آمادگی نظامی حین مذاکرات «سازنده»!

اظهارات ضد و نقیض مقامات آمریکائی که گاهی صحبت از محدودیت غنی سازی توسط جمهوری اسلامی تا غلظت زیر ۳ و ۶۷ درصد که در توافق برجام نیز به آن اشاره شده می کنند و بعد می گویند که اصولاً رژیم ایران باید غنی سازی را فراموش کند و برای مصارف صلح آمیز از انرژی هسته ای

سرمقاله

«ارزشی» یعنی کل نظام!

این روزها در کنار انواع نقدهای پیدا و پنهان و جدی و طنز در ارتباط با گفتگوی جمهوری اسلامی و دولت ترامپ از سوی کسانی که به «ارزشی/عرزشی» معروف شده اند، ویدئویی نیز در رسانه های اجتماعی منتشر شده که نشان می دهد یک زن هوادار رژیم به سعید جلیلی، همان رقیب غمناکی که یکدهه در تیرماه ۱۴۰۳ با شرکت در سیرک انتخابات به مسعود پزشکیان رأی دادند تا او نیاید، می گوید که مذاکره با ترامپ «بیعت با یزید زمانه» است و نظام می بایست به «وعده صادق» هایش عمل کند.



اما جلیلی «وحشتناک» که خود رژیم برای ترساندن مردم و فروش نمایش انتخابات اینطور تبلیغ می کرد که اگر به ریاست دولت برسد، هم تحریم ها و هم احتمال جنگ بیشتر می شود (که هر دو بدون او هم شده!) عین پزشکیان مذاکره را تأیید کرده و می گوید که «صلاح نظام» است و «رهبر اجازه داده».

باید توجه داشت که برای این نوع هواداران جمهوری اسلامی، نه موضوع «توافق» و نتیجه ای آن بلکه قبول «مذاکره» با «دولت ترامپ» مسئله است؛ رئیس جمهوری که از «برجام» خارج شده و دستور کشتن قاسم سلیمانی را داده و فشار حداکثری و تحریم های سنگین علیه جمهوری اسلامی وضع کرده و همچنین با صراحت حامی اعتراضات مردم در سال های گذشته بوده است. بخش دیگر قضیه اما در محتوای مذاکره است. آنها می دانند که جمهوری اسلامی دستش خالیست و به گفتهی مقاماتش به «خلع سلاح» و در غیر این صورت، به گفتهی ترامپ، به «مباران» می انجامد.

به این ترتیب چنین مذاکراتی به چه درد جمهوری اسلامی می خورد؟! هم تسلیم و خلع سلاح و هم حمله نظامی، موجودیت آن را از سوی جامعه ای که انباشته از خشم و انزجار و اعتراض در کمین نشسته تا آن را از قدرت نیز خلع کند، در خطر قرار می دهد. آنهم در حالی که «تسلیم» احتمالی، طیف این هواداران را نیز بطور محسوس کاهش می دهد و «حمله نظامی» احتمالی نیز فراتر از قد و قواره ی آنهاست. به همین دلیل بجای «برجام ۲ و ۳» و «۴» خواستار «وعده صادق ۳ و ۴» و... هستند تا نظام دست به حمله زده و «عاشورایی» شود و نه اینکه خود نظام مورد حمله قرار بگیرد و سرنوشتی نامعلوم پیدا کند!

در چنین حالتی نه از نیابتی هایی که قرار بود اگر مردم «انقلاب را یاری» نکنند، آنها بیایند و انقلاب را یاری کنند خبری هست؛ نه از جمعیت افغانستانی هایی که بطور سازمان یافته توسط رژیم وارد شده اند، کاری برمی آید؛ و نه مقامات و مسئولان با جاسازی های فامیلی و مالی که در کشورهای دیگر کرده اند، برای حفظ جمهوری اسلامی خود را به خطر خواهند انداخت. به این ترتیب، سرنوشت همه جناحین و ارزشی های آنها در هر صورت در خطر است!

اتفاقاً اصلاح طلبان که به قول سیدعلی خامنه ای «بال» دیگر نظام هستند، چه بسا ارزشی ترند چرا که برخلاف آن ارزشی که ترامپ را «یزید زمانه» می داند و می خواهد با انجام «وعده صادق» «عاشورایی» شود، اصلاح طلبان به هر قیمتی که فکرش را بکنند به دنبال حفظ رژیم هستند که مولد و منبع تغذیه ی ارزشی های عاشورایی است! در رأس ارزش های مشترک هر دو آنها نیز «انقلاب ۵۷» قرار دارد که حلقه ی پیوند آنها را با همی پهلوی ستیزان محکم می کند.

شاهزاده رضا پهلوی:

مذاکره با رژیم ایران راه نجات برای یک دیکتاتوری در حال فروپاشی است



شاهزاده رضا پهلوی

فروپاشی فرصت تازه‌ای برای ادامه‌ی سرکوب و صدور بحران می‌دهد.

شاهزاده رضا پهلوی در این بیانیه تأکید می‌کند: «این مذاکرات هسته‌ای برای خاورمیانه صلح به همراه نخواهد آورد. این رژیم با حسن نیت مذاکره نمی‌کند و از دیپلماسی به عنوان تاکتیک استفاده می‌کند؛ برای خرید زمان، کاهش فشار و محکم‌تر چنگ زدن به قدرت.»

او افزود: «هرقدر هم که این مذاکرات با نیت خیر انجام شود، در نهایت اما راه نجات برای یک دیکتاتوری در حال فروپاشی است و صدور ترور و هرج و مرج را تداوم می‌بخشد. جمهوری اسلامی در ضعیف‌ترین موقعیت خود در ۴۶ سال گذشته قرار دارد. رهبریش دچار تزلزل شده و اقتصادش در حال سقوط آزاد است و مردم‌اش بپا خاسته‌اند. تنها در چند هفته گذشته، دوباره اعتراضات در سراسر کشور از سر گرفته شده. تغییر از قبل در حال روی دادن است. اکنون زمان نجات یک رژیم در حال احتضار نیست.»

رضا پهلوی در پایان هشدار داد: «من از ایالات متحده و متحدانش در بریتانیا، فرانسه، آلمان و ایتالیا می‌خواهم که در کنار مردم ایران بایستند. با مردم ایران توافق کنید و نه با افراطیون در تهران.»

قرار است روز شنبه ۳۰ فروردین استیو ویتکاف فرستاده ترامپ با عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی در شهر رم دیدار کنند. این دیدار در شرایطی برگزار می‌شود که پیشتر هی بروس سخنگوی وزارت خارجه ایالات متحده تأکید کرد، مقامات واشنگتن در مذاکرات با رژیم ایران انتظار «پاسخ‌های سریع» دارند. او گفته است که در مذاکرات باید پاسخ روشن «بله» یا «نه» داده شود و «جلسه برای جلسه» برگزار نمی‌شود.

● یک روز پیش از برگزاری دومین گفتگوی جمهوری اسلامی و آمریکا، دفتر مطبوعاتی شاهزاده رضا پهلوی روز جمعه ۱۸ آوریل (۲۹ فروردین) بیانیه او را در انتقاد به این مذاکرات منتشر کرد.

● در این بیانیه آمده مذاکره با رژیم ایران نه تنها کمکی به صلح در خاورمیانه نخواهد کرد، بلکه به رژیمی در حال فروپاشی فرصت تازه‌ای برای ادامه‌ی سرکوب و صدور بحران می‌دهد.

● «هرقدر هم که این مذاکرات با نیت خیر انجام شود، در نهایت اما راه نجات برای یک دیکتاتوری در حال فروپاشی است و صدور ترور و هرج و مرج را تداوم می‌بخشد. جمهوری اسلامی در ضعیف‌ترین موقعیت خود در ۴۶ سال گذشته قرار دارد. رهبریش دچار تزلزل شده و اقتصادش در حال سقوط آزاد است و مردم‌اش بپا خاسته‌اند. تنها در چند هفته گذشته، دوباره اعتراضات در سراسر کشور از سر گرفته شده. تغییر از قبل در حال روی دادن است. اکنون زمان نجات یک رژیم در حال احتضار نیست.»

● «من از ایالات متحده و متحدانش در بریتانیا، فرانسه، آلمان و ایتالیا می‌خواهم که در کنار مردم ایران بایستند. با مردم ایران توافق کنید و نه با افراطیون در تهران.»

یک روز پیش از برگزاری دومین گفتگوی جمهوری اسلامی و آمریکا، دفتر مطبوعاتی شاهزاده رضا پهلوی روز جمعه ۱۸ آوریل (۲۹ فروردین) بیانیه او را در انتقاد به این مذاکرات منتشر کرد.

در این بیانیه آمده مذاکره با رژیم ایران نه تنها کمکی به صلح در خاورمیانه نخواهد کرد، بلکه به رژیمی در حال

عمل چند جانبه است. دور میز، نمایندگان تهران و واشنگتن با سلطان‌نشین عمان به عنوان محل نشست‌اند، در حالی که بطور غیرمستقیم در این مذاکرات کشورهای اروپائی، پادشاهی سعودی، روسیه، چین و اسرائیل نیز حضور دارند. سفرهای متعددی که در دو هفته اخیر بین مقامات این کشورها صورت گرفته، حکایت از چند ضلعی بودن مذاکرات دارند.

استیو ویتکاف نماینده ویژه دونالد ترامپ در این مذاکرات، سفرهایی به ریاض، مسکو و پاریس داشته است.

سیدعباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی نیز قبل از دومین گفتگو با آمریکا اول به روسیه رفت و پس از آن نیز راهی پکن شد.

سلطان عمان هم دیداری در مسکو با ولادیمیر پوتین داشت.

در پاریس، استیو ویتکاف قبل از سفر به رم برای حضور در دومین گفتگو با فرستادگان دولت بنیامین نتانیاهو دیداری غیرعلنی داشت.

وزیر دفاع پادشاهی سعودی نیز با پیامی از پادشاه این کشور برای علی خامنه‌ای به تهران رفت.

رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز پس از سفری به تهران، همزمان با انجام دومین گفتگوی عراقچی و ویتکاف، در رم حضور داشت.

همه در انتظار

عمده کشورهای اروپائی، به ویژه سه کشوری که در توافق موسوم به برجام حضورداشتند (فرانسه، آلمان و بریتانیا) از اینکه در این مذاکرات نقش رسمی ایفا نمی‌کنند، سخت عصبانی و امیدوار به عدم موفقیت آن هستند تا دونالد ترامپ مجبور شود از آنها بخواهد که با فعال کردن «مکانیسم ماشه» قبل از غروب برجام در همراه آینده، کلیه تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی را بازگردانند.

بنیامین نتانیاهو نیز که از ابتدا مخالف آغاز این مذاکرات بود، در انتظار موقعیت مناسب برای اقدام نظامی علیه تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی با حمایت آمریکا است، در صورتی که ایالات متحده نتوانسته باشد با مذاکره چیزی به دست آورد. در روزهای گذشته بنا بر آنچه رسانه‌های اسرائیلی نوشتند، ارتش اسرائیل حملات به تأسیسات هسته‌ای ایران را در خاک خود شبیه‌سازی کرده است.

نگاهی به آنچه نه تنها در چند هفته اخیر بلکه طی بیست و اندی سال گذشته در ارتباط با برنامه اتمی جمهوری اسلامی روی داده، به نوعی یادآور نمایشنامه معروف «ساموئل بکت» نمایشنامه‌نویس ایرلندی با عنوان «در انتظار گودو» است که خوانندگان می‌توانند جزئیات ماجرای آن را خود دنبال کنند. اما تا آنجا که به «انتظار» همگان از مذاکرات اتمی با جمهوری اسلامی مربوط می‌شود، در نمایشنامه «بکت» در غروبی غم‌انگیز، در کنار جاده‌ای خارج شهر زیر درختی بی‌برگ، دو نفر با کسی به نام «گودو» که اصلاً نمی‌دانند کیست، قرار ملاقات دارند و چشم به راه نشست‌اند و طی این انتظار اتفاقاتی نیز روی می‌دهد بدون آنکه «گودو» هرگز از راه برسد و به انتظار آنها پایان دهد! حالا در مذاکراتی که تا کنون دو نشست آن برگزار شده، نه تنها دونالد ترامپ و علی خامنه‌ای، بلکه همه طرفین ذینفع در انتظار نتیجه‌اند. انتظاراتی با توقعات متفاوت که البته اینکه مانند نیامدن «گودو» هرگز برآورده نشود، بیشتر احتمال تحقق دارد. آنهم در حالی که ساکنان سرزمینی به نام ایران نه چشم‌انتظار توافقی بین تهران و واشنگتن بلکه بنا به تجربه در انتظار گذار از کلیت این نظام‌اند. انتظاری که به مثابه گزینه در این مذاکرات گنجانده نشده است.

شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با «پولیتیکو»:

دولت‌های غربی باید با ایجاد «صندوق اعتصابات» از تلاش مردم ایران برای تغییر رژیم حمایت کنند



● شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با پولیتیکو که چهارم اردیبهشت ۱۴۰۴ منتشر شد به دولت‌های غربی هشدار داد که حکومت ایران از مذاکرات برای وقت‌گشی استفاده می‌کند و غرب باید بجای این گفتگوها، تمرکز خود را بر حمایت از مخالفان رژیم در ایران بگذارد.

● او تأکید کرد، «این رژیم با حسن نیت مذاکره نمی‌کند، حتی اگر نیت گفتگوها خوب باشد، مذاکره با رژیم ایران راه نجات برای یک دیکتاتوری در حال فروپاشی است و صدور ترور و هرج و مرج را طولانی‌تر خواهد کرد».

● رضا پهلوی می‌گوید: «در ماه‌های اخیر تعداد کاربران این فناوری [استارلینک] در ایران افزایش چشمگیری داشته و این روند باید ادامه یابد، اکنون این امکان وجود دارد که یک اپلیکیشن خاص را روی گوشی هوشمند نصب کرد که مستقیماً گوشی را بدون نیاز به ترمینال به ماهواره متصل کند».

● او همچنین بیان می‌کند که استفاده از دارایی‌های خارجی ایران که تحت تحریم‌های بین‌المللی بلوکه شده‌اند که ارزش آنها حدود ۱۰۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود می‌تواند منابع مالی لازم را برای افزایش تجهیزات فناوری فراهم کند تا معترضان، مخالفان و حتا کسانی که ممکن است از رژیم جدا شوند بتوانند با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و سازماندهی کنند.

شاهزاده رضا پهلوی ولیعهد ایران در مصاحبه با «پولیتیکو» می‌گوید دولت‌های غربی باید با ایجاد یک «صندوق اعتصاب» از اعتصابات کارگران صنایع حمایت کنند تا به سرنگونی جمهوری اسلامی سرعت بخشند.

پایگاه خبری «پولیتیکو» در مقدمه این مصاحبه که ۲۴ آوریل (چهارم اردیبهشت) منتشر شده می‌نویسد: رضا پهلوی پسر آخرین شاه ایران که در انقلاب ۱۳۵۷ سرنگون شد، معتقد است مذاکرات هسته‌ای دونالد ترامپ با تهران باعث نخواهد شد صلح را به منطقه بیاورد. اما او چنین شرایطی را فرصتی برای آمریکا و اروپا می‌داند تا به مخالفان دموکراسی‌خواه جمهوری اسلامی کمک کنند که از داخل ایران بتوانند حکومت ملاما را سرنگون کنند.

در سال‌های اخیر، خشم مردم علیه سرکوب رژیم و سوء مدیریت اقتصاد در ایران به تظاهرات سراسری گسترده‌ای منجر شده است. علاوه بر این بعد از سقوط متحد اصلی رژیم ایران در سوریه یعنی بشار اسد و به واسطه حملات ویرانگر اسرائیل علیه حماس و حزب الله، جایگاه جمهوری اسلامی در خاورمیانه به شدت آسیب دیده است.

با قرار گرفتن حکومت ایران در موضع ضعف، رضا پهلوی این وضعیت را فرصتی می‌داند تا قدرت‌های غربی حمایت خود را از مخالفان رژیم و ریزش‌های احتمالی در رژیم افزایش دهند. او در مصاحبه‌ای با پولیتیکو خواستار آزاد ساختن منابع مالی [پول‌های بلوکه‌شده ایران به دلیل سیاست‌های جمهوری اسلامی] برای کمک به مردم جهت مشارکت در مقاومت مدنی مسالمت‌آمیز شد و تأکید کرد: «اعتصابات سازمانیافته‌ی کارگری می‌تواند سیستم را فلج کرده و آن را به سوی فروپاشی سوق دهد».

مهلت هسته‌ای

پولیتیکو در بخش دیگری می‌نویسد، رضا پهلوی این دیدگاه‌ها را در مقطعی حساس بیان می‌کند؛ زمانی که سرنوشت ایران مبهم به نظر می‌رسد.

ترامپ به دنبال مذاکرات مستقیم با جمهوری اسلامی است، در حالی که تهدید کرده است اگر تهران به سرعت برنامه‌ی هسته‌ای خود را محدود نکند، ممکن است دست به اقدام نظامی بزند.

حکومت ایران بطور گسترده به دلیل دامن زدن به درگیری‌ها در سراسر خاورمیانه و فراتر از آن و همچنین سیاست دیرینه‌ی حمایت از حماس و حزب الله و همچنین تأمین پیهاد برای ارتش ولادیمیر پوتین جهت حمله به اوکراین به شدت زیر فشار قرار گرفته است و به دلیل ضرباتی که شرکایش در منطقه دریافت کرده‌اند جایگاهش در سراسر منطقه صدمه جدی دیده است. رضا پهلوی تیم ترامپ را متحدانی کلیدی می‌داند که دید روشنی از تهدید ناشی از تهران دارند. اما در عین حال او معتقد است مذاکرات هسته‌ای آمریکا با جمهوری اسلامی از پیش شکست خورده است. او اخیراً گفته است: «این رژیم با حسن نیت مذاکره نمی‌کند، حتی اگر نیت گفتگوها خوب باشد، مذاکره با رژیم ایران راه نجات برای یک دیکتاتوری در حال فروپاشی است و صدور ترور و هرج و مرج را طولانی‌تر خواهد کرد».

پولیتیکو با اشاره به وضعیت وخیم منطقه هشدار می‌دهد، زمان رو به پایان است، در حالی که گزارش می‌شود، ترامپ با خواست اسرائیل برای حملات نظامی علیه جمهوری اسلامی مخالفت کرده، اما تا اواسط ماه مه برای پیشرفت ملموس در مذاکرات هسته‌ای مهلت تعیین کرده است. ←

او می‌گوید: «صندوق اعتصاب می‌تواند از دارایی‌های مسدودشده‌ی ایران تأمین شود، فلج کردن رژیم از طریق توقف کار و اعتصاب‌ها که کم‌هزینه‌ترین روش برای ملت است، در صورتی که بتوانیم آن را تأمین مالی کنیم، چیز است که می‌تواند در عرض چند ماه اتفاق بیفتد».

پولیتیکو با اشاره به این صحبت‌های رضا پهلوی می‌نویسد: «اعتصاب‌های گسترده در زمینه‌ی تاریخ انقلابی ایران، قدرت بالایی دارد، ماه‌ها اعتصاب - به ویژه از سوی کارگران نفت- نقشی حیاتی در اعمال فشار شدید بر شاه داشتند. پس از انقلاب، رژیم اسلامی جنبش کارگری را سرکوب کرد، اما این جنبش بار دیگر به عنوان یک عامل سیاسی بالقوه ظاهر شده است و تهران در برابر گستردگی اقدامات کارگران پتروشیمی در سال ۲۰۲۱ غافلگیر شد».

رضا پهلوی ۶۴ ساله به پایتخت‌های اروپایی سفر کرده و با وزیران و مقامات دولتی و همچنین با سرمایه‌گذاران بخش خصوصی گفتگو کرده است تا کمک‌رسانی به مخالفان داخل را بیشتر کند. او نگران است که گزینه دیگر [علیه جمهوری اسلامی] اقدام خارجی از جمله حملات نظامی احتمالی از سوی ایالات متحده یا اسرائیل باشد.

او توضیح می‌دهد: «سیاست دیپلماسی در مورد حکومت ایران بدون هیچ پیشرفت واقعی به بن‌بست رسیده است و در عین حال، این نگرانی وجود دارد که اگر دیپلماسی شکست بخورد، آیا گزینه بعدی اقدام نظامی است؟ آنچه ما پیشنهاد می‌کنیم راه سوم است - بهترین راه برای جلوگیری از استفاده از سناریو نظامی. اینست که به مردم ایران فرصت بدهید تا خودشان عامل تغییر باشند، قبل از اینکه مجبور شویم به اقدامات دیگری متوسل شویم».

می‌گوید پدر رضا پهلوی «به دلایل مختلف سرنگون شد. چرا باید روی پسرش که در ۴۶ سال گذشته از زمانی که ایران را ترک کرده، عملاً هیچ کاری نکرده، سرمایه‌گذاری کنیم؟ مهم است که از چهره‌های برجسته حمایت کنیم اما آنهایی که در داخل کشور و در داخل زندان اوین هستند، افرادی بسیار شجاع و صاحب‌نظر که بسیار شایسته‌اند اما توسط جمهوری اسلامی به شکل فجیعی مورد آزار قرار گرفته‌اند- بسیاری از برندگان جایزه نوبل، بسیاری از مدافعان حقوق بشر، باید روی آنها سرمایه‌گذاری کنیم!»

در حالی که طی اعتراضات و تجمعات در ایران به نفع پهلوی شعار می‌دهند و نمادهای پادشاهی‌خواهان برافراشته می‌شود، برخی دیگر از معترضان طرفدار دموکراسی شعار داده‌اند که «نه شاه می‌خواهیم، نه رهبر». آنها به روایاتی از بازداشت فعالان سیاسی در دوران شاه توسط ساواک اشاره می‌کنند و معتقدند شرایط وحشتناک آن دوران هنوز در ذهن مردم باقی مانده است. در ادامه همین بخش آمده، اساساً مشخص نیست که آیا هر یک از مخالفان رژیم در خارج از ایران می‌تواند نیروی عمده‌ای در سرنگونی حکومت باشد

→ شاهزاده پهلوی معتقد است که حکومت ایران از مذاکرات برای وقت‌گشی استفاده می‌کند و غرب باید بجای این گفتگوها، تمرکز خود را بر حمایت از مخالفان رژیم در ایران بگذارد.

او همچنین بیان می‌کند که استفاده از دارایی‌های خارجی ایران که تحت تحریم‌های بین‌المللی بلوکه شده‌اند- که ارزش آنها حدود ۱۰۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود- می‌تواند منابع مالی لازم را برای افزایش تجهیزات فناوری فراهم کند تا معترضان، مخالفان و حتی کسانی که ممکن است



پولیتیکو در ادامه می‌نویسد: پهلوی از سوی دیگر تاکید دارد که خواهان یک قانون اساسی جدید است که سه رکن اصلی در آن گنجانده شده باشد: حفظ تمامیت ارضی ایران؛ ایجاد یک دموکراسی سکولار که دین را از حکومت جدا کند و تضمین «اصول حقوق بشر» از جمله حمایت در برابر تبعیض به دلیل گرایش جنسی، دین یا تعلق قومی. او گفت که به محض برگزاری یک referendum برای تصویب این قوانین جدید، کنار خواهد رفت: «این پایان ماموریت من در زندگی است.»

یا اینکه تغییرات بزرگتر احتمالاً از رقابت‌ها و شکاف‌ها در داخل ساختار کنونی حکومت برخواید آمد. به گفته صنم وکیل از اندیشکده «چتم هاوس» در لندن، سوالات بزرگی وجود دارد که آیا مردم ایران به اندازه‌ای که پهلوی مطرح می‌کند، به سرنگونی رژیم نزدیک هستند یا نه. او استدلال می‌کند که حتی اگر چنین باشد، نباید او را به عنوان رهبر موقت در نظر گرفت. او همچنین مانند کسانی که حالا بجای «اصلاح» از «تحول» جمهوری اسلامی سخن می‌گویند، به پولیتیکو

از رژیم جدا شوند بتوانند با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و سازماندهی کنند. در حالی که مقامات جمهوری اسلامی اینترنت را محدود کرده و فعالان در شبکه‌های اجتماعی را سرکوب می‌کنند، ترمینال‌های استارلینک متعلق به ایلان ماسک که دسترسی بدون سانسور به اینترنت را فراهم می‌کنند، با وجود خطرات شخصی زیاد برای افرادی که از آنها استفاده می‌کنند، به ایران قاچاق شده و در حال حاضر فعال هستند. رضا پهلوی می‌گوید در ماه‌های اخیر تعداد کاربران استارلینک به شکل قابل توجهی افزایش یافته و این انتقال فناوری‌های ارتباطی به ایران باید ادامه پیدا کند. او توضیح داد: «اکنون این امکان وجود دارد که یک اپلیکیشن خاص را روی گوشی هوشمند نصب کرد که مستقیماً گوشی را بدون نیاز به ترمینال به ماهواره متصل کند.»

شاهزاده رضا پهلوی تاکید کرد کمک‌های غرب باید بر «اشباع بازار از این تجهیزات» متمرکز شود. پولیتیکو در بخش دیگری می‌نویسد، تغییر رژیم با مداخلات نظامی تحت رهبری آمریکا در افغانستان و عراق در دوران ریاست جمهوری جورج دبلیو بوش، سیاستی ناکام است. پهلوی معتقد است که بسیاری از کسانی که هم‌اکنون تحت شرایط نامناسب برای رژیم تهران کار می‌کنند، باید پس از برکناری آیت‌الله‌ها در جای خود باقی بمانند تا به بازسازی کشور کمک کنند.

صدای دیگران

پولیتیکو در بخش دیگر این گزارش مدعی شد، پهلوی هنوز در میان ایرانیان شک و تردید برمی‌انگیزد، حتی اگر او وعده داده باشد که تنها رهبری دوران گذار را به عهده می‌گیرد و پس از تلاش برای متحد کردن طیف گسترده‌ای از مخالفان رژیم، کنار خواهد رفت.



ویدیو

«اسرائیل هیوم»: مذاکرات طی چند هفته آینده به دلیل شروط آمریکا شکست می خورد؛ «اعتماد»: بزرگترین مانع توافق نتانیا هو است!



حضور خبرنگاران در اطراف سفارت عمان در رم محل برگزاری دومین گفتگوی عراقچی و ویتکاف

خارجه جمهوری اسلامی به شدت محدود می کرد. در نتیجه «کارنگی» تصمیم گرفت این برنامه را لغو کند!

بزرگترین مانع توافق نتانیا هو است!

جاوید قربان اوغلو از دیپلمات های پیشین جمهوری اسلامی در مقاله ای با عنوان «بزرگترین مانع توافق نتانیا هو است» در روزنامه «اعتماد» می نویسد: «اسرائیل و شخص نتانیا هو اصلی ترین مانع و مهم ترین بازیگر تأثیرگذار در مناسبات ایران و آمریکا است، مدیریت این مقطع حساس از لوازم عبور از شرایط بحران و قرار گرفتن در مسیر تفاهم و توافق است.» او تأکید می کند: «تردید نباید کرد تشدید منازعه بین ایران و اسرائیل خواست نتانیا هو و وادار کردن آمریکا به حمایت از خود و برخورد نظامی با ایران است.»

در آستانه ی سومین گفتگوی نمایندگان جمهوری اسلامی و آمریکا دلال های معامله جمهوری اسلامی و آمریکا از جمله جریان اصلاح طلب با استفاده از آثار مثبت مصنوعی اقتصادی با وجود امتناع جامعه، دست از فروش امید کاذب بر نمی دارند. آنها بعضی تغییرات در بازارهای مالی مثل کاهش اندک قیمت دلار، ورود دو هواپیما و رشد قطره ای بورس را به عنوان تأثیرات مثبت مذاکرات مسقط و رم در بوق رسانه های وابسته می دمند.

این در حالیست که در سال ۲۰۱۸ بعد از خروج آمریکا از برجام، ترامپ «۱۲ شرط» برای یک توافق «جدید» و «خوب» گذاشت. این شروط آنقدر سنگین بود که حکومت نپذیرفت. آن شروط در حالی بود که جمهوری اسلامی ابزار تهدید زیادی برای چانه زنی داشت. اما حالا بخشی از آن ابزار از جمله گروه های تروریستی و فعالیت نیابتی ها و تهدیدات از سوریه در بغل گوش اسرائیل به شدت صدمه خورده است. به این ترتیب به نظر می رسد دست حکومت خالی تر از آن است که بتواند به انجام معامله و خریدن زمان برسد.

اسرائیل از قول یک مقام ارشد آمریکایی می گوید، «اسرائیل نباید از انجام گفتگوها میان جمهوری اسلامی و آمریکا درباره برنامه هسته ای نگران باشد، زیرا وقتی آمریکایی ها فهرست کامل شروط خود را ارائه کنند، مذاکرات بهم خواهد خورد.» به گفته این مقام آمریکایی «ترامپ بطور کامل از تهدید شدید ناشی از حکومت ایران آگاه است... او مذاکرات را به شیوه خودش پیش می برد و دقیقاً می داند چه می کند.» این مقام آمریکایی همچنین تأکید کرده است «با وجود گزارش هایی از پیشرفت در دو دور گفتگو بین آمریکا و ایران، این گفتگوها احتمالاً طی چند هفته آینده و با ارائه کامل خواسته های آمریکا فرو خواهد شایید.»

به گفته منبع اسرائیلی، «آمریکایی ها از خواسته های اصلی دولت ترامپ عقب نشینی نکرده اند: برچیدن کامل زیرساخت هسته ای ایران بر اساس الگوی لیبی، توقف توسعه موشک های بالستیک، و پایان فعالیت گروه های نیابتی جمهوری اسلامی در سراسر خاورمیانه.»

منبع اسرائیلی که گرچه مقام دولتی نیست، اما روابط نزدیکی با مقامات ارشد دولت ترامپ دارد، گفت: «باید اجازه دهیم ترامپ اوضاع را به شیوه خودش مدیریت کند. روش خاصی دارد، اما می داند چه می کند.»

با وجود ادعای روند مثبت در مذاکرات، خبرگزاری چینی «شینخوا» نیز پیش بینی کرده است رسیدن به یک توافق جامع میان جمهوری اسلامی و ایالات متحده دور از دسترس است.

در این میان «بنیاد کارنگی» که خبر داده بود قرار است یک نشست مجازی پرسش و پاسخ با عباس عراقچی وزیر خارج جمهوری اسلامی برگزار کند، از لغو آن خبر داد. این بنیاد با «ابزار تأسف» علت لغو برنامه را چنین توضیح داده است: متعاقب قالب برنامه ای که بر سر آن توافق شده بود، عراقچی خواستار تغییراتی در آن شد. این تغییرات توانایی مجری و همچنین مخاطبان را برای طرح پرسش از وزیر

هرچند برخی منابع به نقل از «مقام یا مقامات ارشد آمریکایی» از پیشرفت در دور دوم گفتگوها خبر دادند و گفته شد که کارشناسان فنی به زودی بحث های تخصصی را پیش خواهند برد، اما گفته می شود که جمهوری اسلامی تضمین هایی را از آمریکا خواسته که بعید است دونالد ترامپ آنها را قبول کند.

در این ارتباط روزنامه «کیهان» چاپ تهران در سرمقاله اش می نویسد «مذاکرات هسته ای مقدمه ای است برای انجام مذاکرات بعدی اینبار بر سر توان موشکی، منطقه ای، باز شدن راه مذاکره بر سر سایر مؤلفه های قدرت ایران و از دست رفتن این مؤلفه ها بدون کمترین تردید یعنی جنگ.»

روزنامه «اسرائیل هیوم» به نقل از یک منبع غیردولتی اسرائیل از قول یک مقام ارشد آمریکایی می گوید، «اسرائیل نباید از انجام گفتگوها میان جمهوری اسلامی و آمریکا درباره برنامه هسته ای نگران باشد، زیرا وقتی آمریکایی ها فهرست کامل شروط خود را ارائه کنند، مذاکرات بهم خواهد خورد.»

با اینکه مقامات مذاکره کننده جمهوری اسلامی از جمله عباس عراقچی وزیر خارجه در مصاحبه ها و اظهارنظرهای خود دومین گفتگو با آمریکا را که شنبه ۳۰ فروردین در رم برگزار شد، «مثبت و سازنده» ارزیابی کرده اند، اما استیو ویتکاف فرستاده دونالد ترامپ اظهار نظری درباره روند این گفتگوها نکرده است. هرچند برخی منابع به نقل از «مقام یا مقامات ارشد آمریکایی» از پیشرفت در دور دوم گفتگوها خبر دادند و گفته شد که کارشناسان فنی به زودی بحث های تخصصی را پیش خواهند برد، اما گفته می شود که جمهوری اسلامی تضمین هایی را از آمریکا خواسته که بعید است دونالد ترامپ آنها را قبول کند. همچنین بیان می شود هنوز تیم مذاکره کننده آمریکا جزئیات شروط خود برای معامله را مطرح نکرده و صرفاً طرفین بحث درباره کلیات مذاکره را «مثبت» ارزیابی کرده اند و جزئیات دشوار هنوز بطور شفاف مطرح نشده است.

سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی روز دوشنبه اول اردیبهشت ۱۴۰۴ گفت «مطالبه اساسی ما در هر مذاکره ای برداشت تحریم هاست به نحوی که آثار ملموس و کاملاً موثری داشته باشد!» اما به نظر می رسد آمریکا برداشته شدن تحریم ها را منوط به شروطی کرده که انجام آنها برای جمهوری اسلامی بسیار دشوار و یک شکست تمام عیار خواهد بود. هرچند سنبه پر زور دونالد ترامپ باعث عقب نشینی حقیرانه علی خامنه ای و در نهایت آغاز مذاکرات مستقیم شد اما در خود حکومت ایران نیز حساب ویژه ای روی موفق بودن مذاکره که برای جمهوری اسلامی به «رفع تحریم ها» گره خورده، باز نکرده اند.

در این ارتباط روزنامه «کیهان» چاپ تهران در سرمقاله اش می نویسد «مذاکرات هسته ای مقدمه ای است برای انجام مذاکرات بعدی اینبار بر سر توان موشکی، منطقه ای، باز شدن راه مذاکره بر سر سایر مؤلفه های قدرت ایران و از دست رفتن این مؤلفه ها بدون کمترین تردید یعنی جنگ.»

اسرائیل هیوم: مذاکرات شکست می خورد

روزنامه «اسرائیل هیوم» به نقل از یک منبع غیردولتی

رویترز: طرح اسرائیل برای حمله محدود هوایی و کماندویی به تأسیسات هسته‌ای در ایران



پدافند اطراف تأسیسات اتمی اصفهان / ۳۱ فروردین ۱۴۰۳

هرگونه حمله «شدید و قاطع» پاسخ خواهد داد. او گفت: «ما از منابع موثق اطلاعاتی داریم که اسرائیل در حال برنامه‌ریزی برای حمله‌ای بزرگ به تأسیسات هسته‌ای ایران است. این ناشی از نارضایتی از روند دیپلماتیک و همچنین نیاز نتانیاهو به ایجاد درگیری برای بقای سیاسی‌اش است.»

رویترز می‌نویسد که نتانیاهو پس از ارائه طرحی مشابه به دولت بایدن با مخالفت روبرو شد. او خواستار نقش رهبری آمریکا در انجام حملات هوایی بود، اما کاخ سفید این درخواست را رد کرد مگر اینکه ایران غنی‌سازی را تشدید یا بازسان را اخراج کند.

مقامات پیشین در دولت بایدن همچنین در توانایی ارتش اسرائیل برای اجرای مؤثر چنین حمله‌ای ابراز تردید کرده بودند.

حتی حمله محدود اسرائیل که نیاز کمتری به مپ‌های سنگرشن آمریکایی دارد، همچنان به تضمین واشنگتن برای حمایت از اسرائیل در صورت حمله متقابل از سوی جمهوری اسلامی نیاز دارد.

کارشناسان نظامی می‌گویند چنین حمله‌ای با وجود قدرت تخریبی زیاد، احتمالاً فقط بطور موقت برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را مختل می‌کند و به آن پایان نخواهد داد.

در حال حاضر، نیروهای نیابتی رژیم ایران نظیر حماس و حزب‌الله در جنگ اخیر آسیب جدی دیده‌اند و پدافند هوایی ایران نیز در تبادل آتش در اکتبر ۲۰۲۴ تضعیف شده است.

یک مقام ارشد اسرائیلی گفته که اگر هدف، حمله پیش از بازسازی پدافند ایران باشد، فرصت مناسبی است. اما او نیز از ارائه زمان‌بندی خودداری کرد و گفت «بحث در اینباره بی‌فایده است.»

به تأسیسات هسته‌ای در ایران به دولت ترامپ پیشنهاد داده که شامل حملات هوایی و عملیات کماندویی با شدت‌های مختلف است. این حملات اما احتمال دارد که توانایی رژیم ایران را برای تسلیحاتی کردن برنامه هسته‌ای فقط برای چند ماه یا حداکثر یک سال عقب بیندازد. مقامات اسرائیلی اکنون معتقدند که می‌توانند حمله‌ای محدود انجام دهند که به حمایت کمتری از سوی آمریکا نیاز داشته باشد. این حمله به مراتب کوچک‌تر از طرح‌هایی است که ابتدا پیشنهاد داده شده بود.

اما زمان و نحوه اجرای این حمله هنوز مشخص نیست؛ به ویژه در شرایطی که مذاکرات تازه آغاز شده‌اند. چنین اقدامی ممکن است موجب نارضایتی ترامپ شده و حمایت گسترده‌تر آمریکا از اسرائیل را به خطر اندازد.

برخی از این برنامه‌ها پیشتر به دولت بایدن نیز ارائه شده بودند. تقریباً همه آنها نیاز به حمایت قابل توجه آمریکا از جمله مداخله مستقیم نظامی یا تبادل اطلاعات امنیتی دارند. اسرائیل همچنین درخواست کرده که در صورت حمله تلافی‌جویانه از سوی رژیم ایران، آمریکا در دفاع از اسرائیل مشارکت داشته باشد.

شورای امنیت ملی آمریکا در پاسخ به درخواست رویترز برای اظهار نظر، این خبرگزاری را به سخنان اخیر ترامپ ارجاع داد. ترامپ گفته است: «من با حمله اسرائیل مخالفت نکرده‌ام، اما فعلاً برای حمایت از اقدام نظامی علیه [جمهوری اسلامی] ایران عجله‌ای ندارم.»

او افزود: «ایران می‌تواند کشوری عالی باشد و در صلح زندگی کند. این اولین گزینه من است. اگر گزینه دومی وجود داشته باشد، برای ایران بسیار بد خواهد بود. فکر می‌کنم ایران مایل به گفتگو است.»

رویترز به نقل از یک مقام ارشد امنیتی جمهوری اسلامی مدعی شد که تهران از برنامه‌ریزی اسرائیل مطلع است و به

● نتانیاهو گفته هر مذاکره‌ای باید به نابودی برنامه اتمی جمهوری اسلامی منجر شود.

● خبرگزاری رویترز گزارش داد اسرائیل طرح‌هایی را برای حمله به تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی به دولت دونالد ترامپ ارائه داده است که به گفته منابع آگاه شامل حملات هوایی و عملیات ویژه کماندویی می‌شود.

● مقامات اسرائیلی اکنون معتقدند که می‌توانند حمله‌ای محدود انجام دهند که به حمایت کمتری از سوی آمریکا نیاز دارد. این حمله به مراتب کوچک‌تر از طرح‌هایی است که ابتدا پیشنهاد داده شده بود. با اینهمه کارشناسان نظامی می‌گویند چنین حمله‌ای با وجود قدرت تخریبی زیاد، احتمالاً فقط بطور موقت برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را مختل می‌کند و به آن پایان نخواهد داد.

خبرگزاری رویترز گزارش داد اسرائیل طرح‌هایی را برای حمله به تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی به دولت دونالد ترامپ ارائه داده است که به گفته منابع آگاه شامل حملات هوایی و عملیات ویژه کماندویی می‌شود.

بر اساس این گزارش که ۱۹ آوریل (۳۰ فروردین) ساعاتی پیش از آغاز دومین گفتگوی نمایندگان آمریکا و جمهوری اسلامی در رم منتشر شد، اگرچه دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا، به بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل اعلام کرده آمریکا فعلاً عجله‌ای ندارد و از اقدام نظامی حمایت نخواهد کرد اما اسرائیل احتمال انجام حمله‌ای محدود به تأسیسات هسته‌ای ایران در ماه‌های آینده را رد نکرده است. مقامات اسرائیلی متعهدند که از دستیابی رژیم ایران به سلاح هسته‌ای جلوگیری کنند. نتانیاهو تأکید کرده که هرگونه مذاکره با جمهوری اسلامی ایران باید به برچیدن کامل برنامه هسته‌ای آن منجر شود.

در ماه‌های اخیر، اسرائیل گزینه‌های مختلفی برای حمله

ادعای نویسندگان «نیویورک تایمز»: جمهوری اسلامی در مذاکرات رُم پیشنهاد سرمایه‌گذاری آمریکا در برنامه اتمی‌اش را مطرح کرده است!

● روزنامه «نیویورک تایمز» شنبه ۱۹ آوریل (۳۰ فروردین) در مقاله‌ای که یکی از نویسندگان «فرناز فصیحی» است، مدعی شد طبق آنچه در دور دوم مذاکره میان جمهوری اسلامی و دولت ترامپ در رُم گذشت تأسیسات هسته‌ای ایران برپیده خواهد شد و طرفین برای کاهش سطح غنی‌سازی اتمی به مرحله فنی و کارشناسی مذاکره وارد می‌شوند. همچنین به نظر می‌رسد ترامپ در مورد زرادخانه‌های موشک‌های دوربرد ایران نیز عقب‌نشینی کرده است.

● یک جریان به رهبری مایک والتز مشاور امنیت ملی و مارکو روبریو وزیر خارجه آمریکا، استدلال کرده‌اند که بسیار خطرناک است که جمهوری اسلامی ایران را با توانایی ساخت سوخت هسته‌ای رها کنیم.

روزنامه «نیویورک تایمز» شنبه ۱۹ آوریل (۳۰ فروردین) در مقاله‌ای که یکی از نویسندگان «فرناز فصیحی» است، مدعی شد که طبق آنچه در دومین گفتگوی جمهوری اسلامی و دولت ترامپ در رُم گذشت، تأسیسات هسته‌ای ایران برپیده خواهد شد و طرفین برای کاهش سطح غنی‌سازی اتمی به مرحله فنی و کارشناسی مذاکره وارد می‌شوند. در مقدمه این گزارش که نویسندگان آن «فرناز فصیحی» و «لارا جیکس» هستند آمده، جمهوری اسلامی ایران و آمریکا روز شنبه ۳۰ فروردین‌ماه دور دوم مذاکرات درباره فعالیت‌های هسته‌ای تهران را به پایان رساندند و دستور کاری برای مذاکرات سریع تعیین کردند که به گفته مقامات ایرانی، نیازی به برچیدن زیرساخت‌های گسترده هسته‌ای این کشور نخواهد بود.

عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی، پس از دیدار با استیو ویتکاف فرستاده ترامپ گفت که یک گروه متشکل از کارشناسان در روزهای آینده برای بحث در مورد جزئیات فنی، از جمله تعیین حداکثر سطحی که ایران می‌تواند اورانیوم را غنی‌سازی کند، حجم ذخایر هسته‌ای که می‌تواند حفظ کند و نحوه نظارت و راست‌آزمایی و مطابقت با هر توافقی تشکیل جلسه خواهند داد.

بر اساس مقاله‌ی روزنامه «نیویورک تایمز»، بطور ضمنی در توصیف مذاکرات آینده، این فرض مطرح شده که گویا ترامپ تمایل دارد از اصرار اولیه دولت مبنی «برپیده شدن کامل» سایت‌های کلیدی اتمی و زرادخانه‌های موشک‌های دوربرد رژیم ایران، عقب‌نشینی کند.

نویسندگان این مقاله نوشته‌اند این پرسش که آیا به جمهوری اسلامی اجازه داده می‌شود توانایی تولید سوخت هسته‌ای را حفظ کند یا نه (با این خطر که می‌تواند از آن برای ساخت بمب استفاده کند) به شدت مشاوران ترامپ را دچار اختلاف کرده است. این اختلافات در روزهای اخیر بطور علنی حتا در حالی که ویتکاف برای مذاکرات رم آماده می‌شد بروز کرده است.

در دولت ترامپ، یک جریان به رهبری مایک والتز مشاور امنیت ملی و مارکو روبریو وزیر خارجه آمریکا، استدلال کرده‌اند که بسیار خطرناک است که جمهوری اسلامی ایران را با توانایی ساخت سوخت هسته‌ای رها کنیم.

موافقت با محدودیت‌هایی در مورد میزان اورانیومی که ایران می‌تواند در اختیار داشته باشد و میزان غنی‌سازی که می‌تواند انجام دهد، ترامپ را در معرض این انتقاد قرار



هیات مذاکره کننده جمهوری اسلامی در رُم / فروردین ۱۴۰۴

و آن را لغو کرده، حالا هیچ چیز بهتری به دست نمی‌آورد. آرون دیوید میلر از بنیاد صلح کارنگی می‌گوید: «آنچه اکنون در رم و عمان رخ می‌دهد، با نوعی طنز تاریخی، شباهت زیادی به توافقی دارد که اوپاما امضا کرده بود؛ توافقی که ترامپ آن را تخریب کرد.» او افزود: «شاید این تنها چیزی باشد که ترامپ می‌تواند به دست بیاورد.»

ویتکاف راه را برای چنین توافقی هموار کرد و در مصاحبه‌ای در روز سه‌شنبه یک توافق احتمالی را چنین توصیف کرد که اساساً به ایران اجازه می‌دهد سوخت را در سطوح پایین با بازرسی و نظارت دقیق تولید کند. اما او بعداً مجبور به عقب‌نشینی از این سخنان شد. وی در رسانه‌های اجتماعی نوشت که موضع ایالات متحده این است که «ایران باید برنامه غنی‌سازی و تسلیحاتی هسته‌ای خود را متوقف و حذف کند». کلمه کلیدی واژه‌ی «حذف» بود.

ویتکاف بلافاصله پس از پایان مذاکرات - دومین گفتگوی دو هفته - بعد از ظهر شنبه در رم صحبتی نکرد. عمان اما اعلام کرد که مذاکرات فنی در مسقط پایتخت این کشور در روزهای آینده برگزار خواهد شد. وقتی این هفته از مقامات آمریکایی پرسیده شد که آیا ایالات متحده می‌تواند با داشتن قابلیت غنی‌سازی هسته‌ای محدود در ایران کنار بیاید، آنها از پاسخ دادن طفره رفتند و فقط گفتند که ترامپ قول داده است که به ایران اجازه داشتن سلاح هسته‌ای را نخواهد داد.

ویتکاف اکنون باید ترامپ و همکاران دولتی‌اش را در مورد دور دوم مذاکرات توجیه کند. نیویورک تایمز به نقل از «مقامات آشنا» با بحث‌های داخلی می‌نویسد که والتز و روبریو که هر دو از منتقدان سرسخت برجام در دوران اوپاما بودند، همچنان مخالف این هستند که جمهوری اسلامی ایران را با توانایی تولید سوخت هسته‌ای به حال خود رها کنند.

روبو روز جمعه گفت که هر توافقی باید از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای جلوگیری کند. وی در سفر به پاریس به خبرنگاران گفت: «باید چیزی باشد که نه تنها مانع

می‌دهد که او صرفاً عناصر اصلی توافقی هسته‌ای سال ۲۰۲۵ موسوم به «برجام» را که دوران اوپاما که او آن را «فاجعه» خواند و در نهایت در سال ۲۰۱۸ از آن خارج شد، تکرار می‌کند. مقامات جمهوری اسلامی گفته‌اند زیرساخت‌های هسته‌ای را که میلیاردها دلار در آن سرمایه‌گذاری کرده‌اند، برپیده یا نابود نخواهند کرد. ویتکاف بطور خصوصی به مقامات دولت ترامپ گفته است که اگر آنها بر نابودی کامل اصرار داشته باشند، بعید است که با یک توافق از مذاکرات خارج شود. در شرایطی که ترامپ گفته بود تنها راه جلوگیری از حمله نظامی به تأسیسات ایران، یک توافق [جدید] است، اسرائیل برای اقدام نظامی علیه سایت‌های هسته‌ای در ایران فشار می‌آورد.

یک مقام ارشد دولت آمریکا پس از پایان مذاکرات گفت: «پیشرفت بسیار خوبی در بحث‌های مستقیم و غیرمستقیم ما حاصل شده، به این معنی که طرفین هم رو در رو و هم از طریق میزبان عمانی خود صحبت کردند.»

موافقت جمهوری اسلامی با کاهش غنی‌سازی تا ۳/۶۷

نویسندگان «نیویورک تایمز» در این مقاله مدعی شده‌اند که مقامات جمهوری اسلامی در گفتگوهای خصوصی منتهی به این جلسه، به مقامات آمریکایی گفتند که مایلند سطح غنی‌سازی را به سطوح مشخص شده در برجام یعنی ۳/۶۷ درصد کاهش دهند، سطحی که جهت تولید سوخت برای نیروگاه‌های هسته‌ای مورد نیاز است.

از زمانی که ترامپ از این توافق خارج شد، ایران غنی‌سازی را تا سطوح بسیار بالاتری در حدود ۶۰ درصد غلظت انجام داده است که تنها کمی کمتر از میزان مورد نیاز برای تولید سلاح هسته‌ای است. این به تهران دو گزینه می‌دهد: مسابقه برای تولید سوخت با درجه تسلیحاتی یا مذاکره با ایالات متحده برای بازگشت به سطح مورد توافق در برجام. اما گزینه دوم ترامپ را در معرض این انتقاد قرار می‌دهد که پس از اعلام اینکه توافق یک دهه پیش «فاجعه» بوده

بازنشر

زن‌ها دارن میان...

خیراندیشی (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۱۳۴) آذر ۱۳۸۵



پوشیدن شلوار جین و کنار گذاشتن پیراهن یقه آهاری، در عالم سیاست نیز از ساکنان قاره جدید تقلید کنند. درباره پیروزی اعجاز‌آمیز و اعجاب انگیز مادام رویال بر دو رقیب نیرومند خود، مفسران فرانسوی مطالب زیادی نوشتند و دلایل مختلفی ذکر کردند اما استدلال «فیلیپ لایرو» تحلیلگر مسائل سیاسی سوای همه آنهاست. او می‌گوید فرانسویها دارند «آمریکانیزاسیون» را تمرین می‌کنند. آنتی‌آمریکن‌های فرانسوی هرچه می‌خواهند بگویند ولی یک چیز را نمی‌توانند انکار کنند و آن این که آمریکا سرزمین نوظلمی است. سرزمینی است تشنه تحول و تغییر دائمی. کشوری است پویا که در همه زمینه‌ها، از جمله سیاست، شعارش اینست «We try, we fail, we fix» آزمون، خطا کردن، تصحیح کردن!

پیروزی دموکراتها در انتخابات اخیر آمریکا، بویژه پیروزی نانسی پلوزی که سال آینده برکسی ریاست مجلس تکیه خواهد زد، به عقیده فیلیپ لایرو ریشه در این شعار آمریکایی دارد و فرانسویها نیز اکنون در همین مسیر قدم بر می‌دارند. خستگی از چهره‌ها و حرفهای همیشگی، مردم را به سوی چهره‌های تازه و حرفهای تازه جلب می‌کند و «جنسیت» در این میان نقش مهمی دارد. بنابراین، همان‌طور که نانسی پاتریسیا پلوزی بخت نشست بر مسند ریاست پارلمان را پیدا کرد بسیار محتمل است که سال آینده سه‌گلن رویال در فرانسه و دو سال بعد هیلاری کلینتون در آمریکا به ریاست جمهوری انتخاب شوند.

«میشل استونو» یک خانم روزنامه نگار فرانسوی هم در مقاله‌ای زیرعنوان «به داد برسید... زن‌ها دارن میان!» از زنانه شدن حمام سیاست سخن می‌گوید: «با قرارگرفتن سه‌گلن در مقام ریاست جمهوری، تکلیف فرانسوا چه خواهد بود؟ ناسلامتی، آخر او رئیس حزب و پدر بچه هاست! باید در خانه بماند و آشپزخانه را اداره کند یا زیر دست عیال مربوطه، وظایفی را که ایشان معین می‌کند به عهده بگیرد؟»

راستی هم، با تسلط خانها بر سیاست جهانی باید منتظر چه تحولاتی باشیم؟ تنها در روابط سیاسی نیست که بی هیچ تردید دگرگونی‌هایی روی خواهد داد. در همه زمینه‌ها یک چیزهایی، خواه ناخواه، تغییر می‌کند. پس از هزاران سال تجربه مردسالاری، دنیا دوره زن سالاری را آزمایش خواهد کرد.

سوسیالیستهای فرانسه «رویالیست» شدند. از بین سه کاندیدا، دو مرد و یک زن، اکثریت اعضای حزب سوسیالیست به خانم سه گلن رویال (Segolene Royal) رای دادند و او را شایسته‌ترین کس برای جانشینی ژاک شیراک در انتخابات ریاست جمهوری سال آینده دانستند.

دو مردی که با سه‌گلن خانم برای برگزیده شدن به عنوان کاندیدای حزب سوسیالیست در انتخابات ۲۰۰۷ رقابت داشتند عبارت بودند از لوران فابیوس و دومینیک استروسکان، اولی نخست وزیر و دومی وزیر پیشین اقتصاد و دارایی. این هر دو از «بارون»های حزب شمرده می‌شوند. هرکدام از حمایت گروهی از رهبران اسم و رسم دار حزب مانند میشل روکار و لیونل ژوسپن - نخست وزیران پیشین - برخوردار بودند اما مسابقه را به مادام رویال باختند و او بود که در مرحله فینال، رقیبان را به طرز خفت‌آوری از میدان به در کرد.

سه‌گلن رویال ۵۴ سال دارد و هم‌خواه دبیر کل حزب سوسیالیست - فرانسوا هلاند - است. کلمه هم‌خواه را از این جهت به جای همسر به کار می‌برم که فرانسوا و سه‌گلن رسماً ازدواج نکرده‌اند ولی سالهاست در زیر یک سقف زندگی می‌کنند و از این همزیستی چهار فرزند دارند که آخرین آنها را مادام رویال هنگامی که وزیر آموزش و پرورش بود به دنیا آورد.

به کار بردن «هم‌خواه» به جای «همسر» نیز ابداع بنده نیست و در ادبیات فارسی سابقه دارد. شوریده شیرازی، شاعر نابینای سده گذشته در باب پدرشدن خود می‌گوید.

هم‌خواه شوریده برایش پسری زاد

نور بصری بهر چنان بی بصری زاد

باری، اگر سه‌گلن رویال در انتخابات عمومی نیز پیروز شود و به کاخ الیزه برود، اولین رئیس جمهوری فرانسه از جنس مونث خواهد بود و این یک سنت شکنی است همچنان که گزینش کاندیدای واحد ریاست جمهوری از طریق رقابت داوطلبان در محدوده حزب، به سبک احزاب دموکرات و جمهوریخواه آمریکا، برای نخستین بار در فرانسه تجربه شد. فرانسویها که وقتی صحبت از فرهنگ و تمدن آمریکایی می‌شود دماغشان را بالا می‌گیرند و پیف، پیف می‌کنند، چه بخواهند و چه نخواهند، باید بپذیرند که حالا دیگر آموزگار خردمند، صادرکننده آئین زندگی و قراردادهای اجتماعی به شرق و غرب عالم نیستند و مجبورند خیلی چیزها را مثل

از داشتن سلاح هسته‌ای در حال حاضر شود، بلکه در آینده نیز از آن جلوگیری کند.»

ترامپ تا کنون در اظهارات خود، هدف استراتژیک مذاکرات را بطور واضح روشن نکرده، جز اینکه گفته ایران نباید مپ داشته باشد؛ پاسخی که از مواجهه با مسئله «آستانه هسته‌ای‌شدن» جمهوری اسلامی طفره می‌رود.

علی واعظ مدیر ایران در «گروه بین‌المللی بحران» می‌گوید که پیشرفت مذاکرات به مرحله فنی، نشان‌دهنده سطحی از عملگرایی است و نشان می‌دهد که حرف از برچیدن برنامه هسته‌ای ایران بیشتر ژست‌های علنی بوده است.

سرمایه‌گذاری مشترک

در بخش دیگری از مقاله‌ی «نیویورک تایمز» آمده است که ایران احتمال سرمایه‌گذاری مشترک برای اداره تأسیسات غنی‌سازی هسته‌ای خود را نیز مطرح کرده است؛ گزینه‌ای که به دولت ترامپ اجازه می‌دهد اعلام کند که نوع متفاوتی از توافق را نسبت به دولت اوباما منعقد کرده است. به گفته علی واعظ و یک مقام ارشد جمهوری اسلامی آشنا به مذاکرات، مشخص نیست که آیا ایالات متحده یا یک کشور ثالث، ترجیحاً یکی از همسایگان عرب ایران در خلیج فارس، شریک خواهد بود یا نه. و آیا این کار اطمینان بیشتری را تضمین می‌کند که برنامه جمهوری اسلامی صلح‌آمیز است؟! واعظ در اینباره گفت، مفهوم یک برنامه هسته‌ای مشترک به معنای سرمایه‌گذاری مشترک با کشورهای عربی یا ایالات متحده است که «یک لایه اضافی از چشم‌ها و گوش‌ها را در محل ایجاد می‌کند تا از ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای آن محافظت کند.»

نویسندگان «نیویورک تایمز» به نقل از یک مقام ارشد ایرانی نوشته‌اند که [رژیم] ایران آماده است تا ذخایر اورانیوم غنی شده خود را به روسیه یا کشور دیگری منتقل کند، همان‌طور که در اوایل سال ۲۰۱۶ با اجرایی شدن توافق دوران اوباما انجام داد. جمهوری اسلامی ایران از آن زمان بطور چشمگیری اندازه این ذخایر را افزایش داده و به اندازه کافی مواد غنی شده ۶۰ درصدی برای ساخت بیش از شش مپ هسته‌ای در صورت تمایل به تسلیحاتی کردن این مواد در اختیار دارد. عباس عراقچی به رسانه‌های ایرانی که با او در رم سفر می‌کردند، گفت که آمریکایی‌ها هیچ موضوع دیگری را خارج از برنامه هسته‌ای مطرح نکرده‌اند. وی گفت: «ما به آنها گفته‌ایم که مذاکرات ما در مورد موضوع هسته‌ای است و در مورد هیچ چیز دیگری بحث نخواهیم کرد.»

حمید ابوطالبی دیپلمات سابق و مشاور سیاسی حسن روحانی رئیس جمهوری اسلامی سابق، در مصاحبه‌ای از تهران گفت که این یک نشانه مثبت است که مذاکرات در حال پیشرفت است، اما چالش‌های زیادی قبل از دستیابی به توافق باقی مانده است.

ابوطالبی گفت: «چالش واقعی جزئیات فنی نیست. ما قبلاً در مورد این جزئیات مذاکره کرده‌ایم. موضوع، قدرت ماندگاری است. بدون یک بنیاد سیاسی و دیپلماتیک پایدار، حتی دقیق‌ترین توافق فنی هم دوام نخواهد داشت.»

در این مقاله همچنین آمده که رسانه‌های ایرانی و برخی تحلیلگران محافظه‌کار تصویری از پرچم‌های مینیاتوری [جمهوری اسلامی] ایران و ایالات متحده در کنار هم بر روی یک میز منتشر کردند، که برخلاف سوزاندن و لگدمال کردن معمول پرچم آمریکا است که به یک عنصر اصلی تظاهرات حامیان حکومت تبدیل شده است. یادآوری می‌شود که امکان بررسی مستقل آنچه نویسندگان این مقاله در «نیویورک تایمز» در ارتباط با مضمون گفتگوی رُ و نقل قول‌هایی که از «مقامات» مطرح کرده‌اند، وجود ندارد.

اسناد دخالت دولت ایران در قتل بختیار چگونه به دست آمد

با پیگیری رد پای مسعود هندی، مسلم شد که نقشه قتل بختیار به وسیله مقامات عالیرتبه

جمهوری اسلامی طراحی شده است

(تاریخ نشر در کیهان لندن: خرداد و تیر ماه ۱۳۸۹ - شماره ۱۳۱۱ - ۱۳۱۵)

بازنشر

قاضی بروگیر فاش می‌کند:

آنچه
نتوانستم
بگویم
(۳)



به مناسبت بازگشت پیروزمندانه علی وکیل‌راد به تهران، که از طرف رژیم حاکم با تشریفات و احترامات، به عنوان «قاتل بیگناه» مورد استقبال قرار گرفت، قبلاً بخشی از کتاب «در دادگاه بختیار» نوشته دوست و همکارمان پری سکندری را نقل کردیم. خاطرات قاضی بروگیر، که در چند شماره خواهید خواند، علاوه بر تشریح واقعه و چگونگی ردیابی قاتلان و دستگیری علی وکیل‌راد، اسرار پشت پرده این جنایت را فاش می‌کند.

ژان لویی بروگیر (Jean Luis Bruguiere) بازپرس ویژه جرائم تروریستی در دادگستری فرانسه، که چندی پیش بازنشسته شد، خاطرات خود را در برخورد با تروریستها و پرونده آنان در کتابی با عنوان «آنچه نتوانستم بگویم» Ce que je n'ai pas pu dire باز می‌گوید. این کتاب، با همکاری یک روزنامه‌نگار و نویسنده به نام ژان ماری پونتو J.M. Pontaut به صورت گفت و شنود تدوین و انتشار یافته است.

ژان ماری پونتو: اگر موافق باشید درباره فرار دو نفر دیگر صحبت کنیم.

ژان لویی بروگیر: این اقدام با توجه به نحوه ورود دو نفر به فرانسه نشان می‌داد که مقامات اطلاعاتی ایران امکانات بسیار گسترده‌ای برای قتل بختیار تدارک دیده بودند. این جنایت به وسیله بالاترین رده‌های قدرت رژیم رهبری می‌شد که برای انجام آن ترتیب خاصی داده بودند که خارج از حوزه مسؤولیت سفارت و شعبه امور کنسولی آن بود. به طوری که گفته شد تهران از اواخر ماه ژوئیه یک مرکز عملیاتی در ترکیه ایجاد کرده بود و به محض آنکه محمد آزادی روز بیست و یکم ماه اوت موفق به فرار شد مرکز مزبور را به کلی بستند.

این ترتیبات با همکاری مراکز دیگری که در اروپا و آمریکا موجود است هم‌آهنگ شده بود. ما به خصوص مکالمات تلفنی مشکوکی را با لندن کشف کردیم. به هر تقدیر ما بالاخره موفق شدیم ردپای آزادی را در هتلی در ژنو به دست آوریم. طبق اظهار دربان هتل وی فقط به فارسی صحبت می‌کرده و چند کلمه انگلیسی هم به کار می‌برده و اظهار داشته است که می‌خواهد دو شب در هتل اقامت کند. آزادی این هتل را برحسب تصادف پیدا نکرده بود. از روز نهم اوت یک ایرانی دیگر به نام قاسمی‌نژاد در هتل اقامت داشت. مقامات پلیس سوئیس و فرانسه با همکاری با یکدیگر به دنبال کشف این موضوع برآمدند که قاسمی‌نژاد چگونه وارد سوئیس شده است. معلوم شد که یک شرکت سوئسی به نام «کوماترا» برای او دعوتنامه فرستاده است.

● آیا شخص مزبور را به سوئیس فرستاده بودند که ترتیب خروج آزادی را از ژنو بدهد؟

فقط برای این کار در سوئیس نبود. مسؤول شرکت کوماترا در ماه ژوئن ۱۹۹۱ در چارچوب حرفه خود که واردات و صادرات بود مسافرتی به ایران کرده بود. او که «زیگریست» نام دارد، با توصیه و معرفی یکی از آشنایان سوئسی خود می‌خواسته با یکی از مقامات بلندپایه ایرانی به نام حسن شوریده که رئیس شرکت «بارتون» در ایران بود ملاقات کند. زیگریست به تهران می‌رود و با شوریده ارتباط برقرار می‌کند. جریان به خوبی حتی باکمال خوبی می‌گذرد. برای سرویسهای اطلاعاتی ایران این فرصت واقعاً ممتازی بود. شوریده به دوست سوئسی خود می‌گوید «تو نماینده من در اروپا و آمریکا خواهی شد، تنها باید خدمتی برای من انجام دهی. دو نفر از دوستان من که بازرگان هستند قصد دارند

در آینده نزدیک به سوئیس بیایند. باید برای آنان دعوتنامه بفرستی و اقامتشان را از طرف شرکت خود ضمانت کنی.»



شاپور بختیار

دوست سوئسی ما که از آینده پر برکت روابط خود با طرف ایرانی بسیار راضی و خوشحال بود از انجام این خدمت خودداری نکرد و روز ۲۷ ژوئن ۱۹۹۱ فاکسی به بخش روادید سفارت سوئیس در تهران مخابره و طی آن تقاضا کرد برای دو نفر ایرانی به نامهای اردشیر فاضلی و ناصر قاسمی‌نژاد که برای انجام امور بازرگانی عازم مسافرت به سوئیس می‌باشند روادید ورود صادر کنند. وی این دو نفر را نمی‌شناخت و نمی‌دانست کارشان چیست. هرگز آنان را ندید و نخواهد دید. به هر صورت تقاضای شرکت رد شد زیرا شرکت کوماترا تأمین هزینه اقامت آنان را در سوئیس تعهد نکرده بود. البته برای رئیس شرکت کوماترا این موضوع واجد اهمیت زیادی نبود و طی تلکس دیگر تمام هزینه اقامت این دو نفر را تقبل کرد. در ضمن شوریده به بازرگان سوئسی اظهار داشت که وی نه تنها به امور بازرگانی اشتغال دارد بلکه یکی از نزدیکان خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی و جانشین خمینی است. وی بالاخره با استفاده از

حسن تصادفی که ازدواج خواهر همسرش با یک دیپلمات فرانسوی در اختیارش گذاشته بود تقاضای روادید ورود به فرانسه را کرد و بالاخره موفق شد در اواخر ماه ژوئیه برای شرکت در مراسم عروسی روادید ورود به فرانسه را بگیرد و به پاریس برود. فردای آن روز طبق اظهار بانقاش (شوهر خواهر زنش) به اتفاق شریک خود به سوئیس رفت و دلیل مسافرت خود را انجام برخی امور شخصی عنوان کرد و از آنجا به کالیفرنیا رفت. طبق تحقیقات ما در سوئیس اثری از آنان دیده نشد.

● برگردیم به دو نفری که شوریده موفق شد ترتیب مسافرتشان را به سوئیس بدهد. این دو نفر چه شدند؟ - گرچه اثری از اردشیر فاضلی در سوئیس به دست نیامد ولی ناصر قاسمی‌نژاد در ژنو شناسائی شد. وی روز هفتم موفق شده بود یک ویزای ۱۵ روزه به سوئیس را بگیرد. البته سرویسهای اطلاعاتی ایران با استفاده از نامهای مشابه، جعل اسناد اداری و تغییر صورت ظاهر اشخاص مورد بحث سعی می‌کردند جویندگان را گمراه کنند.

ناصر قاسمی‌نژاد صبح روز ۱۲ اوت از تهران وارد ژنو شد. بلیت مسافرت او کنترل شد ولی گذرنامه‌اش مورد بررسی قرار نگرفت. در همان گیشه و در همان زمان گذرنامه یک ایرانی دیگر کارمند دفتری سفارت ایران به نام زین‌العابدین سرحدی که بعداً به تفصیل درباره او صحبت خواهیم کرد کنترل شد ولی بلیت مسافرتش مورد بررسی قرار نگرفت. آیا او برای ورود محرمانه به سوئیس از بلیت قاسمی‌نژاد استفاده کرده است؟ چنین احتمالی بسیار به واقعیت نزدیک است. رد پای قاسمی‌نژاد روز ۹ اوت در هتل «اتوال» دیده شد که محل اقامت یکی از قاتلان یعنی محمد آزادی بود. از آنجا به هتل ژان ژاک روسو می‌رود و مرتباً با آزادی که از نام جعلی رزاژ استفاده می‌کند در تماس است. سرحدی از روز ۱۳ اوت به کمک قاسمی‌نژاد می‌تابد تا برای اجاره اتاق در هتل به او کمک کند. در اینجا سرحدی مرتکب اشتباهی می‌شود و هنگام پرسشنامه متعلق به آزادی تحت نام رزاژ همان نشانی نادرستی را که وی روی پرسشنامه هتل «برنینا» پر کرده بود تکرار می‌کند... این دو نفر بدون تردید جزو گروهی بودند که از تهران برای تدارک وسایل خروج قاتلان بختیار به سوئیس اعزام شده بودند.

● شما اکنون به نام کسی اشاره خواهید کرد که در قتل بختیار نقش اساسی را بازی کرده است.

- بلی. منظور شخصی است که برای تسهیل ورود

دولت ایران به خصوص پس از دستگیری سرحدی در سويس بسیار شديد بود. دستگاه‌های سياسي و ديپلماسي ايران در تهران و پاریس کاملاً مجهز شده بودند تا از طریق اعمال فشار بر وزارت امور خارجه فرانسه از استرداد سرحدی جلوگیری کنند. البته من در جریان این تحولات قرار داشتم و به نوبه خود مقامات فرانسوی را از نتیجه تحقیقات و بازجوییها مطلع می‌کردم.

مقامات ایرانی مخصوصاً حمیدرضا نقاشان یکی از مقامات مسؤول اطلاعات و امنیت سپاه پاسداران و علی فلاحیان واقعاً مسأله استقلال کامل قضات دادگستری فرانسه و عزم راسخ آنان را برای کشف واقعیت حوادث دست کم گرفته بودند.

سفیر ایران در اجرای دستور وزیر امور خارجه - علی‌اکبر ولایتی - حتی ابراز تمایل کرده بود که با من در کاخ دادگستری ملاقات کند. من پس از آنکه برای جلوگیری از هرگونه سوء تفاهم وزارت امور خارجه را از جریان امر مستحضر ساختم قبول کردم که سفیر ایران را بپذیرم. اولین ملاقات هنگام دستگیری سرحدی در سويس و ملاقات بعدی پس از استرداد شخص مزبور روی داد. در جریان ملاقات اول که با رعایت نزاکت کامل ولی در محیطی متشنج صورت گرفت متوجه شدم که تهران نسبت به سرنوشت وکیل‌راد و حتی



ناصر قاسمی نژاد

هندی علاقه و اصرار خاصی ندارد. این دو نفر وجه‌المصالحه سیاسی نبودند. ولی شرکت سرحدی در پرونده قتل بختیار نشانه دست داشتن دولت ایران در عملیات تروریستی بود. از طرفی دولت فرانسه نیز خیلی زود متوجه شد که ناگزیر است در روابط دیپلماتیک خود با ایران تجدید نظر کند. همین که نخستین قرینه دال بر احتمال دخالت دولت ایران در قتل شاپور بختیار به دست آمد فرانسوا میتراں مجبور شد که موقتاً از مسافرت رسمی به ایران صرف‌نظر کند. سپس این برنامه را به کلی لغو کرد و وزیر امور خارجه رونالد دوما را مأمور کرد که اجرای برنامه را به عهده بگیرد. بازداشت یک کارمند سفارت ایران در برن در ۲۳ سادامبر ۱۹۹۱ بر احتمال دست داشتن مسؤولان رژیم در این قتل افزود و رونالد دوما نیز به نوبه خود از عزیمت به ایران صرف‌نظر کرد و مدتها بعد فرانسوا شیراک که در آن زمان دبیر کل وزارت امور خارجه بود محرمانه برای امضای قراردادی به ایران رفت.

اوردیف (Euredif) پیدا می‌شد. موضوع اوردیف قراردادی در گذشته بود که بین ایران و اروپا به طور کلی و فرانسه بالاخص امضا شده و به موجب آن فرانسه به عنوان یکی از دول معتبر اتمی متعهد شده بود که ایران را برای استفاده صلح‌آمیز از نیروی اتم یاری دهد. ایران در آن زمان برای دریافت اورانیوم مبالغ هنگفتی هزینه کرده بود ولی به قدرت رسیدن خمینی در داده‌های مسأله تغییر اساسی به وجود آورده بود و ناگزیر برنامه موضوع موافقتنامه متوقف شد. در نتیجه تهران خواستار آن بود که وجوهی را که تا آن زمان برای این طرح پرداخت شده با ضرر و زیان مختصری به عنوان جریمه لغو قرارداد مسترد دارد. گرچه این امر یک اختلاف حقوقی به شمار می‌رفت ولی جنبه سیاسی بسیار مهمی داشت. میتراں که می‌خواست روابط فرانسه و ایران را به حال عادی درآورد در نظر داشت برای ملاقات با همتای ایرانی خود رفسنجانی به طور رسمی به ایران سفر کند. قرار بود که از این فرصت استفاده کرده و اختلاف موجود را که درباره آن مذاکرات پیشرفته‌ای صورت گرفته بود حل کند. ظاهراً مذاکرات به مرحله نهائی رسیده بود. در تمام این جریان‌ات البته احتمال قتل بختیار در نظر گرفته نشده بود. مقامات اطلاعاتی و امنیتی که برنامه قتل مخالفان رژیم در خارج از کشور را طرح و دنبال می‌کردند و از مدتها قبل برای



مسعود سید هندی

قتل بختیار نقشه کشیده بودند به اوضاع سیاسی و منافع ملی توجهی نداشتند و شاید نمی‌خواستند که عطف توجه کنند. اینگونه حوادث جلوه‌ای از خصلت انحصارطلب، غیر شفاف و غالباً ضد و نقیض زیر بناهای سازمانی کشورهای غیردموکراتیک است. به همین دلیل در ایران سیاست درازمدت (استراتژی) دستگاه‌های امنیتی و پاسداران انقلاب بر تمام ملاحظات سیاسی و یا دیپلماتیک دیگر ترجیح دارد. علی فلاحیان که در آن زمان وزیر اطلاعات و امنیت دولت ایران بود آزادانه و بدون مشورت با دیگر وزرا هر اقدامی را که لازم تشخیص می‌داد معمول می‌داشت.

● آیا هنگام بازجویی این مسأله، یعنی قتل بختیار که از نظر سیاست خارجی فرانسه در دشوارترین و بدترین مواقع به وقوع پیوست از طرف وزارت امور خارجه فرانسه زیر فشار قرار نگرفت؟

بازپرس: به‌هیچوجه - در هیچ زمان دولت در امر تحقیق و بازجویی درباره این قتل مداخله‌ای نکرد. در عوض فشار

دو نفر قاتل به فرانسه اقدام کرد و نام او مسعود هندی است. شخص مزبور کارمند تلویزیون ایران بوده است. یکی از کارمندان عالی‌رتبه که از نزدیکان وزیر مخابرات بوده از او تقاضا می‌کند ترتیبی بدهد که شرکت سیفاکس که کار آن انجام معاملات مربوط به قطعات الکترونیکی می‌باشد دو نفر ایرانی را به نامهای وکیل‌راد و محمد آزادی به فرانسه دعوت کند، درست همان طریقی که شوریده اقدام کرده بود.

● شما این بار مستقیماً به مقامات عالی‌رتبه ایران بر می‌خورید.

- مسعود هندی ارتباط خود را با نمایندگان رادیو تلویزیون ایران در فرانسه حفظ کرده بود. در اینجا به عنوان جمله معترضه باید گفت که این سازمان وظیفه جاسوسی برای سرویسهای اطلاعاتی و امنیتی ایران را نیز به‌عهده دارد. هنگام بازرسی محل مزبور دفاتری برای رمز پیامها و مقالات و اطلاعاتی درباره مخالفان به دست آمد. هندی با یک فرانسوی ایرانی‌الصل به نام مصطفی عبدون یکی از مقامات شرکت سیفاکس (شرکت فرانسوی که با ایران کار می‌کرده) در تماس بوده است. باید یادآوری کرد که هندی قبلاً نماینده شرکت سیفاکس در تهران بوده است. این دو نفر از سال ۱۹۸۳ یکدیگر را می‌شناختند. هندی سالی چند بار به شرکت سیفاکس می‌رفته تا درباره قراردادهای جدید مذاکره کند. در ماه ژوئن ۱۹۹۱ هندی یک فاکس به عنوان عبدون مخابره می‌کند و از او تقاضا می‌کند برای دو نفر ایرانی به نامهای کمال حسینی و ناصر نوریان که نامهای جعلی وکیل‌راد و آزادی بوده تقاضای روادید ورود به فرانسه را بکند. روز دوم ژوئیه این دو نفر موفق به گرفتن روادید می‌شوند. مقامات اطلاعاتی ایران برای رعایت حداکثر اختفا عکس ویزاها را نیز رتوش و دستکاری می‌کنند.

● برای چه و به چه منظوری؟

- برای آنکه اگر پس از انجام قتل دستگیر شدند ادعا کنند که جنایت به آنان ارتباطی ندارد و این گذرنامه‌ها را از شخص ناشناسی خریده‌اند. مضافاً به اینکه عکسها نیز عکس آنان نیست، خودتان می‌توانید ملاحظه کنید. به دلیلی که بر ما روشن نیست دو نفر قاتل این مسیر را دنبال نکردند ولی همانطور که خواهید دید این جریان برای ما اهمیت فراوانی داشت.

بالاخره وکیل‌راد و آزادی به تقاضای بویراحمدی جاسوس قدیمی رژیم اسلامی به فرانسه آمدند. همکار بختیار حتی در تاریخ ۱۳ ژوئن ۱۹۹۱ به عنوان اینکه ساکن شهر «رنس» است و در منزل دوست دختر خود زندگی می‌کند دو گواهی سکونت برای این دو نفر نوشت و به‌فید شرافت اعلام داشت که امکان آن را دارد که از تاریخ ۱۵ ژوئن تا ۱۵ سپتامبر از دوستان خود وکیل‌راد و محمد آزادی که برای گردش به فرانسه می‌آیند پذیرائی کند. برای صدور این دعوتنامه نام واقعی آنان را به کار برد.

محمد آزادی بدون تردید روز ۲۰ اوت با یک گذرنامه جعلی از سويس خارج شده بود. فردای آن روز وکیل‌راد دستگیر شد و به طوری که خواهیم دید روز ۲۳ سادامبر یک کارمند دفتری سفارت ایران در برن در سويس بازداشت و به تقاضای دولت فرانسه به این کشور مسترد شد.

بدین ترتیب سه هفته پس از قتل بختیار یکی از قاتلان در سويس دستگیر شد. سرعت عمل دادگستری فرانسه موجب شد که مقامات سیاسی کشور مجبور شدند در روابط خود با ایران تجدید نظر کنند و تغییراتی بدهند.

● در آن زمان مذاکرات با ایران به نحو گسترده‌ای جریان داشت.

- بدون تردید. در آن روزها باید راه حلی برای مشکل

نتانياهو: از تعهدم به مقابله با دستيابی رژيم ایران به سلاح اتمی یک میلی متر عقب نشینی نخواهم کرد

● ساعاتی پس از پایان دومین گفتگوی نمایندگان جمهوری اسلامی و آمریکا در رُم، نخست وزیر اسرائیل در یک پیام ویدیویی اعلام کرد: «من متعهدم که از دستیابی رژیم ایران به سلاح هسته‌ای جلوگیری کنم؛ چیزی را رها نمی‌کنم؛ من از این تعهدم حتی یک قدم عقب‌نشینی نمی‌کنم، حتی یک میلی‌متر!»

● بنیامین نتانياهو شب ۱۹ آوریل (۳۰ فروردین) در پیام خود گفت: «جالب‌ترین چیز شنیدن انتقاد مخالفان اقداماتم برای آسیب زدن به برنامه هسته‌ای [جمهوری اسلامی] ایران است. بدون این اقدامات [رژیم] ایران ۱۰ سال پیش سلاح هسته‌ای داشت! اما منتقدان امروز با تمام اقدامات و سیاست‌های من مخالف بودند؛ ظاهراً حد و مرزی برای ریاکاری نیست.»

ساعاتی پس از پایان دومین گفتگوی نمایندگان جمهوری اسلامی و آمریکا در رُم، نخست وزیر اسرائیل در یک پیام ویدیویی اعلام کرد: «من متعهدم که از دستیابی رژیم ایران به سلاح هسته‌ای جلوگیری کنم؛ چیزی را رها نمی‌کنم؛ من از این تعهدم حتی یک قدم عقب‌نشینی نمی‌کنم، حتی یک میلی‌متر!»

بنیامین نتانياهو شب ۱۹ آوریل (۳۰ فروردین) در پیام خود گفت: «جالب‌ترین چیز شنیدن انتقاد مخالفان اقداماتم برای آسیب زدن به برنامه هسته‌ای [جمهوری اسلامی] ایران است. بدون این اقدامات [رژیم] ایران ۱۰ سال پیش سلاح هسته‌ای داشت! اما منتقدان امروز با تمام اقدامات و سیاست‌های من مخالف بودند؛ ظاهراً حد و مرزی برای ریاکاری نیست.»

او در ادامه افزود: «درباره شاخه [جمهوری اسلامی] ایران در غزه، اگر حماس را کاملاً نابود نکنیم، حملات بعدی حتمی است. حماس می‌گوید این کار را خواهد کرد؛ قصدش را دارد و برایش تلاش می‌کند. حفظ حماس در غزه، شکستی بزرگ برای اسرائیل و پیروزی عظیم برای [رژیم] ایران خواهد بود.»

هرچند گفتگو میان جمهوری اسلامی و آمریکا در مراحل مقدماتی است و نتیجه آن مشخص نیست، اما احتمال یک معامله ضعیف میان رژیم ایران و دولت ترامپ مقامات اسرائیل را به شدت نگران کرده است؛ معامله‌ای شکننده که در آن همچنان جمهوری اسلامی زیرساخت‌های لازم برای ساخت سلاح اتمی را حفظ کند و تهدیدی مستقیم برای موجودیت اسرائیل باشد.

مقامات جمهوری اسلامی و بعضی مقام‌های آمریکایی طبق معمول از ادامه مذاکرات ابراز رضایت کرده‌اند. کانال ۱۲ اسرائیل گزارش داده است که واشنگتن از موضع قبلی درباره برنامه هسته‌ای تهران عقب‌نشینی کرده است. ←

دونالد ترامپ: نمی‌گویم با حمله اسرائیل به ایران مخالفت کردم، ولی عجله‌ای برای این کار ندارم



دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا

ترامپ در ادامه تأکید کرد: «من مردم ایران را می‌شناسم، مردمان بسیار خوبی هستند. همیشه بوده‌اند. خیلی باهوش و پر انرژی و بسیار موفق و نمی‌خواهم کاری کنم که کسی آسیب ببیند، واقعاً نمی‌خواهم ولی نباید مپ هسته‌ای داشته باشند. خیلی ساده است، نمی‌خواهم صنایع یا بخشی از خاک کشورشان را بگیریم، فقط می‌گویم نمی‌توانند مپ هسته‌ای داشته باشند.»

رئیس جمهوری آمریکا با تاریخ انقضاء «برجام» تأکید کرد: «توافقی که با اباما کردند الان منقضی شده بود. توافق بسیار بدی بود. راه را برای رسیدن به مپ اتمی برای آنها باز کرد، من چنین توافقی را نمی‌پذیرفتم، برای همین هم آن را بهم زدم، دوران کوتاه بود.»

با توجه به شرایط منطقه و شروط سخت دونالد ترامپ از اظهارتن مقاومت جمهوری اسلامی به نظر می‌رسد که شانس تهران برای معامله با آمریکا پایین است.

از سوی دیگر شبکه «کان» اسرائیل گزارش داد طی ۲۴ ساعت، ۹ فروند هواپیمای ترابری نظامی آمریکا وارد پایگاه نواتیم در جنوب اسرائیل شده‌اند و صدها مپ، از جمله مپ‌های سنگرشکن را به اسرائیل منتقل کرده‌اند تا در صورت شکست مذاکرات هسته‌ای تهران، امکان حمله علیه جمهوری اسلامی فراهم باشد. دور دوم این مذاکرات قرار است ۳۰ فروردین ۱۴۰۴ در رم برگزار شود.

در این میان، کیورث حیدری فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی در مراسم «۲۹ فروردین» (روز ارتش) ادعا کرده است: «امروز هیچ خطری نظام ما را تهدید نمی‌کند چرا که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، با اقتدار و آمادگی کامل، در رکاب ولی امر مسلمین آماده هستند و خواهند بود.»

پیشتر نیز اسماعیل خطیب وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی گفته بود، «علائم جدی برای حمله نظامی وجود ندارد» و «در سال جاری، آرامش پیش‌بینی می‌شود.»

● روزنامه «نیویورک تایمز» گزارش داده بود که دونالد ترامپ پیشنهاد اسرائیل برای حمله مشترک را رد کرده است. در همین ارتباط دونالد ترامپ پنجشنبه ۱۷ آوریل (۲۸ فروردین) گفت: «من نمی‌گویم با حمله اسرائیل به ایران مخالفت کردم ولی عجله‌ای برای این کار ندارم، چون ایران این فرصت را دارد که کشوری با عظمت باشد و با خوشحالی و بدون مرگ [کشت و کشتار] زندگی کنند. این ترجیح و گزینه نخست من است.»

● او افزود: «اگر گزینه دوم را داشته باشیم برای ایران خیلی بد خواهد شد و فکر می‌کنم [رژیم] ایران می‌خواهد گفتگو کنیم، امیدوارم که بخواهند حرف بزنیم. خیلی برایشان خوب خواهد بود اگر حرف بزنیم، دلم می‌خواهد ایران در آینده پیشرفت کند و وضع خیلی خوبی داشته باشد.»

یک روز پس از آنکه روزنامه «نیویورک تایمز» ادعا کرد که دونالد ترامپ مانع حمله اسرائیل به تأسیسات اتمی در ایران شد، ترامپ تأکید کرد که فعلاً عجله‌ای برای حمله به تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی ندارد اما این گزینه منتفی نیست. روزنامه «نیویورک تایمز» پیشتر گزارش داده بود که دونالد ترامپ پیشنهاد اسرائیل برای حمله مشترک را رد کرده است. در همین ارتباط دونالد ترامپ پنجشنبه ۱۷ آوریل (۲۸ فروردین) گفت: «من نمی‌گویم با حمله اسرائیل به ایران مخالفت کردم ولی عجله‌ای برای این کار ندارم، چون ایران این فرصت را دارد که کشوری با عظمت باشد و با خوشحالی و بدون مرگ [کشت و کشتار] زندگی کنند. این ترجیح و گزینه نخست من است.»

او افزود: «اگر گزینه دوم را داشته باشیم برای ایران خیلی بد خواهد شد و فکر می‌کنم [رژیم] ایران می‌خواهد گفتگو کنیم، امیدوارم که بخواهند حرف بزنیم. خیلی برایشان خوب خواهد بود اگر حرف بزنیم، دلم می‌خواهد ایران در آینده پیشرفت کند و وضع خیلی خوبی داشته باشد.»

سخنگوی وزارت خارجه آمریکا: در مذاکرات باید پاسخ روشن «بله» یا «نه» داده شود



تهی بروس / عکس: رویترز

رسانه‌ها انجام نمی‌شود. سخنگوی وزارت خارجه آمریکا همچنین با تأکید دوباره بر مواضع دونالد ترامپ که خط قرمز ایالات متحده دسترسی ایران به سلاح هسته‌ای است، افزود: «اگر قرار بود ما از طریق گفتگوهای رسانه‌ای یا در تلویزیون یا جاهای دیگر مذاکره کنیم، نیازی به سفر به رم در روز شنبه نبود.»

تهی بروس با اشاره به غنی‌سازی ۶۰ درصدی در ایران افزود: «آنچه باید بدانیم این است که رئیس جمهور ترامپ چه چیزی را قابل قبول می‌داند و چه چیزی را نه.» او با اشاره به مذاکرات مسقط و رم توضیح داد، «انتظار پاسخ‌های سریع دارند. قرار نیست جلسه برای جلسه داشتن برگزار شود. قرار نیست ماه‌ها یا سال‌ها صبر کنیم.»

به گفته‌ی بروس، بر اساس خواسته ترامپ، در مذاکرات ایران و آمریکا «باید پاسخ روشن بله یا نه داده شود و کار تمام شود. این همان چیزی است که او به عنوان رئیس جمهور انتظار دارد. او قبلاً هم در دنیای تجارت همین انتظار را داشت و حالا هم همین انتظار را دارد.»

گفتگوها با آمریکا به اختلافات درون جمهوری اسلامی دامن زده است. احمد علم‌الهدی نماینده علی خامنه‌ای در خراسان «رضوی» می‌گوید، «مذاکرات دست‌انداز و سرعت‌گیر در مسیر دشمن است تا ما کار را در کشور پیش ببریم، اما نکته مسلم این است که بین ما و آمریکا، چیزی جز دشمنی وجود ندارد.» او افزوده: «یک عده آدم‌های ناپاک برای منافع خود ارز و طلا را شرطی می‌کنند.»

● در آستانه برگزاری دومین گفتگو میان جمهوری اسلامی و آمریکا، سخنگوی وزارت خارجه ایالات متحده تأکید کرد، مقامات واشنگتن در مذاکرات با رژیم ایران انتظار «پاسخ‌های سریع» دارند.

● تهی بروس با اشاره به غنی‌سازی ۶۰ درصدی در ایران افزود: «آنچه باید بدانیم این است که رئیس جمهور ترامپ چه چیزی را قابل قبول می‌داند و چه چیزی را نه.»

● او با اشاره به مذاکرات مسقط و رم توضیح داد، «انتظار پاسخ‌های سریع دارند. قرار نیست جلسه برای جلسه داشتن برگزار شود. قرار نیست ماه‌ها یا سال‌ها صبر کنیم.»

در آستانه برگزاری دومین گفتگو میان جمهوری اسلامی و آمریکا، سخنگوی وزارت خارجه ایالات متحده تأکید کرد، مقامات واشنگتن در مذاکرات با رژیم ایران انتظار «پاسخ‌های سریع» دارند.

تهی بروس روز پنجشنبه ۱۸ آوریل (۲۹ فروردین) تأکید کرد، «بر اساس خواسته ترامپ، در مذاکرات، باید پاسخ روشن بله یا نه داده شود و کار تمام شود.»

او در توضیح اظهارات متفاوت مقامات آمریکا پیرامون مذاکرات ایران و آمریکا، گفت: «اینها مسائلی هستند که شاید برخی بخواهند در رسانه‌ها مطرح شود، اما ماهیت مذاکرات اینطور نیست و بازتاب روند واقعی مذاکرات نیست.»

سخنگوی وزارت خارجه آمریکا می‌گوید «ماهیت» مذاکرات رژیم ایران و آمریکا با برخی اظهارات که در رسانه‌ها مطرح می‌شود، متفاوت است و مذاکرات در

➔ اگر این ادعا صحیح باشد به این معناست که ترامپ قصد دارد سختگیری علیه جمهوری اسلامی را با هدف رسیدن به یک توافق کاهش دهد.

در همین گزارش ادعا شده است که طبق ارزیابی‌ها پس از پایان دومین گفتگوی هسته‌ای در رم، ایالات متحده از مواضع قبلی خود مبنی بر «برچیدن کامل برنامه هسته‌ای»



بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل

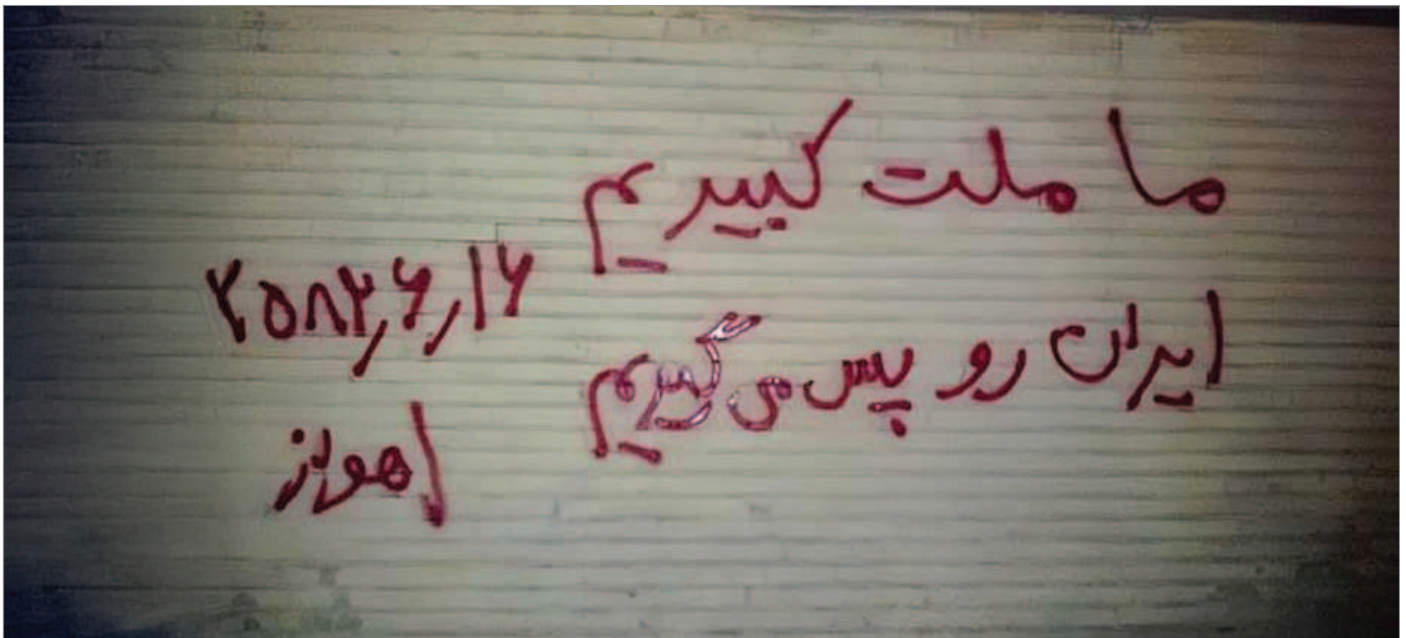
و «غنی‌سازی صفر درصدی اورانیوم» جمهوری اسلامی عقب‌نشینی کرده است.

فاکس‌نیوز در گزارشی درباره‌ی گفتگو در شهر رم نوشت احتمال یک حمله نظامی آمریکا، دلیل اصلی این بود که خامنه‌ای مجبور شود به پای میز مذاکره برود. در این گزارش تأکید شده جمهوری اسلامی مثل گذشته به همان شیوه فریبکاری روی آورده است. بسیاری از تحلیلگران و همچنین مخالفان جمهوری اسلامی نیز معتقدند که بنا بر تجربه، رژیم ایران به دنبال خرید زمان است تا هم مهلت فعال کردن مکانیسم ماشه توسط کشورهای اروپایی به پایان برسد و هم بتواند زیرساخت‌های اتمی حفظ و تأسیسات مخفی خود را جمع و جور کند.

عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی در پایان دومین گفتگوی اتمی با آمریکا گفت که «تنها موضوع» مذاکرات از نظر جمهوری اسلامی اعتمادسازی در مورد برنامه هسته‌ای ایران در مقابل رفع تحریم‌ها است و مذاکره‌کنندگان آمریکایی نیز «تا کنون این مسئله را رعایت کردند.» همچنین برخی رسانه‌ها به نقل از «یک مقام ارشد آمریکایی» گزارش دادند که «در گفتگوهای مستقیم و غیرمستقیم در ژم پیشرفت بسیار خوبی داشتیم». هرچند که هنوز هیچ‌کدام از مقامات رسمی آمریکا درباره مذاکرات رم اظهار نظر نکرده‌اند.

به نظر می‌رسد این ابهامات بخشی از دلایلی است که نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل را بر آن داشته تا در یک پیام ویدیویی اعلام کند که از مواضع پیشین خود در مورد برچیده شدن کامل برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی کوتاه نخواهد آمد.

اتکای رژیم به ماهیت سرکوبگر خود؛ مردم خود باید بازیگردان باشند



است. در مذاکرات هسته‌ای سال ۲۰۱۵ که به توافق برجام منجر شد، رژیم از امتیازات اقتصادی این توافق نه برای بهبود معیشت مردم، بلکه برای تقویت نیروهای نظامی و شبه‌نظامی خود در منطقه استفاده کرد. در آن زمان نیز، بجای کاهش سرکوب داخلی، شاهد افزایش فشار بر فعالان مدنی، روزنامه‌نگاران و مخالفان سیاسی بودیم. این تاریخچه نشان می‌دهد که هرگونه توافق با رژیم، تنها به سرکوبگری بیشتر منجر می‌شود و هیچ سودی برای مردم ایران ندارد. مذاکرات رژیم با قدرت‌های خارجی از منظر منافع ملی و حقوق مردم ایران کاملاً بی‌فایده و حتی زیانبار است و عدم شفافیت آن به رژیم اجازه می‌دهد تا هر توافقی را به عنوان «پیروزی» به مردم قالب کند، در حالی که در عمل، این توافقات تنها به نفع وابستگان حکومت و نهادهای رژیم است. این مذاکرات هیچگاه به مسائل اصلی مردم، مانند فقر، بیکاری، فساد، یا نقض حقوق بشر، توجهی نشان نداده‌اند و تمرکز رژیم بر حفظ قدرت خود و کسب مشروعیت بین‌المللی است. تاریخچه مذاکرات رژیم نشان می‌دهد که این فرآیندها تنها به تکرار یک چرخه معیوب منجر می‌شود. مذاکره، توافق و سپس بازگشت به سیاست‌های سرکوبگرانه.

اعتراضات سال‌های قبل نشان داد که رژیم در برابر اتحاد و همبستگی مردم شکننده است و تنها با فشار داخلی است که می‌توان آن را به عقب‌نشینی وادار کرد و یکی از درس‌های مهم این سال‌ها این است که مردم ایران نباید منتظر دخالت یا حمایت خارجی بمانند. جامعه جهانی، اسرائیل، آمریکا یا هر قدرت دیگری، در نهایت بر اساس منافع خود عمل می‌کنند، نه لزوماً بر اساس خواست و نیاز مردم ایران. تاریخ نشان داده که وابستگی به نیروهای خارجی، چه در قالب حمایت سیاسی، چه اقتصادی یا نظامی، اغلب به نتایج ناامیدکننده‌ای منجر شده است. مردم ایران باید با تکیه بر نیروی خود، مسیر مستقل‌شان را برای سرنگونی رژیم دنبال کنند. برای موفقیت در این مسیر، مردم ایران نیاز به رهبری واحد و منسجم دارند. شاهزاده رضا پهلوی به عنوان چهره‌ای که سال‌هاست

حمایت، با قوت و اراده‌ای مضاعف به مبارزه ادامه دهند. مذاکرات جمهوری اسلامی با غرب، به ویژه آمریکا، همواره به عنوان ابزاری برای بقای رژیم مورد استفاده قرار گرفته است. از مذاکرات هسته‌ای در دهه‌های گذشته تا گفتگوهای اخیر، رژیم نشان داده که هدفش از ورود به این مذاکرات، نه رفع مشکلات اقتصادی و اجتماعی مردم، بلکه کسب مشروعیت بین‌المللی، کاهش فشارهای خارجی و ایجاد فضایی برای سرکوب بیشتر در داخل است. هر بار که رژیم در مذاکرات به توافقی نزدیک شده یا حتی صرفاً فضای مذاکرات را «مثبت» توصیف کرده، واکنش فوری آن در داخل کشور تشدید کنترل‌های اجتماعی و سیاسی بوده است. بازگشت گشت ارشاد به خیابان‌ها غونه‌ای بارز از این رویکرد است. گشت ارشاد که به دلیل اعتراضات سراسری سال ۱۴۰۱ و خشم عمومی نسبت به سرکوب زنان تا حدی به حاشیه رانده شده و در ماه‌های گذشته جرات ابلاغ قانون حجاب هم از رژیم گرفته شده بود، اکنون آرام آرام در حال بازگشت به صحنه است. این اقدام نشان می‌دهد که رژیم با احساس کاهش فشارهای خارجی، فرصت را برای بازگرداندن ابزارهای سرکوب خود مغتنم شمرده است.

امضای تفاهمنامه میان وزارت آموزش و پرورش و نیروی انتظامی برای حضور نیروهای امنیتی در مدارس نیز اقدامی بی‌سابقه در نقض رسالت آموزشی و تربیتی این نهاد است. مدارس که باید فضایی امن برای یادگیری و رشد فکری دانش‌آموزان باشند، اکنون به پادگان‌هایی برای کنترل و سرکوب تبدیل می‌شوند. این اقدامات که به دنبال مذاکرات اخیر شدت گرفته‌اند، پیامی روشن دارند. رژیم از هر فرصتی برای تحکیم قدرت خود استفاده می‌کند و مذاکرات، به جای بهبود شرایط مردم، تنها به افزایش سرکوب منجر می‌شود. یکی از درس‌های تکراری تاریخ جمهوری اسلامی این است که این رژیم تنها در برابر فشار و ضعف عقب‌نشینی می‌کند. اعتراضات سراسری سال‌های ۹۶، ۹۸ و ۱۴۰۱ نشان داد که رژیم تنها زمانی حاضر به دادن امتیازات محدود یا کاهش موقت سرکوب است که با فشارهای داخلی و خارجی همزمان مواجه شود. این الگو بارها و بارها تکرار شده

● مذاکرات جمهوری اسلامی با غرب، به ویژه آمریکا، همواره به عنوان ابزاری برای بقای رژیم مورد استفاده قرار گرفته است. از مذاکرات هسته‌ای در دهه‌های گذشته تا گفتگوهای اخیر، رژیم نشان داده که هدفش از ورود به این مذاکرات، نه رفع مشکلات اقتصادی و اجتماعی مردم، بلکه کسب مشروعیت بین‌المللی، کاهش فشارهای خارجی و ایجاد فضایی برای سرکوب بیشتر در داخل است. ● اعتراضات سال‌های قبل نشان داد که رژیم در برابر اتحاد و همبستگی مردم شکننده است و تنها با فشار داخلی است که می‌توان آن را به عقب‌نشینی وادار کرد و یکی از درس‌های مهم این سال‌ها این است که مردم ایران نباید منتظر دخالت یا حمایت خارجی بمانند. جامعه جهانی، اسرائیل، آمریکا یا هر قدرت دیگری، در نهایت بر اساس منافع خود عمل می‌کنند، نه لزوماً بر اساس خواست و نیاز مردم ایران.

کامران کوشان - جمهوری اسلامی ایران بار دیگر با اقدامات سرکوبگرانه خود، در بازگشت گشت ارشاد به خیابان‌ها تا امنیتی کردن فضای مدارس از طریق تفاهمنامه با نیروی انتظامی، ثابت می‌کند که ذات و ماهیت‌اش تغییرناپذیر است.

مذاکرات اخیر با آمریکا نیز که هنوز به نتیجه مشخصی نرسیده و صرفاً با ادعای «مثبت» بودن از سوی رژیم همراه است، نه تنها امیدی برای بهبود شرایط مردم به همراه ندارد، بلکه به تشدید فشارهای داخلی منجر شده است.

این وضعیت بار دیگر این حقیقت را عیان می‌کند که هرگونه انتظار برای اصلاح رژیم یا بهبود اوضاع از طریق مذاکرات بین‌المللی، انتظاری عبث و گمراه‌کننده است. مردم ایران باید مسیر مستقل خود را برای سرنگونی رژیم دنبال کنند و بدون وابستگی به دخالت‌های خارجی و تحت رهبری واحد شاهزاده رضا پهلوی، به منزله ارتشی یکپارچه برای آزادی کشور عمل کنند. اگر جامعه جهانی، اسرائیل یا آمریکا اقدامی در راستای حمایت از جنبش مردمی انجام دادند، آن را فرصتی مغتنم بدانند، اما در صورت عدم

مارکو روبیو: اروپایی‌ها باید تصمیم مهمی درباره بازگرداندن تحریم‌های ایران بگیرند



مارکو روبیو وزیر خارجه ایالات متحده قبل از دیدار با ژان نوئل بارو همتای فرانسوی خود در پاریس / رویترز

می‌دهد [جمهوری اسلامی] نه تنها دیگر پایبند به تعهدات خود نیست، بلکه به طرزی خطرناک‌تر از همیشه به ساخت سلاح اتمی نزدیک و نزدیک‌تر شده است.»

روبیو افزود، تجربه دولت آمریکا حل مسئله از طریق راه حل مسالمت‌آمیز با [رژیم] ایران است، اما هرگز تولید سلاح هسته‌ای توسط آن را تحمل نخواهد کرد.

او همچنین درباره توافق احتمالی با جمهوری اسلامی گفت: «این توافق باید طوری باشد که نه تنها برای چند سال [موقت] جلوی اتمی شدن ایران را بگیرد بلکه همیشگی باشد.»

بعد از عقب‌نشینی علی خامنه‌ای و آغاز مذاکرات میان جمهوری اسلامی و آمریکا، محافلی از جناحین نظام وی را زیر فشار گذاشته‌اند تا با دولت ترامپ معامله کند. از جمله سعید حجاریان چهره امنیتی رژیم و کارمند سابق وزارت اطلاعات در مصاحبه با خبرآنلاین گفته «با مذاکرات باید فعالانه برخورد کرد. دلیلی برای نفی مذاکره همه‌جانبه و مستقیم وجود ندارد. اگر در مذاکره فعالانه برخورد شود، اولاً ایده مذاکره تحمیلی و طراحی‌شده شکست می‌خورد و ثانیاً، ایران می‌تواند از وضعیت انفعال خارج شود.»

تأکید مارکو روبیو وزیر خارجه دولت ترامپ به ضرورت بازگرداندن تحریم‌های جمهوری اسلامی و فعال کردن مکانیسم ماشه می‌تواند از علائم پایین بودن احتمال توافقی باشد که مورد نظر آمریکاست. در همین ارتباط عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی که برای گفتگو با ولادیمیر پوتین به روسیه رفته، گفته است، «از سمت آمریکا پیام‌های متناقض و متضاد می‌شنویم.»

● در آستانه برگزاری دومین گفتگوی نمایندگان آمریکا و جمهوری اسلامی، مارکو روبیو وزیر خارجه ایالات متحده اروپا را به فعال ساختن «مکانیسم ماشه» ترغیب کرد.

● روبیو جمعه ۲۹ فروردین‌ماه در مصاحبه با خبرنگاران گفت: «جمهوری اسلامی به تعهدات هسته‌ای خود عمل نکرده است» و «زمان آن فرارسیده که فرانسه، آلمان و انگلیس درباره پرونده اتمی [رژیم] ایران و بازگرداندن تحریم‌ها تصمیم مهمی بگیرند.»

● او پس از دیدار با رهبران اروپایی در پاریس گفت: «اروپایی‌ها باید این تصمیم را بگیرند، زیرا معتقدم همه ما باید پیش‌بینی کنیم که آنها اطلاعاتی را از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی دریافت کرده‌اند که نشان می‌دهد [جمهوری اسلامی] نه تنها دیگر پایبند به تعهدات خود نیست، بلکه به طرزی خطرناک‌تر از همیشه به ساخت سلاح اتمی نزدیک و نزدیک‌تر شده است.»

در آستانه برگزاری دومین گفتگوی نمایندگان آمریکا و جمهوری اسلامی، مارکو روبیو وزیر خارجه ایالات متحده اروپا را به فعال ساختن «مکانیسم ماشه» ترغیب کرد.

روبیو جمعه ۲۹ فروردین‌ماه در مصاحبه با خبرنگاران گفت: «جمهوری اسلامی به تعهدات هسته‌ای خود عمل نکرده» و «زمان آن فرارسیده که فرانسه، آلمان و انگلیس درباره پرونده اتمی [رژیم] ایران و بازگرداندن تحریم‌ها تصمیم مهمی بگیرند.»

او پس از دیدار با رهبران اروپایی در پاریس گفت: «اروپایی‌ها باید این تصمیم را بگیرند، زیرا معتقدم همه ما باید پیش‌بینی کنیم که آنها اطلاعاتی را از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی دریافت کرده‌اند که نشان

→ برای اتحاد و آزادی ایران تلاش می‌کند، حال در حال ایفای این نقش تاریخی است. ایشان بارها تأکید کرده‌اند که جامعه ایران باید به منزله ارتشی یکپارچه برای آزادی کشور عمل کند. سخنان شاهزاده رضا پهلوی، که بر اتحاد، سازماندهی و مبارزه هماهنگ تأکید دارد، راهنمایی روشن برای مردم ایران است. تحت رهبری ایشان، مردم می‌توانند از پراکندگی خارج شده و به نیرویی متحد و قدرتمند تبدیل شوند که رژیم را به سوی سرنگونی برد. شاهزاده رضا پهلوی با دعوت به همبستگی و تأکید بر اینکه هر ایرانی باید خود را سربازی برای آزادی میهن بداند، نقشه راهی ارائه داده‌اند که می‌تواند به سرنگونی رژیم و برقراری دموکراسی منجر شود.

اگرچه مردم ایران باید مسیر خود را به صورت مستقل پیش ببرند، این به این معنا نیست که اقدامات جامعه جهانی یا کشورهایمانند اسرائیل و آمریکا بی‌اهمیت است. اگر این بازیگران به هر دلیلی، چه به خاطر منافع خود یا فشار افکار عمومی جهانی، اقدامی انجام دهند که به جنبش مردمی ایران کمک کند، این می‌تواند به عنوان فرصتی مغتنم مورد استفاده قرار گیرد. برای مثال، تحریم‌های هدفمند علیه مقامات رژیم، افشای فساد مالی سران حکومت، یا حمایت رسانه‌ای از اعتراضات مردمی می‌تواند به تقویت جنبش کمک کند. در صورتی که رژیم به دلیل فشارهای خارجی تضعیف شود، این می‌تواند فضایی برای مانور بیشتر مردم در داخل کشور فراهم کند. با این حال، این اقدامات نباید به محور اصلی مبارزه مردم تبدیل شود. وابستگی به حمایت خارجی می‌تواند جنبش را شکننده کند و رژیم را در موضع تبلیغاتی قوی‌تری قرار دهد، که ادعا کند اعتراضات «توطئه خارجی» است. مردم ایران باید با هوشیاری، از هر فرصتی که اقدامات خارجی فراهم می‌کند استفاده کنند، اما هرگز اجازه ندهند که این اقدامات مسیر مستقل آنها را در حاشیه قرار دهد.

اگر جامعه جهانی، اسرائیل یا آمریکا هیچ اقدامی در راستای حمایت از جنبش مردمی انجام ندادند، این نباید به هیچ وجه به معنای ناامیدی یا ضعف باشد. زنان، جوانان، کارگران، معلمان و اقشار مختلف جامعه با شعارهایی که الترناتیو آنها برای جایگزینی رژیم را نشان داده و نام بردن صریح از شاهزاده رضا پهلوی در تجمعات خود از جمله تجمعات نوروزی اثبات کردند که می‌توانند بدون نیاز به دخالت خارجی، رژیم را به چالش بکشند و به سمت سقوط هدایت کنند. در چنین شرایطی، مردم ایران باید با قوت و اراده‌ای مضاعف به مبارزه ادامه دهند. ناامیدی در برابر عدم حمایت خارجی، دقیقاً همان چیزی است که رژیم به دنبال آن است. رژیم با تبلیغات خود سعی می‌کند مردم را متقاعد کند که بدون حمایت خارجی، هیچ شانس برای موفقیت ندارند اما تاریخ مبارزات مردمی در جهان نشان داده که بسیاری از انقلاب‌ها و تغییرات بزرگ، مانند انقلاب‌های اروپای شرقی یا جنبش‌های استقلال در کشورهای مختلف، با تکیه بر نیروی داخلی و بدون دخالت مستقیم خارجی به پیروزی رسیده‌اند.

تاریخ نشان داده که نیروی واقعی تغییر در دستان مردم است، و با اتحاد، سازماندهی و مبارزه بی‌امان، پیروزی ممکن است. آینده ایران در گرو اراده و شجاعت مردمی است که دیگر حاضر به پذیرش ستم و سرکوب نیستند. اما در این میان این بروز رویکرد سرکوبگر یک پیام هم برای طرفین خارجی دارد و آن اینکه باید متوجه باشند به همین شکل که به محض چراغ سبزی از خارج سرکوب داخل از سرگرفته می‌شود، به محض توافق و دسترسی به منابع مالی نیز تعهداتی که آنها به آن دلخوشند زیر پا گذاشته خواهد شد.

جمهوری پنجم: بازخوانی پروژه‌های جمهوری سازی وارداتی در ایران



آریا چَمروش - در یک قرن اخیر، ایران دست‌کم پنج تجربه‌ی سیاسی برای استقرار جمهوری پشت سر گذاشته است: جمهوری گیلان به رهبری میرزا کوچک‌خان، جمهوری مهاباد، جمهوری آذربایجان، پروژه‌ی ناکام افسران حزب توده، و نهایتاً جمهوری اسلامی. این نوشتار، با تمرکز بر جمهوری اسلامی به عنوان پنجمین و آخرین تلاش جمهوری سازی در ایران، نشان می‌دهد که چگونه همه‌ی این جمهوری‌ها، با تکیه بر گفتمان‌های وارداتی، وابستگی به قدرت‌های بیگانه، و نگاه ابزاری به دین، قومیت و طبقه اجتماعی، در تقابل با ساختار دولت-ملت ایرانی به شکست انجامیده‌اند.

در همین چارچوب، ابداع اصطلاح «جمهوری سوم» در قالب طرحی برای بازنگری مجدد قانون اساسی از سوی استعمارطلبان، که ایجاد جمهوری اسلامی ۲۲ بهمن را جمهوری اول، و بازنگری قانون اساسی ۱۳۶۸ را جمهوری دوم می‌خوانند، تلاشی است برای بزرگ و نجات جمهوری اسلامی در لباسی فریبنده. اما آنچه امروز با آن مواجهیم، نه جمهوری سوم، بلکه همان جمهوری پنجم است، ادامه‌ی همان الگویی که تاریخ و ملت ایران بارها و بارها آن را طرد کرده‌اند.

نخستین جمهوری در ایران، جمهوری شوروی سوسیالیستی گیلان، در خرداد ۱۲۹۹ با حمایت ارتش سرخ شوروی و ائتلاف میان جنگلی‌ها و حزب عدالت اعلام شد. این جمهوری، با سلطه‌ی کمونیست‌ها و اجرای سیاست‌هایی چون الغای مالکیت خصوصی، سرکوب، و بی‌اعتنایی به سنت‌های ایرانی، به سرعت از جامعه فاصله گرفت و با عقب‌نشینی شوروی، در تابستان ۱۳۰۰ توسط نیروهای دولتی به فرماندهی رضاخان (پهلوی اول) فروپاشید.

در اواخر ۱۳۲۴، جمهوری مهاباد به رهبری قاضی محمد و با پشتیبانی نظامی شوروی اعلام شد. همزمان، جمهوری خودمختار آذربایجان نیز با هدایت پیشه‌وری و فرقه دموکرات، و حمایت حزب توده و شوروی، موجودیت یافت. هر دو پروژه، با الگوبرداری از مدل شوروی و تلاش برای پیاده‌سازی ساختارهای قومی، ایدئولوژیک، در تضاد کامل با تمامیت ارضی و ساختار ملی ایران بودند. با خروج ارتش سرخ و ورود ارتش شاهنشاهی، این دو جمهوری در زمستان ۱۳۲۵ به پایان رسیدند.

در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۲، حزب توده با سازماندهی شبکه‌ای از افسران ارتش و راه‌اندازی کارگاه‌های مخفی تولید تسلیحات، آمادگی براندازی نظام پادشاهی بود. تنها در یک انبار، بیش از ۱۲ هزار نارنجک، ۹۰۰ بمب آتش‌زا و ۳ هزار میخ پنج‌پر برای نبردهای خیابانی آماده شده بود. لطفعلی مظفری افسر توده‌ای، فرمانده ساخت نارنجک‌ها، دوم اردیبهشت ۱۳۳۲ در جریان آزمایش نارنجک‌های تولیدی، یک چشم و یک دست خود را از دست داد. در مرداد ۱۳۳۲، همزمان با حمایت علنی حسین فاطمی از حذف پادشاهی و تحریک به پایین کشیدن مجسمه‌ها، حزب توده آمادگی اقدام بود. اما با قیام ملی ۲۸ مرداد و بازگشت شاهنشاه به کشور، این پروژه نیز پیش از اجرا در هم شکست و بار دیگر، جمهوریخواهی وابسته در پوشش نهضت ملی، ناکام ماند.

جمهوری اسلامی به عنوان جمهوری پنجم، در بهمن ۱۳۵۷ با ترکیب نیروهای مذهبی، چپ‌گرا، ضدپادشاهی و غرب‌ستیز،

چرا ملی‌گرایی اهمیت دارد و چگونه می‌تواند راه گذار از شرایط کنونی ایران باشد؟

● از زمان جنبش مشروطه، مفهومی نو از ملی‌گرایی متولد شد که بر پایه‌ی خردگرایی، بازنگری تاریخی، زبان مشترک و ارزش‌های فرهنگی واجتماعی ایران بنا گشت. این ناسیونالیسم برخلاف الگوهای قوم‌محور، تلاش می‌کرد تا ملت را نه بر اساس خون یا نژاد، بلکه بر پایه‌ی «خاطره‌ی فرهنگی مشترک»، «آگاهی مدنی» و «بازتعریف قانون‌مند شهروندی» معنا کند. در این رویکرد، ملت نه مجموعه‌ای از افراد هم‌خون، بلکه جامعه‌ای از انسان‌هایی تعریف می‌شود که با زبان، حافظه تاریخی، ادبیات، اخلاق اجتماعی، و تجربه‌ی سیاسی مشترک به یکدیگر پیوند خورده‌اند.

● ملی‌گرایی مورد نظر، نه از نوع افراطی یا تهاجمی است، بلکه بر اساس فهم عمیق از تاریخ و هویت فرهنگی بنا شده است. این نوع ملی‌گرایی به دنبال حذف دیگران یا دشمنی با جهان نیست، بلکه هدفش بازیابی مفهوم شهروندی، تقویت وحدت ملی، گسترش آموزش فراگیر، عدالت اجتماعی و برقراری دموکراسی است.

● در جامعه‌ای که تکه‌تکه شده و همبستگی خود را از دست داده، بازگشت به ملی‌گرایی فرهنگی یعنی بازسازی رشته‌های پاره‌شده‌ی اعتماد عمومی و خاطره‌ی مشترک ملی. ایرانی که بدون هویت ملی، تعریف ملت را از دست داده و منافع شخصی را بر منافع جمعی ترجیح می‌دهد، نیاز دارد تا بار دیگر از نو «ملت» شود؛ نه فقط در معنا، بلکه در تجربه‌ای که آن را زیسته است.

دکتر مهدی میرسعیدی - ایران امروز با یکی از جدی‌ترین بحران‌های تاریخ معاصر خود روبروست؛ بحرانی چندلایه که هویت، سیاست و ساختار اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده است. در چنین وضعیتی، ملی‌گرایی به عنوان یک راهبرد فکری و اجتماعی می‌تواند نقشی تعیین‌کننده در گذار از بحران و ایجاد چشم‌اندازی روشن برای آینده ایران ایفا کند.

ملی‌گرایی در ایران ریشه‌ای عمیق و تاریخی دارد. از زمان جنبش مشروطه، مفهومی نو از ملی‌گرایی متولد شد که بر پایه‌ی خردگرایی، بازنگری تاریخی، زبان مشترک و ارزش‌های فرهنگی واجتماعی ایران بنا گشت. این ناسیونالیسم برخلاف الگوهای قوم‌محور، تلاش می‌کرد تا ملت را نه بر اساس خون یا نژاد، بلکه بر پایه‌ی «خاطره‌ی فرهنگی مشترک»، «آگاهی مدنی» و «بازتعریف قانون‌مند شهروندی» معنا کند. در این رویکرد، ملت نه مجموعه‌ای از افراد هم‌خون، بلکه جامعه‌ای از انسان‌هایی تعریف می‌شود که با زبان، حافظه تاریخی، ادبیات، اخلاق اجتماعی، و تجربه‌ی سیاسی مشترک به یکدیگر پیوند خورده‌اند. این نوع از ملی‌گرایی، بجای آنکه از گذشته برای برتری‌طلبی بهره بگیرد، از آن برای ساختن آینده استفاده می‌کند؛ آینده‌ای مبتنی بر شهروندی فعال، آموزش عمومی و همچنین عدالت مدنی.

این بازتعریف از ملت، افقی تازه پیش روی جامعه

و در فضای تبلیغاتی شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» به قدرت رسید. برخلاف روایت رسمی، این تحول نه ناشی از فروپاشی نظام پادشاهی، بلکه محصول شکاف میان روند پرشتاب مدرنیزاسیون دوران پهلوی و موانع سنتی، مذهبی و فرهنگی بود که مانع از نهادینه‌شدن مدرنیته اجتماعی شدند. این جمهوری، برخلاف ادعای مردم‌سالاری، با بازنگری قانون اساسی در ۱۳۶۸ و تمرکز قدرت در نهاد ولایت فقیه، بطور کامل از جمهوریت تهی شد و ساختاری ایدئولوژیک، اقتدارگرا و غیرپاسخگو را نهادینه کرد که در دهه‌های بعد، نماد بحران، فساد و ناکارآمدی گردید.

در تمام این جمهوری‌ها، یک الگوی تکرارشونده وجود دارد: وابستگی به شوروی/ شرق، ضد پادشاهی و غرب‌ستیزی با بهره‌گیری ابزاری از شعار عدالت، آزادی، قومیت یا مذهب برای کسب قدرت، و سپس تقابل آشکار با اراده‌ی تاریخی ملت ایران برای ثبات، توسعه، قانون و میهن‌پرستی. امروز نیز، برخی جریان‌های استعمارطلب از درون همین نظام، با طرح «جمهوری سوم» در پی نجات ساختار شکست‌خورده‌ای هستند که سال‌هاست مشروعیت مردمی، اخلاقی و کارکردی خود را از دست داده است.

آینده ایران نه از مسیر این تجربه‌های شکست‌خورده، بلکه از راه بازگشت به نظم ملی، مشروع و پایدار رقم خواهد خورد. این چشم‌انداز، در اندیشه‌های سیستم‌محور شهریار ایران، شاهزاده رضا پهلوی، متبلور است؛ اندیشه‌ای برخاسته از فرهنگ سترگ ایرانی، با نگاهی خردمحور، توسعه‌گرا و مدرن به فردای ایران آباد. ادامه مسیر تمدن بزرگ، نه در تکرار جمهوری‌های مصنوعی، بلکه در بازآفرینی هویت ملی بر بنیاد قانون، آزادی، خرد و پادشاهی ایرانی ممکن خواهد شد.

چهار جمهوری از پنج جمهوری بی‌ریشه و وارداتی تاریخ معاصر ایران، به دست شاهان پهلوی برچیده شدند؛ پنجمین نیز از این سرنوشت گریزی نخواهد داشت.

منابع پیشنهادی:

*مجموعه سخنرانی‌ها و مواضع شاهزاده رضا پهلوی (۱۹۸۰-۲۰۲۵)

*مارک گازیوروسکی، US Foreign Policy and the Shah
*مجله مهر، ش. ۲۶۴، سال ۱۳۳۳ (گزارش لطفعلی مظفری افسر توده‌ای)

*Raymond Hinnebusch, The Foreign Policies of Middle East States

شده است. این نوع ملی‌گرایی به دنبال حذف دیگران یا دشمنی با جهان نیست، بلکه هدفش بازیابی مفهوم شهروندی، تقویت وحدت ملی، گسترش آموزش فراگیر، عدالت اجتماعی و برقراری دموکراسی است.

تجربه کشورهای اروپایی نشان داده است که ملی‌گرایی فرهنگی و خردمندانه می‌تواند به‌عنوان ابزاری قدرتمند برای حفظ انسجام اجتماعی و سیاسی عمل کند. کشورهایی مانند فرانسه، آلمان، ایتالیا و بریتانیا با تکیه بر ناسیونالیسمی که ارزش‌های مدنی و فرهنگی را در اولویت قرار می‌دهد، توانسته‌اند بحران‌های تاریخی و هویتی خود را پشت سر بگذارند و به ثبات و پیشرفت دست یابند.



در ایران نیز با بازگشت به چنین رویکردی می‌توان بار دیگر جامعه‌ای متحد و منسجم ساخت. تأکید بر زبان فارسی به عنوان ستون فکری هویت ایرانی، احیای نهادهای فرهنگی و آموزشی مدرن که تفکر انتقادی و عقل‌گرایی را ترویج دهند، بازسازی نظام حقوقی مبتنی بر اصول انسانی و عدالت، و بازگشت به خوانش علمی، مستند و افتخارآفرین از تاریخ ایران، گام‌هایی کلیدی در این مسیر است. در جامعه‌ای که تکه‌تکه شده و همبستگی خود را از دست داده، بازگشت به ملی‌گرایی فرهنگی یعنی بازسازی رشته‌های پاره‌شده‌ی اعتماد عمومی و خاطره‌ی مشترک ملی. ایرانی که بدون هویت ملی، تعریف ملت را از دست داده و منافع شخصی را بر منافع جمعی ترجیح می‌دهد، نیاز دارد تا بار دیگر از نو «ملت» شود؛ نه فقط در معنا، بلکه در تجربه‌ای که آن را زیسته است. و این تنها با احیای ناسیونالیسم فرهنگی، بومی، عقل‌محور و مردم‌پایه ممکن است.

به همین دلیل معتقدم که ملی‌گرایی یک ضرورت تاریخی و اجتماعی برای ایران است. شاید اکنون بیش از هر زمان دیگری، وقت آن رسیده باشد که ایرانیان این مفهوم را به مثابه راهکاری روشن و عملی برای عبور از بحران‌ها و ایجاد آینده‌ای آزاد و دموکراتیک بپذیرند. ملی‌گرایی فرهنگی و عقلانی می‌تواند و باید بار دیگر، چراغ راه آینده‌ی ایران باشد همانگونه که در دوران درخشان شاهان پهلوی بوده است.

*دکتر مهدی میرسعیدی استاد و پژوهشگر دانشگاه فلوریدا

ملی‌گرایی و ملت‌سازی در قالب پروژه‌های مدرن‌سازی، نوسازی فرهنگی و اجتماعی بود. این دوران که با حمایت‌های فرهنگی بزرگانی چون دکتر شجاع‌الدین شفا و دکتر محمود جعفریان همراه بود، تلاش داشت تا ایران را به جایگاه یک کشور مدرن و آگاه برساند؛ ناسیونالیسمی که در دوره پادشاهان پهلوی دنبال می‌شد بر پایه‌ی زبان فارسی، تاریخ مشترک، آموزش فراگیر و تأکید بر عقلانیت بنا شده بود.

با سقوط سلطنت پهلوی و استقرار جمهوری اسلامی در سال ۱۳۵۷، این پروژه‌ی ملی‌گرایانه با مانع بزرگی مواجه شد. نظام جدید با شعارهای ایدئولوژیک و مذهبی، هویت ملی

و ایرانی را به چالش کشید و تلاش کرد با تعریف جدیدی از هویت، مبتنی بر ایدئولوژی مذهبی فراملی، مفهوم ملی‌گرایی را به حاشیه براند. همزمان، برخی روشنفکران و نویسندگان نیز، چه آگاهانه و چه ناآگاهانه، به نقد تند ملی‌گرایی ایرانی پرداختند و آن را ایده‌ای ارتجاعی و زیانبار معرفی کردند. در میان این افراد می‌توان به چهره‌هایی چون احمد شاملو و غلامحسین ساعدی اشاره کرد. شاملو با گرایشی انسان‌گرایانه و جهانی، اسطوره‌های ملی را ابزار قدرت سیاسی می‌دانست و به شدت با روایت رسمی از تاریخ ایران باستان مخالفت می‌کرد. ساعدی نیز در آثار نمایشی و داستانی‌اش، بیشتر بر رنج انسان ایرانی تمرکز داشت تا بر ستایش گذشته. هرچند هر دو دغدغه‌ی رهایی، آزادی و عدالت داشتند، اما بی‌اعتمادی آنها به روایت‌های ملی باعث شد که در عمل، در تقابل با جریان ناسیونالیسم فرهنگی و تاریخی ایران قرار گیرند و ناخواسته به گسست بیشتر میان مردم و ریشه‌های تاریخی‌شان دامن بزنند.

اکنون، بیش از چهار دهه پس از این تحولات، ایران درگیر یک بحران عمیق هویتی است. نفوذ ایدئولوژی‌های فراملی مذهبی از یکسو و دخالت‌های خارجی کشورهای مانند روسیه و چین برای اشاعه ایدئولوژی جهانی شدن مارکسیستی از سوی دیگر، هویت و وحدت ملی ایرانیان را تهدید کرده است. در چنین وضعیتی، احیای ملی‌گرایی فرهنگی و عقلانی ایرانی می‌تواند راهی حیاتی برای گذار از بحران باشد.

ملی‌گرایی مورد نظر، نه از نوع افراطی یا تهاجمی است، بلکه بر اساس فهم عمیق از تاریخ و هویت فرهنگی بنا

→ ایرانی گشود. برای نخستین بار، ایرانی بودن بجای تبار، بر مدار فرهنگ و آگاهی تعریف شد. ایرانی، آن کسی بود که به زبان فارسی اندیشید، در حافظه‌ی شاهنامه و بیهقی نفس کشید، و در آرزوی قانونمداری و برابری حقوقی سهمیم بود. این ناسیونالیسم فرهنگی، درواقع تلاشی بود برای پیوند زدن گذشته با اکنون، و ساختن ملتی که نه تنها با خاک، بلکه با فکر، اخلاق، و تجربه‌ی تاریخی مشترک معنا می‌یابد. در این مسیر، روشنفکران بزرگی چون محمدعلی فروغی، حسن تقی‌زاده، احمد کسروی، محمد قزوینی و حسن پیرنیا، هر یک با ابزارهای متفاوت اما هدفی واحد به میدان آمدند.

فروغی با نثر وزین و دیدگاه فلسفی‌اش، ایران را نه فقط به عنوان یک ملت، بلکه به عنوان یک سنت فکری معرفی کرد؛ سنتی که با اندیشه‌ی یونانی، ایران باستان و مدرن درآمیخته بود. تقی‌زاده در مسیر پرنوسان خود، ابتدا بر تمام‌فرنگی شدن تأکید کرد، اما در سال‌های پختگی، به ترکیب عقل مدرن با ریشه‌ی تاریخی ایرانیان رسید و بر آموزش، زبان و تمدن تأکید گذاشت. احمد کسروی، ملی‌گرایی را مسئولیت‌پذیری اخلاقی می‌دانست و آن را در قالب پاکسازی فرهنگی، بازگشت به عقلانیت، و رهایی از خرافات دینی تعریف می‌کرد. محمد قزوینی، با روشی آرام اما ژرف، ملی‌گرایی را در احیای دقیق تاریخ، تصحیح متون کلاسیک و زبان علمی و پاکیزه می‌جست. و حسن پیرنیا، با نگارش «تاریخ ایران باستان»، تلاشی هوشمندانه برای بازآفرینی گذشته‌ی پرافتخار ایران از دل منابع مستند و تحلیلی انجام داد تا روح ملت را از دل تاریخ بیدار کند.

این اندیشه‌ی نوپا از دل ضرورت تاریخی برخاسته بود؛ ضرورتی برای بازیابی اعتماد به نفس ملی در جهانی که عقب‌ماندگی، سلطه‌ی بیگانگان و خودفراموشی، آینده‌ی ایران را تهدید می‌کرد. این ملی‌گرایی تنها یک واکنش به اوضاع آن زمان نبود بلکه یک پروژه‌ی ایجابی بود برای ساختن ملت از درون؛ با قلم، با اندیشه، و با آموزش. مفهومی که در دل همین آگاهی تاریخی و ریشه‌های مشترک فرهنگی ایرانیان شکل گرفت و به تدریج به یکی از محکم‌ترین ستون‌های هویت نوین ایرانی تبدیل شد.

دوران حکومت دو پادشاه پهلوی شاهد گسترش وسیع

تحریف واژه‌ی سلطنت به جنبش پادشاهی آسیب می‌رساند



وقتی آن را از زبان کسانی که ادعای مشروطه‌خواهی دارند نمی‌شنوند، می‌فهمند که با یک گفتمان شفاف و صادق روبرو نیستند.

در این میان، رسانه‌های فارسی‌زبان نیز نقش مهمی در تحریف این کلمات ایفا کرده‌اند. بی‌بی‌سی فارسی، ایران‌اینترنشنال و دیگر رسانه‌های پرمخاطب، آگاهانه از واژه‌ی سلطنت‌طلب استفاده نمی‌کنند یا آن را در کنار تصاویر منفی به کار می‌برند. این حذف زبانی، حذف یک تاریخ و مهمتر از آن، حذف یک الگوی کاربردی و مفید سیاسی است که می‌تواند تمام مشکلات ما را حل کند.

سکوت در برابر تحریف واژه‌ی سلطنت، در بهترین حالت نشانه‌ی کم‌اطلاعی یا سیاسی‌کاری است، و در بدترین حالت دروغ‌گویی آشکار. نمی‌شود در عین حال به قانون اساسی مشروطه استناد کرد، اما واژه‌ی مرکزی آن را کنار گذاشت. این نه فقط گمراه‌کننده، بلکه آسیب‌زننده به اعتبار پادشاهی‌خواهان، هم در داخل کشور، و هم در سطح بین‌المللی است.

در تاریخ ۱۹ فروردین ۱۴۰۴، مقاله‌ای به قلم فعال پادشاهی‌خواه، آقای نیما سعیدی در وبسایت کیهان لندن منتشر شد با عنوان «سلطنت‌طلبی یا پادشاهی‌خواهی؟». نویسنده در این مقاله تلاش می‌کند میان دو واژه سلطنت‌طلب و پادشاهی‌خواه تمایز قائل شود و یکی را با بار منفی معرفی کند و دیگری را به عنوان نسخه‌ی متمدن جا بزند. اما آنچه در واقع رخ می‌دهد، نه یک تمایز مفهومی یا فلسفی، بلکه یک تحریف آشکار زبانی است.

اقای سعیدی به صراحت می‌نویسند: «ما نه سلطنت می‌خواهیم، نه تقدیس فرد. آنچه ما می‌طلبیم، همان است که مشروطه‌خواهان صد سال پیش فریاد زدند: پادشاه در سایه‌ی قانون، کشور در مسیر عقل، و ملت در مرکز حاکمیت.» این جمله، فارغ از لحن روشنفکرانه و دموکراتیک، عملاً واژه‌ی سلطنت را از میدان گفتمان مشروطه‌خواهی بیرون می‌اندازد و آن را به پدیده‌ای غیردموکراتیک تقلیل می‌دهد.

مشکل مهم این ادعا این است که سلطنت دقیقاً ←

که با زبان آغاز می‌شوند و به سیاست ختم می‌شوند، دفاع خواهیم کرد.

سلطنت در قانون اساسی مشروطه‌ی ایران، واژه‌ای است دقیق، حقوقی، و تعریف‌شده. اصل بیستم متمم قانون اساسی تصریح می‌کند که سلطنت موهبتی الهی است که به شخص پادشاه واگذار می‌شود، اما پادشاه باید در حدود قانون اساسی سلطنت کند. این یعنی پادشاهی در ایران، از همان آغاز مشروطه، اصلاً در تقابل با استبداد مطلق تعریف شده است. اگر کسی دوست ندارد واژه‌ی «الهی» در این جمله باشد، ایراد از اصل نیست، این قانون، به‌ویژه متمم آن، امروز نیاز به اصلاحاتی بنیادین دارد، اما حذف واژگان مرکزی، راه اصلاح نیست.

در کنار این، نباید فراموش کرد که قانون اساسی مشروطه به دنبال ایجاد توازن قوا بود، و بسیاری از اصول مهم آن، مثل استقلال قوه قضائیه، پاسخگویی وزرا، و محدود بودن قدرت پادشاه، پیشرو بودند و هستند. این قانون را نمایندگان مردم ایران با فکر و تجربه نوشتند؛ و این قانون حاصل یک تجربه‌ی ملی بوده است، نه تحمیل بیگانگان. اساساً ایرانی، مردم‌سالاری را از راه مشروطه می‌شناسد، نه از راه قانون اساسی آمریکا یا هر جای دیگر.

در هیچ جای قانون اساسی مشروطه، پادشاهی‌خواهی یا اصطلاح پادشاهی دموکرات وجود ندارد. این ترکیب‌ها حاصل دغدغه‌های زبانی نسل امروز است که تحت فشار تبلیغات جمهوریخواهانه، بجای دفاع از میراث مشروطه، در حال بازنویسی آن هستند. بدتر از همه، این حذف آگاهانه باعث ایجاد سوء تفاهم در میان ناظران خارجی و حتی خود مردم ایران می‌شود.

وقتی فعالان سیاسی ما، که خود را مشروطه‌خواه می‌دانند، از به کار بردن واژه‌ی سلطنت پرهیز می‌کنند، این پیام را منتقل می‌کنند که یا از گذشته‌ی خود شرم دارند، یا قصد دارند معنای واقعی گفتمان خود را پنهان کنند. و سیاستمداران غربی، که با تاریخ و ساختار حکومت‌ها آشنا هستند، این دوگانگی را به خوبی تشخیص می‌دهند. آنها می‌دانند که مشروطه‌ی سلطنتی دقیقاً به چه معناست، و

فرخ نیک‌مرام - در سال‌های اخیر، برخی فعالان سیاسی در لباس پادشاهی‌خواهی کوشیده‌اند واژه‌ی سلطنت را کنار بگذارند و جای آن را با عباراتی مثل پادشاهی یا مشروطه پر کنند. این تغییر ظاهراً از سر احتیاط زبانی است، اما در عمل، تصویری تحریف‌شده از واقعیت تاریخی و سیاسی ایران ارائه می‌دهد. واژه‌ها فقط ابزار بیان نیستند؛ آنها حامل معنا، حافظه، و هویت‌اند. وقتی واژه‌ای مانند «سلطنت» که در قانون اساسی مشروطه آمده و معنای حقوقی مشخصی دارد، عمداً حذف می‌شود، این حذف نه بی‌طرفانه است، نه بی‌خطر.

بی‌توجهی به معانی واژگان، ما را در همین مسیری نگه می‌دارد که جمهوریخواهان با مهارت ما را در آن قرار داده‌اند. مسیری که در آن، سلطنت را معادل دیکتاتوری جا زده‌اند و جمهوری را بی‌دلیل با دموکراسی یکی دانسته‌اند. این در حالیست که سلطنت می‌تواند مشروطه، انتخابی و در چارچوب قانون باشد، چنانکه در اکثر کشورهای سلطنتی چون بریتانیا، سوئد و ژاپن نیز هست. در مقابل، جمهوری معمولاً استبدادی، فاسد و خون‌ریز از آب در می‌آید، مثل اکثر جمهوری‌های دنیا، از جمله جمهوری‌هایی که در ایران، سوریه، چین، روسیه، ونزوئلا، کوبا و سر تا سر آفریقا، اروپای شرقی، آمریکای جنوبی و آسیا دیده‌ایم. اساساً این واقعیت انگار دیده نمی‌شود که «جمهوری دموکراتیک» نوع بسیاری کمیابی از جمهوریت است. امروز از ۱۵۹ کشور جمهوری که داریم، حدود ۱۲۵ کشور دموکراتیک نیستند. وضع حقوق بشر و به‌خصوص آزادی انتخاب سیاسی در بیش از دو سوم جمهوری‌ها فقط بد نیست، بلکه بحرانیست! تقریباً تمام این جمهوری‌ها در سیاست داخلی خود آدم‌ها را به جرم مخالفت سیاسی اعدام می‌کنند.

در مقابل در نظام‌های سلطنتی دنیا، ۲۲ کشور دموکراتیک اداره می‌شوند و در مقابل تنها ۱۴ کشور پادشاهی داریم که در آنها پادشاهی یا سلطنت مطلقه است.

ما در این مقاله، بجای گریز از واژه‌ها، از سلطنت به عنوان مفهومی قانونی، تاریخی و مشروع، و در برابر تحریف‌هایی

اهمیت نقش نسل دوم ایرانیان برون مرز در جهانی سازی انقلاب ملی



● نسل دومی های ایرانی در خارج از کشور، برخلاف نسل اول که اغلب درگیر تثبیت موقعیت شغلی و اجتماعی بودند، در دل نظام های آموزشی، فرهنگی و رسانه ای کشورهای میزبان رشد کرده اند. این نسل، درک عمیقی از دو جهان دارد: از سویی با درد و رنج مردم ایران همدلی می کند و از سوی دیگر، زبان و گفتن جوامع غربی را برای بیان این درد به خوبی می داند.

● در عصر دیجیتال، رسانه های اجتماعی به بستر اصلی مبارزه بدل شده اند. نسل دومی های ایرانی با تسلط کامل بر پلتفرم هایی چون اینستاگرام، توئیتر، تیک تاک و یوتیوب، به انتشار روایت های حقیقی از ایران می پردازند و تصویری زنده، انسانی و دردناک از واقعیت های کشور را ارائه می دهند.

● نسل دوم ایرانیان برون مرز، به دلیل موقعیت منحصر به فردشان، می توانند در جهانی سازی صدای انقلاب ملی ایران نقش آفرین باشند. این نسل می تواند رسانه، هنر، ورزش و دانش را به خدمت مقاومت مردم ایران درآورد.

بابک سینا - انقلاب ها در تاریخ بشر، زمانی به ثمر نشسته اند که از مرزهای جغرافیایی فراتر رفته و به یک خواست مشترک انسانی بدل گشته اند. در این میان، نسل دوم ایرانیان در تبعید، به واسطه جایگاه منحصربه فرد فرهنگی، زبانی و اجتماعی خود، می توانند نقشی اساسی در جهانی سازی انقلاب ملی ایران ایفا کنند. آنان پل ارتباطی میان ملت ایران و وجدان جهانی اند؛ نسلی که نه تنها با ارزش های بومی آشناست، بلکه زبان و فرهنگ کشورهای میزبان خود را نیز به خوبی می شناسد.

نسل دوم؛ سفیران ملت ایران در مسیر آزادی

نسل دومی های ایرانی در خارج از کشور، برخلاف نسل اول که اغلب درگیر تثبیت موقعیت شغلی و اجتماعی بودند، در دل نظام های آموزشی، فرهنگی و رسانه ای کشورهای میزبان رشد کرده اند. این نسل، درک عمیقی از دو جهان دارد: از سویی با درد و رنج مردم ایران همدلی می کند و از سوی دیگر، زبان و گفتن جوامع غربی را برای بیان این درد به خوبی می داند. این ویژگی دوگانه، آنان را به بازیگرانی بی بدیل در میدان روایتگری و بسیج افکار عمومی جهانی تبدیل کرده است.

نسل دوم ایرانیان در دانشگاه ها، کالج ها و مدارس کشورهای مختلف حضوری پررنگ دارند. بسیاری از آنان در حوزه های علوم سیاسی، حقوق بشر، جامعه شناسی، روزنامه نگاری و هنر تحصیل می کنند و با تولید محتوای علمی، شرکت در کنفرانس ها، و فعالیت در انجمن های دانشجویی، صدای اعتراض مردم ایران را به فضای آکادمیک جهانی می رسانند. آنان می توانند نسل هم فکران جهانی را آموزش داده و بر افکار نخبگان سیاسی و رسانه ای تأثیر بگذارند.

در عصر دیجیتال، رسانه های اجتماعی به بستر اصلی مبارزه بدل شده اند. نسل دومی های ایرانی با تسلط کامل بر پلتفرم هایی چون اینستاگرام، توئیتر، تیک تاک و یوتیوب، به انتشار روایت های حقیقی از

واژه ای است که در قانون اساسی مشروطه آمده و معنای مشخص حقوقی و سیاسی دارد. هیچ جای آن قانون از واژه ی پادشاهی خواهی استفاده نشده، و هیچ تضادی بین خواستن سلطنت و خواستن دموکراسی وجود ندارد. پادشاهان پهلوی همیشه مقید به قانون اساسی و نمایندگان مردم در مجالس بوده اند و الا آن هم قرار نیست چیزی تغییر کند. اتفاقاً همچنان پهلوی ست که صندوق رأی را برای تصمیم گیری درباره ی نوع نظام سیاسی آینده ی ایران تضمین کرده است. هیچ گروه دیگری رهبری ندارد که ما بفهمیم آیا اینها با همان انتخاباتی که رضاشاه دوم می گوید راضی می شوند یا نه. و البته ما خیلی ها را دیده ایم که گفته اند که نخواهند شد.

دوپهلو کردن موضوع، به شکلی تلویحی از چهره ی پادشاهی خواه، تصویری گنگ و مشکوک می سازد. این همان تردید و دوگانگی ست که مردم ایران را از بسیاری از چهره های اپوزیسیون دور کرده است.

اگر واژه ای که در قانون اساسی مشروطه آمده را با دست خودمان کنار بگذاریم، از مردم چگونه انتظار داریم که آن قانون را معتبر بدانند؟ اگر خودمان به زبانی غیر از زبان تاریخی و حقوقی خود سخن بگوییم، به دیگران چه پیامی می فرستیم جز اینکه یا از گذشته ی خود خجالت می کشیم، یا داریم چیزی را پنهان می کنیم؟

ما امروز با تجربه قضاوت می کنیم. نه با وعده ی اسلام واقعی، جمهوری واقعی یا سلطنت واقعی. آنچه مردم دیده اند، به آن اعتماد یا بی اعتمادی دارند. نه جمهوری اسلامی، نه طالبان، نه سوریه، نه جمهوری خلق چین، نه جمهوری دموکراتیک خلق کره، هیچ کدام اصلاً قرار نبوده با دموکراسی نسبتی داشته باشند. جمهوری را دیده ایم. اسلام سیاسی را هم. حال یک ملت برای اینکه حرکت کند، باید بداند به کجا می خواهد برود، و باید بداند کسی که مسیر را نشان می دهد، راست می گوید. اگر اعتماد نباشد، انگیزه نیست. و اگر انگیزه نباشد، حرکتی در کار نخواهد بود.

در مقابل، سلطنت مشروطه بر پایه ی تجربه ای واقعیت است که ملت ایران با آن آشناست. قانون، ثبات، نهادسازی، استقلال قوه قضائیه، آزادی زن، مدرنیزاسیون، سواد، واکسیناسیون، ارتش ملی، بانک مرکزی، بیمه، ثبت احوال، ثبت اسناد، راه آهن سراسری، فرهنگستان زبان، دانشگاه ملی، آموزش عالی، حق رأی زنان، هنر، ادبیات، سینما... اینها همه میراث دوران سلطنت اند. شاید ما پادشاهی خواهان در طول تاریخ اشتباهاتی کرده باشیم، اما در یک چیز اشتباه نکردیم، و آن شناخت ارتجاع سرخ و سیاه است. ما آن روز گفتیم که دموکراسی از دل ائتلاف فدایی و خمینی بیرون نمی آید. امروز هم همان را می گوئیم.

مردم هم با ما سخن گفته اند. در شعارهایی مثل «رضاشاه روح شاد»، «ایران که شاه نداره، حساب کتاب نداره»، «ای شاه ایران، برگرد به ایران»، آشکارا نشان داده اند که اعتماد اجتماعی به جریان پادشاهی خواهی نه تنها وجود دارد، بلکه فعال، زنده و رو به گسترش است.

این جمهوری اسلامی که اینها بر پا کردند به همه چیز ربط داشت، جز دموکراسی جفرسونی. نه قانون داشت، نه توازن قوا، نه آزادی مطبوعات، نه رأی مردم. فقط دروغی بود که صورتش را با واژه های تحریف شده پوشانده بودند. و حالا همانها می خواهند با همان شعارها، فقط با واژه هایی دیگر، دوباره به ما بگویند این که ما دیدیم «واقعی نیست!» اما ملت ایران دیگر فرق تجربه با تئوری را خوب می داند.

*فرخ نیک مرام نویسنده، شاعر و رئیس شورای مرکزی «خانه مشروطه ایران» در لندن

ایران می پردازند و تصویری زنده، انسانی و دردناک از واقعیت های کشور را ارائه می دهند. آنها می توانند با تولید محتوای چندرسانه ای و خلاق، همدلی مخاطبان جهانی را برانگیزند و کمپین های حمایتی در سطح بین الملل راه اندازی کنند.

هنر، زبانی جهانی است و نسل دوم ایرانیان از آن برای رساندن پیام مردم ایران به جهان استفاده می کنند. موسیقی های اعتراض آمیز، فیلم های مستند و کوتاه، نقاشی، گرافیتی، و اجراهای خیابانی، ابزاری مؤثر برای نفوذ به دل های مردم سراسر دنیا هستند. حضور ایرانیان در جشنواره های هنری بین المللی، فرصتی طلایی برای نمایش مقاومت مردم ایران و افشای چهره سرکوب گر رژیم است.

ورزشکاران نسل دومی که در تیم های ملی یا باشگاه های معتبر جهانی حضور دارند، می توانند با استفاده از شهرت و تریبون خود، اعتراضات مردم ایران را به گوش جهانیان برسانند. آنها با اقدامات نمادین، پیام هایی به زبان سکوت اما با فریادی جهانی ارسال می کنند؛ چه با بستن یک نوار مشکی، چه با امتناع از مسابقه یا نمایندگی رژیم.

تجربه مبارزات جهانی، از آفریقای جنوبی، نشان می دهد که هیچ جنبش آزادی بخشی بدون حمایت افکار عمومی جهانی به سرانجام نرسیده است. نسل دوم ایرانیان برون مرز، به دلیل موقعیت منحصر به فردشان، می توانند در جهانی سازی صدای انقلاب ملی ایران نقش آفرین باشند. این نسل می تواند رسانه، هنر، ورزش و دانش را به خدمت مقاومت مردم ایران درآورد و سیاستمداران جهان را ناگزیر به پاسخگویی و اقدام کند.

در این بزنگاه تاریخی، هر قدم، هر صدا، و هر تصویر از سوی این نسل می تواند سرنوشت ساز باشد.

دکتر بابک سینا فعال و تحلیلگر سیاسی

رژیم ایران بدون تکیه بر قدرت‌های بزرگ توان مذاکره برای بقا را هم ندارد! سفیر جمهوری اسلامی در مسکو: «ما روسوفیل نیستیم!»

است که روسیه «ضامن» توافق احتمالی میان جمهوری اسلامی و آمریکا شود. در این گزارش آمده که رژیم ایران می‌خواهد ذخایر اورانیوم خود را در داخل کشور نگه دارد اما آمریکا این موضوع را رد می‌کند و خواهان نابودی ذخایر یا انتقال آن به کشوری دیگر مانند روسیه است». به این ترتیب احتمال «نقش روسیه به عنوان نوعی داور در این توافقنامه وجود دارد تا در صورت خروج آمریکا از توافق، ذخیره اورانیوم با غلظت بالای ایران را که احتمالاً در روسیه نگهداری خواهد شد دوباره به ایران بازگرداند.»

برخی منابع از جمله خبرگزاری بلومبرگ گزارش دادند، آمریکا ممکن است آماده باشد که کریمه را به عنوان بخشی از خاک روسیه به رسمیت بشناسد که این یک امتیاز بزرگ برای پوتین به شمار می‌رود. احتمال توافق یا معامله ترامپ و پوتین، رژیم ایران را به شدت نگران می‌کند زیرا تحت این شرایط سببه ترامپ برای فشار بیشتر به جمهوری اسلامی پر زورتر می‌شود.

در پاسخ به نگرانی‌های تهران از معامله پوتین و ترامپ، الکساندر علیموف مدیر بخش همکاری‌های بشردوستانه چندجانبه و روابط فرهنگی وزارت خارجه روسیه گفته است، «مسکو صرفاً جهت از سر گرفتن گفتگو با آمریکا، دیگر شرکای خود را فراموش نخواهد کرد.» اما بعید است صحبت‌های یک مدیر درجه چندم در وزارت خارجه روسیه برای تهران دلگرم‌کننده باشد آنهم در شرایطی که مسکو بی‌پرده و بدون تعارف اعلام می‌کند «توافق راهبردی با ایران مربوط به همکاری نظامی در مواقع جنگ نیست.»

اگر اسرائیل حمله کند، روسیه برای جمهوری اسلامی دعا می‌کند!

دست‌کم انتظار بخشی از طرفداران نظام، حمایت روسیه از جمهوری اسلامی در شرایط سخت است اما چندی پیش البروس کوتراشف سفیر روسیه در عراق در مصاحبه‌ای با الشرقیه عراق گفته بود، «در صورتی که به ایران حمله شود، برای [جمهوری اسلامی] ایران دعا می‌کنیم.»

در همین ارتباط محمدجواد ظریف وزیر خارجه پیشین جمهوری اسلامی در نشست با عنوان «روایت و تحلیل ایرانی از تاریخ تحولات روسیه» ادعای عراقچی و سایرین را که می‌گویند «روسیه شریک راهبردی ایران است» زیر سوال برده و می‌گوید «نباید انتظار داشته باشیم که اگر ما در جنگ اوکراین اقدامی کردیم، روسیه نیز در ارتباط ما با اسرائیل همان اقدام را انجام دهد.»

جمهوری اسلامی به شرایطی رسیده که دیگر حتی در حفظ ظاهر «استقلال» هم ناکام مانده است. تکیه بی‌چون و چرا به روسیه در تصمیم‌گیری‌های حیاتی، ارسال پیام‌های مستقیم رهبر نظام به پوتین، و امید بستن به کرملین به عنوان ضامن توافق با آمریکا، همه نشانه‌هایی از یک واقعیت تلخ‌اند: این نظام بدون حمایت یا هماهنگی با قدرت‌های بزرگ، حتی توان مذاکره برای بقا را هم ندارد! سیاست خارجی جمهوری اسلامی بجای تکیه بر منافع ملی و استقلال سیاسی، به بازی در زمین دیگران و چشم دوختن به تصمیمات بازیگران قدرتمند جهان خلاصه شده؛ وضعیتی که بیش از هر زمان دیگری، نشان از افول قدرت و فقدان اقتدار واقعی در ساختار حاکمیت دارد.



عکس از وبسایت دفتر علی خامنه‌ای

این مسیر ایفا کرده است و انتظار داریم که در هر توافق جدیدی، روسیه نقش مکمل‌کننده خود را ادامه دهد و خوشحال هستم که آقای لاوروف امروز بنده را از نقش سازنده و کمک‌کننده خود در این مسیر مطمئن کردند.»

روسیه و «تجربه برجام»!

کاظم جلالی در بیان اینکه چرا خامنه‌ای به پوتین نامه نوشته است می‌گوید: «رهبری می‌خواست آن تجربه تلخی که در برجام بود و ما متحدین خود را پس زدیم، ایندفعه تکرار نشود.»

با اینهمه اما تجربه نشان می‌دهد که روس‌ها در عمل جمهوری اسلامی را شریک بلندمدت و استراتژیک خود نمی‌دانند. در همین ارتباط ۸ آوریل (۱۹ فروردین) پس از تصویب توافقنامه «مشارکت راهبردی ۲۰ ساله» میان روسیه و جمهوری اسلامی در «دوما»، آندری رودنکو معاون وزیر خارجه روسیه اعلام کرد که معاهده مشارکت استراتژیک میان روسیه و ایران، به معنای تشکیل اتحاد نظامی نیست و شامل تعهد به کمک نظامی متقابل نمی‌شود.

اینهمه درحالیست که منابع غیررسمی مدعی‌اند دولت ترامپ از روسیه خواسته است برای توافق با آمریکا، جمهوری اسلامی ایران را زیر فشار قرار دهد.

ایوو دالدر سفیر پیشین آمریکا در ناتو در مقاله‌ای در پولیتیکو می‌نویسد: «ترامپ علاوه بر اینکه گزینه نظامی را روی میز قرار داده، پیشنهاد مذاکره مستقیم با خامنه‌ای را نیز مطرح کرد... او نماینده ارشد خود، استیو ویتکاف را برای هدایت مذاکرات فرستاده و با ولادیمیر پوتین نیز تماس گرفته و از مسکو خواسته است که به متقاعد کردن تهران در مورد نیاز به توافق کمک کند.»

روسیه در نقش ضامن

روزنامه «گاردین» چاپ لندن در گزارشی احتمال داده

● در ایران برخی منتقدان حکومت می‌گویند ولادیمیر پوتین تا امتیاز قابل توجهی از دونالد ترامپ نگیرد، به رژیم ایران اجازه توافق با آمریکا را نخواهد داد. از سوی دیگر جناح‌های درون حکومت که خواهان معامله با آمریکا هستند نسبت به خیانت روس‌ها به جمهوری اسلامی و کارشکنی در روند معامله با دولت ترامپ هشدار می‌دهند.

● در فضای موجود، باور به اینکه نظام جمهوری اسلامی تحت قیمومیت روس‌ها قرار دارد بیش از هر زمان دیگری برای افکار عمومی آشکار و روشن به نظر می‌رسد هرچند که کاظم جلالی سفیر جمهوری اسلامی در مسکو ادعا می‌کند، «ما روسوفیل نیستیم!» و «با روسیه مشورت می‌کنیم!»

● عباس عراقچی می‌گوید خامنه‌ای در نامه به پوتین نوشته «ایران، روسیه را شریک اصلی خود می‌داند و در مسائل مهم مشورت می‌کند». واقعیت اما اینست که گرنش مقامات تهران در مقابل روسیه فراتر از مشورت و ادعاهای مشابه است.

● روزنامه «گاردین» چاپ لندن در گزارشی احتمال داده است که روسیه «ضامن» توافق احتمالی میان جمهوری اسلامی و آمریکا شود.

● چندی پیش البروس کوتراشف سفیر روسیه در عراق در مصاحبه‌ای با الشرقیه عراق گفته بود، «در صورتی که به ایران حمله شود، برای [جمهوری اسلامی] ایران دعا می‌کنیم.»

حامد محمدی- تقریباً یک هفته پیش از آغاز مذاکرات میان جمهوری اسلامی و آمریکا -که دو گفتگو از آن در مسقط و رُم انجام شد- رفت و آمد مقامات جمهوری اسلامی به روسیه برای دیدار و مشورت با کرملین بطور محسوس زیاد شد.

در ایران برخی منتقدان حکومت می‌گویند ولادیمیر پوتین تا امتیاز قابل توجهی از دونالد ترامپ نگیرد، به رژیم ایران اجازه توافق با آمریکا را نخواهد داد. از سوی دیگر جناح‌های درون حکومت که خواهان معامله با آمریکا هستند نسبت به خیانت روس‌ها به جمهوری اسلامی و کارشکنی در روند معامله با دولت ترامپ هشدار می‌دهند.

در چنین فضایی، باور به اینکه نظام جمهوری اسلامی تحت قیمومیت روس‌ها قرار دارد بیش از هر زمان دیگری برای افکار عمومی آشکار و روشن به نظر می‌رسد هرچند که کاظم جلالی سفیر جمهوری اسلامی در مسکو ادعا می‌کند، «ما روسوفیل نیستیم!» و «با روسیه مشورت می‌کنیم!»

در نقض این ادعا اما عباس عراقچی بعد از نخستین گفتگو در مسقط (پیش از گفتگوی دوم در رم) در سفری یک‌روزه به مسکو رفت و پیام کتبی علی خامنه‌ای را به ولادیمیر پوتین تحویل داد. به گفته عراقچی، در این نامه آمده «ایران، روسیه را شریک اصلی خود می‌داند و در مسائل مهم مشورت می‌کند». واقعیت اما اینست که گرنش مقامات تهران در مقابل روسیه فراتر از مشورت و ادعاهای مشابه است.

وزیر خارجه جمهوری اسلامی در جریان سفر به مسکو در اواخر فروردین‌ماه پس از دیدار با سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه گفت: «ما از نقش روسیه در توافق برجام بسیار راضی هستیم و نقش بسیار مفیدی را در گذشته در

ارتش اسرائیل رزمایش حمله به تأسیسات اتمی و نظامی جمهوری اسلامی را شبیه‌سازی کرد



جنگنده‌های نیروی هوایی ارتش اسرائیل / رویترز

تهران به توافق تعبیر شد، اما گروهی دیگر آن را مانع‌تراشی ترامپ برای زدن ضربه اساسی به جمهوری اسلامی دانستند. این در حالیست که رئیس جمهور آمریکا کمی بعد در پاسخ به خبرنگاران گفت که وی با این حمله «مخالفت» نکرده بلکه «فعلا» عجله‌ای برای انجام آن ندارد.

برخی منابع به نقل از «مقام یا مقامات ارشد آمریکایی» از «پیشرفت» در دور دوم گفتگوها نیز خبر دادند و گفته شد که کارشناسان فنی به زودی بحث‌های تخصصی را پیش خواهند برد. اما گفته می‌شود که جمهوری اسلامی تضمین‌هایی از آمریکا خواسته که بعید است دونالد ترامپ آنها را قبول کند. ضمن اینکه نشست کارشناسی که قرار بود چهارشنبه ۲۳ آوریل برگزار شود، لغو شد و برخی منابع گفتند که قرار است همزمان با گفتگوهای روز شنبه ۲۶ آوریل در مسقط انجام شود. پیشتر روزنامه «اسرائیل هیوم» به نقل از یک منبع غیردولتی اسرائیل از قول یک مقام ارشد آمریکایی نوشته بود، «اسرائیل نباید از انجام گفتگوها میان جمهوری اسلامی و آمریکا درباره برنامه هسته‌ای نگران باشد، زیرا وقتی آمریکایی‌ها فهرست کامل شروط خود را ارائه کنند، مذاکرات بهم خواهد خورد.»

در ارتباط با نگرانی‌های اسرائیل، دونالد ترامپ سه‌شنبه ۲۲ آوریل در شبکه اجتماعی «تروث» نوشت: «من الان با نخست وزیر اسرائیل، بی بی نتانیاهو، در مورد موضوعات زیادی از جمله تجارت، ایران و غیره صحبت کردم. گفتگو بسیار خوب پیش رفت. ما در همه‌ی مسائل در یک سمت ایستاده‌ایم.» کیهان لندن در ارتباط با این موضوع در رسانه‌های اجتماعی خود از جمله یادآوری کرد که پیام ترامپ در حالی منتشر شده که جمهوری اسلامی جناحین آن به همراه برخی رسانه‌های فارسی‌زبان و لابیگران و صادراتی‌های رژیم تلاش می‌کنند تا رسیدن به یک توافق احتمالی را بین جمهوری اسلامی و ایالات متحده امری عادی و بسیار محتمل و حتا انجام‌شده نشان دهند.

اعلام برگزاری این رزمایش در حالی صورت می‌گیرد که واشنگتن و تهران با اینکه مذاکرات را «سازنده و مثبت» قلمداد می‌کنند اما شمار مهمی از موانع و اختلافات برای توافق احتمالی میان آنها وجود دارد. روزنامه «تایمز اسرائیل» سه‌شنبه دوم اردیبهشت گزارش داد که هدف از برگزاری این رزمایش، افزایش آمادگی در صورت شکست مذاکرات است. یکی از وزرای اسرائیل به این روزنامه گفته بود، بنیامین نتانیاهو قرار است درباره مذاکرات ایران و آمریکا با کابینه امنیتی جلسه برگزار کند.

پیشتر روزنامه «نیویورک تایمز» ادعا کرده بود که اسرائیل آماده حمله به تأسیسات اتمی جمهوری اسلامی بود اما دونالد ترامپ مانع اجرای آن شد. هرچند انتشار این گزارش به عنوان یک تاکتیک فشار از سوی آمریکا برای واداشتن

● در شرایطی که نمایندگان جمهوری اسلامی و فرستاده دونالد ترامپ دور جدیدی از گفتگوهای دوجانبه را پیش می‌برند، منابع اسرائیلی گزارش دادند که ارتش این کشور در رزمایشی ویژه، حمله به تأسیسات اتمی و نظامی جمهوری اسلامی را شبیه‌سازی کرده است.

● روزنامه «تایمز اسرائیل» سه‌شنبه دوم اردیبهشت گزارش داد که هدف از برگزاری این رزمایش، افزایش آمادگی در صورت شکست مذاکرات است.

● در ارتباط با نگرانی‌های اسرائیل، دونالد ترامپ سه‌شنبه ۲۲ آوریل در شبکه اجتماعی «تروث» نوشت: «من الان با نخست وزیر اسرائیل، بی بی نتانیاهو، در مورد موضوعات زیادی از جمله تجارت، ایران و غیره صحبت کردم. گفتگو بسیار خوب پیش رفت. ما در همه‌ی مسائل در یک سمت ایستاده‌ایم.»

● کیهان لندن در ارتباط با این موضوع در رسانه‌های اجتماعی خود از جمله یادآوری کرد که پیام ترامپ در حالی منتشر شده که جمهوری اسلامی جناحین آن به همراه برخی رسانه‌های فارسی‌زبان و لابیگران و صادراتی‌های رژیم تلاش می‌کنند تا رسیدن به یک توافق احتمالی را بین جمهوری اسلامی و ایالات متحده امری عادی و بسیار محتمل و حتا انجام‌شده نشان دهند.

در شرایطی که نمایندگان جمهوری اسلامی و فرستاده دونالد ترامپ دور جدیدی از گفتگوهای دوجانبه را پیش می‌برند، منابع اسرائیلی گزارش دادند که ارتش این کشور در رزمایشی ویژه، حمله به تأسیسات اتمی و نظامی جمهوری اسلامی را شبیه‌سازی کرده است.

به گزارش سازمان رادیو و تلویزیون اسرائیل، «کان»، نیروی هوایی این کشور دوشنبه یکم اردیبهشت رزمایشی برگزار کرد که شبیه‌سازی حمله موشکی دیگری از سوی ایران به پایگاه‌های هوایی اسرائیل را در بر می‌گرفت.

این رزمایش در شرایطی انجام شد که تنش‌ها بر سر برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران رو به افزایش است و مشخص نیست آیا دولت آمریکا خواهد توانست رژیم ایران را وادار به معامله کند و تسلیم کند یا نه.



ویدئو

ایالات متحده باید شبکه‌های وابسته به رژیم ایران را در آمریکا مورد بازرسی و تحقیق قرار دهد



شبه‌نظامیان جمهوری اسلامی با پرچم جمهوری اسلامی و حزب‌الله لبنان و حشدالشعبی عراق و فاطمیون افغانستانی در «روز قدس» ۱۴۰۲ / تهران / ۱۴ آوریل ۲۰۲۳

یک از افرادی که در ماساچوست اقدام به رأی‌دادن در انتخابات جمهوری اسلامی کرده بود، مدتی بعد در تجمعی ضدیهودی و ضد اسرائیلی با پیام‌هایی همسو با رژیم ایران دیده شد. اگرچه این همزمانی لزوماً نشان‌دهنده هماهنگی مستقیم نیست، اما همسویی ایدئولوژیک آنها بسیار نگران‌کننده است و می‌بایست مورد بررسی اطلاعاتی دقیق و جدی قرار گیرد.

همزمان نگرانی‌های جدی درباره اتباع ایرانی یا دوتابعیتی‌هایی که در دانشگاه‌های آمریکا با شرکت‌های پیشرفته فناوری فعالیت دارند، در حال افزایش است؛ به ویژه کسانی که در پروژه‌های دارای بودجه فدرال یا حوزه‌های حساسی مانند مهندسی، امنیت سایبری و زیست‌فناوری مشغول‌اند. برخی از این افراد دارای مجوزهای امنیتی بوده و در صنایع دفاعی یا زیرساخت‌های حیاتی آمریکا اشتغال دارند، اما همچنان با ایران در ارتباط‌اند یا بطور منظم به آن کشور سفر می‌کنند. علاوه بر این، شماری از افرادی که با ادعای ترس از آزار از سوی رژیم پناهندگی دریافت کرده‌اند، اکنون بدون هیچ مانعی به ایران سفر می‌کنند.

طبق گزارش‌ها و شهادت شماری از مخالفان و فعالان حقوق بشر، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فرودگاه‌های ایران برخی از این مسافران را بازداشت و با تهدید خانواده‌هایشان، آنها را وادار به فعالیت جاسوسی در آمریکا کرده است. این تاکتیک، زنگ خطر جدی در حوزه ضدجاسوسی را به صدا درآورده است؛ چراکه احتمال می‌رود رژیم ایران با بهره‌گیری از این افراد، اقدام به نفوذ در جوامع مخالف یا جمع‌آوری اطلاعات در داخل آمریکا کند.

این نگرانی‌ها، صرفاً فرضیه نیستند. در سال ۲۰۲۴، یک مهندس ایرانی‌تبار ساکن ماساچوست به اتهام ارسال فناوری پنهان و قطعات حساس به نیروی قدس سپاه پاسداران که در فهرست سازمان‌های تروریستی خارجی ایالات متحده قرار دارد، بازداشت شد. این فناوری در حملاتی استفاده شد که به کشته‌شدن نیروهای آمریکایی انجامید. این نشان

می‌کند، چه باید کرد؟ افرادی که حتی بعضاً شهروند آمریکا شده‌اند و آشکارا از اهداف و اقدامات این رژیم دفاع می‌کنند. در ژوئن ۲۰۲۴ مسعود پزشکیان در یک انتخابات غیابی و مهندسی‌شده، رئیس چهاردهمین دولت جمهوری اسلامی شد؛ انتخاباتی که تمامی نامزدهای آن پیشتر توسط شورای نگهبان که عمدتاً منتخب و تحت نظر علی خامنه‌ای است و همچنین سازمان اطلاعات سپاه (ساس) تأیید صلاحیت شده بودند. این در حالیست که سپاه پاسداران، از سال ۲۰۱۹ توسط دولت آمریکا به عنوان سازمان تروریستی خارجی (FTO) شناخته شده است. همه نامزدها، از جمله پزشکیان، بطور علنی وفاداری خود را به سپاه و رهبر جمهوری اسلامی، علی خامنه‌ای، اعلام کرده‌اند. با اینهمه، شعب اخذ رأی برای این انتخابات غیابی در خاک آمریکا برپا شد. اتباع ایرانی و دوتابعیتی‌ها نیز در آن شرکت کردند آنهم در حالی که سپاه پاسداران رسماً یک نهاد تروریستی شناخته‌شده و رژیم درگیر اقدامات تروریستی و توطئه‌چینی علیه شهروندان آمریکایی است.

شرکت در انتخابات‌های غیابی جمهوری اسلامی در آمریکا را نمی‌توان صرفاً اقدامی فرهنگی یا نمادین از سوی جامعه ایرانیان خارج از کشور تلقی کرد؛ بلکه تلاشی سازمان‌یافته برای مشروعیت بخشیدن به رژیم است که تحت تحریم ایالات متحده قرار دارد. آندسته از افرادی که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از این روند حمایت و آن را سازماندهی یا تبلیغ می‌کرده‌اند، ممکن است در عمل به مشروعیت بخشیدن به یک دشمن خارجی کمک کرده باشند؛ دشمنی که تأمین‌کننده مالی تروریسم، گروگانگیر شهروندان آمریکایی، و حامی نیروهای نیابتی ضدیهودی و ضداسرائیلی است.

نگران‌کننده‌تر آنکه برخی از همان افرادی که در این رأی‌گیری‌ها مشارکت داشتند، در تظاهرات حمایت از حماس در شهرهای آمریکا نیز دیده شده‌اند. به گزارش دکستر ون‌زیل در نشریه Focus on Western Islamism،

● شرکت در انتخابات‌های غیابی جمهوری اسلامی در آمریکا را نمی‌توان صرفاً اقدامی فرهنگی یا نمادین از سوی جامعه ایرانیان خارج از کشور تلقی کرد؛ بلکه تلاشی سازمان‌یافته برای مشروعیت بخشیدن به رژیم است که تحت تحریم ایالات متحده قرار دارد. آندسته از افرادی که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از این روند حمایت و آن را سازماندهی یا تبلیغ می‌کرده‌اند، ممکن است در عمل به مشروعیت بخشیدن به یک دشمن خارجی کمک کرده باشند؛ دشمنی که تأمین‌کننده مالی تروریسم، گروگانگیر شهروندان آمریکایی، و حامی نیروهای نیابتی ضدیهودی و ضداسرائیلی است.

● این در حالیست که هرگونه فعالیت انتخاباتی مرتبط با یک رژیم تحریم‌شده، تحت نظارت دفتر کنترل دارایی‌های خارجی (OFAC) قرار می‌گیرد. حتی اجاره مکان برای این فعالیت‌ها، می‌تواند مصداق «صادرات خدمات» تلقی شده و نقض تحریم‌ها محسوب شود.

● همزمان نگرانی‌های جدی درباره اتباع ایرانی یا دوتابعیتی‌هایی که در دانشگاه‌های آمریکا با شرکت‌های پیشرفته فناوری فعالیت دارند، در حال افزایش است؛ به ویژه کسانی که در پروژه‌های دارای بودجه فدرال یا حوزه‌های حساسی مانند مهندسی، امنیت سایبری و زیست‌فناوری مشغول‌اند. برخی از این افراد دارای مجوزهای امنیتی بوده و در صنایع دفاعی یا زیرساخت‌های حیاتی آمریکا اشتغال دارند، اما همچنان با ایران در ارتباط‌اند یا بطور منظم به آن کشور سفر می‌کنند. علاوه بر این، شماری از افرادی که با ادعای ترس از آزار از سوی رژیم پناهندگی دریافت کرده‌اند، اکنون بدون هیچ مانعی به ایران سفر می‌کنند.

● مسئله البته به خیابان‌ها و صندوق‌های رأی محدود نمی‌شود. حتی برخی رسانه‌های تأمین‌شده با مالیات مردم آمریکا نیز در مواردی روایت‌هایی پخش می‌کرده‌اند که با منافع استراتژیک تهران همسو بوده است.

● هیچکدام از این موضوعات مربوط به آزادی بیان نیست بلکه به دفاع از امنیت داخلی ایالات متحده در برابر نفوذ خارجی مربوط است. حمایت از دستگاه تبلیغاتی یک رژیم تحریم‌شده، نباید با «بیان سیاسی بی‌ضرر» اشتباه گرفته شود. سیاست آمریکا باید بپذیرد که نفوذ خارجی همیشه با گذرنامه دیپلماتیک وارد نمی‌شود؛ بلکه گاه از طریق صندوق رأی، پلاکارد اعتراضی، یا ملاقات یک لابیگر با وابستگی پنهان ظاهر می‌شود.

● عدم واکنش به این تحرکات آنهم با وجود ابزارهای حقوقی و اجرایی موجود، برای رژیم‌های متخاصم پیام خطرناکی دارد: اینکه می‌توانند با آزادی کامل، عملیات نفوذی خود را حتی در خاک آمریکا دنبال کنند. کنگره باید برای ترمیم این خلأ قانونی و اجرایی وارد عمل شود.

آیدین پنهانی - با تلاش‌های پرزیدنت ترامپ و سناتور روبیو برای لغو ویزای اتباع خارجی مرتبط با گروه‌های تروریستی نظیر حماس، اکنون زمان آن فرا رسیده است که پرسشی اساسی و دیرپه مطرح شود: با شبکه‌های وابسته به رژیم ایران به‌عنوان اصلی‌ترین دولت حامی تروریسم در جهان و حامی گروه‌هایی چون حماس و «محور مقاومت» که برخی عوامل و هوادارانش آزادانه در خاک ایالات متحده زندگی

در سال ۲۰۲۰ یک قاضی فدرال تابعیت آمریکایی ایمن فارس عامل القاعده و طراح عملیات علیه پل بروکلین را لغو کرد. این پرونده نشان داد که لغو تابعیت در شرایط تهدید امنیت ملی هم قانونی و هم قابل اجراست. اکنون نیز باید بررسی شود که آیا برخی افراد دارای تابعیت دوگانه و وابستگی اطلاعاتی، مشمول بررسی مشابه نیستند؟

در نهایت، افراد وابسته به رژیم ایران یا سازمان‌های همسو با آن باید از لابیگری نزد مقامات آمریکایی در موضوعات مرتبط با منافع امنیت ملی منع شوند. کنگره می‌تواند این ممنوعیت را در قالب یک طرح جامع شفافیت ملی تصویب کند تا از سوء استفاده عوامل بیگانه از نهادهای دموکراتیک آمریکا جلوگیری شود.

این موضوع مربوط به آزادی بیان نیست بلکه به دفاع از امنیت داخلی ایالات متحده در برابر نفوذ خارجی مربوط است. حمایت از دستگاه تبلیغاتی یک رژیم تحریم‌شده، نباید با «بیان سیاسی بی‌ضرر» اشتباه گرفته شود. سیاست آمریکا باید بپذیرد که نفوذ خارجی همیشه با گذرنامه دیپلماتیک وارد می‌شود؛ بلکه گاه از طریق صندوق رأی، پلاکارد اعتراضی، یا ملاقات یک لابیگر و وابستگی پنهان ظاهر می‌شود. ایالات متحده باید با شفافیت، هوشیاری و با بهره‌گیری کامل از ابزارهای قانونی به این تهدیدها پاسخ دهد.

*منبع: hstoday

*نویسنده: دکتر آیدین پناهی پژوهشگر ایرانی- آمریکایی و متخصص انرژی است. او همچنین فعال سیاسی و حقوق بشر است و تحلیل‌هایش در حوزه امنیت و سیاست در رسانه‌هایی چون «اورشلیم پست»، «واشنگتن تایمز» و «میدل‌ایست فوروم» منتشر شده‌اند.

مجلس نمایندگان و کمیته قضایی سنا باید نشست‌هایی علنی برگزار کنند تا فعالیت‌های مرتبط با رژیم ایران در خاک آمریکا بررسی شود. پیشینه این اقدام وجود دارد؛ در سال ۲۰۱۸، کنگره جلساتی درباره نفوذ خارجی و تهدیدات ضدجاسوسی برگزار کرد که رژیم ایران نیز از جمله حکومت‌هایی بود که در آن بررسی شد.

کنگره همچنین باید اختیارات «فهرست ممنوع از ورود به دلیل تروریسم» در قانون مهاجرت را گسترش دهد تا امکان بررسی فعالیت‌های سیاسی مرتبط با رژیم‌های تحریم‌شده یا نهادهای تروریستی فراهم شود. این اقدام وزارت امنیت داخلی (DHS) و اداره مهاجرت و تابعیت (USCIS) را قادر می‌سازد تا درباره ارتباط افراد و سازمان‌ها با رژیم‌های متخاصم ارزیابی امنیتی انجام دهند.

کنگره باید اجرای قانون FARA را به‌روز و تقویت کند و وزارت دادگستری را موظف به نظارت دقیق‌تر و پیگرد حقوقی مأموران ثبت‌نشده نماید؛ به ویژه کسانی که به نفع رژیم ایران در عملیات سیاسی فعال‌اند. همچنین باید تعریفی دقیق از فعالیت‌های سیاسی در خدمت یک قدرت متخاصم ارائه شود.

وزارت خارجه و امنیت داخلی نیز باید معیارهای صدور ویزا و بررسی مهاجرت را اصلاح کنند تا علاوه بر بررسی پیوند با تروریسم، به مشارکت در تبلیغات و عملیات نفوذ نیز توجه شود. سفرهای مکرر به ایران، به ویژه توسط افرادی که پناهندگی گرفته‌اند یا در پروژه‌های دارای بودجه فدرال مشارکت دارند، باید به بررسی‌های دقیق‌تری منجر شود؛ به‌ویژه در مواردی که شواهدی از تماس با نهادهای اطلاعاتی رژیم ایران وجود دارد.

در این زمینه، پیشینه حقوقی مشخصی نیز وجود دارد:

➡ می‌دهد که نفوذ و عملیات رژیم ایران در خاک آمریکا واقعی، فعال و عملیاتی است.

از سوی دیگر، ارتباط میان برگزارکنندگان انتخابات جمهوری اسلامی و مراکز مذهبی و فرهنگی در شهرهای مختلف آمریکا نیز قابل تأمل است. برای مثال، در ماساچوست، هم برگزارکنندگان رأی‌گیری و هم همان مهندس مرتبط با پرونده پهباد، با مرکز اسلامی امید بوستون، یک مرکز شیعی در حومه بوستون، ارتباط داشته‌اند. این الگوها سؤالات جدی درباره احتمال استفاده آگاهانه یا ناآگاهانه از مراکز مذهبی به عنوان پوشش برای فعالیت‌های عملیاتی در راستای منافع یک رژیم تروریستی خارجی ایجاد می‌کند.

پرونده دیگری که این تهدیدات را برجسته می‌کند مربوط به کاوه افراسیابی است؛ یک کارشناس سیاسی که از سال‌ها پیش ساکن آمریکاست و در سال ۲۰۲۱ به‌دلیل فعالیت به عنوان عامل ثبت‌نشده رژیم ایران تحت پیگرد قرار گرفت. او از تهران دستمزد دریافت می‌کرد، مطالب تبلیغاتی به نفع رژیم می‌نوشت، و همزمان به قانونگذاران آمریکایی مشاوره می‌داد. با این حال، وی در جریان مبادله زندانیان آزاد شد.

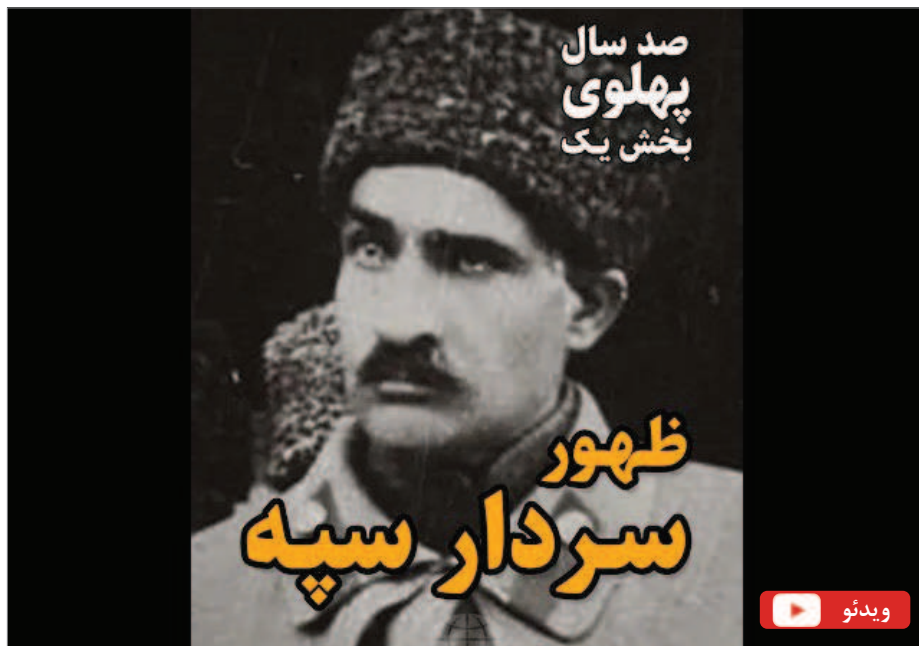
برای مقابله با این تهدیدها، قوانین و ابزارهای مشخصی وجود دارد. قانون ثبت مأموران خارجی (FARA) هر شخصی را که به نمایندگی از یک دولت بیگانه فعالیت می‌کند، ملزم می‌سازد که در وزارت دادگستری ثبت‌نام کند. کارشناسان حقوقی هشدار داده‌اند که برگزارکنندگان انتخابات جمهوری اسلامی در آمریکا، در صورت عدم افشای وابستگی‌های خود، ممکن است ناقض این قانون باشند. همچنین هرگونه فعالیت انتخاباتی مرتبط با یک رژیم تحریم‌شده، تحت نظارت دفتر کنترل دارایی‌های خارجی (OFAC) قرار می‌گیرد. حتی اجاره مکان برای این فعالیت‌ها، می‌تواند مصداق «صادرات خدمات» تلقی شده و نقض تحریم‌ها محسوب شود. برخی به مجوز عمومی E استناد می‌کنند که فعالیت‌های «دموکراسی‌محور» را مجاز می‌داند، اما این دفاع در مورد انتخاباتی که نه آزاد است و نه دموکراتیک و همچنین تحت مدیریت یک نهاد تروریستی برگزار شده، بی‌اعتبار است.

با وجود همه این ابزارهای حقوقی اما تا کنون از آنها به درستی استفاده نشده است. مخالفان رژیم در آمریکا، در واکنش به انتخابات ۲۰۲۴، کارزاری هماهنگ به راه انداختند و ده‌ها فرد مرتبط با این فرآیند را شناسایی کردند. اما با وجود هشدارهای عمومی، گزارش‌ها و درخواست‌های رسمی، دولت بایدن از به کار گرفتن ابزارهای اجرایی موجود خودداری کرده است. این عدم واکنش، برای رژیم‌های متخاصم پیام خطرناکی دارد: اینکه می‌توانند با آزادی کامل، عملیات نفوذی خود را حتی در خاک آمریکا دنبال کنند. کنگره باید برای ترمیم این خلأ قانونی و اجرایی وارد عمل شود.

متأسفانه مسئله به خیابان‌ها و صندوق‌های رأی محدود نمی‌شود. حتی برخی رسانه‌های تأمین‌شده با مالیات مردم آمریکا نیز در مواردی روایت‌هایی پخش می‌کرده‌اند که با منافع استراتژیک تهران همسو بوده است. نگرانی‌هایی درباره رسانه‌هایی نظیر «صدای آمریکا» (VOA) و «رادیو فردا» در همین ارتباط مطرح شده است. گزارش‌های افشاگران نشان می‌دهد که این رسانه‌ها در مواردی محتوایی را منتشر کرده‌اند که بازتاب‌دهنده پیام‌های رژیم ایران بوده‌اند. گاهی افراد نزدیک به رژیم، با نقاب «فعال حقوق بشر» و با بهره‌گیری از منابع مالی آمریکایی، به سفیدمانی جنایات رژیم و تضعیف مخالفان پرداخته‌اند. در واکنش، پرزیدنت ترامپ بخشی از بودجه این نهادها را تعلیق کرد تا از انتشار تبلیغات دشمن با پول مالیات‌دهندگان جلوگیری شود.

با اینهمه، کنگره باید وارد عمل شود. کمیته روابط خارجی

ظهور سردار سپه (صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)



از مرزها، در برقراری نظم داخلی هم عیان بود. میرزا فتحعلی آخوندزاده اندیشمند میهن‌دوست ایرانی که یکی از صریح‌ترین خردمندان تاریخ معاصر ایران به شمار می‌رود، در کتاب «مکتوبات» در ۱۲۴۴ خورشیدی می‌نویسد: اوضاع ایالات به مرتبه‌ای مغشوش است که به وصف نمی‌آید...

قوای روس در شمال و قوای انگلیس در جنوب کشور مستقر شده بودند و در تمام جنگ‌هایی که در دوران زمامداری شاهان قاجار با این دو نیروی متخاصم در گرفته بود ایران شکست خورده و بخش‌هایی از سرزمین خود را از دست داده بود. ضعف کشورداری نه فقط در دفاع

خمینی «جام زهر» را نوشید؛ آیا خامنه‌ای و ترامپ استکان چای را با هم تقسیم خواهند کرد؟!



سیدعلی خامنه‌ای، دونالد ترامپ

پس از بررسی دقیق وضعیت کشور و تهدید واقعی نظامی آمریکا گرفته شد. ناوهای هواپیمابر، زیردریایی‌ها، ناوشکن‌ها و جنگنده‌های پیشرفته آمریکا، منتظر چراغ سبز رئیس جمهور ترامپ برای حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران هستند، و شاید حتی اهداف بیشتری نیز در برنامه حمله قرار بگیرند.

در مقاله ای که روزنامه «نیویورک تایمز» در تاریخ ۱۰ آوریل منتشر کرد و توسط «فرناز فصیحی» نوشته شده، آمده بود که علی خامنه‌ای در نشستی محرمانه با رؤسای قوای مجریه و مقننه و قضائیه تصمیم به پذیرش مذاکره با آمریکا گرفته است. آنها به این نتیجه رسیدند که اگر ایران مذاکره نکند، مبارزان تأسیسات هسته‌ای فردو و نطنز قطعی خواهد بود. مپ‌های عظیم آمریکایی که اسرائیل از آنها برای کشتن رهبران حزب‌الله استفاده کرده، قادر به نفوذ در اعماق کوه‌ها و نابودی این تأسیسات هستند. همچنین تجمع و تحرکات بزرگ نظامی آمریکا نشان‌دهنده عزم این کشور برای حمله است و ایران نباید انتظار حمایت یا پشتیبانی از روسیه و چین داشته باشد.

نویسنده «نیویورک تایمز» مدعی شده که در پایان این جلسه، رهبر جمهوری اسلامی تصمیم به پذیرش مذاکره با آمریکا گرفت. روز بعد، شایعاتی در شبکه‌های اجتماعی ایران منتشر شد که از پیشنهاد سرمایه‌گذاری ۴ هزار میلیارد دلاری آمریکا در ایران خبر می‌دادند.

زمانی خمینی برای پایان دادن به جنگ با عراق «جام زهر» را نوشید. حالا آیا خامنه‌ای برای پایان دادن به برنامه‌های نظامی جمهوری اسلامی، استکان چای را با ترامپ تقسیم خواهد کرد؟ آیا سلاح‌های هسته‌ای، مپ‌ها و موشک‌ها با تریلیون‌ها دلار جایگزین خواهند شد؟!

*منبع: الشرق الاوسط

*نویسنده: عبدالرحمن شلقم وزیر خارجه لیبی و سفير سابق سازمان ملل، سفير سابق لیبی در ایتالیا و مدیر آکادمی لیبی در رم
ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

این حادثه تأثیر مستقیمی بر شکست جیمی کارتر در انتخابات ریاست جمهوری و پیروزی رونالد ریگان داشت. شعارهای ضد آمریکایی رسمی در ایران بالا گرفت و بیانیه‌ها و تبلیغات رسانه‌ای ضد ایرانی در آمریکا نیز متقابلاً شدت یافت. سؤال شگفت‌انگیز اینجاست: چه بادهای جادویی وزیدن گرفته تا کوه‌های خصومت بین این دو دولت را بلرزاند و از بین ببرد؟ به ویژه از سوی آمریکا که ترامپ خود شخصاً در دوره اول ریاست جمهوری‌اش توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ با رژیم ایران را که در زمان اوباما امضا شده بود، لغو کرد و دستور کشتن قاسم سلیمانی را نیز صادر کرد؟

ترامپ مرد ضربات سخت در همه عرصه‌های داخلی و خارجی است. او شخصاً با رهبر جمهوری اسلامی ایران علی خامنه‌ای از طریق نامه ارتباط گرفت و پیشنهاد مذاکره برای حل مشکلات دیرینه دو کشور را داد، در حالی که همزمان نیروی نظامی عظیمی را در منطقه مستقر کرده است.

ترامپ به این یقین رسید که ایران از درون دچار فروپاشی اقتصادی است؛ فقر و بیکاری افزایش یافته، گروه‌های قاچاق رشد کرده‌اند، پول ملی سقوط کرده است؛ زمانی یک دلار معادل ۳۰۰۰ تومان بود و حالا بیش از ۱۰۰ هزار تومان است. بازوهای نفوذ رژیم ایران در لبنان، سوریه، غزه، و یمن شکسته‌اند، جایی که آمریکا جنگ شدیدی علیه آن به راه انداخته است. ترامپ که ذهن اقتصادی دارد، ایران را گنجی عظیم می‌بیند؛ منابع بزرگ نفت، گاز، و معادن و زیرساخت‌های فرسوده‌ای که نیاز به بازسازی کلی دارند، و این برای او یک فرصت مالی بزرگ محسوب می‌شود.

در سوی جمهوری اسلامی نیز مشکلات اقتصادی، سیاسی و تهدیدهای نظامی انباشته شده‌اند. سال‌هاست که رژیم ایران میلیارد‌ها دلار صرف صنایع نظامی، برنامه‌های هسته‌ای و موشکی کرده و از شبه‌نظامیان در کشورهای مختلف حمایت کرده، اما مردم چیزی جز رنج از این سرمایه‌گذاری عظیم به دست نیاورده‌اند. تصمیم حکومت ایران برای ورود به مذاکره با آمریکا،

● گفتگوهای جمهوری اسلامی و آمریکا زوایایی دارد که هرکدام از آنها قابل تفسیرهای مختلفی هستند. از عنوانی که دو طرف مذاکره‌کننده درباره آن اختلاف دارند گرفته تا شکل انجام مذاکرات.

● تصمیم حکومت ایران برای ورود به مذاکره با آمریکا، پس از بررسی دقیق وضعیت کشور و تهدید واقعی نظامی آمریکا گرفته شد. ناوهای هواپیمابر، زیردریایی‌ها، ناوشکن‌ها و جنگنده‌های پیشرفته آمریکا، منتظر چراغ سبز رئیس جمهور ترامپ برای حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران هستند، و شاید حتی اهداف بیشتری نیز در برنامه حمله قرار بگیرند.

● زمانی خمینی برای پایان دادن به جنگ با عراق «جام زهر» را نوشید. حالا آیا خامنه‌ای برای پایان برنامه‌های نظامی جمهوری اسلامی، استکان چای را با ترامپ تقسیم خواهد کرد؟ آیا سلاح‌های هسته‌ای، مپ‌ها و موشک‌ها با تریلیون‌ها دلار جایگزین خواهند شد؟!

عبدالرحمن شلقم (الشرق الاوسط) - مذاکرات میان [رژیم] ایران و آمریکا، مورد توجه افکار عمومی سیاسی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی قرار گرفته است. این رویداد زوایایی دارد که هرکدام از آنها قابل تفسیرهای مختلفی هستند. از عنوانی که دو طرف مذاکره‌کننده درباره آن اختلاف دارند گرفته تا شکل انجام مذاکرات.

ترامپ رئیس جمهور آمریکا این مذاکرات را «مستقیم» توصیف کرده، در حالی که جمهوری اسلامی آن را «غیرمستقیم» اعلام می‌کند. در این میان قرار دادن مسقط پایتخت سلطان‌نشین عمان به عنوان محل مذاکرات [در نخستین گفتگو] نیز نشانه‌ای ویژه دارد؛ چرا که کشورهای عربی خلیج فارس اکنون به قدرتی مؤثر در میانجیگری بین‌المللی تبدیل شده‌اند.

نخستین گفتگوی غیرمستقیم در مسقط دو ساعت و نیم ادامه یافت و در نهایت، رؤسای دو هیأت در راهرو ایستادند، با هم دست دادند و به مدت ۴۵ دقیقه به صورت مستقیم گفتگو کردند و بدینگونه، خواست دو طرف برآورده شد: گفتگوی هم غیرمستقیم و هم مستقیم استیو ویتکاف تاجر نزدیک به ترامپ که هیچ ارتباطی با وزارت خارجه یا نهادهای امنیتی آمریکا ندارد و عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی!

مسئله برنامه هسته‌ای [رژیم] ایران در صدر دستور کار مذاکرات قرار داشت، اما بدون شک هر طرف عناوین فرعی خاص خود را داشت. آمریکایی‌ها بر کاهش سطح غنی‌سازی اورانیوم ایران به ۳/۶۷ درصد، محدود کردن توانایی‌های موشکی و توقف حمایت از گروه‌های مسلح در منطقه تأکید داشتند. در حالی که جمهوری اسلامی اصرار دارد که محور مذاکرات صرفاً پرونده هسته‌ای است.

زمانی که دشمنان رو در رو می‌نشینند، چراغ‌های راهنمایی در مسیر مذاکره خاموش می‌شود و هر طرف، دغدغه‌های خود را بیان می‌کند. رژیم ایران و آمریکا از زمان انقلاب خمینی به اندازه کوه‌ها و دریاها با هم دشمنی و خصومت داشتند. در همان آغاز انقلاب، گروهی از جوانان ایرانی موسوم به «پیروان خط آیت‌الله خمینی» ده‌ها دیپلمات آمریکایی را در تهران به گروگان گرفتند.

طرح جدید مجلس شورای اسلامی؛ حراست ادارات زیرمجموعه وزارت اطلاعات می‌شوند

شده این تفاهم‌نامه «گامی مهم در راستای تقویت امنیت و سلامت اجتماعی دانش‌آموزان و ایجاد تعامل سازنده میان پلیس و نظام آموزشی کشور به شمار می‌رود!»

این در حالیست که از دید بسیاری از کارشناسان امضای این تفاهم‌نامه سرآغاز موج دیگری از امنیتی کردن مدارس و تحمیل فشارهای ایدئولوژیک به دانش‌آموزان از جمله در حوزه حجاب اجباری و زمینه‌ساز سرکوب سازمانیافته دانش‌آموزان در صورت بروز اعتراضات علیه حکومت است. سردار احمدرضا رادان فرمانده کل انتظامی جمهوری اسلامی روز گذشته در گردهمایی معاونان و مدیران فرهنگی و اجتماعی فراجا گفته «دشمن در تلاش برای نفوذ بر ذهن و باور این نسل و قشر است. مافیای ربودن اندیشه‌های دانش‌آموزان، موضوعی است که نباید ساده از آن عبور کنیم!» فرمانده کل انتظامی جمهوری اسلامی افزوده که «نظام فکری و رفتاری در سنین پراهمیت کودکی و نوجوانی شکل می‌گیرد و این بیانگر اهمیت دوران نه چندان کوتاه نظام تعلیم و تربیت است و به نظر می‌رسد بیشترین بروز و ظهور نقش‌آفرینی در این نظام رفتاری و فکری می‌تواند در تعامل بین پلیس و آموزش و پرورش اتفاق بیافتد.»

در این همایش همچنین علیرضا کاظمی وزیر آموزش و پرورش در این همایش گفته «وزارت آموزش و پرورش ماموریت انتقال فرهنگ، باورها، ارزش‌ها را به نسل جدید دارد. از این رو نیاز جدی به بازنگری در فضای فرهنگی، اجتماعی نظام تعلیم و تربیت کشور داریم.»

وزیر آموزش و پرورش دولت پزشک‌پسندان افزوده «توجه جدی به مبانی اعتقادی و فرهنگ قرآنی در کانون و مرکز این بازنگری قرار دارد، زیرا ماموریت مهم آموزش و پرورش انسان‌سازی و توسعه فرهنگی جامعه است.»

وزیر آموزش و پرورش خود را «با افتخار» سرباز احمدرضا رادان فرمانده کل انتظامی کشور خوانده و گفته «با این تفاهم‌نامه با فراجا بیش از گذشته می‌توان روی امور فرهنگی مدارس کار کرد.»

علیرضا کاظمی موضوع «حجاب» را یکی از آسیب‌های فرهنگی خواند که باید درباره آن کار فرهنگی انجام شود. او تأکید کرده که «در همه موضوعات از جمله حجاب باید کار فرهنگی و ریشه‌ای در زمینه معرفت‌افزایی انجام دهیم.»

محمد حبیبی سخنگوی شورای هماهنگی تشمیل‌های صنفی معلمان ایران نیز در گفتگو با روزنام «هم‌میهن» از دخالت نهادهای امنیتی حکومت در امور آموزش و پرورش خبر داده و گفته «در حال حاضر نهادهای امنیتی در سطح انتخاب مدیران کل آموزش و پرورش دخالت دارند. نه فقط برای استعلام‌گیری، بلکه از این منظر که چه کسانی برای چه پست‌هایی باید انتخاب شوند.»

محمد حبیبی افزوده این شرایط در دولت مسعود پزشکیان تشدید شده است: «از زمانی که آقای کاظمی به عنوان وزیر آموزش و پرورش معرفی و انتخاب شد، جریان پایداری در چنین وزارت آموزش و پرورش مثل معاونان و مدیران کل آموزش و پرورش، عملاً نقش ایفا کرد. ما می‌بینیم که جهت‌گیری‌ها به سمت‌وسوی جریان‌ات تندروست؛ از همین تفاهم اخیر با نیروی انتظامی گرفته تا «طرح امین» که به دنبال استخدام طلاب در آموزش و پرورش که در همین یک سال اخیر اتفاق افتاده است.»



اغلب با مدیر مستقیم خود هماهنگ هستند و به همین دلیل، برخی از آنچه که در دستگاه‌ها رخ می‌دهد، ممکن است نادیده گرفته شود. بنابراین، از این بابت ما این طرح را با بیش از ۶۰ امضا از سوی نمایندگان ارائه کرده‌ایم که اکنون در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی تحت بررسی قرار دارد. امیدواریم این طرح به صورت کارشناسی‌شده، گزارش آن در کمیسیون تکمیل شود و به صحن علنی مجلس ارائه گردد.»

حسینعلی حاجی‌دلگانی افزوده «پیش‌بینی بنده این است که این طرح، که در قالب ماده واحده با دو تبصره تنظیم شده، بتواند این مشکل و خلأ موجود را برطرف کند.» حسینعلی حاجی‌دلگانی با سابقه عضویت و فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و از جمله نمایندگان تندرو به شمار می‌رود که حتی خواستار راه‌اندازی وزارت امر به معروف و نهی از منکر نیز شده بود.

با اینهمه به نظر می‌رسد امنیتی کردن بیش از پیش فضای ادارات و سازمان‌های حکومتی از هراس شکل‌گیری اعتراضات سراسری و پیوستن کارمندان و کارکنان این سازمان‌ها و ادارات به اعتراضات سراسری و اعتصابات در دستور کار قرار گرفته است.

همچنین نگرانی از ترور و آنچه جمهوری اسلامی «خرابکاری» می‌نامد در سطح ادارات نیز از جمله انگیزه‌های دیگر برای تدوین چنین طرحی به شمار می‌رود. طی سالهای گذشته چندین حمله تروریستی علیه مقامات حکومتی و انتظامی صورت گرفته است.

از جمله در دی‌ماه ۱۴۰۳ کارمند ۳۱ ساله آبدارخانه دیوان عالی کشور دو قاضی معروف قوه قضاییه، محمد مقیسه و علی رازینی را با شلیک گلوله ترور کرد.

چند روز پیش نیز تفاهم‌نامه‌ای میان آموزش و پرورش و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی برای حضور نیروی انتظامی در مدارس سراسر کشور امضا شد. خبرگزاری «مهر» وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی مدعی

● طرح جدیدی در مجلس شورای اسلامی در دست بررسی است که به دنبال امنیتی‌تر کردن فضای ادارات و سازمان‌های مختلف است و بر اساس آن نهاد حراست از ساختار سازمان و اداره مربوطه خارج شده و زیرمجموعه وزارت اطلاعات خواهند شد.

● این طرح با بیش از ۶۰ امضا به مرحله بررسی راه یافته و اکنون در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی در دست بررسی است و در صورت تصویب برای نهایی شدن به صحن علنی مجلس آورده می‌شود.

● به نظر می‌رسد امنیتی کردن بیش از پیش فضای ادارات و سازمان‌های حکومتی از هراس شکل‌گیری اعتراضات سراسری و پیوستن کارمندان و کارکنان این سازمان‌ها و ادارات به اعتراضات سراسری و اعتصابات در دستور کار قرار گرفته است.

● همچنین نگرانی از ترور و آنچه جمهوری اسلامی «خرابکاری» می‌نامد در سطح ادارات نیز از جمله انگیزه‌های دیگر برای تدوین چنین طرحی به شمار می‌رود.

طرح جدیدی در مجلس شورای اسلامی در دست بررسی قرار دارد که بر اساس آن نهاد حراست سازمان‌ها و ادارات از زیرمجموعه سازمان‌ها خارج و بطور مستقیم زیرمجموعه وزارت اطلاعات خواهد شد.

خبرگزاری «تابناک» از طرح جدیدی در مجلس شورای اسلامی خبر داده که به دنبال امنیتی‌تر کردن فضای ادارات و سازمان‌های مختلف است و بر اساس آن نهاد حراست از ساختار سازمان و اداره مربوطه خارج شده و زیرمجموعه وزارت اطلاعات خواهند شد.

این طرح با بیش از ۶۰ امضا به مرحله بررسی راه یافته و اکنون در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی در دست بررسی است و در صورت تصویب برای نهایی شدن به صحن علنی مجلس آورده می‌شود.

حسینعلی حاجی‌دلگانی عضو کمیسیون اصل ۹۰ مجلس دوازدهم درباره این طرح به «تابناک» گفته با تصویب این طرح در مجلس، نیروهای حراست در دستگاه‌های اجرایی، وزارتخانه‌ها و نهادهای دولتی، تحت اشراف و مدیریت وزارت اطلاعات قرار خواهند گرفت.»

او یادآوری کرده که «در حال حاضر نیروهای حراست از جمله افرادی هستند که به‌عنوان کارکنان همان سازمان و دستگاه اجرایی محسوب می‌شوند.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی گفته «یکی از دغدغه‌هایی که وجود دارد، این است که در راستای ارتقای نظام سلامت اداری و مقابله با مفساد مالی و اداری در دستگاه‌های اجرایی، همچنین به‌منظور صیانت از دارایی‌های ارزشمند جمهوری اسلامی ایران، جمع‌آوری و تولید اطلاعات، تحلیل و برآورد اطلاعات امنیتی، اشراف اطلاعاتی، نظارت هوشمند و نیز حمایت از مدیران سالم دستگاه‌ها، نیاز است که مجموعه‌های حراست در دستگاه‌های مختلف، مستقیماً زیرمجموعه وزارت اطلاعات قرار گیرند. البته این اقدام باید با همکاری و مشارکت دستگاه‌های مربوطه انجام شود.

نماینده اصفهان در مجلس شورای اسلامی در توجیه این طرح توضیح داده «در حال حاضر مشکلات زیادی وجود دارد، از جمله اینکه مدیران حراستی که منصوب می‌شوند،

مارکو روبیو: جمهوری اسلامی اجازه غنی‌سازی اورانیوم ندارد و برای مصارف صلح‌آمیز می‌تواند آن را مثل کشورهای دیگر وارد کند



مارکو روبیو وزیر خارجه دولت ترامپ / رویترز

● وزیر خارجه آمریکا می‌گوید جمهوری اسلامی حق غنی‌سازی اورانیوم را ندارد و «اگر به دنبال برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز است، می‌تواند اورانیوم ۳/۶۷ درصد غنی‌شده را خریداری و وارد کند».

● مارکو روبیو روز چهارشنبه ۲۳ آوریل (سوم اردیبهشت) به «فری پرس» گفت، «جمهوری اسلامی برای گفتگو تمایل نشان داد، ما با آنها گفتگو خواهیم کرد اما اگر یک برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز می‌خواهند می‌توانند آن را داشته باشند به شرط اینکه مثل بسیاری از کشورهای دیگر باید مواد غنی‌شده را وارد کنند».

● او همچنین در پاسخ به پرسشی درباره خطرات اقدامی نظامی علیه برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی و احتمال تبدیل آن به جنگی تمام‌عیار در سراسر منطقه توضیح داد: «در شرایطی قرار داریم که هرگونه اقدام نظامی در خاورمیانه، می‌تواند به جنگی تمام‌عیار منجر شود. باید اذعان کنیم که شرایط بسیار پیچیده خواهد بود».

● سیدعباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی ۲۷ فروردین‌ماه گفت، غنی‌سازی اورانیوم در ایران «پذیرفته‌شده و واقعی» است و امکان رفع نگرانی درباره آن وجود دارد، اما «اصل موضوع غنی‌سازی قابل مذاکره نیست».

وزیر خارجه آمریکا می‌گوید جمهوری اسلامی حق غنی‌سازی اورانیوم را ندارد و «اگر به دنبال برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز است، می‌تواند مواد ۳/۶۷ درصد غنی‌شده را خریداری و وارد کند».

مارکو روبیو وزیر خارجه آمریکا روز چهارشنبه ۲۳ آوریل (سوم اردیبهشت) به «فری پرس» گفت، «جمهوری اسلامی برای گفتگو تمایل نشان داد، ما با آنها گفتگو خواهیم کرد اما اگر یک برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز می‌خواهند می‌توانند آن را داشته باشند به شرط اینکه مثل بسیاری از کشورهای دیگر در دنیا باید مواد غنی‌شده را وارد کنند».

او در پاسخ به پرسشی درباره خواسته دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا از مذاکره با رژیم ایران و تفاوت توافق احتمالی بین تهران و واشنگتن با برجام عنوان کرد، «توافق قبلی به چند دلیل بد بود. در ازای توانایی‌های غنی‌سازی محدود که در هر مقطعی می‌توانست به سلاح تبدیل شود، تحریم‌ها علیه ایران فوری و کامل لغو شد». وزیر خارجه آمریکا افزود که در آن زمان «ما به آنها امتیازات دائمی در ازای امتیازات موقت دادیم».

روبیو در بخش دیگری از این مصاحبه افزود: «ما جنگ نمی‌خواهیم. ما نمی‌خواهیم شاهد جنگ باشیم. ترامپ رئیس‌جمهوری نیست که برای شروع جنگ کارزاری را شروع کرده باشد. همانطور که او به صراحت گفت، ایران قرار نیست سلاح هسته‌ای داشته باشد و او تمام حق خود را برای جلوگیری از وقوع آن محفوظ می‌دارد، اما ترجیح می‌دهد آن اتفاق رخ ندهد. او ترجیح می‌دهد که نیازی به توسل به نیروی نظامی، چه از سوی ما و چه از سوی هیچکس دیگری نباشد. او ترجیح می‌دهد که این چیزی باشد که بتوانیم درباره آن مذاکره کنیم».

او در پاسخ به پرسشی درباره «توانایی آمریکا برای نابودی تأسیسات هسته‌ای ایران» افزود: «من نمی‌خواهم در مورد همه تدارکات آن صحبت کنم. کافیت بگویم که معتقدم

اظهارات روبیو درباره اینکه جمهوری اسلامی حق غنی‌سازی اورانیوم ندارد، دقیقاً نقطه مقابل مواضع مقامات جمهوری اسلامی است. در همین ارتباط عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی ۲۷ فروردین‌ماه گفت، غنی‌سازی اورانیوم در ایران «پذیرفته‌شده و واقعی» است و امکان رفع نگرانی درباره آن وجود دارد؛ اما «اصل موضوع غنی‌سازی قابل مذاکره نیست».

در واکنش به سخنان روبیو، «تریتا پارس» که به عنوان لابیگر جمهوری اسلامی و مدافع سرسخت معامله آمریکا با جمهوری اسلامی شناخته شده و معلوم نیست از کجا از «موضع آمریکا در مذاکرات» مطلع است، در شبکه «ایکس» نوشت: «روبیو بار دیگر نشان می‌دهد که هدف ایالات متحده غنی‌سازی صفر است که تا کنون این موضع آمریکا در داخل مذاکرات نبوده است. روبیو یا این را می‌گوید تا نقش پلیس بد را بازی کند (به لطف ترامپ) تا این گزینه را باز نگه دارد، یا به دنبال خرابکاری در مذاکرات است».

در شرایطی که پس از دو گفتگو که در مسقط و رم میان سیدعباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی و استیو ویتکاف فرستاده ترامپ انجام شد، هر دو طرف مدعی شدند گفتگوها «سازنده و مثبت» بود اما به تدریج اختلافات اساسی میان طرفین بطور پیدا و پنهان مطرح می‌شود.

پیشتر روزنامه «اسرائیل هیوم» به نقل از یک منبع غیردولتی اسرائیل از قول یک مقام ارشد آمریکایی نوشته بود، «اسرائیل نباید از انجام گفتگوها میان جمهوری اسلامی و آمریکا درباره برنامه هسته‌ای نگران باشد، زیرا وقتی آمریکایی‌ها فهرست کامل شروط خود را ارائه کنند، مذاکرات بهم خواهد خورد».

در همین ارتباط، دونالد ترامپ نیز سه‌شنبه ۲۲ آوریل در شبکه اجتماعی «تروث» نوشت: «من الان با نخست وزیر اسرائیل، بی بی نتانیاهو، در مورد موضوعات زیادی از جمله تجارت، ایران و غیره صحبت کردم. گفتگو بسیار خوب پیش رفت- ما در همه‌ی مسائل در یک سمت ایستاده‌ایم».

آمریکا گزینه‌هایی دارد، اما ما هرگز نمی‌خواهیم به آن برسیم. واقعاً نمی‌خواهیم به آن مرحله برسیم، ما در مرحله‌ای نیستیم که ایران را تهدید کنیم. رئیس‌جمهور آمریکا با وعده شروع جنگی تازه کارزار انتخاباتی خود را رهبری نکرد».

مارکو روبیو با اشاره به اینکه «با هر نوع توافقی با ایران فاصله زیادی داریم» توضیح داد: «ما تشخیص می‌دهیم که این روند دشوار و سخت است. اغلب اوقات، متأسفانه، دستیابی به صلح سخت است. اما ما متعهد به دستیابی به یک نتیجه مسالمت‌آمیز هستیم که برای همه قابل قبول باشد. ممکن است امکان‌پذیر نباشد، ما نمی‌دانیم. ما می‌خواهیم به یک راه حل مسالمت‌آمیز دست پیدا کنیم و به هیچ چیز دیگری متوسل نشویم و درباره راه‌های جایگزین حتی گمانه‌زنی نکنیم».

او همچنین در پاسخ به پرسشی درباره خطرات اقدامی نظامی علیه برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی و احتمال تبدیل آن به جنگی تمام‌عیار در سراسر منطقه توضیح داد: «در شرایطی قرار داریم که هرگونه اقدام نظامی در خاورمیانه، می‌تواند به جنگی تمام‌عیار منجر شود. باید اذعان کنیم که شرایط بسیار پیچیده خواهد بود».

وزیر خارجه آمریکا در بخش دیگری عنوان کرد که رژیم «ایران به دلیل لغو تحریم‌ها در دوره اوباما، میلیاردها دلار برای توسعه قابلیت‌های نظامی هزینه کرده که به عنوان مثال، در حال حاضر شاهد استفاده از آن در اوکراین هستیم. آیا ایالات متحده قادر به شکست این روند و مقابله با همه این مسائل است؟ قطعاً. من فکر می‌کنم مهم است که بفهمیم این موضوع بسیار پیچیده‌تر از ۱۰ سال پیش یا پنج سال پیش است. اما به همین دلیل است که امیدواریم از این امر جلوگیری کنیم».

روبیو افزود: «همین پیچیدگی است که باعث شده ترامپ به راهکاری مسالمت‌آمیز پایبند باشد. هرچند او حق دارد [از هر طریقی] از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای جلوگیری کند، اما او به دنبال صلح است».

اختلاف میان جمهوری اسلامی و آمریکا بر سر خروج ۲۷۵ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصدی از ایران



عباس عاقچی و تیم مذاکره کننده جمهوری اسلامی در نشست رم / آوریل ۲۰۲۵

صورت یک توافق احتمالی هسته‌ای میان تهران و واشنگتن، خودداری کرده است.

برخی ناظران می‌گویند در شرایطی که اروپایی‌ها نگران تهدیدات همه‌جانبه از سوی روسیه هستند، بعید است غرب با انتقال این حجم اورانیوم ۶۰ درصدی به روسیه موافقت کند. از سوی دیگر مخالفان داخلی این اقدام احتمالی نیز مسائل امنیتی را مطرح می‌کنند از جمله اینکه احتمال دارد کشور ثالث در صورت لزوم حاضر به پس دادن آن نباشد ضمن اینکه برای تولید و نگهداری این حجم اورانیوم با غلظت نزدیک به درجه تسلیحاتی هزینه‌های کلانی صرف شده که پول آن به جیب گروهی خاص از مافیای نظامی- امنیتی رفته و می‌رود و حالا با انتقال آن به کشوری دیگر، این بودجه از جیب آنها حذف می‌شود.

طبق مفاد توافق اتمی ۲۰۱۵ موسوم به برجام جمهوری اسلامی اجازه غنی‌سازی زیر ۴ درصد را داشت اما به ویژه در سال‌های اخیر در واکنش به تحریم‌ها و فشارهای خارجی حجم اورانیوم غنی‌شده را بسیار افزایش داد آنهم در حالی که برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای اساساً به غنی‌سازی اورانیوم نیازی نیست!

به این ترتیب یکی از موارد اصلی اختلاف در مذاکرات میان جمهوری اسلامی و آمریکا، همانگونه که در توافق برجام نیز مطرح بوده، اکنون با حجم و غلظتی بسیار بیشتر، مربوط به ۲۷۵ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصدی است که حکومت با تکیه بر آن به باج‌خواهی از غرب می‌پردازد.

ضمن اینکه انتقال و نگهداری این حجم از اورانیوم غنی‌شده در سطح بالا بسیار پرخرج و خطرناک است و معلوم نیست کدام کشور چنین اقدامی را بپذیرد و اگر هم پذیرفت، آن کشور مورد قبول هم کشورهای اروپایی و هم آمریکا و هم جمهوری اسلامی و هم کشورهای منطقه از جمله اسرائیل باشد!

برخی منابع اعلام کرده‌اند که جلسه کارشناسی چهارشنبه به روز شنبه و همزمان با سومین گفتگوی نمایندگان رژیم ایران و آمریکا که قرار است ۲۶ آوریل در مسقط برگزار شود، موکول شده است.

در این میان، گفته می‌شود از شروط دونالد ترامپ برای معامله با جمهوری اسلامی خروج حدود ۲۷۵ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصدی از ایران است.

برخی منابع گزارش دادند جمهوری اسلامی برخی محدودیت‌های آژانس را پذیرفته اما با انتقال ذخایر اورانیوم غنی‌شده به کشور سوم مخالف است. برخی دیگر نیز گفته‌اند اگر کشور ثالث روسیه باشد و تهران در ازای آن تضمین کافی دریافت کند، خروج اورانیوم را خواهد پذیرفت و گروه سوم آنهایی هستند که معتقدند اگر فشارها بیشتر شود حکومت در نهایت به این اجبار تن خواهد داد.

در همین ارتباط محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی که روز سه‌شنبه دوم اردیبهشت به مناسبت سالروز تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در جمع فرماندهان آن سخنرانی داشت اعلام کرد: «خروج اورانیوم غنی‌شده از ایران در دستور کار نیست».

او همچنین درباره احتمال حمله به مراکز اتمی ایران گفت: «حمله به تأسیسات هسته‌ای، اقدامی خلاف الزامات بین‌المللی و تعهدات جمعی کشورها است و چنین رخدادی، کل دنیا را تحت تأثیر قرار خواهد داد».

برخی تفسیر کردند که اسلامی نگفته اورانیوم از ایران خارج نمی‌شود بلکه منظورش این است که فعلاً در دستور کار نیست.

روزنامه «گاردین» پیشتر به نقل از مقامات تهران، گزارش داده بود که جمهوری اسلامی احتمالاً با خروج اورانیوم از ایران موافقت نخواهد کرد. کرم‌لین نیز از اظهار نظر درباره انتقال ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران به روسیه، در

● برخی منابع گزارش دادند جمهوری اسلامی برخی محدودیت‌های آژانس را پذیرفته اما با انتقال ذخایر اورانیوم غنی‌شده به کشور سوم مخالف است. برخی دیگر نیز گفته‌اند اگر کشور ثالث روسیه باشد و تهران در ازای آن تضمین کافی دریافت کند، خروج اورانیوم را خواهد پذیرفت و گروه سوم آنهایی هستند که معتقدند اگر فشارها بیشتر شود حکومت در نهایت به این اجبار تن خواهد داد.

● محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی که روز سه‌شنبه دوم اردیبهشت به مناسبت سالروز تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در جمع فرماندهان آن سخنرانی داشت اعلام کرد: «خروج اورانیوم غنی‌شده از ایران در دستور کار نیست».

● روزنامه «گاردین» پیشتر به نقل از مقامات تهران، گزارش داده بود که جمهوری اسلامی احتمالاً با خروج اورانیوم از ایران موافقت نخواهد کرد. کرم‌لین نیز از اظهار نظر درباره انتقال ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران به روسیه، در صورت یک توافق احتمالی هسته‌ای میان تهران و واشنگتن، خودداری کرده است.

● برخی ناظران می‌گویند در شرایطی که اروپایی‌ها نگران تهدیدات همه‌جانبه از سوی روسیه هستند، بعید است با انتقال این حجم اورانیوم ۶۰ درصدی به روسیه موافقت کنند.

رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌گوید، ایران برای ساخت چند کلاهک هسته‌ای اورانیوم غنی‌شده ذخیره و در اختیار دارد و باید محدودیت‌هایی را بپذیرد تا آژانس بتواند به جامعه جهانی بگوید که شرایط خوب است. همچنین جلسه فنی کارشناسی جمهوری اسلامی و آمریکا که قرار بود چهارشنبه سوم اردیبهشت در مسقط برگزار شود به دلایل نامشخص لغو شد.

روزنامه «تایمز»: تحقیقات درباره ارتباط خیریه «لبیک یا زهرا» مستقر در بریتانیا با حکومت ایران و سپاه پاسداران



دیدار اعضای مؤسسه «لبیک یا زهرا» با شماری از سپاه‌ها در خبرگزاری «دفاع پرس»

هشدار می‌دهد، از فعالیت‌هایی که ممکن است به اعتبار سازمان‌شان یا کل فعالیت‌های خیریه لطمه وارد کنند، اجتناب کنند. همکاری و تبلیغ برای نهادهای تحریم‌شده نیز نقض قوانین خیریه بریتانیا محسوب می‌شود.

زنگ خطر جدی

سولا بریورمن وزیر کشور پیشین بریتانیا که مدافع قرار گرفتن سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی بریتانیا است، انتشار این گزارش‌ها مبنی بر همکاری این خیریه با اعضای سپاه پاسداران را «زنگ خطر جدی» دانست و گفت: «جمهوری اسلامی ایران دشمن بریتانیاست و این پرونده باید بطور کامل توسط کمیسیون خیریه بررسی شود. دولت باید سپاه پاسداران را به عنوان یک سازمان تروریستی معرفی کند.»

فروه در بیانیه‌ای گفت که دیدارش «کاملاً اتفاقی» و تنها «یک ملاقات کوتاه» بوده که با هماهنگی راهنمای محلی انجام شده و از پیش برنامه‌ریزی نشده بود. او همچنین مدعی است که از هویت افراد حاضر در جلسه اطلاعی نداشته است هرچند آن فرمانده سپاه با اونیفرم نظامی در محل ملاقات حاضر شده بود.

او همچنین گفت که مفهوم «جهاد تبیین» «کاملاً معنوی و غیرخشونت‌آمیز» است و خیریه‌اش هیچ فعالیتی که ناقض قوانین بریتانیا باشد، انجام نداده است.

سیده ام فروه همچنین هرگونه اتهام همکاری با «رژیم ایران و یا هر دولت دیگر» را رد کرد و گفت: «ما هیچ ارتباطی با هیچ دولت یا نهاد تحریم‌شده و غیره نداریم. این ادعاها ریشه در توهم و نظریه‌های توطئه دارد.»

سخنگوی کمیسیون خیریه بریتانیا گفت: «ما هرگونه اشاره به ارتباط میان خیریه‌ها با افراط‌گرایی یا تروریسم را بسیار جدی می‌دانیم و در صورت وجود شواهد تخلف، قاطعانه اقدام کرده و در صورت لزوم، موضوع را به نهادهای مسئول دیگر ارجاع می‌دهیم.»

سازمان اتحاد علیه ایران هسته‌ای (UANI) در راستای کارزار خود برای بررسی ارتباط بیش از ۳۰ گروه مستقر در بریتانیا با جمهوری اسلامی ایران، جزئیات دیدار مسئولان این خیریه را با مقامات سپاه منتشر کرده است.

خیریه «لبیک یا زهرا» با پنج عضو هیات امناء و ۵۴ داوطلب در سراسر بریتانیا فعالیت می‌کند.

سازمان اتحاد علیه ایران هسته‌ای به اسنادی دست‌یافته که نشان می‌دهد این خیریه در همایش سالانه خود در سال ۲۰۲۴ که در ایران برگزار شد، میزبان شماری از عناصر تندرو مرتبط با گروه‌های تروریستی بوده است.

فروه در گفتگو با خبرگزاری «دفاع مقدس» همچنین درباره اجرای «جهاد تبیین» در سطح بین‌المللی سخن گفت. مقامات جمهوری اسلامی ایران بارها از جهاد تبیین به عنوان «پادزهر تبلیغات غرب» یاد کرده‌اند.

وی در این گفتگو همچنین از کشته شدن قاسم سلیمانی ابراز اندوه کرد و گفت: «به خواست خدا، انتقام این خون گرفته خواهد شد و دوران ستمگران به پایان خواهد رسید.» سیده ام فروه در گفتگو با روزنامه «تایمز» گفت که پیش از بازدید از دفاتر خبرگزاری «دفاع مقدس» هیچ شناختی از این خبرگزاری، وابستگی و ماهیت فعالیت آن نداشته است. خبرگزاری دفاع مقدس از نهادهای «بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس» است و بارها تأکید کرده که

محتوایی همسو با دکترین نظامی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران منتشر می‌کند. این خبرگزاری همچنین بطور معمول محتوایی در تمجید و تبلیغ فعالیت گروه‌هایی چون حماس و حزب‌الله که از جانب بریتانیا به عنوان سازمان‌های تروریستی شناخته می‌شوند، منتشر می‌کند.

بنابر قوانین کمیسیون خیریه بریتانیا، هیچ نهاد خیریه‌ای نباید «با افراد یا گروه‌هایی که از تروریسم حمایت می‌کنند یا به ترویج ایدئولوژی افراط‌گرایانه می‌پردازند» همکاری کند. این کمیسیون همچنین به مسئولان این مؤسسات

● بر اساس گزارش روزنامه «تایمز» که ۲۱ آوریل (اول اردیبهشت) منتشر شد «سیده ام فروه نقوی» و «علی عفی» از اعضای هیات امناء این خیریه پیشتر در سفر به تهران مهمان یکی از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بودند.

● سیده ام فروه به خبرگزاری «دفاع پرس» گفته بود که تمام فعالیت‌های مؤسسه خیریه «لبیک یا زهرا» منطبق بر اندیشه‌های روح‌الله خمینی رهبر پیشین جمهوری اسلامی ایران است.

● سازمان اتحاد علیه ایران هسته‌ای (UANI) در راستای کارزار خود برای بررسی ارتباط بیش از ۳۰ گروه مستقر در بریتانیا با جمهوری اسلامی ایران، جزئیات دیدار مسئولان این خیریه را با مقامات سپاه منتشر کرده است.

● فروه در بیانیه‌ای گفت که دیدارش «کاملاً اتفاقی» و تنها «یک ملاقات کوتاه» بوده که با هماهنگی راهنمای محلی انجام شده و از پیش برنامه‌ریزی نشده بود. او همچنین مدعی است که از هویت افراد حاضر در جلسه اطلاعی نداشته است هرچند آن فرمانده سپاه با اونیفرم نظامی در محل ملاقات حاضر شده بود.

مسئولان یک مؤسسه ظاهراً خیریه به نام «لبیک یا زهرا» مستقر در بریتانیا به اتهام ارتباط با جمهوری اسلامی و نهادهای تحریم‌شده از سوی بریتانیا تحت تحقیق قرار گرفتند.

بر اساس گزارش روزنامه «تایمز» که ۲۱ آوریل (اول اردیبهشت) منتشر شد «سیده ام فروه» و «علی عفی» از اعضای هیات امناء این خیریه پیشتر در سفر به تهران مهمان یکی از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بودند. آنها هدف خود از این سفر را حضور در «برنامه‌های فرهنگی» عنوان کرده بودند. این موسسه که در بریتانیا ثبت شده، هدف خود را «یاری به بشریت» از طریق ترویج دین اسلام و حقوق زنان معرفی کرده است.

طبق این گزارش، این دو در جریان سفر به تهران با سرتیپ پاسدار مجید هاشمی دانا از فرماندهان ارشد سپاه و مدیرعامل پیشین خبرگزاری «دفاع مقدس» دیدار و از دفاتر این نهاد وابسته به سپاه بازدید کردند.

آنها در بازدید از دفاتر این خبرگزاری با هاشمی دانا چای نوشیدند و با او در کنار تصویر قاسم سلیمانی فرمانده پیشین «سپاه قدس» که تحت تحریم بریتانیا بود، عکس گرفتند.

سیده ام فروه در مصاحبه با خبرگزاری «دفاع پرس» گفته بود که تمام فعالیت‌های مؤسسه خیریه «لبیک یا زهرا» منطبق بر اندیشه‌های روح‌الله خمینی رهبر پیشین جمهوری اسلامی ایران است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد نام کامل او «سیده ام فوره نقوی» است اما مشخص نیست او ایرانی‌تبار است یا نه.

خبرگزاری «دفاع مقدس» مدعی شد که سیده ام فروه با امضای تفاهم‌نامه‌ای متعهد شده است با این خبرگزاری برای گسترش «آرمان‌ها و گفت‌وگو انقلاب در سطح بین‌المللی» همکاری کند. بنا بر این گزارش، او همچنین متعهد به انتشار «آموزه‌های دفاع مقدس» مبنی بر مفاهیم «مقاومت، جهاد و شهادت» در برابر دشمنان جمهوری اسلامی ایران شده است. فروه امضای هرگونه تفاهم‌نامه را رد کرده و گفته که خبرگزاری در انعکاس خبر بازدید او اشتباه کرده است.

آسوشیتدپرس: آغاز مذاکره فنی میان جمهوری اسلامی و آمریکا به معنی نزدیکی به توافق نیست



تأسیسات اتمی جمهوری اسلامی که حکومت مدعی است صرفاً صلح‌آمیز است

کارشناسان و برجام
در توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ موسوم به «برجام»، کارشناسان ارشد در هر دو طرف نقش کلیدی ایفا کردند. از جانب آمریکا در دولت باراک اوباما، ارنست مونیز وزیر انرژی وقت با علی‌اکبر صالحی رئیس وقت سازمان انرژی اتمی ایران، همکاری نزدیکی داشت. پیشینه فنی هر دو نفر نقش تعیین‌کننده‌ای در نهایی‌سازی جزئیات توافق داشت. بر اساس آن توافق، رژیم ایران متعهد شد اورانیوم را فقط تا سطح ۳/۶۷ درصد غنی‌سازی کرده و ذخایری بیش از ۳۰۰ کیلوگرم نداشته باشد. اما امروز بخشی از اورانیوم خود را تا سطح ۶۰ درصد غنی‌سازی می‌کند که فاصله‌ای کوتاه و فنی تا سطح تسلیحاتی ۹۰ درصدی دارد. آخرین گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در فوریه ۲۰۲۵، حجم کل ذخایر اورانیوم ایران را بیش از هشت تن اعلام کرده است. این توافق همچنین نوع سانتریفیوژهایی را که جمهوری اسلامی ایران اجازه استفاده از آنها را دارد محدود کرد و به این ترتیب توانایی تهران برای دستیابی سریع به سلاح هسته‌ای را کند ساخت. همچنین چگونگی و زمان‌بندی لغو تحریم‌ها و نیز مدت زمان اعتبار توافق را مشخص می‌کرد. تحلیلگران می‌گویند رسیدن به چنین محدودیت‌هایی همراه با جدول زمانی و تسهیلات، نیازمند تخصص فنی است. داونپورت می‌گوید: «یک توافق در حوزه عدم گسترش تسلیحات کشتار جمعی وقتی معنا پیدا می‌کند که بتوان آن را بطور مؤثر اجرا و راست‌آزمایی کرد. ایالات متحده برای مذاکره درباره محدودیت‌های دقیق و نظارت‌های شدید که بتواند هرگونه حرکت [رژیم] ایران به سوی سلاح هسته‌ای را به سرعت کشف کرده و فرصت کافی برای واکنش فراهم آورد، نیازمند یک تیم فنی قوی است.» آسوشیتدپرس در پایان این گزارش می‌نویسد هنوز مشخص نیست که دو طرف چه افرادی را برای شرکت در این مذاکرات کارشناسی اعزام خواهند کرد.

نزدیکی به توافق نیست بلکه نشان می‌دهد مذاکرات میان عباس عراقچی معاون وزیر خارجه جمهوری اسلامی و استیو ویتکاف نماینده ویژه آمریکا در امور خاورمیانه، همچنان در جریان است و هنوز در بالاترین سطح چانه‌زنی- یعنی محدود ساختن برنامه هسته‌ای ایران در ازای لغو تحریم‌های اقتصادی- به بن‌بست نرسیده است. کلسی داونپورت مدیر سیاست‌های عدم گسترش سلاح‌های کشتار جمعی در انجمن کنترل تسلیحات و از تحلیلگران باسابقه برنامه هسته‌ای ایران می‌گوید: «توافق برای ورود به مذاکرات فنی نشان می‌دهد که هر دو طرف اهدای عمل‌گرایانه و واقع‌گرایانه برای گفتگوها دارند و می‌خواهند جزئیات را بررسی کنند. اگر ویتکاف در گفتگوهایش با عراقچی خواستار شروط حداکثری مانند برچیدن کامل برنامه غنی‌سازی شده بود، ایران دلیلی برای ورود به مرحله کارشناسی نداشت.» آسوشیتدپرس در ادامه می‌نویسد: با این حال، مرحله فنی همچنان پر از موانع و چالش‌های بالقوه است از جمله اینکه ایالات متحده تا چه اندازه‌ای از غنی‌سازی اورانیوم توسط ایران را قابل‌قبول می‌داند؟ وضعیت برنامه موشکی ایران چه خواهد شد؟ برنامه‌ای که دونالد ترامپ آن را یکی از دلایل اصلی خروج یکجانبه آمریکا از توافق در سال ۲۰۱۸ عنوان کرد؟ کدام تحریم‌ها می‌توانند لغو شوند و کدام تحریم همچنان باقی خواهند ماند؟ ریچارد نیفو پژوهشگر در مؤسسه واشنگتن برای خاور نزدیک و از اعضای پیشین تیم تحریم‌های ایران در وزارت خارجه آمریکا توضیح می‌دهد که «ارزش واقعی مذاکرات کارشناسی بستگی دارد به اینکه آیا اراده سیاسی برای رسیدن به یک نتیجه وجود دارد یا نه و کارشناسان صرفاً باید مسیر تحقق آن را مشخص کنند. اگر کارشناسان مجبور باشند مفاهیم کلی و بنیادی را هم بررسی کنند، بدون وجود توافق سیاسی، نتیجه‌ای جز اتلاف وقت نخواهد داشت.»

● مذاکرات آمریکا بر سر برنامه هسته‌ای رو به گسترش جمهوری اسلامی از روز چهارشنبه ۲۳ آوریل (سوم اردیبهشت) وارد «سطح کارشناسی» (فنی) خواهد شد، نشانه‌ای که به ادعای برخی تحلیلگران، نشان‌دهنده پیشرفت سریع گفتگوهاست.
● خبرگزاری آسوشیتدپرس در گزارشی می‌نویسد با اینکه مذاکرات فنی میان جمهوری اسلامی و آمریکا آغاز می‌شود اما بعضی کارشناسان می‌گویند این موضوع لزوماً به معنای نزدیکی به توافق نیست بلکه نشان می‌دهد مذاکره هنوز به بن‌بست نرسیده است.
● «مرحله فنی همچنان پر از موانع و چالش‌های بالقوه است از جمله اینکه ایالات متحده تا چه اندازه‌ای از غنی‌سازی اورانیوم توسط [رژیم] ایران را قابل قبول می‌داند؟ وضعیت برنامه موشکی ایران چه خواهد شد؟ برنامه‌ای که دونالد ترامپ آن را یکی از دلایل اصلی خروج یکجانبه آمریکا از توافق در سال ۲۰۱۸ عنوان کرد؟ کدام تحریم‌ها می‌توانند لغو شوند و کدام تحریم همچنان باقی خواهند ماند؟»
● ریچارد نیفو پژوهشگر در مؤسسه واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک توضیح می‌دهد که «ارزش واقعی مذاکرات کارشناسی بستگی دارد به اینکه آیا اراده سیاسی برای رسیدن به یک نتیجه وجود دارد یا نه».

مذاکرات آمریکا بر سر برنامه هسته‌ای رو به گسترش جمهوری اسلامی از روز چهارشنبه ۲۳ آوریل (سوم اردیبهشت) وارد «سطح کارشناسی» (فنی) خواهد شد، نشانه‌ای که به ادعای برخی تحلیلگران، نشان‌دهنده پیشرفت سریع گفتگوهاست.
خبرگزاری آسوشیتدپرس در گزارشی می‌نویسد با اینکه مذاکرات فنی میان جمهوری اسلامی و آمریکا آغاز می‌شود اما بعضی کارشناسان می‌گویند این موضوع لزوماً به معنای

برگزاری دومین گفتگوی آمریکا و جمهوری اسلامی در رُم؛ فعلا ادامه دارد...!

● دومین گفتگوی نمایندگان جمهوری اسلامی و دولت آمریکا روز شنبه ۱۹ آوریل (۳۰ فروردین) در سفارت عمان در شهر رُم برگزار شد.

● منابع حکومتی داخل ایران همچنان مدعیاند مذاکرات به صورت غیرمستقیم در دو سالن مجزا برگزار شد و بدر البوسعیدی وزیر خارجه عمان پیامها را رد و بدل می‌کرد اما منابع دیگری از جمله العربیه گزارش دادند مذاکرات «مستقیم» بود.

● عراقچی در مصاحبه با خبرنگار صداوسیماي جمهوری اسلامی گفت از چهارشنبه مذاکرات فنی در سطح کارشناسان در عمان برگزار می‌شود و شنبه آینده سومین گفتگوی نمایندگان دو دولت نیز در عمان خواهد بود.

● وزارت خارجه عمان در بیانیه‌ای اعلام کرد هدف این گفتگوها «رسیدن به توافقی عادلانه، پایدار و الزام‌آور» است که «تضمین کند ایران بطور کامل عاری از سلاح‌های هسته‌ای و تحریم‌ها باشد» و در عین حال «توانایی توسعه انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای خود را حفظ کند».

● پایگاه خبری «آکسیوس» به نقل از یک «منبع آگاه» گزارش داد که ران درم وزیر امور استراتژیک اسرائیل در رم است و شاید با ویتکاف دیدار کند.

دومین گفتگوی نمایندگان جمهوری اسلامی و دولت آمریکا روز شنبه ۱۹ آوریل (۳۰ فروردین) در سفارت عمان در شهر رُم برگزار شد.

سرپرست هیأت ایرانی در این مذاکرات که حدود چهار ساعت طول کشید، عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی بود و از آنطرف استیو ویتکاف فرستاده دونالد ترامپ بود که پیش از این گفتگو با دو مقام ارشد سیاسی-امنیتی اسرائیل از جمله رئیس موساد دیدار کرده بود.

منابع حکومتی داخل ایران همچنان مدعیاند مذاکرات به صورت غیرمستقیم در دو سالن مجزا برگزار شد و بدر البوسعیدی وزیر خارجه عمان پیامها را رد و بدل می‌کرد اما منابع دیگری از جمله العربیه گزارش دادند مذاکرات «مستقیم» بود.

اظهار نظرهای متناقضی از سوی مقامات و رسانه‌ها درباره این مذاکره بیان می‌شود. عراقچی در مصاحبه با خبرنگار صداوسیماي جمهوری اسلامی گفت از چهارشنبه مذاکرات فنی در سطح کارشناسان در عمان برگزار می‌شود و شنبه آینده سومین گفتگوی نمایندگان دو دولت نیز در عمان خواهد بود. او همچون دور اول گفتگوها، اینبار نیز مدعی شد که مذاکرات «خوب» و «رو به جلو» ←

کند اما موفق نشد. گاز مایع به همراه نفت خام همچنان منبع درآمد عمده‌ای برای حکومت ایران به شمار می‌رود، درآمدی که برای برنامه‌های هسته‌ای، تسلیحات متعارف پیشرفته و همچنین حمایت از گروه‌های نیابتی مانند حزب‌الله، حوثی‌ها و حماس استفاده می‌شود.

اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری ایالات متحده درباره این تحریم‌ها گفت: «امام‌جمعه و شبکه‌اش تلاش کردند هزاران محموله گاز مایع، حتی از آمریکا، صادر کنند تا تحریم‌های آمریکا را دور بزنند و درآمد برای رژیم ایران تولید کنند. ایالات متحده همچنان متعهد است کسانی را که به رژیم ایران در تأمین مالی فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده‌اش کمک می‌کنند، پاسخگو بداند.»

طبق گزارش این وزارتخانه، برای بیش از یک دهه، سیداسدالله امام‌جمعه (مقیم ایران) و پسرش «میثم امام‌جمعه» (دارای

تحریم شبکه فروش نفت و گاز ایران وابسته به «اسدالله امام‌جمعه» و پسرش در آستانه دور سوم مذاکرات



یکی از درآمدهای اصلی جمهوری اسلامی برای تأمین گروه‌های نیابتی و سپاه صادرات «گاز مایع» است

تابعیت بریتانیایی و ایرانی، مقیم امارات) یک شبکه فروش، حمل و نقل و توزیع گاز مایع را از طریق شرکت‌هایی در ایران و امارات اداره می‌کرده‌اند. شرکت «کاسپین پتروشیمی» متعلق به امام‌جمعه یکی از این شرکت‌هاست که گاز مایع را از ایران به پاکستان صادر کرده و معاملات ده‌ها میلیون دلاری برای شرکت PGPICC انجام داده است. این شرکت در سال ۲۰۱۹ به دلیل ارتباط با شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس و حمایت مالی از «قرارگاه خاتم‌الانبیاء» تحریم شد. امام‌جمعه همچنین مالک شرکت اماراتی Pearl Petrochemical FZE بود که در اکتبر ۲۰۲۴ آن را به میثم منتقل کرد. این شرکت مالک واقعی کشتی Tinos I است که در ژوئن ۲۰۲۴ تلاش کرد گاز مایع از آمریکا بارگیری کرده و به چین صادر کند. میثم همچنین مدیرعامل شرکت بریتانیایی Worldwide LPG Limited است و در هیئت‌مدیره چندین شرکت پدرش در ایران نیز عضویت دارد.

امام‌جمعه همچنین مالک یا کنترل‌کننده ۹ شرکت دیگر در حوزه LPG در ایران است که یکی از آنها به‌گفته منابع، انحصار توزیع گاز مایع شرکت ملی گاز ایران را دارد. این شرکت‌ها شامل «مهندسی و فناوری پارسا فیدار پایدار، کشتیرانی نیلگون پارسا کاسپین، آرسا گاز، پاسار گاز، پترو پارسا کاسپین ایرانیان، بازرگانی پاسار گاز نوین، مجتمع صنعتی پارسا سلخ قشم، حمل‌ونقل بین‌المللی پارسا ترابر کاسپین، حمل‌ونقل بین‌المللی پارسا ترابر پرشیا» می‌شوند. دولت ترامپ طی سه هفته گذشته هربار پیش از برگزاری مذاکرات در مسقط و رم تحریم‌های جمهوری اسلامی را بیشتر کرد.

● دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری ایالات متحده (OFAC) «سیداسدالله امام‌جمعه» تاجر ایرانی فعال در حوزه گاز مایع (LPG) و شبکه شرکت‌های وابسته به او را که بطور جمعی مسئول صادرات صدها میلیون دلار گاز مایع و نفت خام ایران به بازارهای خارجی بوده‌اند، تحریم کرد.

● در بیانیه‌ای که وزارت خزانه‌داری آمریکا ۲۲ آوریل (دوم اردیبهشت) منتشر کرد، آمده شبکه گسترده امام‌جمعه شامل یک کشتی به نام «Tinos I» نیز می‌شود که در سال ۲۰۲۴ تلاش کرد در سواحل هیوستون تگزاس بارگیری کند اما موفق نشد.

● طبق گزارش این وزارتخانه، برای بیش از یک دهه، سیداسدالله امام‌جمعه (مقیم ایران) و پسرش «میثم امام‌جمعه» (دارای تابعیت بریتانیایی و ایرانی، مقیم امارات) یک شبکه فروش، حمل و نقل و توزیع گاز مایع را از طریق شرکت‌هایی در ایران و امارات اداره می‌کرده‌اند.

دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری ایالات متحده (OFAC) «سیداسدالله امام‌جمعه» تاجر ایرانی فعال در حوزه گاز مایع (LPG) و شبکه شرکت‌های وابسته به او را که بطور جمعی مسئول صادرات صدها میلیون دلار گاز مایع و نفت خام ایران به بازارهای خارجی بوده‌اند، تحریم کرد.

در بیانیه‌ای که وزارت خزانه‌داری آمریکا ۲۲ آوریل (دوم اردیبهشت) منتشر کرد، آمده شبکه گسترده امام‌جمعه شامل یک کشتی به نام «Tinos I» نیز می‌شود که در سال ۲۰۲۴ تلاش کرد در سواحل هیوستون تگزاس بارگیری

پاپ فرانسیس رهبر کاتولیک‌های جهان درگذشت



پاپ فرانسیس / رویترز

واتیکان در ماه مارس ۲۰۲۵ (اسفند ۱۴۰۳) اعلام کرد که پاپ فرانسیس به بیماری عفونت ریه مبتلا شده اما وضعیت جسمی وی پایدار است. او مدتی برای درمان در بیمارستان بستری بود.

بر اساس گزارش‌ها، پاپ فرانسیس در جوانی به بیماری ریوی «پلورزی» مبتلا شده بود و بخشی از یکی از ریه‌هایش در ۲۱ سالگی برداشته شد؛ با اینهمه وی تا آستانه‌ی نود سالگی زندگی کرد و تا آخرین روز هوشیاری ذهنی خود را حفظ کرده بود.

پاپ فرانسیس در سال ۱۹۵۸ به جامعه «یسوعیان» (ژوئیت‌ها) که خود را سربازان دین می‌دانستند پیوست و در سال ۱۹۶۹ به مقام کشیشی رسید. او در سال ۱۹۹۸ به عنوان سراسقف بوئنوس آیرس در آرژانتین منصوب شد و در سال ۲۰۰۱ توسط پاپ ژان پل دوم به مقام کاردینالی نائل آمد.

پاپ فرانسیس که اهل آرژانتین بود ۱۲ سال رهبری کاتولیک‌های جهان را بر عهده داشت. او در سال ۲۰۱۳ پس از استعفای بندیکت شانزدهم، توسط مراجع مذهبی واتیکان به رهبری کلیسای کاتولیک انتخاب شد.

پاپ فرانسیس در سال ۱۹۳۶ میلادی متولد شد و اولین پاپ از کشورهای آمریکای جنوبی به شمار می‌رفت. وی با حمایت از کسانی که از جنگ و گرسنگی فرار می‌کردند و پشتیبانی از افراد تنگدست لقب «پاپ مردم» را گرفت.

او در رشته شیمی و سپس الهیات تحصیل کرد و به چند زبان زنده دنیا یا صحبت می‌کرد یا با آنها آشنا بود. برخی منابع از او به عنوان «لیبرال‌ترین پاپ تاریخ» یاد کرده‌اند که بر برابری حقوقی زنان و همچنین دگرباشان جنسی و نیز مقابله با برخی تحمیلات مذهبی کلیسا تأکید می‌کرد تا نسل‌های جوان به مسیحیت علاقمند شوند.

● پاپ فرانسیس رهبر کاتولیک‌های جهان صبح روز دوشنبه ۲۱ آوریل (اول اردیبهشت) در سن ۸۸ سالگی و همزمان با عید پاک، یکی از مهم‌ترین اعیاد مسیحیان، درگذشت. واتیکان در اطلاعیه‌ای با اعلام این خبر نوشت «پاپ فرانسیس تمام زندگی خود را وقف خدمت به خدا و کلیسا کرد.»

● خورخه ماریو برگولیو یک روز پیش از مرگ مراسم نیایش بزرگ یکشنبه عید پاک را برگزار کرد و با جی‌دی ونس معاون اول دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا ملاقات داشت.

● وی با حمایت از کسانی که از جنگ و گرسنگی فرار می‌کردند و پشتیبانی از افراد تنگدست لقب «پاپ مردم» را گرفت.

● او در رشته شیمی و سپس الهیات تحصیل کرد و به چند زبان زنده دنیا یا صحبت می‌کرد یا با آنها آشنا بود. برخی منابع از او به عنوان «لیبرال‌ترین پاپ تاریخ» یاد کرده‌اند که بر برابری حقوقی زنان و همچنین دگرباشان جنسی و نیز مقابله با برخی تحمیلات مذهبی کلیسا تأکید می‌کرد تا نسل‌های جوان به مسیحیت علاقمند شوند.

پاپ فرانسیس رهبر کاتولیک‌های جهان صبح روز دوشنبه ۲۱ آوریل (اول اردیبهشت) در سن ۸۸ سالگی و همزمان با عید پاک، یکی از مهم‌ترین اعیاد مسیحیان، درگذشت. واتیکان در اطلاعیه‌ای با اعلام این خبر نوشت «پاپ فرانسیس تمام زندگی خود را وقف خدمت به خدا و کلیسا کرد.»

خورخه ماریو برگولیو یک روز پیش از مرگ مراسم نیایش بزرگ یکشنبه عید پاک را برگزار کرد و با جی‌دی ونس معاون اول دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا نیز ملاقات داشت.

بود.

عراقچی همچنین این ادعا را مطرح کرد که آمریکایی‌ها تا کنون هیچ بحث غیرمرتبط با موضوع هسته‌ای را مطرح نکرده‌اند. این در حالیست که الجزیره به نقل از وزیر خارجه جمهوری اسلامی نوشت: «تردیدهای ایران در مورد مذاکرات هسته‌ای افزایش یافته و توافق منوط به واقع‌بینی



حضور نیروهای امنیتی در مقابل سفارت عمان در رم، محل مذاکرات آمریکا و جمهوری اسلامی / ۱۹ آوریل ۲۰۲۵

آمریکا است.»

بیانیه وزارت خارجه عمان

وزارت خارجه عمان در بیانیه‌ای اعلام کرد هدف این گفتگوها «رسیدن به توافقی عادلانه، پایدار و الزام‌آور» است که «تضمین کند [رژیم] ایران بطور کامل عاری از سلاح‌های هسته‌ای و تحریم‌ها باشد» و در عین حال «توانایی توسعه انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای خود را حفظ کند.»

در این بیانیه تأکید شده است: «تنها از طریق گفتگو و ارتباط شفاف است که می‌توان به توافقی معتبر و تفاهمی مشترک برای منافع همه طرفین منطقه‌ای و بین‌المللی دست یافت.»

به گفته این وزارتخانه نیز دور بعدی مذاکرات طی روزهای آینده در مسقط برگزار خواهد شد. استیو ویتکاف و اعضای هیات آمریکایی بلافاصله پس از پایان مذاکره اظهار نظر نکردند. آنها در مورد دور اول مذاکرات که در مسقط برگزار شد نیز از اظهارات سریع خودداری کرده بودند.

دیدار احتمالی ویتکاف و درمر

پایگاه خبری «آکسیوس» به نقل از یک «منبع آگاه» گزارش داد که ران درمر وزیر امور استراتژیک اسرائیل و مشاور ارشد بنیامین نتانیاهو همزمان با برگزاری مذاکرات میان جمهوری اسلامی و آمریکا در رم حضور داشت.

بر اساس این گزارش، احتمال دارد درمر در ادامه این سفر با استیو ویتکاف نماینده ویژه آمریکا در مذاکرات، دیدار کند تا گراشی مستقیم از روند گفتگوها با جمهوری اسلامی دریافت نماید.

وال استریت ژورنال:

توافق احتمالی با جمهوری اسلامی باید شامل لیستی از مواد و انبارهای هسته‌ای باشد

● دومین گفتگوی نمایندگان آمریکا و جمهوری اسلامی روز شنبه ۱۹ آوریل (۳۰ فروردین) در رم انجام می‌شود. برخی منابع گزارش دادند انتظار می‌رود این گفتگوها پنج ساعت طول بکشد.

● روزنامه «وال استریت ژورنال» به نقل از «منابع آگاه» گزارش داد اجرای یک توافق جدید با جمهوری اسلامی بدون فهرستی شفاف از مواد و زیرساخت‌های هسته‌ای تهران، بسیار پرریسک خواهد بود، زیرا بدون چنین مبنایی، اطمینان از پایبندی ایران به محدودیت‌های دقیق غنی‌سازی امکان‌پذیر نیست.

دومین گفتگوی نمایندگان آمریکا و جمهوری اسلامی روز

از سوی دیگر شرایطی که دونالد ترامپ و همکارانش برای توافق با رژیم ایران روی میز قرار داده‌اند، برای تهران دشوار است.

روزنامه «وال استریت ژورنال» به نقل از «منابع آگاه» گزارش داد اجرای یک توافق جدید با جمهوری اسلامی بدون فهرستی شفاف از مواد و زیرساخت‌های هسته‌ای تهران، بسیار پرریسک خواهد بود، زیرا بدون چنین مبنایی، اطمینان از پایبندی تهران به محدودیت‌های دقیق غنی‌سازی امکان‌پذیر نیست.

طبق این گزارش، پس از سفر اخیر رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به تهران، مقامات اعلام کردند هنوز مشخص نیست که جمهوری اسلامی اطلاعات دقیق مورد درخواست آژانس درباره فعالیت‌های هسته‌اش را ارائه خواهد داد یا نه.

منابع آژانس می‌گویند مهم‌ترین حلقه موجود در ارزیابی‌ها، نبود اطلاعات دقیق از موجودی سانتریفیوژهای جمهوری اسلامی است.

بر اساس این گزارش، درک بین‌المللی از موجودی هسته‌ای در ایران با خلأهای حیاتی روبروست. تهران در سال‌های اخیر نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را بر فعالیت‌های هسته‌ای خود محدود کرده و همچنین مانع از ادامه تحقیقات آژانس درباره مواد هسته‌ای اعلام‌نشده‌ای شده که در ایران کشف شده بودند. در مقاطعی نیز دوربین‌هایی را که برای نظارت بر بخش‌های کلیدی زیرساخت‌های هسته‌ای نصب شده بودند، حذف کرده و با این کار عملاً مانع ورود بازرسان به این سایت‌ها شده است.



علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی گفته «نباید مسائل کشور را به گفتگوها گره زد»

هرچند در ایران جریان‌های مختلف وابسته به حکومت مذاکره با آمریکا را به نفع نظام می‌دانند، ولی مخالفان آزادیخواه جمهوری اسلامی از اینکه نمایندگان غرب با فرستادگان جمهوری اسلامی برای یک معامله احتمالی پای میز مذاکره نشسته‌اند انتقاد می‌کنند.

در همین ارتباط شاهزاده رضا پهلوی روز جمعه ۱۸ آوریل (۲۹ فروردین) در بیانیه‌ای اعلام کرد «مذاکره با رژیم ایران راه نجات برای یک دیکتاتوری در حال فروپاشی است». همچنین در روز دومین گفتگوی جمهوری اسلامی و آمریکا (شنبه ۳۰ فروردین) ایرانیان ملی‌گرا یک تظاهرات اعتراضی در رم تدارک دیده و ایرانیان را برای شرکت در این تظاهرات فراخوانده‌اند.

شنبه ۱۹ آوریل (۳۰ فروردین) در رم انجام می‌شود. برخی منابع گزارش دادند انتظار می‌رود این گفتگوها پنج ساعت طول بکشد.

پایگاه خبری «آکسیوس» گزارش داد محل گفتگوها در سفارت عمان در رم خواهد بود. مسعود پزشکیان در جریان بازدید از وزارت بهداشت، با اشاره به مذاکره با آمریکا ادعا کرد، «اگر توافق حاصل نشد، اینطور نیست که با مشکل مواجه شویم». این دیدگاه اما به نظر می‌رسد ساده‌انگارانه باشد زیرا فشارهای آمریکا به دولت‌های اروپایی برای فعال ساختن «مکانیسم ماشه» و بازگرداندن تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی افزایش یافته است.

انتقاد مخالفان جمهوری اسلامی از ترامپ و ویتکاف: «راه جو بایدن و رابرت مالی را نروید!»

● دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا در آستانه برگزاری سومین گفتگوی نمایندگان آن کشور با جمهوری اسلامی مدعی شد گفتگوهای «بسیار خوبی» با ایران انجام شده است. همزمان فشار جمهوریخواهان و مخالفان رژیم ایران به وی و استیو ویتکاف مذاکره‌کننده آمریکا رو به افزایش است؛ منابع اسرائیلی هم موضوع اقدام نظامی را جدی‌تر و حتا بدون مشارکت آمریکا مطرح می‌کنند.

● در اسرائیل برخی نتانیاهو را متهم کرده‌اند که در برابر جمهوری اسلامی عقب‌نشینی کرده اما او در یک سخنرانی گفت: «جمهوری اسلامی ضربه خورده، اما ما هنوز رسیدگی به تهدیدهای آن را متوقف نکرده‌ایم. باور نکنید آنچه را که از این رسانه و آن کانال می‌شنوید، همه‌اش تبلیغات است، چیزی جز پروپاگاندا نیست».

● شبکه «فاکس نیوز» با اشاره به پیشرفت برنامه اتمی جمهوری اسلامی، نوشت که کارزار حمله به تأسیسات اتمی جمهوری اسلامی دیگر خیال‌پردازانه به نظر نمی‌رسد. در این گزارش به طریحی اشاره شده که طی آن «جتها آسمان ایران را باز می‌کنند و سپس بمب افکن‌های B-2 تأسیسات زیرزمینی را بمباران می‌کنند».

● برخی منابع گزارش دادند مارکو روبیو وزیر خارجه و مایک والتز مشاور امنیت ملی کاخ سفید مخالف سرسخت مذاکره هستند و از این نظر با ویتکاف مشکل اساسی دارند. در محافل سیاسی برخی مخالفان جمهوری اسلامی بر این باورند کاری که ترامپ عهده ویتکاف گذاشته، بایدن به رابرت مالی سپرده بود: معامله با ملاها! در حالی که این دهان‌کجی به مردم ایران است که برای سرنگونی جمهوری با گذشت از جان خود مبارزه کرده و می‌کنند.

دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا در آستانه برگزاری سومین گفتگوی نمایندگان آن کشور با جمهوری اسلامی مدعی شد گفتگوهای «بسیار خوبی» با ایران انجام شده است. همزمان فشار جمهوریخواهان و مخالفان رژیم ایران به وی و استیو ویتکاف مذاکره‌کننده آمریکا رو به افزایش است؛ منابع اسرائیلی هم موضوع اقدام نظامی را جدی‌تر و حتا بدون مشارکت آمریکا مطرح می‌کنند.

پایگاه خبری «آکسیوس» روز دوشنبه ۲۱ آوریل (اول اردیبهشت) به نقل از دو منبع آگاه خبر داد که دونالد ترامپ قصد دارد روز دوشنبه یکم اردیبهشت با نخست‌وزیر اسرائیل درباره مذاکرات هسته‌ای با جمهوری اسلامی صحبت کند.

برخی ناظران می‌گویند ترامپ از مواضع سختگیرانه خود در قبال جمهوری اسلامی عقب‌نشینی کرده است. برخی دیگر اما مدعی‌اند او به شیوه خودش و کاملاً حساب شده عمل می‌کند و «مذاکرات طی چند هفته آینده به

و پس از پیروزی در انتخابات نوامبر ۲۰۲۴، جمهوریخواهان دولت بایدن را به دلیل اصرار برای معامله با جمهوری اسلامی زیر شدیدترین انتقادات قرار می‌دادند. آنها مخالف دادن هرگونه امتیاز به رژیم ایران بودند. هرچند روش دونالد ترامپ متفاوت با دولت بایدن است اما در نهایت به دلیل آنکه به دنبال «معامله با جمهوری اسلامی» است، وی نیز به شدت مورد انتقاد قرار گرفته است.

سناتور تام کاتن رئیس کمیته اطلاعات سنای آمریکا در مصاحبه با «فاکس نیوز» گفت: «رژیم ایران بسیار به دستیابی به سلاح هسته‌ای نزدیک است و این چیزی است که باید از آن نگران باشیم و آن را تحمل نکنیم. رژیم ایران یک دیکتاتوری مذهبی است. اگر آنها به سلاح هسته‌ای دست یابند، احتمالاً از آن استفاده خواهند کرد. آنها اکنون به اندازه کافی اورانیوم غنی‌شده دارند که احتمالاً می‌توانند در عرض چند روز یا شاید چند هفته، مواد لازم برای ساخت سلاح هسته‌ای را تولید کنند.»

سناتور کاتن افزود: «رئیس جمهور ترامپ تأکید کرده است که ایران هیچ دلیلی برای غنی‌سازی اورانیوم ندارد. بنابراین، دلیلی برای حفظ سانتریفیوژها ندارند اگر ایران حاضر به توافقی بر این اساس باشد، همانطور که رئیس جمهور ترامپ هفته گذشته گفت، می‌توانیم صلح داشته باشیم و آنها می‌توانند بدون مرگ و ویرانی زندگی کنند. اما اگر بر حفظ اورانیوم غنی‌شده، سانتریفیوژها و برنامه موشکی خود اصرار کنند، همانطور که او گفته، باید مسیر دیگری را در پیش بگیریم.»

برخی منابع گزارش دادند مارکو روبیو وزیر خارجه و مایک والتز مشاور امنیت ملی کاخ سفید مخالف سرسخت مذاکره هستند و از این نظر با ویتکاف مشکل اساسی دارند.

آوار دارد. در اینجا مپ‌افکن B-2 وارد عمل می‌شود که حامل سلاح‌هایی نظیر مپ ۳۰ هزار پوندی سنگرشکن است که طوری طراحی شده که از خاک و بتن عبور کرده و در تاسیسات زیرزمینی ایران منفجر شود. به همین دلیل است که استقرار B-2های عظیم در خط مقدم اهمیت زیادی دارد.»

در جمهوری اسلامی جریان‌های نزدیک‌تر به قدرت نیز براین باورند که شانس پیشرفت در این مذاکرات زیاد نیست. در همین ارتباط روزنامه «کیهان» چاپ تهران در



شاهزاده رضا پهلوی خطاب به استیو ویتکاف:
صلح و ثبات و رفاه پایدار در خاورمیانه،
در توافق با مردم ایران به دست می‌آید
و نه با یک رژیم جنگ‌طلب!



دونالد ترامپ

در محافل سیاسی برخی مخالفان جمهوری اسلامی بر این باورند کاری که ترامپ عهده ویتکاف گذاشته، بایدن به رابرت مالی سپرده بود؛ معامله با ملاها! در حالی که این دهان‌کجی به مردم ایران است که برای سرنگونی جمهوری با گذشت از جان خود مبارزه کرده و می‌کنند.

شاهزاده رضا پهلوی نیز خطاب به استیو ویتکاف گفته بود، صلح و ثبات و رفاه پایدار در خاورمیانه، در توافق با مردم ایران به دست می‌آید و نه با یک رژیم جنگ‌طلب. مخالفان حکومت از ترامپ و ویتکاف می‌خواهند که راه جو بایدن و رابرت مالی را روند که نه تنها به جایی نمی‌رسند بلکه فقط فرصت تنفس بیشتر به جمهوری اسلامی می‌دهند.

سرمقاله‌اش نوشت، «مذاکرات هسته‌ای مقدمه‌ای است برای انجام مذاکرات بعدی اینبار بر سر توان موشکی، منطقه‌ای، باز شدن راه مذاکره بر سر سایر مؤلفه‌های قدرت ایران و از دست رفتن این مؤلفه‌ها بدون کمترین تردید یعنی جنگ.» پیشتر آلن ایر سخنگوی فارسی زبان وزارت خارجه آمریکا در دولت باراک اوباما در مصاحبه با شبکه بلومبرگ گفته بود احتمال حمله نظامی علیه جمهوری اسلامی واقعی است و پیامدهای آن بسیار خطرناک خواهد بود.

هشدار تام کاتن

پیش از بازگشت مجدد ترامپ به قدرت در ژانویه ۲۰۲۵

→ دلیل شروط آمریکا شکست می‌خورد.

در اسرائیل نیز برخی منتقدان نتانیاهو او را متهم به عقب‌نشینی در برابر جمهوری اسلامی کرده‌اند. در واکنش به این انتقادات او در مراسم یادبود رزمندگان ایرگون در شهر بندری یافا گفت: «جمهوری اسلامی ضربه خورده، اما ما هنوز رسیدگی به تهدیدهای آن را متوقف نکرده‌ایم. باور نکنید آنچه را که از این رسانه و آن کانال می‌شنوید، همه‌اش تبلیغات است، چیزی جز پروپاگاندا نیست.»

نتانیاهو همچنین گفت، «مسئولیت ما تضمین موجودیت اسرائیل است، ما دقیقاً می‌دانیم برای چه می‌جنگیم و می‌دانیم با چه کسانی طرف هستیم.» او با اشاره به حذف نصرالله، هنبه، السینوار و محمد ضیف گفت: «اقدامات دولت او موجب تغییر چهره خاورمیانه شده است.»

اگرچه مقامات ارشد جمهوری اسلامی و آمریکا می‌گویند «مذاکرات خوب پیش می‌رود» اما آنچه حکومت ایران را وادار به گفتگو با غایب‌دیده دولت ترامپ کرده است، گزینه و تحرکات عملی نظامی و ترس از بحران‌های روز به افزایش داخلی است. با اینهمه تهران در تبلیغات خود اصرار دارد که حاضر به برچیدن برنامه‌های اتمی خود نیست و بر سر توانایی دفاعی از جمله موشک‌ها نیز مذاکره نخواهد کرد.

گزینه نظامی خیال نیست

شبکه «فاکس نیوز» با اشاره به پیشرفت برنامه اتمی جمهوری اسلامی، نوشته است که کارزار حمله به تأسیسات اتمی جمهوری اسلامی دیگر خیال‌پردازانه به نظر نمی‌رسد. در این گزارش آمده، «در حملات اکتبر ۲۰۲۴، اسرائیل بیش از ۱۰۰ فروند جت جنگی را برای حمله به حدود ۲۰ هدف در ایران از جمله سامانه‌های پدافند هوایی و کارخانه‌های



استیو ویتکاف / عکس: رویترز

موشک و پهپاد اعزام کرد. یک حمله برای خلع هسته‌ای ایران دوباره با تمرکز بر نابودی پدافندهای هوایی انجام خواهد شد.»

بعضی کارشناسان به فاکس‌نیوز گفته‌اند، ناوهای هواپیمابر نیروی دریایی آمریکا، هری اس. ترومن و کارل وینسون، هم‌اکنون در منطقه خلیج فارس حضور دارند. آنها در حال اجرای عملیات مداوم علیه حوثی‌ها در یمن هستند، اما مطمئن باشید که در هر لحظه می‌توانند تمرکز خود را به سوی ایران معطوف کنند.»

فاکس نیوز در ادامه می‌نویسد: «مجموع تسلیحاتی ایران زیرزمینی است، بنابراین تخریب آن نیاز به حجم زیادی

بنیامین نتانیاهو: نبرد اسرائیل با حکومت ایران سرنوشت جهان آزاد را رقم خواهد زد



سخنرانی بنیامین نتانیاهو در سالروز یادبود هولوکاست / آوریل ۲۰۲۵

● نخست وزیر اسرائیل در یک سخنرانی در اورشلیم، جمهوری اسلامی را «امپراتوری ترور» خواند و تأکید کرد که نتیجه نبرد میان اسرائیل و حکومت ایران، سرنوشت آینده جوامع آزاد جهان را رقم خواهد زد.

● بنیامین نتانیاهو روز چهارشنبه ۲۳ آوریل (سوم اردیبهشت) در سخنرانی به مناسبت سالروز هولوکاست، عنوان کرد، «به همکارانم در کابینه گفتم، اسرائیل یک دولت دست‌نشانده نیست. کشوری نیست که دیکته‌هایی را بپذیرد که موجودیت‌اش را به خطر می‌اندازد. چنین کشوری نمی‌تواند در خاورمیانه پر تلاطم دوام بیاورد.

● او با اشاره به تهدیدهای منطقه‌ای و جهانی از سوی رژیم ایران گفت: «این حکومت هراس‌افکن تهدیدی است نه فقط برای آینده ما، بلکه برای سرنوشت همه بشریت. اگر [رژیم] ایران به سلاح هسته‌ای دست یابد، نتیجه‌اش برای جهان فاجعه‌بار خواهد بود».

نخست‌وزیر اسرائیل در یک سخنرانی در اورشلیم، جمهوری اسلامی را «امپراتوری ترور» خواند و تأکید کرد که نتیجه نبرد میان اسرائیل و حکومت ایران، سرنوشت آینده جوامع آزاد جهان را رقم خواهد زد.

بنیامین نتانیاهو روز چهارشنبه ۲۳ آوریل (سوم اردیبهشت) در سخنرانی به مناسبت سالروز هولوکاست، عنوان کرد، «به همکارانم در کابینه گفتم، اسرائیل یک دولت دست‌نشانده نیست. کشوری نیست که دیکته‌هایی را بپذیرد که موجودیت‌اش را به خطر می‌اندازد. چنین کشوری نمی‌تواند در خاورمیانه پر تلاطم دوام بیاورد. بنابراین هیچ فشاری و هیچ تصمیمی ما را از تسویه حساب با این بربرهای وحشی همانند نازی‌های پست که عزیزانمان را قتل‌عام کردند، آنها را ربودند و تجاوز کردند،

باز نخواهد داشت.»

نخست وزیر اسرائیل با اشاره به تهدیدهای منطقه‌ای و جهانی از سوی رژیم ایران گفت: «این حکومت هراس‌افکن تهدیدی است نه فقط برای آینده ما، بلکه برای سرنوشت همه بشریت. اگر [رژیم] ایران به سلاح هسته‌ای دست یابد، نتیجه‌اش برای جهان فاجعه‌بار خواهد بود.»

او همچنین هشدار داد که اگر اسرائیل در این نبرد شکست بخورد، کشورهای غربی هدف بعدی موج افراط‌گرایی قرار خواهند گرفت: «موج افراط‌گرایان همه آنها را درخواهد نوردید، و این بسیار سریع‌تر از آنچه تصور می‌کنند رخ خواهد داد.»

نتانیاهو تأکید کرد: «اسرائیل شکست نخواهد خورد، تسلیم نخواهد شد و عقب‌نشینی نخواهد کرد.» اظهارات نخست وزیر اسرائیل در حالی مطرح می‌شود که ایالات متحده و جمهوری اسلامی، در حال گفتگو بر سر برنامه هسته‌ای رژیم ایران هستند.

همزمان با برگزاری این مذاکرات رسانه‌های وابسته به علی خامنه‌ای به تهدید موجودیت اسرائیل پرداختند. پیشتر اکانت خامنه‌ای در شبکه «ایکس» نوشته بود، «ستم صهیونیست‌ها با پاسخی سخت و الهی روبرو خواهد شد و در این هیچ تردیدی نیست. با این حال، این امر از وظیفه مردم، وظیفه ما، یا وظیفه دولت‌ها چیزی کم نمی‌کند.» همزمان وبسایت وابسته به دفتر خامنه‌ای نیز یک اینفوگرافی منتشر کرد که در آن به بیان دلایل نابودی اسرائیل پرداخته بود.

در واکنش به این تهدیدات نتانیاهو در یک پیام ویدئویی گفت، «می‌خواهم به شما بگویم که ما برای چه می‌جنگیم و چرا می‌جنگیم. امروز دیکتاتور ایران، خامنه‌ای در سخنرانی خود توضیح داد که چرا اسرائیل باید نابود شود. او این کار را همزمان با مذاکرات با آمریکایی‌ها انجام می‌دهد.»

سرنوشت جمهوری اسلامی و خبرهایی که از مواضع و اهداف مشترک آمریکا و اسرائیل منتشر می‌شوند

● فراوانی افشاگری‌های همزمان با گفتگوی آمریکا و جمهوری اسلامی، به ویژه آنهایی که از سوی آمریکا و اسرائیل منتشر می‌شود، چنانکه برخی می‌پندارند، به این معنا نیست که بین متحدان آمریکایی و اسرائیلی اختلافی وجود دارد، بلکه همگی پیام‌هایی یکپارچه با مضمونی واحدند و بسیار شبیه به فضایی هستند که پیش از جنگ آمریکا علیه عراق در سال ۲۰۰۳ شکل گرفت.

● در آن زمان، نخستین کسی که این افشاگری‌ها و تناقض‌ها در اظهارات را در یک خطای محاسباتی، اشتباه تفسیر کرد، صدام حسین بود. سعود الفیصل وزیر خارجه وقت عربستان پیش از حمله گفته بود: «راه حل آمریکایی یعنی بریدن سر رژیم عراق، و راه حل فرانسوی یعنی فشردن گلویش تا بمیرد.»

● ترامپ به صورت علنی می‌گوید که راه حل دیپلماتیک را ترجیح می‌دهد، ولی احتمال جنگ را هم رد نمی‌کند. بنیامین نتانیاهو اما موضع‌اش را در قبال جمهوری اسلامی پنهان نمی‌کند. او خواستار جنگ است، با پشتیبانی آمریکا؛ و از حدود هفت سال پیش تا کنون حتی لحظه‌ای دست از هدف قرار دادن تأسیسات ایران برنداشته، چه از طریق خرابکاری یا عملیات اطلاعاتی و چه هدف قرار دادن افرادی که روی برنامه اتمی کار می‌کنند.

● همه اینها نشان می‌دهد که هرگونه رویارویی نظامی آینده، به جغرافیای ایران محدود خواهد شد، به همین دلیل رژیم ایران تهدیدها را جدی گرفته... چرا که احتمال رویارویی نظامی اکنون بیش از هر زمان دیگری به واقعیت نزدیک است.

طارق الحمید (الشرق الاوسط) - از زمان بازگشت دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا به کاخ سفید، افشاگری‌ها درباره رژیم ایران و پرونده هسته‌ای‌اش یک لحظه متوقف نشده؛ چه آنچه خود رئیس جمهور علنی مطرح می‌کند و چه آنچه از سوی دولت او یا اسرائیلی‌ها منتشر می‌شود، یا حتی افشاگری‌های لابی‌های رژیم ایران در واشنگتن، که خود داستانی جداگانه دارد.

با برگزاری دومین گفتگو که روز شنبه ۱۹ آوریل در رم انجام شد، این افشاگری‌ها شدت بیشتری گرفته است؛ از جمله آنچه از سوی خود تهران یا وابستگان‌ش در منطقه (چه موافق و چه مخالف) منتشر می‌شود.

همه اینها باعث شده تا داستان‌های رسانه‌ای درباره جمهوری اسلامی برای دنبال‌کنندگان اخبار، همچون

حمله «هکرهای مرتبط با سپاه پاسداران» به اطلاعات دفتر هانا نویمان رئیس هیات روابط با ایران پارلمان اروپا

نهایت موفق شدند یکی از لپ‌تاپ‌ها را آلوده کنند. پایگاه خبری «پولیتیکو» به نقل از واحد فناوری اطلاعات پارلمان اروپا گزارش داد این عملیات به گروه سایبری «APT42» نسبت داده شده؛ گروهی که به سپاه پاسداران وابسته است. در مراحل نخست تحقیقات، گروه «APT35» یا همان «گربه ملوس» نیز در مظان اتهام بوده و گفته می‌شود با «APT42» همکاری نزدیکی دارد. هانا نویمان تأکید کرد که این اقدامات بخشی از تلاش‌های جمهوری اسلامی برای ساکت کردن منتقدان است. او گفت: «با چنین روش‌هایی نمی‌توانند مرا متوقف کنند. حتی با نفوذ به دفتر من نیز موفق نشدند جلوی کارم را بگیرند.»

بنابر گزارش بخش خدمات فناوری اطلاعات پارلمان اروپا، حمله فیشینگ هدفمند (spear-phishing) به نویمان تلاش برای آلوده کردن لپ‌تاپ او و سرقت اطلاعات ورودی (credentials) بوده که احتمالاً «با هدف استخراج اطلاعات حساس یا جاسوسی» انجام شده است. هکرها هویت ماتیو



کیهان

لویت مقام پیشین FBI و دولت آمریکا را که بیشتر با نویمان در ارتباط بوده، برای برقراری تماس با دفتر او جعل کردند. آنها با ارسال ایمیل جعلی از طرف لویت از نویمان خواستند که به نمایندگی از «مؤسسه واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک» در کنفرانسی سخنرانی کند. آنها در این ایمیل لینکی برای دانلود یادداشتی به ظاهر «بسیار محرمانه و رمزگذاری شده» قرار داده بودند. هانا نویمان در مصاحبه با شبکه «ایران اینترنشنال» تأیید کرد که هدف یک حمله سایبری از سوی گروه‌های مرتبط با سپاه قرار گرفته است.

او توضیح داد، «من همواره منتقد سیاست‌های جمهوری اسلامی و سیاست‌های بی‌ثبات‌کننده منطقه‌ای‌اش بوده‌ام و این رژیم به همین دلیل به دنبال مرعوب کردن و تهدید من و سایر اعضای مخالف جمهوری اسلامی در پارلمان اروپا است. این سیاست همیشگی جمهوری اسلامی برای خاموش کردن مخالفان در خارج از ایران است.»

در ماه‌های اخیر نهادهای اطلاعاتی و امنیتی اروپا بارها در مورد احتمال حملات سایبری از سوی هکرهای وابسته به وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی یا سپاه به شهروندان اروپایی و همچنین مخالفان حکومت هشدار داده‌اند. بنا بر یافته‌های پیشین سرویس اطلاعات تهدیدات گوگل (مندیان)، هکرهای APT42 اغلب با جعل هویت روزنامه‌نگاران یا برگزارکنندگان رویدادها و از طریق مکاتبات مستمر با قربانیان، اعتماد آنها را جلب کرده و دعوت‌نامه‌هایی به کنفرانس‌ها یا اسناد به‌ظاهر معتبر ارسال می‌کنند تا به این ترتیب با سرقت اطلاعات هویتی آنها به سرورها نفوذ کنند.

● پایگاه خبری «پولیتیکو» به نقل از واحد فناوری اطلاعات پارلمان اروپا گزارش داد این عملیات به گروه سایبری «APT42» نسبت داده شده؛ گروهی که به سپاه پاسداران وابسته است.

● بنابر گزارش بخش خدمات فناوری اطلاعات پارلمان اروپا، حمله فیشینگ هدفمند (spear-phishing) به نویمان تلاش برای آلوده کردن لپ‌تاپ او و سرقت اطلاعات ورودی (credentials) بوده که احتمالاً «با هدف استخراج اطلاعات حساس یا جاسوسی» انجام شده است.

● هانا نویمان در مصاحبه با شبکه «ایران اینترنشنال» توضیح داد، «من همواره منتقد سیاست‌های جمهوری اسلامی و سیاست‌های بی‌ثبات‌کننده منطقه‌ای‌اش بوده‌ام و این رژیم به همین دلیل به دنبال مرعوب کردن و تهدید من و سایر اعضای مخالف جمهوری اسلامی در پارلمان اروپا بوده است. این سیاست همیشگی جمهوری اسلامی برای خاموش کردن مخالفان در خارج از ایران است.»

هانا نویمان نماینده آلمان در پارلمان اروپا و رئیس هیات روابط با جمهوری اسلامی ایران در این نهاد، چهارشنبه سوم اردیبهشت، اعلام کرد دفترش هدف یک عملیات پیچیده و هماهنگ جاسوسی سایبری قرار گرفته است.

منابع امنیتی به او گفته‌اند منشاء این حملات سایبری گروه‌هایی مرتبط با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستند. او توضیح داد این حمله از ژانویه سال ۲۰۲۵ آغاز شد و مهاجمان با جعل هویت افراد معتبر، از طریق تماس‌های تلفنی، پیامک و ایمیل، کارکنان دفترش را فریب دادند و در

چرخش یک هلی‌کوپتر به نظر برسد که تشخیص جهت حرکت آن دشوار است. آیا پرونده اقیانوس ایران به سوی گشایش دیپلماتیک می‌رود یا به‌سوی یک جنگ ناگزیر؟ فراوانی این افشاگری‌ها، به ویژه آنهایی که از سوی آمریکا و اسرائیل منتشر می‌شود، چنانکه برخی می‌پندارند، به این معنا نیست که بین متحدان آمریکایی و اسرائیلی اختلافی وجود دارد، بلکه به نظر من اینها پیام‌هایی یکپارچه با مضمونی واحدند و بسیار شبیه به فضایی هستند که پیش از جنگ آمریکا علیه عراق در سال ۲۰۰۳ شکل گرفت.

در آن زمان، نخستین کسی که این افشاگری‌ها و تناقض‌ها در اظهارات را در یک خطای محاسباتی، اشتباه تفسیر کرد، صدام حسین بود. فراموش می‌کنم که سعود الفیصل (از اعضای خاندان سلطنتی آل سعود که از سال ۱۹۷۵ تا ۲۰۱۵ که درگذشت، وزیر خارجه عربستان بود) پیش از حمله گفته بود: «راه حل آمریکایی یعنی بریدن سر رژیم عراق، و راه حل فرانسوی یعنی فشردن گلویش تا بمیرد.»

در آن روز من مسئول دفتر روزنامه الشرق الاوسط در جده بودم. خبر مربوط به اظهارات او را نوشتم و در صفحه اول چاپ شد و جنجال بپا کرد. یکی از مسئولان خبرگزاری فرانسه در منطقه با من تماس گرفت و گفت: «آیا از صحت این خبر مطمئنی؟ این یعنی جنگ حتمی است.»

به او گفتم: این همان چیزی است که نقل کرده‌ام، من طرفی در ماجرا نیستم که بخواهم تأیید یا تکذیب کنم. و همانطور که می‌دانیم، رویدادها پیش رفت و جنگ آغاز شد. امروز این افشاگری‌ها مرا کاملاً به یاد همان مرحله می‌اندازد. نه اینکه بگویم ما در آستانه‌ی جنگی برای سرنگونی نظام جمهوری اسلامی هستیم، بلکه احتمالاً جنگی متفاوت در پیش است.

من اختلافی در مواضع متحدان علیه رژیم ایران نمی‌بینم، و به نظر می‌رسد خود تهران نیز این را درک کرده است. گواه آن نیز با وجود تمام اظهارنظرهای متناقض از سوی خود مقامات جمهوری اسلامی ایران و لحن تند ایالات متحده و اسرائیل، مشارکت‌اش در دومین گفتگو است.

قطعاً تهران تهدیدها را جدی گرفته و قطعاً افشاگری‌ها نشانه‌ای از عقب‌نشینی در برابر حکومت ایران نیست، بلکه مباحثه درباره چگونگی توقف برنامه‌ی هسته‌ای آن است. ترامپ به صورت علنی می‌گوید که راه حل دیپلماتیک را ترجیح می‌دهد، ولی احتمال جنگ را هم رد نمی‌کند.

در این میان، بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل موضع‌اش را در قبال جمهوری اسلامی پنهان نمی‌کند. او خواستار جنگ است، با پشتیبانی آمریکا، و از حدود هفت سال پیش تا کنون، حتی لحظه‌ای دست از هدف قرار دادن تأسیسات ایران برنداشته، چه از طریق خرابکاری یا عملیات اطلاعاتی و چه هدف قرار دادن افرادی که روی برنامه اتمی کار می‌کنند.

از هفتم اکتبر ۲۰۲۳ تا کنون، نتانیاهو همه «بازوها»ی منطقه‌ای جمهوری اسلامی را هدف قرار داده است. حماس و حزب‌الله را از معادله به عنوان بازیگران تأثیرگذار خارج کرده و اکنون آمریکا در یمین به‌دنبال نابودی حوثی‌هاست. همه اینها نشان می‌دهد که هرگونه رویارویی نظامی آینده، به جغرافیای ایران محدود خواهد شد، به همین دلیل رژیم ایران تهدیدها را جدی گرفته و خود را با خبرهایی که افشا می‌شوند مشغول نکرده است. دیگران هم نباید سرگرم این افشاگری‌ها شوند، چرا که احتمال رویارویی نظامی اکنون بیش از هر زمان دیگری به واقعیت نزدیک است.

*منبع: روزنامه الشرق الاوسط

*نویسنده: طارق الحمید

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

«ایجاد حصارهای امنیتی اطراف تونل‌های اتمی در ایران»؛ رافائل گروسی: هربار پرسیدیم گفتند به شما ربطی ندارد!



تصویر ماهواره ای از تأسیسات غنی سازی اصفهان

انتظار داشت کسانی که همواره به دنبال فریب افکار عمومی هستند، اینبار نیز ادعاهای خیالی، همراه با ارائه تصاویر ماهواره ای ترسناک، مطرح کنند.

عراقچی که با محمدجواد ظریف وجود ذرات اورانیوم در «تورقوزآباد» را منکر می‌شد، در ادامه مدعی شده «میلی‌گرم به میلی‌گرم از اورانیوم غنی شده در ایران تحت نظارت کامل و مستمر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است.»

رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در واکنش به این گزارش از جمهوری اسلامی خواست تا درباره ساخت تونل‌های زیرزمینی در نزدیکی تأسیسات هسته‌ای نطنز شفاف‌سازی کند. رافائل گروسی تأکید کرده است که این موضوع را بارها با تهران مطرح کرده و پیگیری خواهد کرد.

از صحبت‌های گروسی چنین به نظر می‌رسد که برخلاف ادعای عباس عراقچی، آژانس نیز از وجود این تونل‌ها مطلع است و در ارتباط با آنها به جمهوری اسلامی هشدار داده است.

گروسی تأکید کرد قصد گمانه‌زنی ندارد، اما ممکن است مواد اعلام‌نشده در این تونل‌ها ذخیره شده باشد.

او در ادامه توضیح داد که همه کشورها موظف به ارائه اطلاعات درباره تأسیسات مرتبط با سایت‌های هسته‌ای به آژانس هستند، اما [رژیم] ایران خود را از این الزام مستثنا می‌داند و در پاسخ به سؤالات آژانس گفته است: «این به شما ربطی ندارد!»

مقامات رژیم در تهران مدعی‌اند انتشار این گزارش برای منحرف کردن روند مذاکرات است اما تجربه ثابت کرده است که این گزارش‌ها بر اساس واقعیات پیدا و پنهان منتشر می‌شوند و افشاگر بخشی از اقدامات مخفی حکومت هستند که بارها در مورد آنها از سوی آژانس یا دولت‌های غربی هشدار داده شده است.

را برای نصب دیوارهای بیشتر نشان می‌دهند. بنا بر این گزارش، ضلع شمالی محوطه جدید با حلقه امنیتی تأسیسات نطنز متصل شده است.

این مؤسسه در ادامه تصریح می‌کند که ادامه ساخت و سازها در این سایت‌ها حاکی از رد صریح درخواست‌های ایالات متحده برای برچیدن کامل برنامه هسته‌ای از سوی رژیم ایران است.

در همین حال، اسرائیل بار دیگر تهدید کرده که ممکن است در ماه‌های آینده تأسیسات هسته‌ای ایران را هدف حمله قرار دهد. بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل تأکید کرده است که هرگونه مذاکره باید به برچیده شدن کامل برنامه هسته‌ای تهران منجر شود.

در واکنش به این تحولات، محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی در مراسمی به مناسبت سالگرد تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (۲ اردیبهشت) از ادامه تلاش‌ها برای تقویت تدابیر حفاظتی در تأسیسات هسته‌ای کشور خبر داد. او گفت: «تلاش‌هایی برای گسترش اقدامات حفاظتی در تأسیسات هسته‌ای در جریان است.»

عراقچی انکار کرد!

از سوی دیگر اما سیدعباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی «ایکس» در واکنش به این گزارش نوشت: «تلاش‌های اسرائیل و برخی گروه‌های ذینفع خاص برای منحرف کردن مسیر دیپلماسی، از طریق استفاده از انواع تاکتیک‌ها، برای همگان کاملاً آشکار است.»

او افزود: «نیروهای اطلاعاتی و امنیتی ما، با تجربه موارد مشابه گذشته، آمادگی کامل برای مقابله با هرگونه خرابکاری یا عملیات تروریستی دارند که ممکن است با هدف کشاندن ایران به پاسخ مشروع طراحی شده باشند. همچنین می‌توان

● مؤسسه علوم و امنیت بین‌المللی گزارش داد که جمهوری اسلامی ایران در حال احداث یک محدوده امنیتی گسترده در اطراف دو مجموعه تونلی در اعماق زمین است که مرتبط با تأسیسات هسته‌ای مهم آن است.

● دیوید آلبرایت رئیس این مؤسسه گفت محدوده امنیتی جدید نشان می‌دهد مجموعه‌های تونلی که چندین سال است در زیر کوه «کلنگ گزلا» در حال احداث بوده، ممکن است به زودی مورد استفاده قرار بگیرند.

● سیدعباس عراقچی در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت: «تلاش‌های اسرائیل و برخی گروه‌های ذینفع خاص برای منحرف کردن مسیر دیپلماسی، از طریق استفاده از انواع تاکتیک‌ها، برای همگان کاملاً آشکار است.»

● رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از جمهوری اسلامی خواست تا درباره ساخت تونل‌های زیرزمینی در نزدیکی تأسیسات هسته‌ای نطنز شفاف‌سازی کند.

● رافائل گروسی توضیح داد که همه کشورها موظف به ارائه اطلاعات درباره تأسیسات مرتبط با سایت‌های هسته‌ای به آژانس هستند، اما [رژیم] ایران خود را از این الزام مستثنا می‌داند و در پاسخ به سؤالات آژانس گفته است: «این به شما ربطی ندارد!»

جمهوری اسلامی ایران در شرایطی که مذاکره با آمریکا را ادامه می‌دهد، همزمان اقدام به تقویت لایه‌های حفاظتی سایت‌های اتمی زیرزمینی کرده است.

در همین ارتباط خبرگزاری رویترز ۲۳ آوریل (سوم اردیبهشت) به نقل از مؤسسه علوم و امنیت بین‌المللی گزارش داد جمهوری اسلامی ایران در حال احداث یک محدوده امنیتی گسترده در اطراف دو مجموعه تونلی در اعماق زمین است که مرتبط با تأسیسات هسته‌ای مهم آن است.

دیوید آلبرایت رئیس این مؤسسه گفت محدوده امنیتی جدید نشان می‌دهد مجموعه‌های تونلی که چندین سال است در زیر کوه «کلنگ گزلا» در حال احداث بوده، ممکن است به زودی مورد استفاده قرار گیرند.

تصاویر ماهواره‌ای نشان می‌دهد که ورودی‌های این تونل‌ها تقویت‌شده و دیوارهای بلند امنیتی و جاده‌های حفاظت‌شده در اطراف کوه ساخته شده‌اند. همچنین برخی از این تأسیسات به حلقه امنیتی تأسیسات نطنز متصل‌اند.

جمهوری اسلامی ایران اعلام کرده است که قصد دارد سانتریفیوژهای پیشرفته را در یکی از مجتمع‌های جدید خود مونتاژ کند؛ این اقدام در راستای جایگزینی تأسیسات نطنز صورت می‌گیرد که در سال ۲۰۲۰ هدف عملیات خرابکارانه قرار گرفت.

به گفته دیوید آلبرایت، این مجتمع‌ها در عمق بسیار بیشتری نسبت به سایت غنی‌سازی فردو ساخته شده‌اند. سایت فردو که در نزدیکی شهر قم قرار دارد، پیشتر یکی از مهم‌ترین مراکز برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی به شمار می‌رفت.

تصاویر ماهواره‌ای تجاری ثبت‌شده در تاریخ ۲۹ مارس ۲۰۲۵، ورودی‌های مستحکم این تونل‌ها، دیوارهای بلند در امتداد جاده‌ای که اطراف قله کوه کشیده شده، و محل‌هایی

تفاهم‌نامه‌ای خطرناک میان آموزش و پرورش و نیروی انتظامی؛ زمینه‌ساز فشارهای بیشتر و سرکوب دانش‌آموزان

شده است. تحول‌بنیادین در نظام آموزش و پرورش مبتنی بر «آرمان‌های بلند نظام اسلامی باید معطوف به چشم‌اندازی باشد که در افق روشن ۱۴۰۴، ترسیم‌گر ایرانی توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویتی اسلامی انقلابی، الهام‌بخش جهان اسلام همراه با تعاملی سازنده و موثر در عرصه روابط بین‌المللی» است. یکی از نتایج تشدید فشارهای ایدئولوژیک به دانش‌آموزان افزایش آمار خودکشی در میان دانش‌آموزان دبیرستانی است. از جمله سه دختر دبیرستانی پاییز سال گذشته به دلیل فشارهای مدیران مدرسه درباره پوشش خود خودکشی کردند و جان باختند.

همزمان با خودکشی این دانش‌آموزان ۱۲۸۲ نفر از فعالان صنفی آموزگاران در سراسر ایران در بیانیه‌ای درباره تداوم سیاست‌های نادرست آموزش و پرورش و خودکشی دانش‌آموزان به عنوان یکی از نتایج این سیاست‌ها هشدار دادند. آموزگاران امضاکننده این متن، ضمن همدردی با خانواده‌های سوگوار نوشته بودند «این نوع خودکشی‌ها را محصول

جدی به مبانی اعتقادی و فرهنگ قرآنی در کانون و مرکز این بازنگری قرار دارد، زیرا مأموریت مهم آموزش و پرورش انسان‌سازی و توسعه فرهنگی جامعه است.» وزیر آموزش و پرورش خود را «با افتخار» سرباز احمدرضا رادان فرمانده کل انتظامی کشور خوانده و گفته «با این تفاهم‌نامه با فراجا بیش از گذشته می‌توان روی امور فرهنگی مدارس کار کرد.» علیرضا کاظمی موضوع «حجاب» را یکی از آسیب‌های فرهنگی خواند که باید درباره آن کار فرهنگی انجام شود. او تأکید کرده که «در همه موضوعات از جمله حجاب باید کار فرهنگی و ریشه‌ای در زمینه معرفت‌افزایی انجام دهیم.» فشارهای ایدئولوژیک به دانش‌آموزان پس از اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ و در پی حضور فعال دانش‌آموزان در اعتراضات افزایش پیدا کرد. طی دو سال و نیم گذشته طرح‌های مختلفی برای امنیت کردن فضای مدارس، رصد کردن و حتی سرکوب دانش‌آموزان در دستور کار قرار گرفته است. این طرح‌ها دامنه گسترده‌ای از نصب دوربین مدار بسته در مدارس تا اجرای برنامه‌هایی برای شستشوی مغزی

● در بیست و هفتمین گردهمایی معاونان و مدیران فرهنگی و اجتماعی فراجا که روز یکشنبه ۳۱ فروردین‌ماه ۱۴۰۴ در تهران برگزار شد، تفاهم‌نامه‌ای میان فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی و وزارت آموزش و پرورش امضا شد.

● امضای این تفاهم‌نامه سرآغاز موج دیگری از امنیتی کردن مدارس و تحمیل فشارهای ایدئولوژیک به دانش‌آموزان از جمله در حوزه حجاب اجباری و زمینه‌ساز سرکوب سازمانیافته دانش‌آموزان در صورت بروز اعتراضات علیه حکومت است.

وزارت آموزش و پرورش تفاهم‌نامه‌ای با نیروی انتظامی امضا کرده که حضور رسمی مأموران حکومتی در مدارس و امنیتی شدن بیش از پیش فضای مدارس را در پی خواهد داشت. این اقدام می‌تواند زمینه فشارهای بیشتر و سرکوب دانش‌آموزان را فراهم کند. در بیست و هفتمین گردهمایی معاونان و مدیران فرهنگی و اجتماعی فراجا که روز یکشنبه ۳۱ فروردین‌ماه ۱۴۰۴ در تهران برگزار شد، تفاهم‌نامه‌ای میان فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی و وزارت آموزش و پرورش امضا شد.

خبرگزاری‌های داخلی گزارش دادند که از مهم‌ترین اهداف این تفاهم‌نامه استفاده از ظرفیت‌های رسانه‌ای دو دستگاه به منظور آگاهی‌بخشی و اطلاع‌رسانی، همکاری اثرگذار با شبکه شاد، تولید منابع آموزشی، اجرای طرح نظام مراقبت اجتماعی دانش‌آموزان (نماد) و نیز همکاری خبرگزاری پانا با باشگاه دانش‌آموزی خبرنگاران پلیس در اطلاع‌رسانی اخبار مرتبط است.

خبرگزاری «مهر» وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی مدعی شده این تفاهم‌نامه «گامی مهم در راستای تقویت امنیت و سلامت اجتماعی دانش‌آموزان و ایجاد تعامل سازنده میان پلیس و نظام آموزشی کشور به شمار می‌رود!»

این در حالیست که از دید بسیاری از کارشناسان امضای این تفاهم‌نامه سرآغاز موج دیگری از امنیتی کردن مدارس و تحمیل فشارهای ایدئولوژیک به دانش‌آموزان از جمله در حوزه حجاب اجباری و زمینه‌ساز سرکوب سازمانیافته دانش‌آموزان در صورت بروز اعتراضات علیه حکومت است. سردار احمدرضا رادان فرمانده کل انتظامی جمهوری اسلامی روز گذشته در گردهمایی معاونان و مدیران فرهنگی و اجتماعی فراجا گفته «دشمن در تلاش برای نفوذ بر ذهن و باور این نسل و قشر است. مافیای ربودن اندیشه‌های دانش‌آموزان، موضوعی است که نباید ساده از آن عبور کنیم!» فرمانده کل انتظامی جمهوری اسلامی افزوده که «نظام فکری و رفتاری در سنین پراهمیت کودکی و نوجوانی شکل می‌گیرد و این بیانگر اهمیت دوران نه چندان کوتاه نظام تعلیم و تربیت است و به نظر می‌رسد بیشترین بروز و ظهور نقش‌آفرینی در این نظام رفتاری و فکری می‌تواند در تعامل بین پلیس و آموزش و پرورش اتفاق بیفتد.»

در این همایش همچنین علیرضا کاظمی وزیر آموزش و پرورش در این همایش گفته «وزارت آموزش و پرورش مأموریت انتقال فرهنگ، باورها، ارزش‌ها را به نسل جدید دارد. از این رو نیاز جدی به بازنگری در فضای فرهنگی، اجتماعی نظام تعلیم و تربیت کشور داریم.» وزیر آموزش و پرورش دولت پزشکیان افزوده «توجه



مستقیم سیاست‌های کلان فاجعه‌بار آموزش و پرورش ویرانی می‌دانیم که هیچ درک روان‌شناختی از احساسات دختران و نیازهای عاطفی و روحی آنها ندارد و با تحمیل کردن سبکی واپس‌گرایانه از زندگی که قاطبه دختران و پسران نوجوان و جوان این سرزمین آنها را قبول ندارند، با توسل به خشونت و تهدید در پی القای آن از طریق به‌کارگیری مدیران خشن و کم‌سواد به دانش‌آموزان هستند.»

آموزگاران امضاکننده افزوده بودند که «ما به همه مدیران مدارس سراسر کشور هشدار می‌دهیم که در مواجهه با فرزندان معصوم این سرزمین، دست از لجبازی و اجبارهای سلیقه‌ای در نحوه پوشش و آرایش دانش‌آموزان بردارند تا از این‌پس خانواده‌های دیگر را به داغ ابدی فرزند دچار نکنند.» آنها همچنین تأکید کرده بودند که «به وزارت آموزش و پرورش که تمام دغدغه‌اش حضور ایده‌های غیرمرتبط و متحجرانه در فضای آموزشی کشور است و علی‌رغم شکست سنگین تحمیل سلیقه‌های عقیدتی و متحجرانه، همچنان به تداوم آنها می‌کوشد، هشدار می‌دهیم که این خودکشی‌ها به‌طور غیرمستقیم قتل خاموشی است که فاعلیت آن در وهله اول به نگاه تجددستیزانه، زن‌ستیزانه و ایدئولوژیک‌زده دستگاه ویران آموزش و پرورش برمی‌گردد.»

دانش‌آموزان را شامل می‌شود. گنجاندن «زنگ نماز»، «تربیت مربی زیست عقیقانه» و طرح اردویی «مهر و ماه» با الگوی عفاف و حجاب از جمله این برنامه‌ها است.

طرح «جت» نام برنامه دیگری برای تحمیل فشارهای ایدئولوژیک بر دانش‌آموزان ایران است که با عنوان «جهاد تبیین با موضوع دختران» اجرا شد و بنا به توضیح مقامات «دانش‌آموزان در این طرح کتاب بی‌پرده با حجاب را در مدرسه مطالعه می‌کنند تا با یکدیگر به یک اثر هنری برسند و یک هسته و گروه ویژه در مدارس ایجاد شود تا نسبت به مسئله حجاب در مدارس اقدام شود.»

«محرم‌سازی» در مدارس دخترانه که با مسدودسازی فضای فیزیکی مدارس در دستور کار قرار گرفت نیز از دیگر برنامه‌های اجرا شده در مدارس بوده و البته مسئولان آموزش و پرورش به دنبال آن بودند که فضایی در مدارس ایجاد شود که دختران دانش‌آموز در بیرون از مدرسه نیز حجاب اجباری را رعایت کنند!

از سوی دیگر سند ملی تحول بنیادین آموزش و پرورش با الهام گرفتن از اسناد دیگر و بهره گرفتن از ارزش‌های بنیادین نظام و توجه به اهداف بلندمدت جمهوری اسلامی، چشم‌انداز و اهداف تعلیم و تربیت در افق ۱۴۰۴ طراحی

سونامی تعطیلی واحدهای تولیدی و صنعتی؛ امنیت شغلی کارگران قربانی رکود تورمی



خسارت به بخش صنعت وارد می‌کند؛ رقمی که توان ادامه کار را از بسیاری از کارخانه‌ها سلب کرده است.

این گزارش افزوده واکاوی داده‌های وزارت نیرو نشان می‌دهد، ناترازی برق در آغاز دهه ۱۳۹۰ حدود ۳۰۰۰ مگاوات بود که در سال ۱۴۰۳ به ۲۰ هزار مگاوات رسید و برای سال ۱۴۰۴ تا ۲۴ هزار مگاوات نیز برآورد می‌شود. این در حالی است که بیش از ۳۶ درصد مصرف برق کشور مربوط به بخش صنعت است، اما این بخش در اولویت قطعی قرار می‌گیرد.

«تجارت نیوز» تأکید کرده در حوزه گاز هم وضعیت بهتر نیست. ایران که دومین دارنده ذخایر گاز جهان است با شکاف فزاینده میان تولید و مصرف روبه‌روست؛ شکافی که از حدود ۱۰۰ میلیون مترمکعب در روز در ابتدای دهه ۱۳۹۰ به بیش از ۳۷۵ میلیون مترمکعب در سال گذشته رسیده و در سال جاری از ۴۰۰ میلیون مترمکعب نیز عبور می‌کند.

بحران انرژی پیامدهای ثانویه مهمی همچون فرار سرمایه از صنعت دارد. در شرایطی که سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در صنعت برق در سال ۱۳۸۷ بیش از ۶/۵ میلیارد دلار بوده، این عدد در سال گذشته به کمتر از نیم میلیارد دلار رسید و به صفر میل کرده است.

گزارش‌ها نشان می‌دهد در پی تشدید بحران کمبود انرژی و شکست دولت در مهار این بحران، صنعتگران از تأمین پایدار انرژی ناامید شده و دیگر رغبتی به توسعه یا حتی حفظ خطوط تولید موجود ندارند.

این بحران در سال ۱۴۰۳ افزایش یافته و البته چشم‌انداز برای سال ۱۴۰۴ نیز منفی‌تر از سال گذشته است. امسال جیره‌بندی برق در صنایع مختلف زودتر از سالهای گذشته و از نیمه فروردین‌ماه آغاز شد و از ابتدای اردیبهشت نیز قطع برق شهرک‌های صنعتی در دستور کار قرار گرفته است.

از سوی دیگر نبود منابع مالی و خودداری بانکها

رشدی که در ظاهر مثبت است، اما در باطن، زنگ خطر رکود به وضوح شنیده می‌شود.

این گزارش افزوده در فروردین ۱۴۰۳، دست‌کم ۶۸۸۵ کارخانه بطور کامل تعطیل بوده‌اند و ۷۷ درصد واحدهای فعال با ظرفیت کمتر از توان اسمی خود تولید کردند که به نظر می‌رسد این روند همچنان در سال جاری نیز ادامه پیدا کند.

در این میان شرکت‌های بزرگ نیز دچار بحران کاهش تولید بوده‌اند بطوری که داده‌های وبسایت «کدال» در فروردین ۱۴۰۳ نشان می‌دهد که از میان ده شرکت بزرگ صنعتی کشور، هفت شرکت با کاهش تولید نسبت به سال قبل مواجه بوده‌اند؛ یعنی حتی ستون‌های اصلی صنعت نیز به لرزش افتاده‌اند.

«کدال» مخفف Comprehensive Database Of All Listed Companies است و در ایران با نام «سامانه جامع اطلاع‌رسانی ناشران بورس و فرابورس» و به آدرس اینترنتی codal.ir شناخته شده است.

کمبود منابع مالی، بحران کمبود انرژی و جیره‌بندی انرژی واحدهای صنعتی و تولیدی، افزایش هزینه تولید، نبود سرمایه‌گذار، موانع قانونی و محدودیت‌ها تجاری ناشی از تحریم و قرار داشتن ایران در فهرست سیاه، از جمله عوامل کاهش تولید در ایران به شمار می‌روند. با اینهمه به نظر می‌رسد افزایش قیمت ارز و بحران کمبود انرژی دو عامل محوری در کاهش تولید طی سالهای گذشته بوده است.

در همین رابطه «تجارت نیوز» نوشته فقط در سال ۱۴۰۳، بنا بر اعلام وزارت صمت، خسارت صنایع ناشی از کمبود انرژی به بیش از ۳۰۰ هزار میلیارد تومان رسید؛ از این میان، ۱۷۰ هزار میلیارد تومان بابت خاموشی برق و ۱۳۰ هزار میلیارد تومان ناشی از ناترازی گاز بود. این ارقام زمانی معنادارتر می‌شوند که بدانید بنا بر گزارش کمیسیون صنعت اتاق ایران، هر روز قطعی برق معادل ۹۲۱۸ میلیارد تومان

● در فروردین ۱۴۰۳ دست‌کم ۶۸۸۵ کارخانه بطور کامل تعطیل بوده‌اند و ۷۷ درصد واحدهای فعال با ظرفیت کمتر از توان اسمی خود تولید کردند که به نظر می‌رسد این روند همچنان در سال جاری نیز ادامه دارد.

● فقط در سال ۱۴۰۳، بنا بر اعلام وزارت صمت، خسارت صنایع ناشی از کمبود انرژی به بیش از ۳۰۰ هزار میلیارد تومان رسید؛ از این میان، ۱۷۰ هزار میلیارد تومان بابت خاموشی برق و ۱۳۰ هزار میلیارد تومان ناشی از ناترازی گاز بود.

● کمبود منابع مالی، بحران کمبود انرژی و جیره‌بندی انرژی واحدهای صنعتی و تولیدی، افزایش هزینه تولید، نبود سرمایه‌گذار، موانع قانونی و محدودیت‌ها تجاری ناشی از تحریم و قرار داشتن ایران در فهرست سیاه، از جمله عوامل کاهش تولید در ایران به شمار می‌روند.

● کاهش تولید و افول صنعت در ایران هم رشد اقتصادی کشور را کاهش داده و هم سبب اخراج گسترده نیروی کار شده است.

آمارها نشان می‌دهد در فروردین ۱۴۰۳ دست‌کم ۶۸۸۵ کارخانه بطور کامل تعطیل بوده‌اند و ۷۷ درصد واحدهای فعال در فروردین ۱۴۰۳ نیز با ظرفیت کمتر از توان اسمی خود تولید کردند.

«تولید» در سالهای گذشته از محورهای مهم بوده که علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در نامگذاری سالها استفاده کرده است. با اینهمه روند تولید در ایران روندی رو به افول بوده و به ویژه در سه سال گذشته میزان تولید در صنعت غیرنفتی ایران به شکل قابل توجهی با کاهش روبرو شده است.

وبسایت «تجارت نیوز» در گزارشی با استناد به آمارهای وزارت صمت اعلام کرده که تا پایان خرداد ۱۴۰۲، تعداد ۵۰ هزار و ۹۱۷ واحد صنعتی فعال در کشور به ثبت رسیده بود. این رقم تا پایان سال ۱۴۰۳ به ۵۲ هزار و ۷۰۳ واحد رسید؛

پروژه ۱۰۰ شهر فرا می خواند



خود می پردازند.
مردمان آزاده ی جهان! چشمان تان را نبندید، گوش های تان را نگیرید.
در کنار ملت ایران بایستید؛ در این پیچ تند تاریخ جهان، در کنار ملت ایران بایستید.
از رهبران و دولت های خود بخواهید تا به سیاست شکست خورده ی مفاشات با رژیم پایان دهند و بجای آن، از خواست ملت ایران برای آزادی حمایت کنند.
امروز، در برابر شما انتخابی روشن است: مردم ایران یا رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی؟
مردمی که ارزش های شان با ارزش های جهان آزاد همسوست: آزادی، صلح، کرامت انسانی و حقوق بشر برای ایران.
به صدای آنان گوش کنید.
به صدای رهبری که از دل این مردم برخاسته، شاهزاده رضا پهلوی، گوش کنید.
او نه تنها نماینده ی امید و آشتی ملی ست، بلکه پل گفتگوی ایران با جهان آزاد است.
مذاکره با رژیمی که صلح جهانی را به آتش کشیده، تروریسم را به جهان صادر کرده و با جنایت علیه ملت ایران، مشروعیت خود را در برابر چشم جهانیان بارها لگدمال کرده، نه تنها بی معناست، بلکه خیانت به حقیقت و انسانیت است.
اگر خواهان جهانی آزادتر، امن تر و انسانی تر هستید، تنها یک راه وجود دارد:
حمایت از مردم ایران. برای ایران، برای انسانیت، برای آینده.

اشتغالزایی فکر کنند و خاموشی ها هوشمندانه تر انجام شود تا خسارت های جانبی بزرگتری به وجود نیاید.»
نائب رئیس کانون کارفرمایی گلستان افزوده که «در حال حاضر وضعیت اشتغال به خصوص در بین فارغ التحصیلان خوب نیست. بسیاری از کارخانجات و واحدهای تولیدی استان به دلیل عدم سرمایه در گردش راکد هستند و دولت باید حمایت های جدی و مستمر از واحدهای تولیدی و صنعتی اتخاذ کند.»

به نام ایران، به نام انسانیت
پروژه ۱۰۰ شهر فرا می خواند:
به نام آزادی، به نام کوروش بزرگ، که منشور حقوق بشر را خطاب به تمام بشریت نگاشت.
خطاب به مردم جهان و سیاستمداران سراسر دنیا:
۴۶ سال از عمر رژیمی گذشته که نه تنها ملت ایران را به گروگان گرفته، بلکه صلح و امنیت جهانی را نیز به خطر انداخته است. آیا وقت آن نرسیده که چشم ها را باز کنید و صدای فریاد مردم ایران را بشنوید؟
صدایی که با شجاعت فریاد می زند:
«ما این رژیم جنایتکار، سرکوبگر و ضد انسانی را نمی خواهیم!»
جمهوری اسلامی با حمایت و سازماندهی گروه های تروریستی، با سرکوب آزادیخواهان در داخل کشور و صدور فتنه های که چهل و شش سال پیش دامن ایران مان را گرفت، به کشورهای منطقه، در داخل، و صدور ناامنی به بیرون، عملاً در حال نابودی بنیان های مدرن حقوق بشر، آزادی و دموکراسی است.
این رژیم نه تنها تهدیدی برای مردم ایران است، بلکه برای آینده ای آزاد در سراسر جهان نیز خطری جدی محسوب می شود.
سکوت تا کی؟ مفاشات تا کی؟ آیا سیاستمداران جهان همچنان می خواهند با «مذاکره» و «توافق» چشمان خود را بر واقعیت ببندند؟
هر روز که این سیاست اشتباه ادامه دارد، مردم ایران هزینه اش را با جان جوانان، از دست دادن چشم و امید

ناترازی انرژی شدیدی داریم که مشکلات زیادی برای تولیدکنندگان و صنعتگران به وجود آورده است. ناترازی انرژی اگر مهار نشود، به صنعت و تولید ضربه سختی می زند.»
این فعال صنفی گفته «قطع برق سبب خسارت به دستگاه ها و تجهیزات تولیدی ها می شود و بسیاری از تولیدکنندگان بخاطر قطعی برق خسارت میلیاردها دیده اند. در شرایط فعلی تولیدکننده دیگر نمی تواند به توسعه و

از تأمین مالی و ارز مورد نیاز واحدهای تولیدی و صنعتی نیز به چالش جدی این بخش تبدیل شده است.
«تجارت نیوز» در اینباره نوشته در کنار تحریم ها، نوسانات ارزی، فرسودگی فناوری و بی ثباتی سیاست ها، تنگنای مالی نیز به عامل مهمی در رکود صنعت و تعطیلی کارخانه ها بدل شده است. سیستم بانکی که باید نقش پشتیبان تولید را ایفا کند در سال های اخیر به یکی از بازیگران اصلی رکود تبدیل شده است.

بر اساس گفته وزیر کشور جمهوری اسلامی در سال ۱۴۰۰، دست کم ۱۷۹۳ واحد تولیدی به تملک بانک ها درآمده اند که تنها ۷۵۰ واحد از آن ها فعال باقی مانده اند. سه بانک کشاورزی، ملی و ملت در صدر این فهرست قرار دارند و این وضعیت همچنان ادامه دار و هیچ گونه اقدامی جهت رفع این موانع انجام نشده است.
همچنین بررسی های اتاق بازرگانی و خانه صنعت ایران در سال ۱۴۰۲ نشان داد که بیش از ۷۰ درصد واحدهای صنعتی کوچک کشور با کمتر از ظرفیت واقعی خود فعالیت می کردند. کارگاه های کوچک که نقش حیاتی در اشتغالزایی دارند، بیشتر از هر بخش دیگری در معرض خطر تعطیلی هستند؛ نبود حمایت پایدار، فرسودگی ماشین آلات، افزایش هزینه های مالیاتی و بانکی و بی ثباتی بازار، رمق تولید را گرفته است.

کاهش تولید و افول صنعت در ایران هم رشد اقتصادی کشور را کاهش داده و هم سبب اخراج گسترده نیروی کار شده است.

تازه ترین گزارش ها نشان می دهد اخراج کارگران از ابتدای سال جدید خورشیدی افزایش یافته است. برای نمونه ۶۰ کارگر پیمانکاری شرکت «رئوف بافق» با چند سال سابقه کار از ابتدای فروردین اخراج شده اند.

خبرگزاری «ایلنا» هم از بیکاری ده ها کارگر شاغل در کارخانه مخابراتی ایران (آی تی ام سی) خبر داده و به نقل از یکی از کارگران اخراج شده نوشته ۴۰ تن از کارگران شاغل در این کارخانه با سوابق ۲۰ تا ۲۷ سال کار، از ابتدای سال جاری اخراج و از ورود آنها به کارخانه جلوگیری شده است. یکی از کارگران اخراج شده گفته «وضعیت پیش آمده به بهانه عدم نیاز کارخانه ادامه دارد. لازم به ذکر است که اکثر کارگران تعدیلی در آستانه بازنشستگی در مشاغل سخت و زیان آور قرار دارند.»

گزارش دیگری حکایت از آن دارد که بسیاری از واحدهای صنعتی و تولیدی در گلستان به دلایلی مانند عدم سرمایه در گردش و بدهی بانکی تعطیل شدند و بخش زیادی از نیروی کار در این استان نیز بیکار شدند.

بر اساس این گزارش در سال های گذشته تعداد زیادی از واحدهای صنعتی استان دچار رکود یا تعطیلی شده است و به تبع آن بسیاری از کارگران بیکار شده اند. بیکاری به خصوص برای قشر جوان قطعاً مشکلات اجتماعی و ... به وجود خواهد آورد. ایجاد اشتغال در گلستان با احیای واحدهای راکد در دستور دولت چهاردهم باشد.

این گزارش افزوده بدهی بانکی، کمبود نقدینگی، کمبود مواد اولیه و سرمایه در گردش از علت های اصلی راکد بودن واحدهای تولیدی در استان است. بسیاری از تولیدکنندگان به دولت و مجلس گلایه مندند چرا که بانک ها هیچ گونه همکاری نمی کنند و تسهیلات پرداخت نمی شود.

جیره بندی برق سبب کاهش تولید شده و در نتیجه کافرمايان معتقدند نیاز به نیروی کار ندارند و بخشی از نیروی کار خود را مازاد ارزیابی و آنها را اخراج کرده اند.

شهاب نورانی نائب رئیس کانون کارفرمایی گلستان در اینباره گفته «دولت شعار رشد ۸ درصدی می دهد ولی

روایت یک شاهد عینی علیه فراموشی؛ ۲۴ آوریل ۱۹۸۲؛ یورش و ضرب و جرح علنی مخالفین توسط حزب‌اللهی‌های جمهوری اسلامی در دانشگاه ماینز



ابزار و ادواتی که حزب‌اللهی‌های جمهوری اسلامی با آنها به دانشجویان مخالف رژیم در خوابگاه دانشجویی دانشگاه ماینز حمله کردند/ ۲۴ آوریل ۱۹۸۲ / عکس ارسالی از بهروز اسدی



حمله به خوابگاه دانشجویان مخالف جمهوری اسلامی در دانشگاه ماینز/ ۲۴ آوریل ۱۹۸۲
عکس ارسالی از بهروز اسدی

صدای مخالفان با تمام تغییراتی که در شکل داشته ما هنوز در نقطه‌ی کانونی کاروران نظام اسلامی جای دارد. چهار دهه پیش در روز شنبه ۲۴ آوریل ۱۹۸۲ یک خوابگاه دانشجویی در دانشگاه شهر ماینز آلمان مورد تهاجم سازمانیافته و از پیش برنامه‌ریزی‌شده‌ی عناصر مزدور حزب‌اللهی قرار گرفت. بیش از صد تن از جیره‌خواران حکومت نوپای اسلامی در یک برنامه‌ی از پیش تعیین‌شده زیر چتر حمایت سفارتخانه‌ی جمهوری اسلامی یا لانه جاسوسی رژیم در شهر بُن که آن زمان پایتخت کشور آلمان غربی بود و در همراهی با مسجد به اصطلاح مسلمانان در هامبورگ یا همان «مسجد آبی» یا «مسجد علی» و انجمن ارتجاعی دانشجویان مسلمان «قدس» و شماری از کنسولگری‌های حکومت با حدود صد نفر از عناصر حزب‌اللهی با ایجاد جوّ ارباب و با شعار «الله اکبر» به خوابگاه دانشجویانی که عمدتاً مخالف نظام اسلامی بودند یورش بردند.

در این تهاجم تروریستی و فرهنگی به دانشگاه ماینز مزدبگیران و اوباش حکومت به سخن مراد و مقتدایشان عمل کردند. خمینی، هم او که در تمام عمرش با شمشیر زنگارسته‌ی تجر به جنگ قلم رفت و گفته بود «بشکنید این قلم‌ها را» در این تهاجم فرهنگی و سازمانیافته که افراد حزب‌اللهی به چاقو و خنجرهای دست‌ساخته و پنجه بُکس و نانچیکو... مجهز بودند. نخست با یورش جمعی و ضرب و جرح دانشجویان مدارک و اسناد و کارت‌های رسمی آنان را به یغما بردند. اوباشان مزدور با در دست داشتن لیست دانشجویان در هر طبقه به اتاق‌ها یورش می‌بردند. یکی از فرماندهان اصلی عملیات کاظم دارابی بود که نام وپیه عنوان متهم و مجرم اصلی در ترور رستوران میکونوس معروف است.

در آن یورش سازمانیافته بسیاری از دانشجویان خوابگاه ماینز دچار آسیب جدی شده و راهی بیمارستان ←

آنکه چرخ‌های ایفرانس بر فراز مهرآباد باز شود و مسافر اهل هیچستان پا بر خاک وطن بگذارد. سیاست سرکوب حذف مخالفان و دگراندیشان از همان زمان که خمینی زیر درخت سیب تسبیح می‌چرخاند به اجرا درآمده بود. آن‌زمان زورش نمی‌رسید و به تعبیر خودش «خدعه» می‌کرد. چرا که جنبش اجتماعی- سیاسی از چنان ظرفیتی در آن روزگار برخوردار بود که حذف همگانی بسیاری که پا به میدان مبارزه گذاشته بودند، به سادگی امکان‌پذیر نبود و اجازتی همه‌کشی و حذف عمومی را نمی‌داد.

با برآمدن خمینی و به فرجام رسیدن انقلاب اسلامی به ویژه پس از ۳۰ خرداد سال ۶۰ کاروران اصلی حکومت اسلامی شمشیر از رو بستند و افزون از سیاست حذف فیزیکی سازمان‌های سیاسی به تعریف رژیم «برانداز» و مدافع سرنگونی، و خفه کردن هر صدای مخالف در داخل کشور، عریده‌کشی در برون‌مرز را نیز با اتکا به سیاست «النصر بالرب» (پیروزی در وحشت‌آفرینی است) به اجرا درآوردند. این سیاست تا امروز بنا با سرشت ذاتی حکومت جنایت و خون پابرجاست و راهنمای عمل نظام خداسالار است. در عمر ۴۶ ساله‌ی نظام اسلامی هیچ جریان و جناحی را از هر گروه و دسته نمی‌توان در چرخه‌ی قدرت سراغ گرفت که نامش به جنایت و ترور سکه نخورده باشد. تمام نحل‌های فکری درون حکومتی با شدت و حدت متفاوت در برنامه‌ریزی جنایت‌های حکومت مشارکت و همیاری داشته‌اند. خمینی با سیاست و شعار «همه با هم» استادانه دست تمام کارگزاران را در تشبّ خون شستشو داد.

با این مقدمه می‌خواهم علیه فراموشی نگاهی گذرا به اتفاق شومی که ۴۳ سال پیش رخ داد بیاندازم. در آن دوران من به عنوان دانشجو در بطن آن رویداد قرار داشتم.

امروز ۴۳ سال از یکی از فرازهای خفه کردن صدای مخالفان و دگراندیشان در خارج کشور می‌گذرد. اهمیت واگویی آن رویداد شوم از این رو اهمیت دارد که سیاست ترور و حذف

● امروز ۴۳ سال از یکی از فرازهای خفه کردن صدای مخالفان و دگراندیشان در خارج کشور می‌گذرد. اهمیت واگویی آن رویداد شوم از این رو اهمیت دارد که سیاست ترور و حذف صدای مخالفان با تمام تغییراتی که در شکل داشته ما هنوز در نقطه‌ی کانونی کاروران نظام اسلامی جای دارد.

● چهار دهه پیش در روز شنبه ۲۴ آوریل ۱۹۸۲ یک خوابگاه دانشجویی در دانشگاه شهر ماینز آلمان مورد تهاجم سازمانیافته و از پیش برنامه‌ریزی‌شده‌ی عناصر مزدور حزب‌اللهی قرار گرفت.

● در آن یورش سازمانیافته بسیاری از دانشجویان خوابگاه ماینز دچار آسیب جدی شده و راهی بیمارستان شدند. عریده‌ی «الله اکبر» حزب‌اللهی‌های جمهوری اسلامی فضایی ترسناک و مرعوب‌کننده در کل منطقه به ویژه در دانشگاه به وجود آورده بود.

● در این تهاجم و «فتح‌الفتوح» اسلامی همچنین یک دختر دانشجوی آلمانی به نام «اشتفانی دانسر» در اثر شوک و وحشت وارده از یورش چماق‌داران اسلامی جان سپرد.

● تمام ۸۶ حزب‌اللهی و مزدور جمهوری اسلامی که بازداشت‌شده بودند و در میانشان دو تبعه‌ی ترک و یک افغانی نیز وجود داشت، هیچکدام با خود کارت شناسایی نداشتند. تمامی‌شان نام خود را در مقابل پرسش پلیس، «محمد مسلمان» اعلام کردند!

● سفیر حکومت اسلامی که فردی به نام محمد مهدی نواب‌مطلق بود به شهر ماینز آمد تا با برادران خود، محمدی‌های مسلمان، دیدار کند. وی در زندان ضمن دلجویی از بازداشت‌شدگان، آنها را نیروهایی معتقد و مکتبی و ارزشی خواند.

بهروز اسدی - سیاست حذف صدای مخالفان بلافاصله هم‌زمان با وقایع سال ۵۷ در ایران به اجرا درآمد؛ پیش از



جراحت دانشجوی ایرانی پس از ضرب و جرح توسط «دانشجو تروریست» های وابسته به حزب الله لبنان در دانشگاه خواجه نصیر تهران

ضرب و جرح دانشجویان ایرانی دانشگاه خواجه نصیر توسط «تروریست دانشجو» های حزب الله لبنان

در محل حاضر شد، حراست دانشگاه خواجه نصیر با تهدید دانشجویان از اطلاع رسانی به نهادهای انتظامی جلوگیری کرده و حتی از ورود مأمور نیروی انتظامی به محوطه جلوگیری نموده است. مهاجمان نیز پیش از ورود مأموران از محل متواری شده اند.

به گزارش «خبرنامه امیرکبیر» این نوع درگیری ها سابقه داشته و «در دفعات قبل نیز با دخالت های خارج از چارچوب ریاست منفور حراست محمد شیرینی و برخی عوامل پشت پرده دانشگاه خواجه نصیر از جمله محمد طهماسبی، با تهدید دانشجویان به اخراج از خوابگاه و محرومیت از خدمات رفاهی و لاپوشانی ماجرا همراه بوده است.»

«خبرنامه امیرکبیر» در گزارشی تکمیلی از این حمله نوشته «در خوابگاه پسرانه «دانش ۱» دانشگاه خواجه نصیر، اتباع با تابعیت لبنانی اسکان داده شده اند که طبق گزارش ها، «تروریست دانشجوی» و وابسته به گروهک تروریستی حزب الله هستند. این افراد با حمایت مستقیم نهاد رهبری و حراست دانشگاه، در فضای خوابگاه حضور دارند. وابستگی آنها به گروهک مذکور، از طریق نصب تصاویر بزرگ حسن نصرالله، رهبر معدوم و مرد شماره یک گروهک حزب الله، بر درب اتاق هایشان به وضوح قابل مشاهده است.»

«خبرنامه امیرکبیر» افزوده از سوی دیگر در دوره ریاست امیررضا شاهانی، عناصر وابسته به گروهک تروریستی حزب الله با مشارکت در برنامه های مشکوک و همکاری با نهادهای امنیتی، نقش نیروهای سرکوبگر را ایفا کرده اند. در یک مورد، این افراد با حمله فیزیکی، بینی یکی از دانشجویان ایرانی را شکستند؛ اما با حمایت مسئولان، نه تنها برخوردی صورت نگرفت، بلکه پرونده به یک جلسه «حل اختلاف» ختم شد و همین بی واکنشی، زمینه ساز تکرار خشونت شد.

در درگیری اخیر نیز نیروهای حراست با تأخیر وارد عمل شدند و مهاجمان حتی پس از حضور نیروها با تمسخر و اظهارات تحقیرآمیز فضا را متشنج نگه داشتند. مهاجمان در میان خود به زبان عربی اظهار داشتند که حراست بیشتر نیز برخوردی نکرده و این بار نیز نخواهد کرد.

«خبرنامه امیرکبیر» می نویسد «باید توجه داشت که اورژانس دانشگاه فاقد نیروی مقیم بوده و با ۲۰ دقیقه تأخیر از خارج دانشگاه حضور پیدا کرد و به رغم جراحت جدی، از انتقال دانشجوی به بیمارستان خودداری شد و وی با خودروی شخصی دوستانش به بیمارستان منتقل شد. دانشجوی مجروح به ۱۲ بخیه نیاز داشت و وضعیتش مستلزم بستری بود، اما علی رغم حمایت صنفی، از بستری امتناع کرده و همان شب به خوابگاه بازگشت.»

● دانشجویان ضارب «از اعضای گروهک های تروریستی نیابتی جمهوری اسلامی که با هدف کمک به سرکوب دانشگاه ها و در پوشش «تروریست دانشجوی» به دانشگاه های برتر ایران تزریق شده اند» و از اعضای گروه تروریستی «حزب الله لبنان» هستند.

● یک دانشجوی پس از ضرب و جرح توسط «دانشجو تروریست» های وابسته به حزب الله لبنان دچار جراحت شدید شد و پس از خودداری اورژانس از انتقال وی به بیمارستان، او حوالی ساعت یک بامداد با اتومبیل شخصی یکی از دانشجویان به بیمارستان منتقل شد.

● دو دانشجوی دیگر نیز مورد ضرب و جرح قرار گرفتند و تمامی دانشجویان خارجی که در این درگیری شرکت کرده بودند، از صحنه این درگیری وحشیانه فرار کردند!

«خبرنامه امیرکبیر» که خبرهای صنفی دانشجویی ایران را منتشر می کند در گزارشی از ضرب و جرح دانشجویان ایرانی در خوابگاه دانشگاه خواجه نصیر تهران توسط «تروریست دانشجوی» های وابسته به حزب الله لبنان خبر داده است. در حمله وحشیانه صورت گرفته شماری از دانشجویان ایرانی زخمی شدند.

به گزارش «خبرنامه امیرکبیر»، در شامگاه ۳۱ فروردین ۱۴۰۴ تعدادی از اتباع غیرایرانی ساکن خوابگاه دانش پسران در دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی در تهران با مراجعه به آشپزخانه خوابگاه، درگیری لفظی را با دانشجویان ایرانی آغاز کرده و سپس کار را به درگیری فیزیکی کشانده و آنها را مورد ضرب و جرح قرار دادند.

این گزارش تأکید کرده دانشجویان غیرایرانی «از اعضای گروهک های تروریستی نیابتی جمهوری اسلامی که با هدف کمک به سرکوب دانشگاه ها و در پوشش «تروریست دانشجوی» به دانشگاه های برتر ایران تزریق شده اند» و از اعضای گروه تروریستی «حزب الله لبنان» هستند.

«خبرنامه امیرکبیر» توضیح داده که «در جریان این حمله، مهاجمان اتباع خارجی یکی از دانشجویان ایرانی را کتک زدند، بطوری که این دانشجوی پس از برخورد به شیشه درب بالکن خوابگاه از ناحیه پهلوی دچار جراحت شدید شد و پس از خودداری کردن اورژانس از انتقال وی به بیمارستان، ایشان در حوالی ساعت یک بامداد دوشنبه، یکم اردیبهشت، با اتومبیل شخصی یکی از دانشجویان به بیمارستان منتقل شده است.»

همچنین دو دانشجوی دیگر نیز مورد ضرب و جرح قرار گرفتند و تمامی دانشجویان خارجی که در این درگیری شرکت کرده بودند، از صحنه این درگیری وحشیانه فرار کردند! این گزارش افزوده در حالی که پلیس برای بررسی موضوع

شدند. عریضه ای «الله اکبر» حزب اللهی های جمهوری اسلامی فضایی ترسناک و مرعوب کننده در کل منطقه به ویژه در دانشگاه به وجود آورده بود. حکومت اسلامی با هدف ایجاد ترس و رعب به نسق گیری دست زده بود. و البته هدف نهایی از این اقدام تحمیل اقتدار ترس و دعوت به سکوت بود.

در این تهاجم و «فتح الفتوح» اسلامی همچنین یک دختر دانشجوی آلمانی به نام «اشتفانی دانسر» در اثر شوک و وحشت وارده از یورش چماق داران اسلامی جان سپرد. برنامه به گونه ای طراحی شده بود که آنها نخست به خوابگاه دانشجویان مجرد یورش بردند و در مرحله ی بعد قصد داشتند به خوابگاه دانشجویان متأهل و خانواده ها حمله کنند که با ورود انبوه نیروهای پلیس موفق به انجام آن نشدند و در محاصره ی نیروهای پلیس قرار گرفتند. شماری از حزب اللهی های مهاجم موفق به فرار و تعداد ۸۶ نفر از آنها توسط پلیس بازداشت شدند. علی فلاحیان کارگزار و برنامه ریز وزارت اطلاعات که برای رهبری عملیات از ایران به آلمان آمده و در گوشه ای ایستاده و ناظر عملیات بود طبق اطلاعات بعدی همان شب با هواپیما به ایران برگشت. کاظم دارابی نیز پس از بازگشت به ایران مورد استقبال حکومت قرار گرفت.

این حد از مفاشات در مقابل چنین عناصر تباه و پلیدی که تحت پوشش دانشجویی آزادانه به ایران و آلمان بیلاق و قشلاق می کردند، یک دهه بعد در سال ۱۹۹۲ در جریان ترور رستوران میکونوس تأثیر جنایتکارانه ی خود را نشان داد. تمام ۸۶ حزب اللهی و مزدور جمهوری اسلامی که بازداشت شده بودند و در میان شان دو تبعه ی ترک و یک افغانی نیز وجود داشت، هیچک با خود کارت شناسایی نداشتند. تمامی شان نام خود را در مقابل پرسش پلیس، «محمد مسلمان» اعلام کردند! ۸۶ محمد مسلمان و مهاجم! همان زمان سفیر حکومت اسلامی که فردی به نام محمدمهدی نواب مطلق بود به شهر ماینز آمد تا با برادران خود، محمد های مسلمان، دیدار کند. وی در زندان ضمن دلجویی از بازداشت شدگان، آنها را نیروهایی معتقد و مکتبی و ارزشی خواند. برخی از این مزدوران سال های بعد نیز در خدمت نظام ترور و وحشت بودند و جایزه ی رذالت خود را با اشغال پست های نان و آبدار در حکومت دریافت کردند.

قتل نیروهای مخالف و دگراندیش توسط باند های سیاه در سال های آغازین حکومت اسلامی تا ترورهای رسمی حکومت توسط نیروهای امنیتی و وزارت اطلاعات و امنیتی های سیاه پاسداران و زیرساخت ها و شبکه های گروه تبهکار غیرایرانی در خارج کشور نشانگر ماهیت این رژیم سفاک و ترور و وحشت است. سیاست خفه کردن صدای مخالفان توسط فعالیت های امنیتی و سایبری و حمله به مبارزین و به ویژه مبارزین میدانی تا امروز کارپایه ی رسمی سیاست در نزد زمامداران نظام اسلامی است آنهم در حالی که مفاشات دولت های غربی به ویژه اروپا و کشور آلمان با جمهوری اسلامی همچنان ادامه دارد.

هدف نهایی مردم و مبارزین راستین رسیدن به آزادی و دموکراسی و حرمت و کرامت انسانی در ایران بدون جمهوری اسلامی است.

و چنین باد و هنوز «قصابانند بر گذرگاه ها مستقر با کنده و ساتوری خون آلود و ترور»
زن زندگی آزادی

* بهروز اسدی شاهد عینی رویداد ۱۹۸۲ خوابگاه دانشجویی ماینز، فعال سیاسی و حقوق بشر

به یاد عترت گودرزی الهی؛ بانویی از تبار قلم، کوشش و پایداری



دکتر صدرالدین الهی و عترت گودرزی

عترت گودرزی الهی، بانویی از تبار قلم، مهر، و تلاش، با زیستی سرشار از مهر، وفاداری و پایداری، خاطره‌ای جاودان در دل بستگان، دوستان و همکارانش برجای گذاشت.

شعر زیر را او به همسر عزیزش در کتاب «کوچ» تقدیم کرده است:

در خیالات خودم در زیر بارانی که نیست
می‌رسم با تو به خانه از خیابانی که نیست

می‌نشینی روبرویم خستگی در می‌کنی
چای می‌ریزم برایت توی فنجان که نیست

باز می‌خندی و می‌پرسی که حالت بهتر است؟
باز می‌خندم که خیلی، گرچه می‌دانی که نیست

شعر می‌خوانم برایت واژه‌ها گل می‌کنند
یاس و مریم می‌گذارم توی گلدانی که نیست

چشم می‌دوزم به چشمت، می‌شود آیا کمی
دست‌هایم را بگیری به این دستانی که نیست

وقت رفتن می‌شود با بغض می‌گویم نرو!
پشت پایت اشک می‌ریزم در ایوانی که نیست

می‌روی و خانه لبریز از نبودت می‌شود
باز تنها می‌شوم با یاد مهمانی که نیست

رفته‌ای و بعد تو این کار هر روز من است
باور اینکه نباشی کار آسانی که نیست...

بتواند غذاها و شیرینی‌هایی خوش‌طعم و متنوع‌تر برای خانواده‌اش تهیه کند، بی‌آنکه بداند این انتخاب، راهی نو در زندگی او خواهد گشود.

مدتی بعد، با دعوت دانشگاه برکلی از دکتر الهی، خانواده الهی به ایالات متحده نقل مکان کردند. عترت همراه دخترش باران، شش ماه پیش از انقلاب، به همسر و پسرش برزو که در آنجا مشغول تحصیل بود، پیوست. با وقوع انقلاب و ورود روح‌الله خمینی به ایران و اخبار تلخ بازداشت و اعدام به ویژه روزنامه‌نگاران، آنها ناگزیر شدند در آمریکا بمانند و زندگی تازه‌ای را آغاز کنند.

در آن زمان، عترت الهی با بهره‌گیری از مهارت آشپزی خود و با همکاری دخترش باران و یکی از دوستان خانوادگی که از استادان دانشکده علوم ارتباطات بود، قهوه‌خانه‌ای به نام Le Cafe راه‌اندازی کرد. مدتی بعد، شیرینی معروف خود با نام Nutty Cookie را به بازار آمریکا عرضه نمود. شیرینی‌های او با استقبال بی‌نظیر آمریکایی‌ها و ایرانی‌های مهاجر روبرو شد و در سال ۱۹۹۶ جایزه معتبر «ارتقاء طعم» را به خود اختصاص داد. بدینسان، وی با تکیه بر عشق به خانواده و توانایی فردی، زندگی را در مسیری نوین و موفق پیش برد.

پس از درگذشت دکتر الهی در سال ۱۴۰۰، عترت الهی که روزگار دشواری را از سر می‌گذراند، در سن هشتاد و نه سالگی تصمیم گرفت خاطرات خود را به نگارش درآورد؛ تا نوه‌هایش بدانند چرا خانواده‌شان ناگزیر به مهاجرت شدند و چگونه در دیاری دور از میهن، روزگار گذراندند.

او ظرف یک سال نگارش کتاب خاطرات‌اش را به پایان رساند و آن را با نام «کوچ» به چاپ سپرد. این کتاب از فراز و نشیب‌های زندگی‌اش در ایران و آمریکا روایت می‌کند؛ روایتی سرشار از آزادی، عشق و شکیبایی. «کوچ» که با استقبال فراوان روبرو شد، به چاپ دوم نیز رسید.

● عترت گودرزی الهی از همکاران دیرین روزنامه‌های کیهان و کیهان لندن در روز پنجشنبه ۲۸ فروردین ۱۴۰۴ در ایالات متحده آمریکا چشم از جهان فرو بست.

● عترت الهی که در کنار حرفه روزنامه‌نگاری، آموزگاری دلسوز، نویسنده‌ای توانمند و حتی نامزد انتخابات مجلس شورای ملی نیز بود، همراه با همسرش، زنده‌یاد دکتر صدرالدین الهی، با مؤسسه مطبوعاتی کیهان و بعدها با کیهان لندن همکاری نزدیک داشت و از ارکان خانواده مطبوعاتی کیهان به شمار می‌رفت.

● پس از درگذشت دکتر الهی در سال ۱۴۰۰، عترت الهی که روزگار دشواری را از سر می‌گذراند، در سن هشتاد و نه سالگی تصمیم گرفت خاطرات خود را به نگارش درآورد؛ تا نوه‌هایش بدانند چرا خانواده‌شان ناگزیر به مهاجرت شدند و چگونه در دیاری دور از میهن، روزگار گذراندند.

با کمال تأسف و اندوه، عترت گودرزی الهی از همکاران دیرین روزنامه‌های کیهان و کیهان لندن در روز پنجشنبه ۲۸ فروردین ۱۴۰۴ در ایالات متحده آمریکا چشم از جهان فرو بست.

وی در سال ۱۳۳۳ و در سن بیست و یک سالگی با زنده‌یاد دکتر صدرالدین الهی پیمان زناشویی بست؛ پیوندی که ثمره‌اش دو فرزند به نام «باران» و «برزو» بود.

عترت الهی پس از دریافت درجه لیسانس در رشته روانشناسی، برای ادامه تحصیل در مقطع فوق لیسانس به همراه پسر خردسالش برزو که در آن زمان چهار سال داشت، راهی انگلستان شد.

در همان ایام، به دعوت دکتر مصطفی مصباح‌زاده، بنیانگذار مؤسسه مطبوعاتی کیهان، به دیدارش رفت. دکتر مصباح‌زاده، با توجه به پیشینه خانوادگی او در عرصه مطبوعات، به وی توصیه کرد تحصیلات خود را در رشته روزنامه‌نگاری نیز دنبال کند. فردای آن روز، او را به دانشکده روزنامه‌نگاری لندن (LSJ) برد و وی را در آنجا ثبت نام کرد. دو سال بعد، عترت الهی با اخذ دیپلم روزنامه‌نگاری به ایران بازگشت.

یک هفته پس از بازگشت به تهران، دکتر مصباح‌زاده عترت را به تحریریه روزنامه کیهان معرفی نمود و بدینگونه وی فعالیت خود در نشریه «کیهان خانواده» را آغاز کرد؛ نشریه‌ای که مدیریت آن را فروغ خانم، همسر دکتر مصباح‌زاده، بر عهده داشت. او همچنین مسئولیت مدیریت کتابخانه دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی را که به همت دکتر مصباح‌زاده تأسیس شده بود، عهده‌دار شد.

عترت الهی که در کنار حرفه روزنامه‌نگاری، آموزگاری دلسوز، نویسنده‌ای توانمند و حتی نامزد انتخابات مجلس شورای ملی نیز بود، همراه با همسرش، زنده‌یاد دکتر صدرالدین الهی، با مؤسسه مطبوعاتی کیهان و بعدها با کیهان لندن همکاری نزدیک داشت و از ارکان خانواده مطبوعاتی کیهان به شمار می‌رفت.

وی پیش از انقلاب ۱۳۵۷ به فرانسه سفر کرد تا به همسرش که در حال گذراندن دوره دکترای خود بود، بپیوندد. در همان دوران، تصمیم گرفت دوره کامل آشپزی را در مدرسه قدیمی و نامدار «کوردون بلو» (تأسیس ۱۸۹۵) بگذراند تا

سقوط قدرت خرید خانوارها در ایران؛ فروش قسطی مواد خوراکی معمولی با چک!



چنانچه این جو مثبت حفظ شود آتش تورم فروکش کند. این اقتصاددان تأکید کرده «اما اگر مذاکرات روند مثبتی را طی نکند و انتظارات تورمی بار دیگر افزایش یابد و روند تورم ماهانه در سه ماه اخیر تکرار شود، می‌توان انتظار داشت تورم سالانه به ۵۰ درصد برسد. به عبارت دیگر چنانچه قیمت‌ها با سرعتی که در سه ماه گذشته داشته تا انتهای سال افزایش یابد، در انتهای ۱۴۰۴ به تورم های ۵۰ درصدی خواهیم رسید. تورم سالانه به درصد افزایش سطح عمومی قیمت کالاها و خدمات در طول یک سال اشاره دارد و یکی از مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی برای سنجش قدرت خرید مردم و وضعیت معیشتی خانوارهاست.»

در هفته‌های گذشته و با کاهش سازمانیافته نرخ ارز از سوی دولت در پی آغاز مذاکرات میان جمهوری اسلامی و دولت دونالد ترامپ، برخی حامیان دولت پزشکیان تلاش دارند شرایط اقتصادی را رو به بهبود نشان دهند اما این تلاش‌ها نتوانست در نرخ تورم فروردین‌ماه اثر بگذارد. در فروردین امسال نه تنها نرخ تورم افزایشی بود بلکه نرخ تورم ماهانه رکورد ۱۷ ماه گذشته را نیز شکست.

بر اساس گزارش مرکز آمار ایران در فروردین‌ماه تورم ماهانه حدود ۳/۹ درصد، تورم نقطه به نقطه ۳۸/۹ درصد و تورم سالانه ۳۳/۲ درصد بوده است.

مرتضی افقه اقتصاددان و تحلیلگر اقتصادی درباره آینده قیمت ارز گفته که «اقتصاد ایران ظرفیت کاهش قیمت دلار به کمتر از ۸۰ هزار تومان را در میان مدت نخواهد داشت و اگر مذاکره به نتیجه ایده‌آل هم دست پیدا کنند، این ظرفیت در ساختار اقتصاد موجود، وجود نخواهد داشت.»

مرتضی افقه همچنین تأکید کرده «از آنجایی که ۸۰ درصد واردات ایران کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای هستند که قیمت‌شان مستقیماً به نرخ دلار وابسته است، هر تغییری در نرخ دلار، قیمت تولیدات داخلی را هم دچار نوسان می‌کند.»

قدرت خرید دستمزد در ایران از دست رفته است. این اقتصاددان افزوده «اکنون بنگاه‌ها، به جز آنها که قیمت گذاری دارند، همه با این نرخ قیمت‌هایشان را تعدیل کردند اما وقتی نوبت به دستمزد می‌رسد، می‌گویند اگر دستمزد بالا برود فلان می‌شود! این گونه نیست که دستمزد تورم را با خود بکشد و بلکه دستمزد پشت تورم می‌دود.» به گفته علی نصیری‌مقدم «تورم بالا رفته و نیروی کار با فاصله یک ساله دستمزد خود را تعدیل قدرت می‌کند و اینجا ما می‌گوییم بایست اگر جلو بروی، تورم زیاد می‌شود. در حالی که اینگونه نیست اگر این دستمزد قدرت خرید خود را بهبود دهد، هیچ تأثیری بر قیمت‌ها نمی‌گذارد، چرا که تورم پیشاپیش تأثیر خود را گذاشته است.»

او افزوده «وقتی بر اساس تورم اعلامی مرکز آمار از سال ۱۳۹۰ تا به امروز نگاه می‌کنیم می‌بینیم که حداقل دستمزد طی این ۱۴ - ۱۵ سال ۱۸ درصد قدرت خرید خود را از دست داده است. یعنی اگر با حداقل دستمزد در سال ۹۰ می‌توانستید ۱۰۰ تا نان بخرید، امروز می‌تونید ۸۲ تا نان بخرید.» این اقتصاددان در ادامه گفته «اگر همین محاسبه را با تورم اعلامی بانک مرکزی مقایسه کنیم ورق برمی‌گردد. بطوری که بر اساس تورم اعلامی بانک مرکزی، حداقل مزد ۵۵ درصد از قدرت خرید کاهش پیدا کرده است. یعنی الان با حداقل مزد می‌توانید ۴۵ تا نان خریداری کنید.»

به گفته علی نصیری مقدم «مرکز آمار ایران در تازه‌ترین گزارش خود وضعیت تورم سالانه در فروردین ۱۴۰۴ را مشخص کرده است. این آمار نشان می‌دهد تورم فروردین برای سومین ماه پیاپی نرخ بالایی را به خود اختصاص داده است. افزایش تورم در ۳ ماه گذشته را می‌توان بیشتر به علت افزایش نرخ ارز دانست. با توجه به اینکه مذاکرات مثبتی میان ایران و آمریکا در حال انجام است و نرخ دلار کاهش قابل توجهی را تجربه می‌کند، انتظار می‌رود

● اگرچه پیشتر برخی شهروندان مرغ و گوشت را به صورت نسیه خریداری می‌کردند اما اکنون گزارش‌ها از رواج یافتن فروش قسطی این مواد خبر می‌دهند.

● علی نصیری اقدم اقتصاددان اعلام کرده که در ۱۰ سال گذشته، ۵۵ درصد قدرت خرید دستمزد در ایران از دست رفته است.

● با آغاز مذاکرات جمهوری اسلامی و ایالات متحده، برخی حامیان دولت پزشکیان تلاش دارند شرایط اقتصادی را رو به بهبود نشان دهند اما این تلاش‌ها نتوانست در نرخ تورم فروردین‌ماه اثر بگذارد و در این ماه رکورد نرخ تورم ۱۷ گذشته شکست.

کاهش قدرت خرید و افزایش تورم سبب رواج فروش قسطی اقلام خوراکی در ایران شده است. کارشناسان می‌گویند طی یک دهه گذشته قدرت خرید دستمزد کارگران در ایران بیش از ۵۰ درصد کاهش یافته است.

خرید نسیه و قسطی کالاها در ایران به اقلام خوراکی معمولی رسیده است. اگرچه پیشتر برخی شهروندان مرغ و گوشت را به صورت نسیه خریداری می‌کردند اما اکنون گزارش‌ها از رواج یافتن فروش قسطی این مواد خبر می‌دهند. در همین رابطه وبسایت «برترین‌ها» نوشته «این روزها قیمت گوشت به حدی افزایش یافته که شاهد یک پدیده جدید هستیم. اگر سری به فضای مجازی بزنید با تبلیغات مختلف فروش قسطی گوشت و مرغ مواجه می‌شوید. برخی از فروشگاه‌ها شروع به فروش گوشت با دریافت چک کرده‌اند.»

این گزارش افزوده «فروشگاهی پول گوشت و مرغ خود را ۳۱ روز بعد از خرید از مشتریان دریافت می‌کند. نکته قابل توجه اینجاست که فروش گوشت و مرغ بدون دریافت سود نیز انجام می‌شود. آنطور که به نظر می‌رسد کاهش قدرت خرید مردم باعث شده فروشگاه‌ها نیز برای افزایش فروش به چنین شیوه‌هایی روی آورند.»

با اینکه رقم دستمزدها در سال جدید ۲۰ تا ۳۰ درصد افزایش یافته اما تورم بیش از این ارقام بوده و در نتیجه ارزش واقعی دستمزدها کاهش یافته است. اقشار حقوق‌گیر با دستمزد سال گذشته خود سید کالایی متنوع‌تری نسبت به امسال خریداری می‌کردند. این روند سالهاست ادامه داشته و سبب تداوم روند کاهش قدرت خرید خانوارها شده است. در این میان سید مصرفی خانوارها با حذف اقلام مختلفی از ورزش تا آموزش و درمان روبرو بوده است. برای نمونه زهره چیت‌ساز رئیس گروه آمارهای اجتماعی و فرهنگی مرکز آمار ایران اعلام کرده که «تعداد سفرهای داخلی خانوارهای ایرانی در ۷ سال گذشته حدود ۳۰ درصد کاهش یافته است. بر اساس نتایج طرح‌های آماری اجرا شده، تنها ۵۲ درصد خانوارهای ایرانی در بهار ۱۴۰۳ حداقل یک سفر داخلی داشته‌اند؛ در حالی که این نسبت در سال ۱۳۹۵ بیش از ۵۷ درصد بوده است. این آمار از کاهش حدود ۳۰ درصدی تعداد سفرهای خانوارها نسبت به سال‌های پیش حکایت دارد.»

اقتصاددانان و فعالان کارگری بارها نسبت به پیامدهای دستمزدهایی کمتر از نرخ تورم هشدار داده و خواستار افزایش عادلانه دستمزدها شده‌اند اما دولت در برابر تعیین عادلانه دستمزدها مقاومت دارد. علی نصیری‌قدم اقتصاددان اعلام کرده که در ۱۰ سال گذشته، ۵۵ درصد

کارزاری با بیش از ۱۴ هزار امضا برای پس گرفتن عرصه ۹۲ هکتاری از مالکان پروژه میانکاله



شد اعلام کرد که «تا کنون مجوز ارزیابی محیط‌زیستی برای میانکاله صادر نشده و اجازه هیچ فعالیتی در این پروژه داده نشده است و با هرگونه ساخت‌وساز در پروژه میانکاله برخورد خواهد شد.»

به گفته سخنگوی قوه قضاییه واگذاری اراضی ملی در منطقه حسین آباد بهشهر (محل اجرای پروژه پتروشیمی میانکاله) برای احداث پتروشیمی برخلاف مقررات قانونی به ویژه مواد ۳۱ و ۳۲ آیین نامه اجرایی اصلاح لایحه قانونی واگذاری و احیای اراضی بوده و همچنین فاقد مجوز ارزیابی اثرات زیست محیطی است.

پروژه پتروشیمی میانکاله یکی از جنجالی‌ترین پروژه‌های صنعتی است که البته طرح اولیه آن به دوره محمدرضا شاه پهلوی بر می‌گردد. در سال ۱۳۵۳ وزارت نفت وقت طرح احداث پتروشیمی میانکاله را تأیید و مجوز پتروشیمی در این منطقه را صادر کرد ولی با بررسی سازمان محیط زیست وقت و مشکلات زیست‌محیطی که در صورت ساخت پتروشیمی در منطقه ایجاد می‌شود، با موافقت محمدرضا شاه فقید این پروژه بطور کلی متوقف شد. در دولت حسن روحانی اما بار دیگر ساخت پتروشیمی میانکاله در دستور کار قرار گرفت.

در آخرین هفته‌های فعالیت دولت حسن روحانی، مجوزهای ساخت پروژه صادر شد و مراحل مقدماتی فعالیت این پروژه آغاز شد. چند ماه بعد در اسفند ۱۴۰۰ و در دولت ابراهیم رئیسی کلنگ ساخت کارخانه پتروشیمی در جوار میانکاله را سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی در فاصله حدود پنج کیلومتری تالاب میانکاله در استان مازندران، به عنوان «کارخانه پتروشیمی شهدای حسین‌آباد» به زمین زد.

بر اساس این طرح تولید ۱۲۰ هزارتن پروپیلن با سرمایه‌گذاری ۳۷۰ میلیون دلار در فاز اول در

بویژه درخصوص دو پرونده سنگین و سرشار از تخلفات احرازی ساخت مجتمع پتروشیمی مازندران در اراضی مشرف به پناهگاه حیات‌وحش میانکاله شهرستان بهشهر و مجتمع گردشگری الیمالات در جنگل‌های الیمالات شهرستان نور، موجب ایجاد نگرانی‌های گسترده در میان ملت ایران شده است. این نگرانی‌ها نه صرفاً جنبه محیط‌زیستی، بلکه بیشتر ناشی از احساس خطر عادی شدن تخلفات و تصرفات و تجاوزات به عرصه‌های ملی و ثروت‌های همگانی از سوی اصحاب قدرت و وابستگان به برخی از شخصیت‌ها و مسئولین ناشی می‌گردد.

امضاکندگان این نامه از رؤسای دولت و قوه قضاییه خواسته‌اند «در راستای صیانت از حقوق بین‌الملل و حفاظت از عرصه‌های ملی و طبیعی و برخورد با برخی زیاده‌خواهی‌های خواص، با استناد به تخلفات احرازی از سوی دستگاه‌های مسئول، نسبت به بازپس‌گیری عرصه ملی ۹۲ هکتاری مرتع حسین‌آباد و همچنین بازپس‌گیری عرصه جنگلی الیمالات، پیگیری و دستور مقتضی را صادر نمایند.» این کارزار از ۲۲ فروردین‌ماه ۱۴۰۴ آغاز شده و تا ۲۲ اردیبهشت‌ماه جاری ادامه دارد. تا کنون ۱۴ هزار و ۴۳۶ نفر این کارزار را امضا کرده‌اند.

در شرایطی که ساخت پروژه پتروشیمی میانکاله پیشتر به علت زیان‌های غیرقابل جبران به محیط زیست منطقه متوقف شده بود اما در روزهای گذشته تصاویری از بازگشت ماشین‌های سنگین به پروژه برای ادامه فعالیت منتشر شد.

شیرا انصاری رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست در واکنش به ورود تجهیزات جدید به منطقه اعلام کرد که طرح قانونی به نام پتروشیمی میانکاله وجود ندارد.

اصغر جهانگیر سخنگوی قوه قضاییه در نخستین نشست خبری سال ۱۴۰۴ که روز چهارشنبه ۲۷ فروردین ماه برگزار

بیش از ۱۴ هزار فعال حوزه محیط زیست و منابع طبیعی از مسعود پزشکیان رئیس دولت چهاردهم و غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه خواستند ۹۲ هکتار زمین ملی واگذار شده به پروژه پتروشیمی مازندران در اراضی مشرف به پناهگاه حیات وحش میانکاله را پس‌گیرند.

در شرایطی که ساخت پروژه پتروشیمی میانکاله پیشتر به علت زیان‌های غیرقابل جبران به محیط زیست منطقه متوقف شده بود اما در روزهای گذشته تصاویری از بازگشت ماشین‌های سنگین به پروژه برای ادامه فعالیت منتشر شد.

پروژه ساخت پتروشیمی میانکاله سال ۱۴۰۱ متوقف شد و رئیس سازمان محیط زیست تیرماه آن سال «با قاطعیت» گفته بود که «پرونده توسعه پتروشیمی در میانکاله برای همیشه بسته شد».

یاشار سلطانی روزنامه‌نگار هفته گذشته پس از انتشار خبر از سرگیری فعالیت در میانکاله به رد پای فساد در این پروژه اشاره کرد و از «ارتباط فرزند یکی از رؤسای قوا با مالک پتروشیمی میانکاله» خبر داد.

بیش از ۱۴ هزار فعال محیط زیست و منابع طبیعی با امضای یک کارزار اینترنتی از رئیس دولت و رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی خواستار پس گرفتن اراضی واگذار شده به پروژه میانکاله شدند.

بیش از ۱۴ هزار حوزه محیط زیست و منابع طبیعی از مسعود پزشکیان، رئیس جمهوری، و غلامحسین محسنی اژه‌ای، رئیس قوه قضاییه، خواستند ۹۲ هکتار زمین ملی واگذار شده به پروژه پتروشیمی مازندران در اراضی مشرف به پناهگاه حیات وحش میانکاله را پس‌گیرند. در این نامه سرگشاده آمده که چالش‌های محیط‌زیستی

بحران کم آبی تهدیدی علیه حیات وحش ایران



کهگیلویه و بویراحمد از اثر خشکسالی بر حیات وحش این استان خبر داده بودند. جمشید عبدی‌پور فرمانده یگان حفاظت اداره کل محیط زیست کهگیلویه و بویراحمد نیز با تأیید تشنگی حیات وحش این استان گفته بود «اداره حفاظت محیط زیست تنها موظف به آبرسانی حیات وحش ساکن در مناطق حفاظت شده است» و در نتیجه بخش زیادی از حیات وحش استان با مشکلات جدی روبرو هستند.

او تأکید کرده بود «کل و بز، حیوانات شبنگ و پرندگان مهم‌ترین گونه‌هایی هستند که به علت کمبود تجهیزات و زیرساخت‌های آبرسانی سیار در معرض خطر است.»

شاهمراد جعفری رئیس اداره حفاظت از محیط زیست شهرستان قشم از تلف شدن یک رأس آهوی جبیر بر اثر تغذیه از زباله‌های به جا مانده از حضور گردشگران نوروزی در جزیره هنگام خبر داد.

شاهمراد جعفری افزود که با خشکسالی‌های چند سال اخیر و از بین رفتن بیشتر پوشش گیاهی جزیره هنگام حیات جانداران وحشی این جزیره به خطر افتاده است.

خشکسالی همچنین باعث از بین رفتن پوشش گیاهی و جنگلی مناطق مختلف شده که این موضوع با نابودی زیستگاه نیز تهدید دیگری علیه حیات وحش است.

در همین رابطه رضا احمدی مجری طرح ملی «کاشت یک میلیارد درخت» در جلسه هماهنگی همایش بین‌المللی «مدیریت پایدار جنگل‌های زاگرس» از نابودی یک میلیون هکتار از جنگل‌های زاگرس طی دهه‌های ۸۰ و ۹۰ بر اثر خشکسالی خبر داد.

به گفته او، جنگل‌های زاگرس با قدمتی بیش از ۱۳۰ قرن، امروز با بحران‌هایی چون فقر ژنتیکی، فرسایش اکوسیستمی و کاهش شدید پوشش گیاهی روبرو هستند. احمدی با اشاره به وجود سه هزار گونه گیاهی تنها در زاگرس، بر اهمیت این منطقه در تنوع زیستی ایران تأکید کرد. اینهمه در حالیست که روند خشکسالی در ایران امسال سرعت گرفته است. کاهش بارندگی‌ها در فصل پاییز و زمستان سبب خالی ماندن دریاچه سدهای مهم کشور شده و تأمین آب بخش کشاورزی و آشامیدنی را با بحران روبرو کرده است.

راهکار وزارت نیرو حفر چاه برای برداشت از اندک ذخائر سفره‌های زیرزمینی است که این راهکار زیان گسترده‌ای در دراز مدت دارد و سبب تشدید خشکسالی و افزایش فرونشست خواهد شد.

● **حبیب مسیحی تازیانی مدیر کل حفاظت محیط زیست استان هرمزگان در نشست خبری با اشاره به چالش‌های جدی زیست‌محیطی استان، کم‌آبی را مهم‌ترین تهدید برای منابع طبیعی و حیات وحش دانست.**

● **کل و بز، حیوانات شبنگ و پرندگان مهم‌ترین گونه‌هایی هستند که به علت کمبود تجهیزات و زیرساخت‌های آبرسانی سیار در معرض خطر است.**

بحران کم‌آبی در ایران سبب خشک شدن رودها، جویبارها و دریاچه‌ها و مرداب‌ها شده و این روند به گفته مدیرکل حفاظت محیط زیست استان هرمزگان به تهدیدی علیه حیات وحش تبدیل شده است.

حبیب مسیحی تازیانی مدیر کل حفاظت محیط زیست استان هرمزگان، در نشست خبری با اشاره به چالش‌های جدی زیست‌محیطی استان، کم‌آبی را مهم‌ترین تهدید برای منابع طبیعی و حیات وحش دانست.

وی افزود «انسان می‌تواند با مدیریت، نیاز خود به آب را از منابع مختلف مانند آب دریا یا سفره‌های زیرزمینی تأمین کند اما این امکان برای طبیعت و پوشش گیاهی وجود ندارد. در شرایط گرما و خشکسالی، ما شاهد تحلیل شدید پوشش گیاهی استان هستیم.»

مدیرکل حفاظت محیط زیست استان هرمزگان با ابراز نگرانی از پیامدهای کم‌آبی بر حیات وحش هرمزگان گفت: «حیوانات به دلیل کمبود منابع آبی از زیستگاه‌های طبیعی خود مانند کوهستان‌ها، دشت‌ها و جنگل‌ها خارج شده و به مناطق جمعیتی نزدیک می‌شوند، که این موضوع هم برای آنها و هم برای انسان خطرآفرین است.»

صفحه کاربری «دوستداران طبیعت جنوب» ویدیویی از اثرات مخرب و ویرانگر بحران خشکسالی و فقدان آب بر زندگی حیات وحش در استان هرمزگان منتشر کرده است. در این ویدیو، یک گله از بز، قوچ و میش که به دلیل تلاش برای دسترسی به آب در داخل گودالی پیر افتاده‌اند، توسط تعدادی از حمایت‌گران و دوستداران طبیعت و حیات وحش، نجات داده شده و رهاسازی می‌شوند.

به نوشته صفحه کاربری «دوستداران طبیعت جنوب» این واقعه روز ۲۸ فروردین جاری در کوه‌های مناطق مرزی بندرلنگه و بستک در استان هرمزگان رخ داده است. بهمن‌ماه سال گذشته نیز فعالان محیط زیست در استان

عرصه‌ای ۹۰ هکتاری برای این پروژه در نظر گرفته شده بود اما در نهایت قرار است ظرفیت تولید آن به ۴۷۰ هزار تن برسد.

تنها چند روز پس از کلنگ‌زنی این پروژه اعتراضات و هشدارها به ساخت آن آغاز شد. کارشناسان محیط زیست انجام این پروژه را اقدامی فاجعه‌بار برای محیط زیست و اکوسیستم منطقه ارزیابی کردند.

طبق نظرات کارشناسان به دلیل حساسیت اکوسیستم میانکاله ساخت پتروشیمی برای میانکاله سنگین و خارج از توان اکولوژیک آن است. همچنین صنایع سنگین اجازه بارگذاری در این منطقه را ندارند و از نظر آمایش سرزمینی و در اسناد بالادست، توسعه پروژه‌های فاضلاب‌زا در این منطقه آسیب‌زا است و اجازه فعالیت آنها در این اسناد قید نشده است.

پروژه ساخت پتروشیمی میانکاله سال ۱۴۰۱ متوقف شد و رئیس سازمان محیط زیست تیرماه آن سال «با قاطعیت» گفته بود که «پرونده توسعه پتروشیمی در میانکاله برای همیشه بسته شد».

همچنین ایرج حشمتی معاون وقت محیط زیست انسانی سازمان حفاظت محیط زیست با تأکید بر غیرقانونی بودن ساخت واحد پتروشیمی در میانکاله تأکید کرده بود که مراحل «استرداد زمین قلمک شده» برای این پتروشیمی در دستور کار کمیته نظارت استان قرار گرفته است.

مالکان این پروژه عرصه ملی ۹۲ هکتاری را برای این پروژه در اختیار دارند. گزارش‌ها حاکی از آنست که کل زمین مورد نیاز پتروشیمی میانکاله ۳۸/۷ هکتار بوده ولی ۹۰ هکتار عرصه ملی به نام آن واگذار شده است؛ یعنی ۵۱ هکتار زمین مازاد در یکی از بهترین نقاط استان مازندران به مافیا اهدا شده است!

فاطمه واعظ‌جوادی رئیس پیشین سازمان محیط زیست گفته بود که یک پتروشیمی بیشتر از ۱۰ تا ۱۵ هکتار زمین نیاز ندارد.

تخلفات دیگری نیز در این پروژه صورت گرفته است از جمله ۳۶۰ میلیون دلار وام و تخفیف ۳۰ درصدی قیمت گاز تحویلی به این مافیا به نام پروژه میانکاله!

پروژه میانکاله یکی از پروژه‌های رانتی در جمهوری اسلامی است و مشخص نیست دقیقاً چه مقاماتی از مالکان این پروژه حمایت می‌کنند که زور دولت و قوه قضاییه به آنها نمی‌رسد و با وجود حکم توقف پروژه، همچنان تلاش برای ادامه آن ادامه دارد.

یاشار سلطانی روزنامه‌نگار هفته گذشته و پس از انتشار خبر از سرگیری فعالیت در میانکاله به رد پای فساد در این پروژه اشاره کرد و از «ارتباط فرزند یکی از رؤسای قوا با مالک پتروشیمی میانکاله» خبر داد.

یاشار سلطانی در شبکه «ایکس» نوشت «چند روزی است که پروژه غیرقانونی پتروشیمی میانکاله مجدد شروع شده است و امروز (پنجشنبه ۲۱ فروردین) حدود ۴۰ تریلی تجهیزات در پروژه مستقر شده است. پشت ماجرای میانکاله، یکی از روسای قوه است که فرزندش با رییس پتروشیمی ارتباط دارد.»

این روزنامه‌نگار که پیشتر نیز پرونده‌هایی از فساد در ساختار جمهوری اسلامی را افشا کرده با بیان اینکه «در صورتی که این حمایت‌های غیرقانونی ادامه یابد، حتماً مستندات را منتشر می‌کنم» نوشته «بعدا معترض نشوید که امنیت روانی جامعه مخدوش شده است.»

برخی کاربران در شبکه‌های اجتماعی، اسحاق قالیباف فرزند محمدباقر قالیباف را آقا زاده‌ای معرفی کرده‌اند که رد پای او در پروژه میانکاله وجود دارد.

قطع ۱۰ ساعته آب در استان گلستان به علت بحران در تأمین آب آشامیدنی

● در مرکز استان گلستان، مردم بیش از ۱۰ ساعت در شبانه‌روز با قطع آب مواجه هستند. ثروتمندان با خرید پمپ و تانکرهای آب و کم‌درآمدها با ذخیره‌سازی آب در دبه‌ها، نیاز خود را برطرف می‌کنند.

● استاندار گلستان گفته ۹۵ درصد آب مصرفی استان از منابع زیرزمینی تأمین می‌شود و کمبود آب آشامیدنی در برخی شهرهای استان وضعیتی حاد ایجاد کرده است.

● استان گلستان نیز که از مناطق سرسبز ایران به شمار می‌رفت، در پی چهار دهه سوء مدیریت جمهوری اسلامی در حوزه آبی کشور، با خشکسالی و کم‌آبی و فرونشست روبرو شده است.

بحران کمبود آب سبب ایجاد وضعیت قرمز در تأمین آب آشامیدنی استان گلستان شده و شهروندان در شهرهای گرگان و گنبد کاووس با قطع ۱۰ ساعته آب روبرو هستند. خبرگزاری «تسنیم» گزارش داده در پی خشکسالی‌های چند سال اخیر در گلستان و کاهش ذخیره آبخوارهای این استان، سطح آب‌های زیرزمینی به شدت کاهش یافته و با توجه به وابستگی ۹۷ درصدی آب آشامیدنی استان به چاه‌ها، حالا شهرهای گرگان و گنبدکاووس در تأمین آب شرب در وضعیت قرمز قرار گرفته‌اند.

بر اساس این گزارش در مرکز استان گلستان، مردم بیش از ۱۰ ساعت در شبانه روز با قطع آب مواجه هستند. آنهایی که تمکن مالی دارند با خرید پمپ و تانکرهای آب و آنهایی که شرایط اقتصادی مناسبی ندارند با ذخیره‌سازی آب در دبه‌ها، نیاز خود را برطرف می‌کنند.

«تسنیم» افزوده روند قطع آب در زمستان و تابستان در این استان همچنان پابرجاست، هرچند احداث سد و پروژه‌هایی مانند آب شیرین کن نیز برای رفع تنش آبی در استان پیش‌بینی شده اما احداث آنها حداقل ۵ سال زمان می‌برد و آنطور که رئیس مجمع نمایندگان استان گفته چاره‌ای جز حفر و تجهیز چاه‌های جدید برای تأمین آب شرب در کوتاه مدت وجود ندارد.

علی اصغر طهماسبی استاندار گلستان نیز در توضیح وضعیت بحرانی تأمین آب آشامیدنی این استان گفته ۹۵ درصد آب مصرفی استان از منابع زیرزمینی تأمین می‌شود که این امر نشان‌دهنده وابستگی شدید به این منابع است. استاندار گلستان افزوده کمبود آب شرب در برخی شهرهای استان وضعیت حادثی دارد. آمارها نشان می‌دهد که در حال حاضر نیاز آب شرب استان بالغ بر ۵ هزار و ۸۲۵ لیتر در ثانیه است که متأسفانه ۱۵۰۰ لیتر بر ثانیه کمبود آب وجود دارد که این مسئله در دو شهر بزرگ استان به وضعیت قرمز منجر شده است.

خبرگزاری «تسنیم» از حل نشدن مشکل تأمین آب

آشامیدنی در استان گلستان در کوتاه‌مدت خبر داده و نوشته کمبود آب شرب تنها مربوط مرکز استان نیست در شرق و غرب استان هم مردمی که در جوار دریای خزر قرار گرفته‌اند، تشنه‌کام هستند. از سدهای نیمه کاره‌ای که معلوم نیست قرار است کی به نتیجه برسد تا آب شیرین کنی که باید منتظر سرمایه گذار بود، نشان می‌دهد مسئله آب شرب چندان به این زودی‌ها حل نخواهد شد. یکی دیگر از مسائلی که سبب تشدید بحران آب در استان گلستان شده نیز فرسودگی شبکه توزیع آب است؛ موضوعی که باز نیازمند سرمایه‌ای است که گویا منابعی برای آن وجود ندارد! به گفته مسئولان استان گلستان ۳۰ درصد هدررفت آب در شبکه توزیع به دلیل فرسودگی لوله‌ها و تجهیزات وجود دارد که با بهینه‌سازی آنها بخشی از مشکلات تأمین آب آشامیدنی در استان حل خواهد شد.

استان گلستان در حالی با بحران کم‌آبی و وضعیت قرمز



مرکزی خبر داد که «در راستای تأمین آب شرب برای شهرهای اراک و ساوه، پروژه حفر ۴۹ حلقه چاه آب به‌زودی آغاز خواهد شد. این اقدام به منظور بهبود و افزایش منابع آب این دو شهر انجام می‌شود و نقش مهمی در تأمین نیازهای آبی ساکنان منطقه ایفا خواهد کرد.»

داراب بیروندی مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان قزوین نیز آذرماه گذشته از حفر ۳۸ حلقه چاه برای جبران کمبود آب آشامیدنی شهرها و روستاهای استان قزوین خبر داد. برداشت از سفره‌های زیرزمینی آب در حالیست که کاهش بارندگی این برداشت مضاعف را جبران نمی‌کند و تنها یک اثر فاجعه‌بار این اقدام تشدید فرونشست‌ها است. علی بیت‌اللهی رئیس بخش زلزله‌شناسی و خطریزیری مرکز تحقیقات وزارت راه، مسکن و شهرسازی نیز درباره وضعیت بحرانی آبخوار دشت اصفهان هشدار داده است. به گفته او طبق برآوردها، اگر روند کنونی برداشت آب‌های زیرزمینی ادامه یابد، این آبخوار ظرف ۱۰ سال آینده بطور کامل به حالت میرایی و مرگ خواهد رسید. علی بیت‌اللهی به کاهش شدید سطح آبخوار در مناطق شهری اصفهان اشاره کرد و گفت که برداشت‌های بیشتر برای تأمین آب شرب و دیگر مصارف، به تشدید بحران کمک می‌کند. وی تأکید کرد که شرایط فرونشست زمین در اصفهان در حال حاضر به «شرایط حدی» رسیده و آثار آن به وضوح مشهود است؛ بطوری که هرچه میزان فرونشست افزایش یابد، تأثیرات آن بر ساختارهای سطحی نیز بیشتر خواهد شد.

در تأمین آب آشامیدنی روبروست که از جمله مناطق پُرآب و سرسبز ایران به شمار می‌رفت. این استان نیز در پی چهار دهه سوء مدیریت جمهوری اسلامی در حوزه آبی کشور، با خشکسالی و کم‌آبی و فرونشست روبرو شده است.

حسین حاجی‌حسینی معاون حفاظت و بهره‌برداری شرکت آب منطقه‌ای گلستان زمستان گذشته با اشاره به کاهش بارندگی‌ها در استان گلستان گفته بود «از ظرفیت ۲۴۴ میلیون مترمکعب سدهای استان برای ذخیره‌سازی آب، از ابتدای سال جاری تاکنون فقط ۴۶/۵ میلیون مترمکعب معادل ۱۹ درصد آب در سدهای گلستان ذخیره شده است.» همچنین کشت پاییزه کشاورزان استان گلستان به علت کاهش بارندگی‌ها با «بدسبزی» و کچلی زمین‌های زیر کشت روبرو شد و خسارت قابل توجهی به کشاورزان وارد کرد. کارشناسان کشاورزی معتقدند با تداوم وضعیت کمبود آب کشاورزان زیادی از ادامه فعالیت خودداری خواهند کرد و این موضوع خسارت قابل توجهی به اقتصاد کشاورزی استان گلستان و کل کشور وارد خواهد کرد.

بحران کمبود آب البته بحرانی فراگیر است که طی سالهای گذشته بیشتر استان‌های نیمه جنوبی و مرکز ایران را درگیر کرده و حالا به استان‌های سرسبز شمال کشور رسیده است. امسال کاهش حجم آب ذخیره شده پشت سدها به علت کمبود بارندگی در شهرهای مختلف در تأمین آشامیدنی نیز بحران ایجاد کرده است. شهرهای مختلف استان اصفهان، تهران و خراسان «رضوی» نیز با مشکلی مشابه شهرهای

تعیین نرخ ۲۰ هزار تومانی برای بنزین آزاد؛ واردات بنزین سوپر توسط بخش «خصوصی»

که در صورت اجرای به موقع، از مرداد ۱۴۰۴، کارت‌های سوخت حذف شده و سهمیه بنزین مستقیماً به کارت‌های بانکی واریز خواهد شد. در حال حاضر، مدل و معماری استفاده از کارت بانکی برای سوخت‌گیری در مرحله مطالعه قرار دارد و پروژه به صورت پایلوت اجرا می‌شود. چهار ماه فرصت داده شده تا امکان‌سنجی انجام شود و به مرحله اجرایی برسد.

افزایش قیمت بنزین از ماه‌ها پیش و با آغاز بکار دولت پزشکیان مطرح شده بود. همزمان با سفرهای نوروزی امسال نیز بار دیگر موضوع کمبود تولید بنزین در کشور و نامتناسب بودن حجم تولید با مصرف نمایان شد. اگر چه دولت انگشت اتهام را به سمت مردم دراز کرده و ادعا می‌کند مصرف زیاد علت کمبود است اما واقعیت اینست که سال‌هاست صنعت نفت و پتروشیمی در ایران با عقب‌ماندگی در جذب سرمایه‌گذاری و توسعه

از سوی دیگر کرامت ویس کرمی مدیرعامل شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران هم از واردات بنزین سوپر توسط بخش خصوصی و فروش با نرخ آزاد خبر داده است. او توضیح داده که «دولت این سیاست را تدوین و به وزارت نفت تکلیف کرده تا از این طریق شرکت‌هایی را شناسایی کرده و با تأیید صلاحیت، آنها را به عنوان واردکننده معرفی کند. همچنین مقرر شد شرکت‌های توزیع کننده بنزین ویژه را وارد کنند و با قیمت آزاد عرضه کنند، شیوه‌نامه‌ای در این زمینه در مجموعه پالایش و پخش و وزارت نفت تدوین شده که بر اساس این شیوه‌نامه باید به درگاه ملی مراجعہ کرده و از این طریق هم واردکننده و هم توزیع‌کننده شناسایی شده و از مجموعه پالایش و پخش گواهی دریافت کند.»

کرامت ویس کرمی افزوده که «شرکت‌های توزیع کننده می‌توانند هم ذخیره‌سازی بنزین سوپر را انجام دهند و هم

● حمیدرضا عزیزی فارس‌یانی عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی از سه‌نرخ شدن بنزین خبر داده و اعلام کرده قیمت بنزین آزاد ۲۰ هزار تومان برای هر لیتر در نظر گرفته شده است.

● کرامت ویس کرمی مدیرعامل شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران هم از واردات بنزین سوپر توسط بخش خصوصی و فروش آن با نرخ آزاد خبر داده است.

● مدیرعامل شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران: دولت هیچ‌گونه مداخله‌ای در فرآیند واردات و توزیع نخواهد داشت. اینکه واردات از چه کشورهایی انجام شود، بستگی به شرایط بازار دارد.

● در سال‌های اخیر نیز لزوم برداشته شدن یارانه بنزین و افزایش قیمت بنزین مطرح بود اما حکومت به علت هراس از اتفاقی مشابه آبان ۹۸ اقدامی در این زمینه انجام نداد. اکنون به نظر می‌رسد قرار است بطور «نامحسوس» و پلکانی اقدام به کاهش یارانه بنزین و افزایش قیمت آن کند تا اعتراضات جدیدی شکل نگیرد.

بر اساس اعلام عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی بنزین قرار است به صورت سه‌نرخ در ایران ارائه شود و قیمت هر لیتر بنزین آزاد نیز ۲۰ هزار تومان خواهد بود. همچنین مدیرعامل شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران از واردات بنزین سوپر توسط بخش خصوصی و فروش آن با نرخ آزاد خبر داده است.

حمیدرضا عزیزی فارس‌یانی عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی از سه‌نرخ شدن بنزین خبر داده و اعلام کرده قیمت بنزین آزاد ۲۰ هزار تومان برای هر لیتر در نظر گرفته شده است. وی همچنین گفته در طرح جدید تخصیص یارانه بنزین بر اساس کد ملی بجای کارت سوخت صورت خواهد گرفت. این تغییرات بر اساس طرح اصلاح نظام توزیع سوخت قرار است انجام شود.

حمیدرضا عزیزی فارس‌یانی درباره «مکانیسم اجرایی» این طرح هم گفته «در این سیستم جدید، هر شهروند ایرانی بر اساس کد ملی خود سهمیه بنزین دریافت می‌کند. به عنوان مثال، برای هر فرد روزانه یک لیتر بنزین با قیمت یارانه‌ای ۳۰۰۰ تومانی در نظر گرفته می‌شود که در ماه به ۳۰ لیتر می‌رسد.»

عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی توضیح داده که «برای مثال در این مکانیسم، برای یک خانواده چهارنفره با یک خودرو، سقف ماهانه ۱۲۰ لیتر بنزین با قیمت یارانه‌ای در نظر گرفته می‌شود. مصرف بیشتر از این مقدار به صورت پلکانی محاسبه خواهد شد؛ ۱۲۰ تا ۲۰۰ لیتر با قیمت ۱۰۰۰۰ تومان و مقادیر بالاتر با قیمت آزاد ۲۰۰۰۰ تومان.»



روبروست.

در شرایطی که همزمان با تعطیلات نوروز، احتمال افزایش قیمت بنزین مطرح شده بود اما محسن پاک‌نژاد وزیر نفت جمهوری اسلامی گفته بود دولت فعلاً برنامه‌ای برای افزایش قیمت بنزین ندارد و تأکید کرده «الان چنین بحثی نداریم.»

فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت نیز با تکذیب خبر طرح دولت برای افزایش قیمت بنزین مدعی شده که «هدف دولت، مدیریت مصرف سوخت است نه گران کردن آن؛ سیاست دولت صرفاً افزایش قیمت سوخت نیست، بلکه هدف اصلی، توزیع عادلانه یارانه‌ها و بهینه‌سازی مصرف است.»

جمهوری اسلامی یکبار دیگر در آبان ۹۸ و بدون اعلام قبلی به شهروندان قیمت بنزین را افزایش داد و این موضوع سبب آغاز اعتراضات سراسری آبان ۹۸ شد. در سال‌های اخیر نیز لزوم برداشته شدن یارانه بنزین و افزایش قیمت بنزین مطرح بود اما حکومت به علت هراس از دور تازه‌ای از اعتراضات این موضوع را عقب انداخته بود. اکنون به نظر می‌رسد دولت به صورت پلکانی به دنبال کاهش یارانه بنزین و افزایش قیمت آن است.

افزایش قیمت بنزین به علت ارتباط مستقیمی که در افزایش حمل‌ونقل دارد به صورت مستقیم و غیرمستقیم سبب افزایش قیمت انواع کالاها و خدمات می‌شود و در نتیجه هزینه زندگی شهروندان را با افزایش روبرو می‌کند.

توزیع بنزین سوپر را در کشور عملیاتی کنند.»

مدیرعامل شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران گفته «بر اساس این مصوبه به دنبال این هستیم که از طریق وزارت اقتصاد و امور دارایی که مجوزها را راهبری و مدیریت می‌کند مجوزی برای شرکت‌های واردکننده دریافت کنیم.»

او همچنین توضیح داده که «ورود بنزین سوپر به کشور زیرساخت نیاز دارد، بخش خصوصی انبارهایی که گوشه و کنار کشور حتی در کنار سواحل یا نزدیک به سواحل داریم می‌تواند آنها را اجاره کرده و واردات ذخیره‌سازی بنزین سوپر را انجام دهد.»

او افزوده که «دولت هیچ‌گونه مداخله‌ای در فرآیند واردات و توزیع نخواهد داشت. اینکه واردات از چه کشورهایی انجام شود، بستگی به شرایط بازار دارد. مزیت مهم این اقدام در آن است که بنزین سوپر به صورت کامل توسط بخش خصوصی تأمین و توزیع می‌شود و به این ترتیب، اکوسیستم توزیع سوخت کشور با ورود بازیگران جدید دچار تحول خواهد شد.»

کرامت ویس کرمی افزوده «ساز و کار تعیین قیمت از طریق بورس انرژی تعیین می‌شود یعنی وارد کننده باید قیمتی که دارد باید از این طریق تعیین شود از مواردی است که سرمایه‌گذار بخش خصوصی اعم از واردکننده و توزیع کننده انجام می‌دهند.»

طی روزهای گذشته رسانه‌های داخلی گزارش داده بودند

بحران خشکسالی؛ جمهوری اسلامی با ناکارآمدی و سوء مدیریت ایران را تبدیل به آبکش کرده است!



احداث حفر چاه‌های متعدد غیرمجاز و اضافه برداشت چاه مجاز تبدیل به آبکش کرده‌ایم، به گونه‌ای که بیش از ۸۰ درصد اضافه برداشت از چاه‌های مجاز صورت می‌گیرد. این وضعیت نمی‌تواند در بلندمدت ادامه پیدا کند چون حجم آب سفره‌های آب زیرزمینی مشخص است. هرچه ارتفاع آن پایین‌تر رود، شورتر می‌شود و کیفیت آن کاهش می‌کند. با انتقال آب شور به زمین‌های کشاورزی، حاصلخیزی خاک کمتر می‌شود و تبعات دیگری در پی دارد.

مهدی زارع زمین‌شناس و استاد پژوهشکده زلزله‌شناسی نیز روز گذشته در یادداشتی هشدار داد که خشکسالی، بی‌برقی، نابودی کشاورزی و تهدید امنیت غذایی تا سال ۱۴۱۴ در کمین ایران خواهد بود.

وی اعلام کرد که بر اساس نتایج مدل‌های مطالعه‌شده اقلیمی پیش‌بینی می‌شود شرایط خشکسالی ایران بین سال‌های ۱۴۰۴ تا ۱۴۱۴ تشدید شود که ناشی از تغییرات اقلیمی، سوء مدیریت منابع آب و افزایش دما است.

مهدی زارع افزوده «تا سال ۱۴۱۴ پیش‌بینی شده در میان‌رودان [بین‌النهرین] جریان آب دجله- فرات عراق و اروندرود ایران ۳۰ تا ۴۰ درصد کاهش یابد و کمبود منطقه بدتر شود. این کمبود بحران‌هایی مانند توفانهای گرد و غبار را در دهه آینده تشدید خواهد کرد.»

بر اساس اعلام این زمین‌شناس، بیش از ۹۰ درصد آب ایران برای کشاورزی مصرف می‌شود که اغلب به صورت ناکارآمد مانند روش‌های قدیمی آبیاری، سدهای برق آبی و برداشت بیش از حد آب زیرزمینی کمبود را بدتر کرده و باعث فرونشست زمین و کاهش سفره‌های زیرزمینی شده است.

مهدی زارع همچنین تأکید کرده که «پیش‌بینی می‌شود کسری انرژی در سال ۱۴۰۴ به حدود ۲۵ گیگاوات برسد.»

او افزوده «این موارد نشان می‌دهد که تغییرات راهبردی در سطح کلان ملی و همچنین تدابیر منطقه‌ای برای جلوگیری از فروپاشی اجتماعی- اکولوژیکی بلندمدت ضروری است.»

به گفته احد وظیفه، یکی از بحران‌هایی که امسال در پی خشکسالی ایجاد شده تأمین آب آشامیدنی پایتخت است. موضوعی که از سوی مقامات استان تهران نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

وی گفته «در پایتخت شرایط به گونه‌ای است که حتی با وجود بارندگی نرمال، این کلانشهر در مرز بحران آبی قرار می‌گیرد، چه برسد به اینکه بارندگی کمتر از نرمال باشد. این وضعیت در شرایطی بر استان تهران حاکم است که بر اساس داده‌های سازمان هواشناسی، تهران در سال آبی جاری نسبت به میانگین بلندمدت بیش از ۴۰ درصد کم‌بارشی دارد. یکی از معضلات تهران تأمین بخش اصلی آب آشامیدنی از زیر زمین است. حدود ۴۰ متر مکعب مصرف هر ثانیه آب تهران است. ۲۴ مترمکعب از این مقدار از منابع آب زیرزمینی به دست می‌آید.»

او این رقم را «ناخوشایند» خوانده و گفته «با کاهش بارش، محدودیت بیشتری برای خروج آب از سدها اعمال می‌شود این در حالیست که آب دشت‌ها از چشمه‌های ارتفاعات و بالادست تأمین می‌شود که در رودخانه‌ها جاری می‌شود و به سمت سدها می‌آید.»

احد وظیفه گفته «دلایل فرونشست در دشت‌های جنوب تهران رها نشدن آب به سمت این دشت‌ها، کاهش بارش، برداشت‌های بی‌رویه با حفر چاه است. به تدریج فرونشست به داخل شهر نفوذ می‌کند، همانگونه که فرونشست از جنوب اصفهان به داخل این شهر وارد شده است البته با توجه به اینکه تهران یک شهر کوهپایه‌ای محسوب می‌شود، احتمال دارد ورود فرونشست به داخل آن زمانبر باشد. هرچند که بر اساس تصاویر منتشر شده، جنوب استان تهران از تالاب صالحیه تا تهران خط عمیق و طولانی فرونشست که کیلومترها ادامه دارد، دیده می‌شود.»

رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران خشکسالی سازمان هواشناسی از برداشت بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی و نتایج فاجعه‌بار آن نیز گفته است: «کشور را با

● احد وظیفه رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران خشکسالی سازمان هواشناسی با اشاره به ناکارآمدی در مدیریت آبی گفته «کشور را با حفر چاه‌های متعدد غیرمجاز و اضافه برداشت چاه مجاز تبدیل به آبکش کرده‌ایم.»

● مهدی زارع زمین‌شناس و استاد پژوهشکده زلزله‌شناسی در یادداشتی هشدار داده که خشکسالی، بی‌برقی، نابودی کشاورزی و تهدید امنیت غذایی تا سال ۱۴۱۴ در کمین ایران خواهد بود.

● اگرچه مقامات دولتی تلاش دارند بحران عمیق خشکسالی در ایران را نتیجه تغییرات اقلیمی بدانند اما بسیاری از کارشناسان معتقدند که سوء مدیریت و اقدامات ناکارآمد و مغرب روند گسترش خشکسالی در ایران را سرعت بخشیده است.

● با وجود رسیدن بحران به مرحله‌ای که حتی تأمین آب آشامیدنی نیز در برخی شهرها با مشکلات جدی روبرو شده، اما اقدامات تباہ گذشته همچنان ادامه دارند. یکی از این اقدامات در شیوه الگوی کشت و هدایت کشاورزان به سمت تولید محصولات است که به آب زیاد نیاز دارند.

رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران خشکسالی سازمان هواشناسی با اشاره به ناکارآمدی در مدیریت آبی گفته «کشور را با حفر چاه‌های متعدد غیرمجاز و اضافه برداشت چاه مجاز تبدیل به آبکش کرده‌ایم.»

احد وظیفه رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران خشکسالی سازمان هواشناسی در گفتگو با خبرگزاری «ایستا» با تأکید بر اینکه «ناترازی شدیدی در منابع آبی وجود دارد» گفته «میزان مصرف از منابع آبی، چه سطحی و چه زیرزمینی، بسیار فراتر از ظرفیت طبیعت است. بخش عمده این مصرف به کشاورزی کم‌بازده اختصاص یافته و نتیجه آن خشک‌شدن تالاب‌ها، رودخانه‌ها، افت شدید سطح آب‌های زیرزمینی و پدیده‌هایی مانند فرونشست زمین و افزایش گرد و غبار است.»

نمونه اقتصاد رانتي جمهوری اسلامی؛ واردات مرغ های مادر که خروس از آب درآمدند!



می کنند و حتی ممکن است با بیماری هایی نیز روبرو شوند. به بیان دیگر تا حدود ۳۵ روز، نژاد آرین عملکرد بهتری دارد، اما در ۱۰ روز بعدی از رقیبان خود جا می ماند. به همین دلیل بعد از ۴۵ روز پرورش، وزن مرغ های خارجی تا بیش از ۲ کیلوگرم نیز می شود، اما مرغ های آرین نمی توانند به این وزن برسند و به دلیل صرفه اقتصادی بالا مرغداران تمایل دارند از نژادهای خارجی برای پرورش استفاده کنند. این در حالیست که تنها مشکل صنعت مرغ و طیور ایران پرورش اجباری نژاد آرین با توهم «خودکفایی» نیست و مسئله اصلی فعالان این صنعت رانت گسترده در این بازار است. مهدی فریدونیان در اینباره گفته «خری از شرکت هایی که اقدام به واردات جوجه مرغ مادر خارجی کرده اند و نیمی از تولید آنها خروس از آب درآمد، نیست. این در حالی است که ارزش ترجیحی که باید برای تأمین داروهای بیماران خاص هزینه می شد، به خوراک جوجه هایی اختصاص یافت که جز اتلاف منابع، هیچ عایدی برای کشور نداشتند.»

دبیر «انجمن مرغ مادر» همچنین با اشاره به سکوت برخی مسئولان درباره رانت گسترده در صنعت مرغداری ایران گفته «هیچکس درباره واکنش های آلوده پاسخگو نیست. اعتماد عمومی نسبت به کیفیت جوجه ها هم مورد پرسش قرار نمی گیرد، زیرا به نظر می رسد «پرسشگری» در کشور ما به مرخصی اجباری رفته است.»

این فعال صنعت مرغداری با بیان اینکه «در کشوری که دولت هم مرغدار است، هم واردکننده و هم فروشنده نهاده، عجیب نیست که حتی مرغ هم سیاسی شود» گفته «وقتی پرسشی مطرح می شود که با منافع برخی همسو نیست، بلافاصله برچسب سیاسی به آن زده می شود.»

دبیر «انجمن مرغ مادر» در ادامه با انتقادهای تند در مورد جمهوری اسلامی و ساختار مافیایی آن گفته «ما نسلی هستیم که در سخت ترین شرایط، از دوران جنگ و بازسازی عبور کرده ایم. امروز چیزی برای از دست دادن نداریم و تهدید به ناامنی یا تحریم دیگر بر ما اثرگذار نیست.»

● شرکت های متصل به «خودی» ها در حکومت با استفاده از «رانت» ارز دولتی دریافت کردند که مرغ مادر وارد کنند اما جوجه های وارداتی خروس از آب درآمدند!

● دبیر «انجمن مرغ مادر» با اشاره به سکوت برخی مسئولان درباره رانت گسترده در صنعت مرغداری ایران گفته «هیچکس درباره واکنش های آلوده پاسخگو نیست.»

● دبیر «انجمن مرغ مادر» می گوید: «در کشوری که دولت هم مرغدار است، هم واردکننده و هم فروشنده نهاده، عجیب نیست که حتی مرغ هم سیاسی شود! وی می افزاید: «وقتی پرسشی مطرح می شود که با منافع برخی همسو نیست، بلافاصله برچسب سیاسی به آن زده می شود.»

شرکت های متصل به «خودی» ها در حکومت با استفاده از «رانت» ارز دولتی دریافت کردند که مرغ مادر وارد کنند اما جوجه های وارداتی خروس از آب درآمدند.

در شرایطی که جریانات نزدیک به دولت از لزوم جذب سرمایه گذاری در صورت توافق جمهوری اسلامی با دولت دونالد ترامپ تبلیغ می کنند و علی خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی شعار امسال را «سرمایه گذاری برای تولید» اعلام کرده، رانت و گروه های مافیایی چنان در ساختار اقتصادی جمهوری لانه کرده که هر سرمایه گذار مستقلى را از اقتصاد ایران فراری می دهد.

در یکی از نمونه های مربوط به نتیجه ای اقتصاد رانتي و مافیایی، شرکت های متصل به «خودی» ها در حکومت با استفاده از «رانت» ارز دولتی دریافت کردند که مرغ مادر وارد کنند اما جوجه های وارداتی خروس از آب درآمدند.

مهدی فریدونیان دبیر «انجمن مرغ مادر» در یک افشاگری بی سابقه از سایه مافیایا بر صنعت مرغ و تخم مرغ کشور پرده برداشته و گفته «شرکت هایی خاص در حالی با ارزش ترجیحی اقدام به واردات جوجه مرغ مادر گوشتی خارجی کرده اند که نیمی از تولید آنها خروس از آب درآمد است.»

مهدی فریدونیان این سخنان را در دهمین «همایش مرغ مادر گوشتی ایران» مطرح کرد و با انتقاد شدید از سیاست گذاری در صنعت طیور کشور گفت که «سویه [نژاد] آرین با وجود تبلیغات گسترده ای که پیرامون آن صورت گرفته، به هیچ وجه قابل دفاع نیست و به نظر می رسد ادامه حمایت از این سویه نه تنها سودی برای صنعت طیور به همراه ندارد، بلکه ممکن است این صنعت را با بحران های جدیدی روبرو کند.»

او با اشاره به اینکه «هیچکس نمی پرسد ساز و کار صدور مجوزهای فروش جوجه آرین در فضای مجازی چیست» افزوده «ما بارها درباره مشکلات این سویه هشدار داده ایم، اما این هشدارها شنیده نمی شوند. برخی با نادیده گرفتن واقعیت ها، تنها در پی زیبا جلوه دادن وضعیت هستند، در حالی که آنچه در بطن صنعت رخ می دهد، چیز دیگری است.»

آنچه درباره مرغ آرین از سوی مهدی فریدونیان مورد اشاره قرار گرفته، پیشتر نیز بارها از سوی فعالان صنعت مرغ مطرح شده بود. بر اساس گزارش ها دوره پرورش جوجه های خارجی با اصلاح ژنتیک به ۴۵ روز رسیده که در این دوره، وزن بالایی پیدا می کنند. جوجه های یکروزه نژاد آرین در ۳۵ روز نخست عمر خود، رشدی سریع تر و بیشتر از نژادهای خارجی دارند، اما بعد از آن میزان خوراک بیشتری را نسبت به سایر نژادها نیاز دارند و در مقابل حجم پیدا

اگرچه مقامات دولتی تلاش دارند بحران عمیق خشکسالی در ایران را نتیجه تغییرات اقلیمی بدانند اما بسیاری از کارشناسان مانند احد وظیفه معتقدند که سوء مدیریت و اقدامات ناکارآمد و مخرب روند گسترش خشکسالی در ایران را سرعت بخشیده است.

در همین رابطه روزنامه «پیام ما» در مطلبی نوشته: «در گذشته تصور نمی شد تأمین آب شرب شهرها با چالشی عمیق روبرو شود، اما اکنون ضعف در حکمرانی آب به پدیده ای نگران کننده تبدیل شده و پیامدهای آن به حدی رسیده است که در سطح بین المللی از آن به عنوان نمونه ای قابل بررسی و الگویی هشداردهنده یاد می شود.»

این مطلب افزوده «در چنین وضعیتی، به کارگیری واژه نادرست «ناترازی» در محافل تصمیم گیری رایج شده است؛ واژه ای که استفاده بی ملاحظه از آن توسط مدیران و مقامات رسمی، نشانه غفلت از مسئولیت پذیری در بیان مسائل است. اصطلاح «ناترازی آب» این تصور نادرست را القا می کند که کمبود آب واقعیت ندارد و تنها باید الگوی استفاده متعادل شود؛ در حالیکه هم از منظر کمی و هم از منظر کیفی، منابع آبی کشور در وضعیتی بحرانی قرار دارند.»

«پیام ما» تأکید کرده که «اقدامات وزارت نیرو در انتقال آب از یک حوضه به حوضه ای دیگر بدون برنامه ریزی اصولی، و سیاست های غیرکارشناسانه وزارت جهادکشاورزی در مصرف آب، که آن را با هدف درآمد اندک صادراتی مصرف می کند، جلوه های آشکار سوء مدیریت اند. چنین رویه هایی مصداق های اصلی «ناترازی» هستند و شایسته است واژه ناترازی برای توصیف مدیریت کشور به کار رود، نه صرفاً منابع آب! آیا بهتر نیست پیش از آنکه این ناترازی در ساختار حکمرانی ریشه بدواند، آن را در سطح تفکر مدیریتی اصلاح کنیم؟»

به نظر می رسد پاسخ پرسشی که «پیام ما» مطرح کرده منفی است و با وجود رسیدن بحران به مرحله ای که حتی تأمین آب آشامیدنی نیز در برخی شهرها با مشکلات جدی روبرو شده، اما اقدامات تباه گذشته همچنان ادامه دارند. یکی از این اقدامات در شیوه الگوی کشت و هدایت کشاورزان به سمت تولید محصولاتی است که به آب زیاد نیاز دارند.

این موضوع حتی از سوی خبرگزاری دولتی «ایرنا» نیز مورد انتقاد قرار گرفته است. «ایرنا» در گزارشی نوشته با وجود سال ها هشدار کارشناسان و ابلاغ الگوی کشت از سوی وزارت جهادکشاورزی همچنان شاهد توسعه کشت برنج در استان های غیرشمالی کشور هستیم، روندی که نه تنها با محدودیت منابع آبی کشور همخوانی ندارد، بلکه تهدیدی برای پایداری کشاورزی در اقلیم خشک و نیمه خشک ایران تلقی می شود.

این گزارش تأکید کرده «به گفته برخی مسئولان امر الگوی کشت نظامی تشویقی و هدایتگر است که بر اساس پارامترهای اقتصادی و کشت تقاضا عمل می کند. بر این اساس سیاست گذاران حوزه کشاورزی با تدوین الگوی کشت و ابلاغ آن به استان ها تلاش کردند با استفاده از مشوق ها کشاورزان را به سمت کشت های کم مصرف و سازگار با اقلیم سوق دهند. اما برخلاف هدف گذاری وزارت جهادکشاورزی، آمارهای وزارت نیرو طی سال های اخیر بیانگر آن است که با وجود کاهش محسوس میانگین بارندگی ها در مناطق مختلف کشور، سطح زیرکشت برنج در برخی استان ها همچون فارس، اصفهان، خوزستان، کرمان و حتی سیستان و بلوچستان نه تنها کاهش نیافت، بلکه در برخی مقاطع رشد نیز داشته است.»

سال سخت حقوق‌بگیران؛ احتمال محو کامل طبقه متوسط!



بیکاری گسترده‌ای است که در سطح استان به‌ویژه در روستاها و حاشیه‌های شهرها وجود دارد که جمعیت مهاجر ساکن در آنجا بیشتر بیکارند و به همین دلیل بیمار می‌شوند و چیزی برای تأمین تغذیه خانواده باقی نمی‌ماند.

بحران خانوارها فقط تأمین هزینه مواد خوراکی نیست و مشکل اصلی برای خانوارهای مستأجر تأمین هزینه اجاره‌بها است. با آغاز فصل جابجایی مستأجران گزارش‌ها از موج تازه افزایش قیمت‌ها در بازار اجاره‌بها حکایت دارند.

ارزش واقعی درآمد حقوق‌بگیران نیز نسبت به سال گذشته کاهش پیدا کرده و در نتیجه اکثر مستأجران حتی توان پرداخت اجاره‌های پیشین را ندارند و ناچار به جابجایی و اجاره خانه‌هایی ارزان‌تر هستند.

منصور غیبی کارشناس بازار مسکن درباره اثر اخبار مذاکرات بر این بازار گفته «رفتار مسکن در یک سال و نیم گذشته ثابت کرده است که با افزایش یا التهابات بازارهای موازی، قیمت‌ها افزایش پیدا نخواهد کرد. زمانی که دلار به بیش از ۱۰۰ هزار تومان هم رسید، بازار مسکن بی‌توجه به افزایش نرخ ارز، عمل کرد.»

این کارشناس بازار مسکن گفته معتقد است که با کاهشی شدن قیمت ارز، طلا و سکه، بازار مسکن یک کاهش آبی و ملموس نخواهد داشت.

او افزوده «بازار اجاره هر سال تابع قیمت مسکن، میزان تورم و انتظارات تورمی بوده است. درست است که دولت تأکید می‌کند که افزایش اجاره باید ۲۵ درصد باشد ولی واقعیت ملموس چیزی غیر از این است، چراکه اقتصاد کلان ما به مشکل خورده و مردم اجاره مسکن را به عنوان یک درآمد برای اینکه روزمرگی و هزینه‌های جاری‌شان را به تعادل برسانند، نگاه می‌کنند.»

منصور غیبی افزوده «در نتیجه این التهابات بازار مسکن زمانی فروکش خواهد کرد که مردم جامعه به لحاظ

افزایش قیمت مواد غذایی سبب حذف بسیاری از اقلام خوراکی از سبد مصرفی خانوارهای کم‌درآمد شده و آمار سوء تغذیه را هم افزایش داده است.

روزنامه «هم‌میهن» در گزارشی میدانی به کاهش فروش انواع مواد غذایی به علت کاهش قدرت خرید خانوارها اشاره کرده و به نقل از یک فروشنده تره‌بار در محله مشیریه تهران نوشته «فروش ما امسال نصف شده، اگر سال گذشته ۹۰۰ مشتری داشتیم الان ۴۰۰ نفرند.»

یک فروشنده لبنیات در این منطقه هم گفته «فروش همه محصولات لبنی به نسبت سال گذشته ۱۰ تا ۱۵ درصد کمتر شده است. زمانی بود که ما ۴۰ سبد شیر می‌فروختیم الان این عدد به ۵ سبد رسیده، قبل‌تر یک جعبه شیر در یک هفته فروش می‌رفت و حالا در یک‌ماه.»

مغازه‌داران و فروشندگان تره‌بار محله بهجت‌آباد تهران هم از کاهش ۵۰ درصدی فروش در سال جدید خبر می‌دهند.

«هم‌میهن» نوشته توان خرید محصولات پروتئینی هم این روزها کم شده؛ مغازه‌داران محصولات پروتئینی در محله نظام‌آباد تهران از فروشی می‌گویند که این روزها نصف شده است: «با اینکه گوشت گران‌تر نشده اما مردم نسبت به پارسال قدرت خرید کمتری برای آن دارند. بیشتر مردم مرغ می‌خرند، آن هم ران مرغ که ارزان‌تر است.»

در این میان جمعیت افراد به ویژه کودکان دچار سوء تغذیه در ایران نیز رو به افزایش است. این آمار در استان‌هایی مانند سیستان و بلوچستان با هشدار کارشناسان روبروست. محمدتقی طباطبایی متخصص نفرولوژی کودکان و استاد دانشگاه علوم پزشکی به «هم‌میهن» گفته «در بازه سنی زیر پنج سال، ۱۰۰ هزار کودک دچار سوء تغذیه در سیستان و بلوچستان وجود دارد که زنان باردار و شیرده و سالمندان را هم باید به این جمعیت اضافه کرد.» این متخصص افزوده «یکی از دلائل سوء تغذیه بحث

● یک فروشنده تره‌بار در محله مشیریه تهران: فروش ما امسال نصف شده، اگر سال گذشته ۹۰۰ مشتری داشتیم الان ۴۰۰ نفرند.

● مغازه‌داران محصولات پروتئینی در محله نظام‌آباد تهران از فروشی می‌گویند که این روزها نصف شده است: «با اینکه گوشت گران‌تر نشده اما مردم نسبت به پارسال قدرت خرید کمتری برای آن دارند.»

● بحران خانوارها فقط تأمین هزینه مواد خوراکی نیست و مشکل اصلی برای خانوارهای مستأجر تأمین هزینه اجاره‌بها است. با آغاز فصل جابجایی مستأجران گزارش‌ها از موج تازه افزایش قیمت‌ها در بازار اجاره‌بها حکایت دارند.

● اجاره اتاق یا کانکس به عنوان سرپناهی موقت یا گاه دائمی برای مستأجران کم‌درآمد، به امری عادی در بازار اجاره مسکن تبدیل شده است!

● به نظر می‌رسد امسال با توجه به تورم، به ویژه در دو بازار مواد خوراکی و مسکن، طبقه متوسط محو شود و جمعیت ایران به دو بخش اکثریت زیر خط فقر و اقلیت ثروتمند و پردرآمد تبدیل شود!

افزایش قیمت‌ها در بازارهای مواد خوراکی و اجاره‌بهای مسکن و نبود برنامه‌های مؤثر حمایتی از اقشار حقوق‌بگیر سبب هشدار کارشناسان درباره محو کامل طبقه متوسط در سال جدید خورشیدی شده است.

قیمت مواد خوراکی پرمصرف و ضروری در سال جدید نیز روند افزایشی خود را ادامه داده است. تولیدکنندگان و فعالان صنف مواد غذایی معتقدند محدودیت‌ها در تولید از جمله بحران کمبود انرژی، در کنار اثرات افزایش قیمت ارز بر افزایش هزینه تولید سبب تداوم افزایش قیمت‌ها در بازار مواد غذایی خواهد بود.

بابک زنجانی وارد «صنعت ریلی» شد؛ قرارداد ۶۱ هزار میلیارد تومانی یک ابرمفسد با «دولت وفاق»!



بابک زنجانی

پس از برگزاری این مراسم مشخص شد آوان ریل به عنوان یکی از شرکت‌های وابسته به مجموعه اقتصادی «دات‌وان» متعلق به بابک زنجانی است. زنجانی در سال ۱۳۹۲ به اتهام فساد گسترده نفتی بازداشت و بعدها به اعدام محکوم شد اما حکم اعدام او در اردیبهشت ۱۴۰۳ با موافقت رهبر جمهوری اسلامی به ۲۰ سال حبس کاهش یافت. این تصمیم پس از بازگرداندن حدود ۲/۱ میلیارد دلار از دارایی‌های حاصل از فروش غیرقانونی نفت توسط زنجانی اتخاذ شد. سخنگوی قوه قضائیه اعلام کرد که این تخفیف مجازات با تأیید رئیس قوه قضائیه و خامنه‌ای صورت گرفته است.

انتشار دوباره فعالیت‌های اقتصادی با برند «دات‌وان» در حوزه ریلی، هوایی، بانکی و تجاری، این موضوع را تقویت کرده که زنجانی عملاً به عرصه اقتصاد بازگشته است؛ هرچند قوه قضائیه آزادی او را تکذیب و او را «تحت نظر» معرفی کرده است.

در واکنش به این موضوع، محمد مهاجری فعال سیاسی اصولگرا خطاب به وزیر راه و شهرسازی جمهوری اسلامی در کانال تلگرام خود نوشت: «ایام سرمایه‌گذاری ابرمفسدان اقتصادی و همکاری شان با وزارت محترمه راه و شهرسازی، مستدام!»

امیر مقدم روزنامه‌نگار و مدیر روابط عمومی و رابط پارلمانی معاونت اجرایی حسن روحانی نیز در واکنش به امضاء قرارداد میان وزارت راه و شهرسازی با یک شرکت متعلق به بابک زنجانی یادآوری کرده است که مسعود پزشکیان قبل از ریاست‌اش بر دولت چهاردهم می‌گفت: «آنانکه نفت را در اختیار بابک زنجانی قرار دادند هم مقررند» و «دست‌های پشت پرده بابک زنجانی مشخص شوند» حالا وزیر راه دولت خودش، با زنجانی قرارداد ۶۱ هزار میلیارد تومانی امضا کرد و در صدد است با مهدی جهانگیری هم قرارداد ۲ میلیارد دلاری از صندوق ذخیره ارزی ببندد.

برخی کاربران نیز در «ایکس» نوشته‌اند دونالد ترامپ در حال مذاکره با نمایندگان حکومتی است که ذات مقامات و مدیران آن فساد و نیرنگ و تبهکاری و دزدی و دزدپروزی است.

● بابک زنجانی دلال سرشناس نفتی که به جرم اخلاف در نظام اقتصادی حتا حکم اعدام وی صادر شده بود ولی با چراغ سبز علی خامنه‌ای نجات پیدا کرد، در حالی که مشخص نیست در زندان بسر می‌برد یا آزاد است، بار دیگر به عرصه اقتصاد بازگشته است!

● بر اساس گزارش ایلنا، شرکت راه‌آهن جمهوری اسلامی برای خرید و تولید ۳۰۰ دستگاه خودکشش مسافری دیزلی، ۵۰ لوکوموتیو باری و ۶۰۰ دستگاه واگن باری مخزن‌دار یک قرارداد ۶۱ هزار میلیارد تومانی با هلدینگ «دات‌وان» متعلق به زنجانی امضاء کرده است.

● در واکنش به این موضوع، محمد مهاجری فعال سیاسی اصولگرا خطاب به وزیر راه و شهرسازی جمهوری اسلامی در کانال تلگرام خود نوشت: «ایام سرمایه‌گذاری ابرمفسدان اقتصادی و همکاری شان با وزارت محترمه راه و شهرسازی، مستدام!»

بابک زنجانی دلال سرشناس نفتی که به جرم اخلاف در نظام اقتصادی حتا حکم اعدام وی صادر شده بود ولی با چراغ سبز علی خامنه‌ای نجات پیدا کرد، در حالی که مشخص نیست در زندان بسر می‌برد یا آزاد است بار دیگر به عرصه اقتصاد بازگشته است.

در تهران روز یکشنبه ۳۱ فروردین، مراسم امضای دو تفاهمنامه سرمایه‌گذاری در صنعت ریلی به ارزش ۷۵۰ میلیون دلار با حضور فرزانه صادق وزیر راه و شهرسازی جمهوری اسلامی، مدیرعامل راه‌آهن و فعالان بخش خصوصی برگزار شد.

بر پایه این قراردادها، شرکت قطارهای «آوان ریل وابسته» به گروه «دات‌وان» با ۷۱۳ میلیون دلار و شرکت کشت و صنعت پارس افق هشتگرد با ۳۷ میلیون دلار در تأمین واگن و لوکوموتیو مشارکت می‌کنند.

بر اساس گزارش ایلنا، قرارداد شرکت راه‌آهن جمهوری اسلامی با هلدینگ «دات‌وان» حدود ۶۱ هزار میلیارد تومان است که گفته می‌شود صرف خرید و تولید ۳۰۰ دستگاه خودکشش مسافری دیزلی، ۵۰ لوکوموتیو باری و ۶۰۰ دستگاه واگن باری مخزن‌دار می‌شود.

→ اقتصادی در تعادل باشند و نگاه سرمایه‌ای به بازار اجاره مسکن از بین برود یا کاهش پیدا کند. درحال حاضر اجاره مسکن تبدیل به منبع درآمد برای برخی از خانواده‌ها شده است؛ بنابراین مستأجران شدیداً تحت فشار هستند و الان هم قرار است تسهیلاتی به مستأجران ارائه دهند که امیدوارم باعث تورم و اینکه مالکان قیمت را روی این حساب بالا ببرند، نشود. پیش‌بینی‌ام این است که مستأجرین امسال هم مانند سال‌های گذشته سال سختی را پیش رو داشته باشند.

این کارشناس همچنین گفته با مذاکره و توافق هم نمی‌توان امید داشت بحران افزایش قیمت در بازار مسکن به سرعت حل شود: «زمانی که بحث توافق و مذاکرات پیش می‌آید باید این واقعیت را بپذیریم که در بدنه و شاخص‌های اقتصاد ما تأثیر آبی نخواهد گذاشت بلکه زمان خواهد برد. در حوزه مسکن هم شاید زمان طولانی‌تر صرف شود تا تأثیر مثبت توافق را ببینیم.»

وبسایت «گسترش نیوز» نیز در گزارشی با عنوان «سال جهنمی طبقه متوسط ایران آغاز شد» از افزایش اجتناب‌ناپذیر قیمت مسکن در سال جدید خبر داده و نوشته در شرایطی که ضعف‌های مدیریتی و بحران‌های اقتصادی در سطوح مختلف کشور دیده می‌شود، پیش‌بینی‌ها حکایت از آن دارد که این مشکلات می‌تواند قیمت مسکن را به شدت تحت تأثیر قرار داده و شرایط را برای خرید خانه حتی برای اقشار متوسط و کم‌درآمد سخت‌تر سازد.

این گزارش افزوده کارشناسان حوزه مسکن در خصوص رشد قیمت خانه در ماه‌های آتی، دلایل متعددی را مطرح می‌کنند که ناترازی انرژی و قطعی برق در هفته‌های آینده را یک عامل بسیار موثر می‌دانند. قطع برق و مشکلات مربوط به تأمین انرژی در کشور تأثیر مستقیمی بر روند تولید و قیمت تمام‌شده مسکن دارد. کارخانجات سیمان و سایر نهاده‌های ساختمانی که برای تولید مصالح ضروری در ساخت‌وساز مورد استفاده قرار می‌گیرند، به شدت تحت تأثیر نوسانات انرژی هستند.

وبسایت «تجارت نیوز» نیز در گزارشی از اجبار مستأجران به اجاره اتاق به جای یک واحد مستقل آپارتمانی به علت افزایش قیمت‌ها خبر داده است.

در این گزارش آمده هزینه اجاره خانه در سال‌های اخیر به قدری بالا رفته که حالا نه تنها به یکی از دغدغه‌های اصلی مستأجران تبدیل شده، بلکه پدیده‌ای جدید و تلخ را هم به وجود آورده است؛ اجاره اتاق یا کانکس به عنوان سرنهانی موقت یا گاه دائمی برای مستأجران کم‌درآمد، که حالا به امری عادی در بازار اجاره مسکن تبدیل شده است!

«تجارت نیوز» افزوده در یکی از محله‌های تهران، شخصی اقدام به عرضه یک اتاق ۹ متری اجاره‌ای کرده است که نه تنها برای خانواده‌ها، بلکه برای افراد مجرد نیز نامناسب به نظر می‌رسد. با این حال، نکته دردناک‌تر آن است که برخی از افراد حتی به اجاره دادن کانکس‌ها روی آورده‌اند. این کانکس‌ها به عنوان راهی برای تأمین سرنهانی موقت به ویژه برای دانشجویان و کارگران معرفی شده‌اند و از سمت دیگر برای صاحبان این کانکس‌ها هم درآمدزاست.

در سال‌های گذشته کاهش قدرت خرید و به زیر خط فقر رانده شدن اقشار مختلف حقوق‌بگیر سبب کوچک شدن قشر متوسط در ایران شده بود اما به نظر می‌رسد امسال با توجه به تورم، به ویژه در دو بازار مواد خوراکی و مسکن، طبقه متوسط محو شود و جمعیت ایران به دو بخش اکثریت زیر خط فقر و اقلیت ثروتمند و پردرآمد تبدیل شود!

موج جدید اعتراضات صنفی به بحران‌های اقتصادی و دستمزدهای ناچیز



مزایا مزدی روبرو هستند.

برای نمونه کارگران کارخانه فولاد البرز غرب ابهر اعلام کرده‌اند که «از اسفند ماه مطالبات مزدی حدود ۵۰۰ کارگر شاغل در این کارخانه پرداخت نشده و روز به روز بر میزان بدهی‌های کارگران فولاد البرز غرب افزوده می‌شود. در عین حال راه‌حل مناسبی از سوی مدیران کارخانه و مسئولان شهرستانی ارائه نمی‌شود.»

از سوی دیگر اعلام شده کارگران کارخانه فولاد سیادن ابهر دو ماه حقوق معوق طلب دارند. به گفته کارگران این کارخانه «بخش دیگری از مشکلات جدا از نداشتن فیش حقوقی و محاسبه نشدن حق بیمه مزایای اضافه کاری‌ها و تعطیل کاری‌ها، این است که وضعیت بهداشت در حمام، دستشویی، رختکن و حتی سرویس‌های غذاخوری در این واحد تولیدی همچنان نامناسب است و مسئولان کارخانه باید این مشکلات را رفع کنند.»

کارگران افزودند «از حدود دو سال پیش کارفرما به کارگران این کارخانه لباس، کفش و دستکش ایمنی ارائه نمی‌کرد و کارگران یا از جیب هزینه می‌کردند یا با همان لباس‌های قدیمی سر کار خود حاضر می‌شدند. گویا پیگیری رسانه‌ای چند روز گذشته جواب داد و کارفرما بعد از گذشت دو سال به کارگران کفش و لباس کار ایمنی ارائه داد.»

موج جدید اعتراضات و تجمعات صنفی در ابتدای سال در حالیست که آمارهای نهادهای دولتی ادامه داشت روند افزایشی تورم و سقوط قدرت خرید اقشار حقوق‌بگیر از جمله کارگران را تأیید می‌کند. ادامه تورم در هر ماه به این معناست که کارگران نیز به همان نسبت قدرت خرید خود را از دست داده و میزان کالاهایی که با دستمزدهایشان می‌توانند خریداری کنند کاهش پیدا می‌کند.

بسیاری از فعالان کارگری خواستار دو نوبت افزایش دستمزد در طول سال هستند اما به نظر نمی‌رسد دولت با چنین اقدامی موافق باشد. از سوی دیگر اگر دستمزدها طی سال جاری افزایش پیدا نکند، اعتراضات فعالان کارگری افزایش خواهد یافت و ممکن است این اعتراضات و تجمعات به اعتراضاتی سراسری تبدیل شود.

همزمان شماری از بازنشستگان صنایع فولاد در مقابل ساختمان‌های صندوق بازنشستگی صنایع فولاد در اصفهان، کرمان و شاهرود دست به تجمعات اعتراضی زدند. این بازنشستگان همچنین در اصفهان اقدام به راهپیمایی کردند. اجرای همسان‌سازی واقعی تا تعیین سبد معیشت (طرح اصلاحی ۱۷ مهر ماه ۱۴۰۲)، برداشتن سقف حقوق، اعطای افزایشات ۶۵ درصد سال‌های ۹۹ و ۱۴۰۰، عیدی حداقل دو برابر حقوق و درمان رایگان، از جمله مطالبات این بازنشستگان است.

همزمان در روز یکشنبه جمعی از بازنشستگان تأمین اجتماعی در شهرهای اهواز، شوش، تهران و رشت اقدام به برگزاری تجمعات اعتراضی و راهپیمایی کردند. بر اساس این گزارش، بازنشستگان تأمین اجتماعی خواستار ترمیم مستمری‌ها و ارائه خدمات درمانی مطلوب هستند. این افراد همچنین نسبت به تبعیض، گرانی، تورم و دریافتی زیر خط فقر اعتراض دارند.

روز یکشنبه همچنین ده‌ها تن از کارکنان شرکت بهره‌برداری متروی تهران، در مقابل شهرداری این شهر دست به تجمع زدند. معترضان نسبت به عدم تحقق مطالبات خود اعتراض دارند و با سر دادن شعارهای اعتراضی همچون «سفره ما خالیه، وعده وعید کافیه» خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند.

برخی از تجمعات در سال جدید نیز به بحران کمبود برق و آب بر می‌گردد. از جمله روز سه‌شنبه دوم اردیبهشت ۱۴۰۴، شماری از اهالی روستای ناصری در شهرستان خاش مقابل اداره آب و فاضلاب این شهر تجمع کردند. معترضان نسبت به ۱۲ سال بی‌آبی و بی‌توجهی مسئولان به وعده‌های مکرر آبرسانی اعتراض داشتند.

بر اساس گزارش‌ها اهالی می‌گویند بارها بین مسئولان مختلف پاسکاری شده‌اند، اما هیچ اقدام عملی انجام نگرفته است و امسال تنش آبی در مناطق مختلف سیستان و بلوچستان به بحرانی جدی تبدیل شده است. گزارش‌های منابع کارگری نیز حکایت از آن دارد که بسیاری از کارگران در ابتدای سال با عقب‌افتادگی حقوق و

بازنشستگان کشوری، تأمین اجتماعی، مخابرات و دیگر صندوق‌های بازنشستگی در اقدامی هماهنگ و در اعتراض به شرایط معیشتی خود امروز سه‌شنبه دوم اردیبهشت ۱۴۰۴ مقابل صندوق بازنشستگی کرمانشاه تجمع کردند.

روز یکشنبه ۳۱ فروردین ۱۴۰۴ گروهی از کارکنان شرکت نفت و گاز گچساران در محوطه دفتر مرکزی این شرکت، تجمع اعتراضی برگزار کردند.

در روزهای گذشته تعداد تجمعات اعتراضی اقشار و اصناف مختلف در ایران با افزایش قابل توجهی روبرو بوده است. درآمد‌های ناچیز، حقوق معوقه و اجرا نشدن قوانین و مصوباتی که سبب افزایش دستمزدها می‌شود از مهمترین دلایل تجمعات اعتراضی در شهرهای مختلف است.

بازنشستگان کشوری، تأمین اجتماعی، مخابرات و دیگر صندوق‌های بازنشستگی در اقدامی هماهنگ و در اعتراض به شرایط معیشتی خود امروز سه‌شنبه دوم اردیبهشت ۱۴۰۴ مقابل صندوق بازنشستگی کرمانشاه تجمع کردند. همزمان در شهر تبریز نیز کارمندان سازمان بهزیستی تجمع اعتراضی برگزار کردند. این کارمندان به علت پایین بودن حقوق و مزایا، و همچنین حجم بالای مسئولیت‌ها و فشار کاری مقابل سازمان بهزیستی استان آذربایجان شرقی تجمع کردند.

همچنین روز دوشنبه اول اردیبهشت جمعی از کارگران شرکت نفت فلات قاره در منطقه عملیاتی لاوان، با برگزاری تجمع اعتراضی در محل کار خود خواستار رسیدگی به مطالباتشان شدند.

در همین روز، کارگران پیمانکاری پالایشگاه دوازدهم مجتمع گاز پارس جنوبی برای چهارمین روز متوالی، در محوطه این پالایشگاه دست به اعتصاب زدند. به گفته این کارگران معترض با گذشت بیش از یک ماه از آغاز سال جدید و پایان قرارداد شرکت پیمانکاری پرادکو، مبلغ اضافه کاری و ایام مرخصی‌های استفاده نشده در سال گذشته آنها که‌ماکان پرداخت نشده است. تاکنون هیچ مسئولی جهت رسیدگی به مطالبات این کارگران اقدامی انجام نداده است.

روز گذشته همچنین شماری از کارگران شرکت ایران خودرو تبریز اعتصاب کردند و در داخل محوطه این واحد تولیدی تجمع اعتراضی برگزار کردند.

مجتبی حاجی‌زاده رئیس اتحادیه کارگران صنعت خودرو در اینباره گفته «قرار بوده است که بخشی از مزایای پایان سال مربوط به عرف کارگاه تا ابتدای اردیبهشت‌ماه در واحد تبریز ایران خودرو پرداخت شود که به دلیل مشکلات مالی و این موضوع که این شرکت بزرگ خودروساز زیان‌ده است، حدود ۴۰ درصد از مبالغ ردیف پرداختی مربوطه عقب افتاده است.»

روز یکشنبه ۳۱ فروردین ۱۴۰۴ گروهی از کارکنان شرکت نفت و گاز گچساران در محوطه دفتر مرکزی این شرکت، تجمع اعتراضی برگزار کردند.

حذف پیمانکاران، رسیدگی به فاصله حقوقی با نیروهای قراردادی و رسمی، افزایش مزد متناسب با تورم، اصلاح و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، اعمال مفاد رأی ۳۱۸۸ دیوان در پرداخت‌های مزدی از جمله مطالبات این کارگران اعلام شد.

وزیر نیرو با قطع برق بخش خانگی و صنعتی به دنبال کاهش «ناترازی» است!

وزارت نیرو در شرایطی با قطع برق بخش خانگی و صنعتی به دنبال کاهش مصرف تحمیلی به مردم و صاحبان کسب و کار است و این اقدام را مدیریت ناترازی برق نامیده که تولید برق در سال جدید با مشکلات بیشتری نسبت به سال گذشته روبرو است.

این موضوع از سوی محمد الله داد معاون انتقال شرکت توانیر نیز مورد اشاره قرار گرفته است. او با هشدار درباره وضعیت بحرانی تولید برق در سال جدید گفته که انتظار می رود وضعیت امسال به علت فرسودگی زیرساخت ها به مراتب بدتر از سال گذشته باشد.

محمد الله داد همچنین درباره کاهش ۴۰ درصدی ذخایر آب سدها در کشور نسبت به سال گذشته هشدار داده و تأکید کرده که این کاهش می تواند به شدت تولید برق را تحت تأثیر قرار دهد.

هاشم اورعی استاد دانشگاه «شریف» (آریامهر) پیشتر اعلام کرده بود که «ناترازی برق در تابستان حداقل بین ۲۲ تا ۲۴ هزار مگاوات خواهد بود و اگر ۶۵ هزار مگاوات ظرفیت تولید داشته باشیم یعنی نمی توانیم بیش از یک سوم تقاضای برق کشور را پاسخگو باشیم».

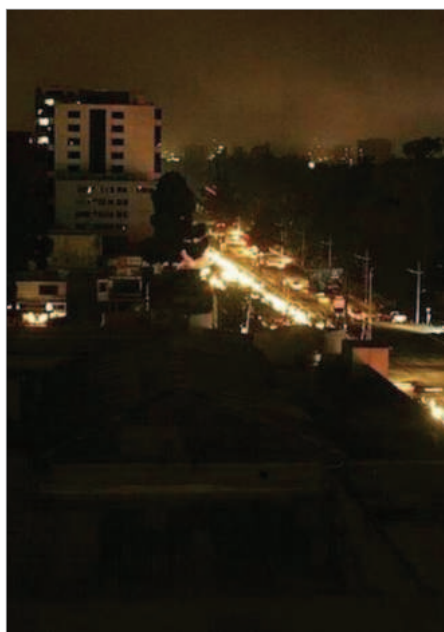
هاشم اورعی درباره شرایط فعلی وضعیت تولید و توزیع برق در کشور گفته «آخرین اطلاعات از شرایط تولید برق نیروگاهی؛ ما امسال تنها امکان استفاده از یک سوم ظرفیت نیروگاه های برقایی را داریم، تعمیرات به تاخیر افتاده، ۸ هزار مگاوات از ظرفیت نیروگاهی به دلیل عمر بالایی که دارند، در تعمیرات بسر می برند و فعلا شرایط برای استفاده از نیروگاه اتمی بوشهر هم فراهم نیست؛ این اوضاع با برنامه ۱۴ مگا پروژه تامین برق و اینکه در سال ۱۴۰۵ ناترازی برق نداریم، در تناقض است».

این استاد دانشگاه ادامه داده «در اواسط فروردین که از نظر تولید و مصرف برق بهترین زمان است یعنی نه هوا سرد است که کمبود گاز برای تولید برق داشته باشیم و نه هوا به قدری گرم شده که مجبور باشیم از وسایل سرمایشی استفاده کنیم اما با این شرایط برنامه محدودیت و قطعی برق شروع شده به عبارت دیگر در نیمه فرودین نه تنها برق به اندازه نیاز مردم نداریم و بلکه امکان اطلاع رسانی به موقع خاموشی را هم نداریم».

این کارشناس ارشد حوزه انرژی با بیان اینکه روز به روز با گرمای هوا میزان تقاضای برق افزایش پیدا می کند، گفته «اکنون میزان تقاضا نسبت به مدت مشابه سال قبل بیش از ۶ درصد افزایش یافته اما نه تنها ۶ درصد افزایش تولید نداشته ایم بلکه اوضاع بدتر از پارسال هم شده است».

مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی نیز در گزارشی اعلام کرده که صنعت برق با ناترازی مالی جدی مواجه است؛ در سال ۱۴۰۲، میانگین درآمد حاصل از فروش هر کیلووات ساعت برق تنها ۴ هزار و ۵۰۵ ریال بوده و در مقابل، هزینه تولید آن به ۶ هزار و ۱۷۸ ریال رسیده است. این فاصله قابل توجه، زیان انباشته ای بزرگ برای شرکت توانیر رقم زده است.

مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی معتقد است که شکاف میان درآمدها و هزینه های شرکت توانیر ریشه در نظام یارانه ای انرژی دارد که نه تنها بهره ور را کاهش داده، بلکه ساختار اقتصادی صنعت برق را معیوب کرده است؛ موضوعی که عملا بخش خصوصی را از ورود به حوزه نیروگاهی و سرمایه گذاری در آن منصرف می کند.



او در اصل قطع کردن برق صنایع و بخش خانگی است! عباس علی آبادی مدعی شده که «صنعت برق ایران امروز جزو ۵ کشور برتر جهان از منظر توان تولید است و در ساخت تجهیزات و قطعات، به سطحی از خودکفایی و حتی صادرات رسیده ایم که افتخار آفرین است، اما این توان فنی نباید باعث نادیده گرفتن بحران مصرف شود».

عباس علی آبادی گفته در صورت اجرایی شدن برنامه ها، از کاهش ناترازی برق در سال جاری خبر داد و گفت: «پیش بینی می کنیم امسال ناترازی به کمتر از ۱۰ هزار مگاوات برسد». وزیر نیرو یکی از «برنامه های» دولت برای مدیریت کمبود برق را «قطع برق شهروندان» اعلام کرده و گفته «تعرفه ها به صورت پلکانی افزایش خواهد یافت برای مصرف های در حد الگو تغییر چندانی نخواهد داشت، اما برای مشتریانی که فراتر از الگو مصرف می کنند بیشتر مؤثر خواهد بود و این موضوع هم در آب و هم برق اجرایی می شود».

اینهمه در حالیست که جیره بندی برق بخش خانگی و صنعتی نیز از دو هفته پیش و بلافاصله پس از پایان تعطیلات نوروزی آغاز شده و جیره بندی برق صنایع در حال گسترش است.

از روز دوشنبه اول اردیبهشت ماه نیز قطع برق شهرک های صنعتی استان تهران در دستور کار قرار گرفته است. شهرک های صنعتی پردیس، صفادشت، دهک، عباس آباد و شهید سلیمانی، نیز طع واحدهای خود را از روز دوشنبه تأیید کردند.

همزمان با قطع برق شهرک های صنعتی، صبح دوشنبه اول اردیبهشت ماه و در جریان بیستمین همایش جشنواره «شهید رجایی» که در آن دستگاه های برگزیده دولتی انتخاب می شوند، برق سالن خلیج فارس پژوهشگاه نیرو برای مدت ۱۰ دقیقه قطع شد و برگزاری جشنواره را با اختلال روبرو کرد.

این همایش برای ارزیابی عملکرد دستگاه های اجرایی کشور با حضور وزیر نیرو تدارک دیده شده بود و به نظر می رسد که قطعی برق در همان لحظه، به خوبی عملکرد دستگاه های اجرایی جمهوری اسلامی را نشان داده است!

● عباس علی آبادی وزیر نیرو دولت پزشکيان ناترازی برق را قابل مدیریت خوانده اما مدیریت او در اصل قطع کردن برق صنایع و بخش خانگی است و با این روش به دنبال کاهش «ناترازی» به ۱۰ هزار مگاوات است!

● مصطفی رجبی مشهدی مدیر عامل شرکت توانیر اعلام کرده «در سال گذشته، ۲۰ هزار مگاوات کمبود برق در کشور داشتیم و پیش بینی می شود به همین میزان و یا شاید بیشتر هم کمبود برق داشته باشیم».

● از روز دوشنبه اول اردیبهشت ماه نیز قطع برق شهرک های صنعتی استان تهران در دستور کار قرار گرفته است. شهرک های صنعتی پردیس، صفادشت، دهک، عباس آباد و شهید سلیمانی، نیز طع واحدهای خود را از روز دوشنبه تأیید کردند.

مدیرعامل شرکت توانیر از کمبود ۲۰ هزار مگاواتی برق در تابستان سال جاری خبر داده؛ کارشناسان این رقم را تا ۳۰ هزار مگاوات ارزیابی کرده اند اما وزیر نیروی دولت پزشکيان با قطع برق بخش خانگی و صنعتی به دنبال کاهش کمبود برق به ۱۰ هزار مگاوات است!

مصطفی رجبی مشهدی مدیرعامل شرکت توانیر اعلام کرده «در سال گذشته، ۲۰ هزار مگاوات کمبود برق در کشور داشتیم و پیش بینی می شود به همین میزان و یا شاید بیشتر هم کمبود برق داشته باشیم».

خبرگزاری «تسنیم» نیز هفته گذشته خبر داد ناترازی برق در تابستان به ۲۴ هزار مگاوات می رسد. در گزارش «تسنیم» آمده در حالی که تکرار ناترازی ۲۰ هزار مگاواتی تابستان ۱۴۰۳ در تابستان ۱۴۰۴ پیش بینی شده بود، تحقق پیش بینی اخیر افزایش ۲ درجه ای دمای تابستان نسبت به شرایط نرمال، ۳۶۰۰ مگاوات به مصرف پیک برق اضافه خواهد کرد. «تسنیم» تأکید کرده از این رو، افزایش ناترازی های برق تابستان امسال به بیش از ۲۳ هزار مگاوات دور از ذهن نیست؛ این درحالی است که تولید و تأمین ۶۵ هزار مگاواتی برق پیک، با احتساب تولید حداقل ۶ هزار مگاواتی نیروگاه های برق آبی است؛ اما با توجه به کم بارشی های سال آبی جاری و ذخایر پایین سدهای مهمی که نیروگاه های بزرگ برق آبی دارند، استفاده از یک چهارم ظرفیت برق آبی ها، یعنی حدود ۳ هزار مگاوات از ظرفیت اسمی ۱۲ هزار مگاواتی، در بیشترین حالت برآورد می شود و کسری تولید برق از نیروگاه های برق آبی، دلیل مضاعفی بر افزایش ناترازی های برق در تابستان امسال خواهد بود.

از سوی دیگر گزارش وزارت نیرو و شرکت توانیر از وضعیت صنعت برق کشور که آخر سال گذشته منتشر شد نیز نشان می دهد در سال ۱۴۰۴ صنعت برق با چالش بی سابقه ای در کمبود برق روبرو است.

وزارت نیرو «رشد شدید مصرف، کاهش ظرفیت تولید برق آبی، فشار مضاعف بر نیروگاه های حرارتی، و افزایش بار سرمایشی» را از دلایل این بحران عنوان کرده است.

این گزارش افزوده بررسی نمودارهای ده سال اخیر نیز نشان می دهد که فاصله بین نیاز مصرف و توان عملی تولید در حال افزایش است. از سوی دیگر، ذخیره مفید نیروگاه های برق آبی به دلیل کاهش بارندگی ۴۷ درصد افت کرده است.

در چنین شرایطی اما عباس علی آبادی وزیر نیرو دولت پزشکيان ناترازی برق را قابل مدیریت خوانده اما مدیریت

توقف درمان از سوی بسیاری از بیماران به علت گرانی و کمبود دارو

در همین رابطه محمدرضا واعظ مهدوی کارشناس حوزه سلامت گفته «یک سوم بیمارانی که به داروخانه‌ها مراجعه می‌کنند، نمی‌توانند داروهایشان را بخرند.» این کارشناس حوزه سلامت توضیح داده که «بر اساس گزارش‌های موجود تا یک سوم بیمارانی که به داروخانه‌ها مراجعه می‌کنند، وقتی با قیمت نسخه مواجه می‌شوند، بطور کلی دارو را تهیه نمی‌کنند. وقتی بیماری این افراد معالجه نمی‌شود، دچار انواع ضایعات می‌شوند. جواب اینها را در دنیا و آخرت، چه کسی باید بدهد؟!» او افزوده «این افزایش قیمت‌ها در حوزه پزشکی و سلامت، منجر به مرگ‌های زودرس و قابل اجتناب، معلولیت‌ها و آسیبهای اجتماعی می‌شود و مسئولیت همه

بیماران است. این داروها را بیماران ما از سر دلخوشی و تفریح مصرف نمی‌کنند، مصرف این داروها یعنی ادامه حیات اما مسئولان اصلا به این مسئله توجهی ندارند.» جدا از کمبود بسیاری از داروها در داروخانه‌های کشور و زمان انتظار طولانی بیماران برای دستیابی به دارو، قیمت اقلام مختلف دارویی نیز از سال گذشته با سرعت در حال افزایش است. یک بیمار مبتلا به سرطان به «تجارت نیوز» گفته «پیش از عید، هر نسخه دارویی حدود ۱۲ میلیون تومان هزینه داشته، اما پس از عید این مبلغ افزایش یافته و نزدیک به ۱۷ میلیون تومان شده است. در برخی موارد، داروخانه‌ها حتی با وجود بیمه، دارو را به صورت آزاد عرضه می‌کنند.»



اینها با کسانی است که این گونه تصمیمات غیرمردمی و نابخردانه را در کشور می‌گیرند.» محمدرضا واعظ مهدوی خواستار آن شده که «دولت از سیاست غلط اصالت دادن به بازار سیاه و بازار قاچاق و سیاست خصوصی سازی کاذب و بازار محوری کاذب و نادرست دست بردارد.» خبرگزاری «ایلنا» نیز گزارش داده که از ابتدای سال ۱۴۰۴ نرخ برخی داروهای حیاتی تا شش برابر افزایش یافت و به همین دلیل تعداد بازنشستگان و کارگرانی که به دلیل این رشد افسارگسیخته قیمت‌ها مجبورند روند درمان خود یا اعضای خانواده‌شان را کاملاً قطع می‌کنند، روزبه‌روز در حال افزایش است. در این گزارش آمده برخی داروها زیر سنگ هم پیدا نمی‌شوند. برخی دیگر از داروها هم در صورتی که موجود باشند، قیمت چندبرابری نجومی دارند و وسع اکثر مردم به مصرف دائم آن‌ها نمی‌رسد؛ در این شرایط، ضرورتی به نام درمان نادیده گرفته می‌شود، توقف اجباری و ترک درمان، امروز دیگر یک پدیده‌ی نادر نیست. فرودستان و طبقات زیرین و حتی میانی مزدبگیران، «مجبورند» از خبر درمان بگذرند و این انتخاب تلخ بیشتر در مورد بیماری‌های خاص مصداق پیدا می‌کند. خبرگزاری «ایلنا» با تأکید بر اینکه «شوک گرانی دارو، یک شوک تدریجی و به شدت گشوده است» نوشته «در ماه‌های اخیر پرداخت از جیب بیمار در حوزه سلامت بیش از ۵۰ درصد افزایش یافته و در نتیجه، کارگران و بازنشستگان با درآمد محدود و بدون داشتن سرمایه‌های انباشته، از درمان انصراف می‌دهند اما احتمال بدتر شدن اوضاع، احتمالی جدی‌ست.»

بیماری دیگری نیز گفته «دفعه‌به‌دفعه دارم اما می‌گویند باید هزینه دارو را آزاد پرداخت کنی! قبلاً با بیمه ۳۲ میلیون تومان هزینه دارو می‌شد الان باید ۹۰ میلیون بابت سه قلم دارو بپردازم.» گزارش‌ها نشان می‌دهد قیمت بیش از ۹۰۰ اقلام دارویی و تجهیزات پزشکی طی سال ۱۴۰۳ با افزایش ۱۰۰ تا ۶۰۰ درصدی روبرو شده است. این در حالیست که بر اساس اعلام رئیس سازمان غذا و دارو، ارزش ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی برای واردات دارو و تجهیزات پزشکی از سال جدید حذف شده است؛ این خبر به معنای افزایش بیش از پیش قیمت دارو و تجهیزات پزشکی در هفته‌ها و ماه‌های آینده است. در شرایطی که از ماه‌ها پیش موضوع حذف ارزش ترجیحی دارو در سال ۱۴۰۴ مطرح اما با تکذیب برخی مقامات دولتی روبرو شده بود، در هفته‌ای که گذشت مهدی پیرصالحی رئیس سازمان غذا و دارو حذف ارزش ترجیحی برای واردات دارو و مواد اولیه را تأیید کرده و گفته «بر اساس آنچه تا کنون مصوب شده است، ارزش دارو و تجهیزات امسال ۲۸۵۰۰ تومان خواهد شد.» همایون سامه‌بیج نجف‌آبادی عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی دی‌ماه گذشته در گفتگو با «دیده‌بان ایران» حذف ارزش ترجیحی دارو در سال ۱۴۰۴ را تأیید کرده و نسبت به افزایش قیمت اقلام دارویی هشدار داده بود. در ماه‌های گذشته اما بسیاری از بیماران به دلیل افزایش قیمت دارو، ناچار به توقف روند درمان شده‌اند چرا که توان پرداخت هزینه درمان را ندارند. از سوی دیگر عدم دسترسی به موقع دارو برای مبتلایان با بیماری‌های خاص و دشوار سبب افزایش آمار مرگ و میر ناشی از ابتلا به بیماری‌ها شده است.

● کمبود شدید داروهای خارجی، توزیع نامنظم، قیمت‌های بالا، نبود شفافیت در زنجیره تأمین، مشکلات پوشش بیمه‌ای و بی‌اعتمادی به داروهای ساخت داخل، شرایطی بحرانی را برای بیماران مبتلا به سرطان در ایران رقم زده است.

● در ماه‌های گذشته سیاری از بیماران به دلیل افزایش قیمت دارو، ناچار به توقف روند درمان شده‌اند چرا که توان پرداخت هزینه درمان را ندارند.

حذف ارزش ترجیحی برای دارو و تجهیزات پزشکی سبب بروز موجی از افزایش قیمت در این کالاها شده و گزارش‌ها از توقف روند درمان از سوی بخشی از بیمارانی که توان تأمین هزینه سنگین دارو را ندارند حکایت دارند.

وبسایت «تجارت نیوز» در یک گزارش میدانی درباره وضعیت بیماران مبتلا به سرطان با افزایش قیمت دارو نوشته این بیماران با چالشی عمیق و چندوجهی در ارتباط با دسترسی به داروهای مورد نیاز خود مواجه‌اند. کمبود شدید داروهای خارجی، توزیع نامنظم، قیمت‌های بالا، نبود شفافیت در زنجیره تأمین، مشکلات پوشش بیمه‌ای و بی‌اعتمادی به داروهای ساخت داخل، شرایطی بحرانی را برای این بیماران رقم زده است.

«تجارت نیوز» به نقل از بیماران مبتلا به سرطان نوشته بارها به داروخانه‌های مختلف ارجاع داده شده‌اند، اما در نهایت با دست خالی بازمی‌گردند.

یکی از بیماران در اینباره به «تجارت نیوز» گفته «از صبح تا حالا به هر داروخانه‌ای که امکان داشته داروی مورد نیاز بیمارم را داشته باشد سر زده‌ام. از هلال احمر تا نجات‌اللهی و جردن. هر کدام یک جوابی می‌دهند، یکی مدعی است دارو تمام شده و دیگری می‌گوید هنوز توزیع نشده است. در این شرایط تکلیف بیماران چه می‌شود؟!»

بیمار دیگری درباره نبود داروی خارجی و اجبار به استفاده از داروهای بی‌کیفیت داخلی توضیح داده که «دکتر بارها و بارها به ما گفته که داروی ایرانی و حتی نمونه هندی آن اثربخشی چندانی برای درمان بیماران ندارد اما وقتی داروی خارجی نیست چاره دیگری نداریم. اعتراض هم کنیم مسئولان داروخانه می‌گویند بروید از بازار آزاد نمونه خارجی‌اش را بخرید.» این بیمار افزوده «اگر نمونه خارجی در بازار آزاد هست چرا در داروخانه‌ها نیست؟ چرا با اعصاب و روان خانواده‌هایی که بیمار بدحال دارند بازی می‌کنند؟ ما به اندازه کافی زجر می‌کشیم دیگر با نبود دارو و فروش داروی بی‌کیفیت ما را آزار ندهند.»

بیمار دیگری با اعتراض به بحران در زنجیره تأمین و توزیع دارو در ایران گفته «اصلاً معلوم نیست این چرخه توزیع دارو دست چه کسانی است! به هر داروخانه‌ای که دوست دارند دارو می‌دهند و به داروخانه‌ای دیگر نه. یکی می‌گوید دارو تمام شده و دیگری می‌گوید هنوز توزیع نشده است.» او افزوده که «واقعاً چنین هرج و مرجی بازی با جان

تورم در فروردین ماه هم افزایش یافت؛ تورم ماهانة گروه میوه و خشکبار ۱۱/۷ درصد!

● در فروردین ماه ۱۴۰۴ تورم نقطه به نقطه ۳۸/۹ درصد بوده است؛ یعنی خانوارهای کشور بطور میانگین ۳۸/۹ درصد بیشتر از فروردین ماه ۱۴۰۳ برای خرید یک «مجموعه کالاها و خدمات یکسان» هزینه کرده‌اند.

● در فروردین ماه ۱۴۰۴ نرخ تورم سالانه برای خانوارهای کشور به ۳۳/۲ درصد رسیده که نسبت به ماه قبل، ۰/۷ واحد درصد افزایش یافته است.

در فروردین ماه ۱۴۰۴ نرخ تورم سالانه برای خانوارهای کشور به ۳۳/۲ درصد رسیده که نسبت به ماه قبل، ۰/۷ واحد درصد افزایش یافته است.

بر اساس گزارش مرکز آمار ایران در فروردین ماه ۱۴۰۴ شاخص قیمت مصرف کننده خانوارهای کشور به عدد ۳۲۸/۱ رسیده است که نسبت به ماه قبل، ۳/۹ درصد افزایش، نسبت به ماه مشابه سال قبل، ۳۸/۹ درصد افزایش و در دوازده ماهه منتهی به ماه فروردین نسبت به دوره مشابه سال قبل، ۳۳/۲ درصد افزایش داشته است.

منظور از تورم نقطه به نقطه، درصد تغییر عدد شاخص قیمت نسبت به ماه مشابه سال قبل است. در فروردین ماه ۱۴۰۴ تورم نقطه به نقطه خانوارهای کشور، ۳۸/۹ درصد بوده است؛ یعنی خانوارهای کشور بطور میانگین، ۳۸/۹ درصد بیشتر از فروردین ماه ۱۴۰۳ برای خرید یک «مجموعه کالاها و خدمات یکسان» هزینه کرده‌اند. تورم نقطه به نقطه فروردین ماه ۱۴۰۴ را مقایسه با ماه قبل، ۱/۸ واحد درصد افزایش داشته است.

منظور از تورم ماهانه، درصد تغییر عدد شاخص قیمت، نسبت به ماه قبل است. در فروردین ماه ۱۴۰۴ تورم ماهانه خانوارهای کشور برابر ۳/۹ درصد بوده است. تورم ماهانه برای گروه‌های عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات»، ۴/۲ درصد و برای گروه عمده «کالاها غیرخوراکی و خدمات»، ۳/۸ درصد بوده است. تورم ماهانه بخش‌ها و گروه‌های مختلف در ماه جاری به صورت زیر است:

منظور از نرخ تورم سالانه، درصد تغییر میانگین اعداد شاخص قیمت در یک سال منتهی به ماه جاری، نسبت به دوره مشابه قبل از آن است. در فروردین ماه ۱۴۰۴ نرخ تورم سالانه برای خانوارهای کشور به ۳۳/۲ درصد رسیده که نسبت به همین اطلاع در ماه قبل، ۰/۷ واحد درصد افزایش یافته است. نرخ تورم سالانه کشور در فروردین ماه ۱۴۰۴ برابر ۳۳/۲ درصد است که دامنه تغییرات آن برای دهک‌های مختلف هزینه‌ای از ۳۲/۱ درصد برای دهک دوم، تا ۳۳/۵ درصد برای دهک نهم است. بر این اساس فاصله تورمی دهک‌ها در این ماه به ۱/۴ واحد درصد رسید.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که از بین تمام گروه‌های کالایی، بالاترین تورم ماهانه متعلق به میوه و خشکبار بوده است. این شاخص برای این اقلام به ۱۱/۷ درصد در فروردین امسال رسیده که بخشی از آن به دلیل فرارسیدن میوه‌های نوبرانه با قیمت‌های بالا بوده است.

بعد از کالا و خدمات متفرقه، بالاترین تورم ماهانه به دخانیات تعلق گرفته است؛ در مقابل، لبنیات و تخم‌مرغ و گروه آموزش کمترین تورم ماهانه را تجربه کرده‌اند. ارقام ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران نشان می‌دهد تورم در اقتصاد ایران روند افزایش خود را طی کرده و فشار معیشتی بر اقشار حقوق‌بگیر و کم‌درآمد افزایش یافته است. افزایش تورم در حالی با سرعت ادامه دارد که در آئسو درآمدها در سال جدید با رقمی ناچیز افزایش یافته و ارزش واقعی درآمدها نسبت به سال گذشته کاهش یافته و در نتیجه قدرت خرید خانوار نیز سقوط کرده است. در همین رابطه روزنامه «هم‌میهن» در گزارشی به کاهش قدرت خرید خانوارها اشاره کرده و نوشته دستمزد ۱۳ میلیون و ۹۰۰ هزار

مربوط به مصرف نان با منفی ۸ درصد کاهش بوده است. مصرف اقلام مهمی مثل برنج ۳۵ درصد و گوشت ۳۳ درصد در این ۱۳ سال کمتر شده است. تنها چهار قلم از زیرمجموعه اقلام خوراکی رشد مصرف داشته که مربوط به مرغ، تخم‌مرغ، پنیر و سیگار خارجی به ترتیب با ۱۷، ۴۰، ۲۴ و ۲۴ درصد رشد بوده است. سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ در بین ۱۷ گروه اقلام خوراکی تنها مصرف چهار گروه یعنی مرغ، تخم‌مرغ، پنیر و سیگار خارجی بیشتر شده و باقی مواد غذایی بین ۸ تا ۶۷ درصد کمتر مصرف شده‌اند. به عبارت دیگر سفره مردم در این ۲۳ سال خالی‌تر شده است. بررسی آمارها نشان می‌دهد بیشترین کاهش مصرف مربوط به شکر یا قند با منفی ۶۷ درصد و کمترین کاهش



تومانی امسال ۱۵ درصد توان خرید کمتری در برابر دلار و ۴۵ درصد توان خرید کمتر در برابر سکه در سال گذشته دارد. این گزارش تأکید کرده طبق ارقام اعلام‌شده بانک مرکزی در صورتی که نرخ دلار در بازار آزاد را با نرخ دستمزد بسنجیم می‌بینیم میزان دستمزد به دلار از ۲۹۵ در سال ۱۳۹۰ به ۱۳۲ دلار در فروردین سال جاری افت داشته و عملاً ۵۵ درصد از قدرت دستمزد برای خرید دلار کاهش پیدا کرده است. این گزارش تأکید کرده جدای از موضوع قیمت‌های کلیدی در اقتصاد یعنی ارز و طلا، وقتی حداقل دستمزد تعیین شده سالانه را با نرخ تورم نیز مقایسه می‌کنیم، کاهش قدرت خرید به میزان قابل توجهی دیده می‌شود. در صورتی که تورم اعلامی مرکز آمار از سال ۱۳۹۰ تا به امروز را ملاک قرار دهیم؛ در ۱۵ سال گذشته حداقل دستمزد ۱۸ واحد درصد از قدرت خرید خود را از دست داده است. چنانچه همین محاسبه را با تورم اعلامی بانک مرکزی انجام دهیم؛ تا حد زیادی این دامنه تغییر می‌کند و می‌بینیم در ۱۵ سال گذشته حداقل مزد ۵۵ درصد قدرت خرید خود را از دست داده است. گزارش‌های هزینه و درآمد خانوار بانک مرکزی نیز کاهش قدرت خرید خانوار را تأیید کرده بطوری که در فاصله سالهای ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ در بین ۱۷ گروه اقلام خوراکی تنها مصرف چهار گروه یعنی مرغ، تخم‌مرغ، پنیر و سیگار خارجی بیشتر شده و باقی مواد غذایی بین ۸ تا ۶۷ درصد کمتر مصرف شده‌اند. به عبارت دیگر سفره مردم در این ۲۳ سال خالی‌تر شده است.

بررسی آمارها نشان می‌دهد بیشترین کاهش مصرف مربوط به شکر یا قند با منفی ۶۷ درصد و کمترین کاهش

مربوط به مصرف نان با منفی ۸ درصد کاهش بوده است. مصرف اقلام مهمی مثل برنج ۳۵ درصد و گوشت ۳۳ درصد در این ۱۳ سال کمتر شده است. تنها چهار قلم از زیرمجموعه اقلام خوراکی رشد مصرف داشته که مربوط به مرغ، تخم‌مرغ، پنیر و سیگار خارجی به ترتیب با ۱۷، ۴۰، ۲۴ و ۲۴ درصد رشد بوده است.

علی نصیری اقدم، اقتصاددان در گفتگو با «هم‌میهن» گفته «اگر دستمزد بیش از متغیر نرخ بهره یا نرخ سود و یا نرخ ارز، به عنوان یکی دیگر از کلیدی‌ترین قیمت‌های اقتصاد حائز اهمیت نباشد، کمتر از آنها حائز اهمیت نیست. اما در آن حوزه‌ها، از آنجا که ذی‌نفعان زیادی وجود دارد، همه تغییرات آنها را می‌فهمند اما کسی درباره رانت نرخ دستمزد حقیقی و منفی صحبت نمی‌کند، حتی پژوهش‌های قابل توجهی هم در این زمینه وجود ندارد. اینجا صدایی نیست که بگوید عده‌ای، چه دولتی و چه خصوصی، از رانت دستمزد حقیقی منفی استفاده می‌کنند.

امسال اما فاصله میان تورم و دستمزد در میان اقشار حقوق‌بگیر عمیق‌تر از سالهای گذشته شده است. علی محمد دهقانی دبیر اجرایی خانه کارگر یزد در اینباره گفته «با توجه به افزایش شدید هزینه‌های زندگی و تورمی که بر بازار اقتصاد حاکم است، این میزان افزایش دستمزد کافی نیست یعنی حتی ۴۵ درصد افزایش مزد نتوانسته گره‌گشای مشکلات معیشتی کارگران باشد و وضع زندگی آنها را بهبود بخشد. بدون تردید، کارگران از نظر معیشتی مشکل جدی دارند و تامین هزینه‌های یومیه زندگی، دغدغه‌ی جدی آنهاست. این شرایط باید تغییر کند.»

ناترازی برق در تابستان به ۲۴ هزار مگاوات می‌رسد؛ مسعود پزشکیان لاف «راهبرد جامع» می‌زند

این در حالیست که کارشناسان معتقدند رفع بحران کمبود برق نیازمند سرمایه‌گذاری هنگفتی است که نه تنها منابع برای چنین سرمایه‌گذاری وجود ندارد بلکه حتی در صورت سرمایه‌گذاری نیز رفع بحران کمبود برق زمان‌بر خواهد بود. در چنین شرایطی به نظر نمی‌رسد دولت بتواند با ادعای «راهبرد جامع» بتواند برای حل بحران کمبود برق در تابستان امسال اقدامی مؤثر انجام دهد.

از سوی دیگر یکی از مهمترین راهکارهای دولت فشار بر مصرف‌کنندگان برق به عنوان «مدیریت مصرف» بوده است. جیره‌بندی برق در بخش خانگی و صنعتی طی سالهای گذشته همواره در دستور کار قرار داشته و امسال نیز جیره‌بندی‌ها زودتر از همیشه و از نیمه فروردین‌ماه آغاز شده است.

سعید شجاعی معاون ریزی وزارت صنعت، معدن و تجارت پیشتر میزان خسارت به صنایع در پی قطع برق و گاز در سال گذشته را رقمی حدود ۳۰۰ هزار میلیارد تومان اعلام کرد و گفت: «در تابستان سال گذشته برآورد وزارت صنعت از خسارت قطعی برق به صنایع ۱۷۳ هزار میلیارد تومان و خسارت ناشی از قطعی گاز به حدود ۱۲۰ تا ۱۳۰ هزار میلیارد تومان برآورد شده است.»

امسال اما با توجه به تشدید بحران کمبود برق و آغاز زود هنگام قطع برق صنایع به نظر می‌رسد خسارت اقتصادی ناشی از قطع برق بیش از سال گذشته باشد.

فرشید شکرخدايي رئيس کمیسیون سرمایه‌گذاری و تأمین مالی اتاق بازرگانی ایران با بیان اینکه «وضعیت ناترازی برق در سال ۱۴۰۴ چنان وخیم می‌شود که آرزوی وضعیت ناترازی سال گذشته را خواهیم داشت» گفته «برآوردها نشان می‌دهد هر روز قطعی برق صنایع بین ۳۰۰ میلیون تا ۵۰۰ میلیون دلار به اقتصاد و صنایع کشور زیان وارد می‌کند.»

هفته گذشته علی اکبر الوندیان دبیر انجمن صنعت سیمان با اشاره به شروع زودرس قطع برق کارخانه‌ها از مرگ تدریجی کوره‌های سیمان خبر داد و گفت «حدود ۷ ساعت طول می‌کشد تا یک کوره آماده تولید شود. اکنون به دلیل ناترازی انرژی کوره‌ها فقط ۴ ساعت در روز کار می‌کنند که به ذخیره مواد خام ضربه می‌زند.»

رسول خلیفه سلطانی، دبیر انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران نیز شرایط را «بی‌سابقه» توصیف کرده و گفته «با گذشت کمتر از ۲۰ روز از آغاز سال ۱۴۰۴، صنایع فولادی با محدودیت‌های شدید و غافلگیرانه برق مواجه شده‌اند؛ این محدودیت‌ها به کاهش ۳۰ تا ۵۰ درصدی تأمین برق واحدها انجامیده و در مواردی حتی به ۸۰ درصد نیز می‌رسد.»

دبیر انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران وضعیت تولیدکنندگان را با شعار «سرمایه‌گذاری برای تولید» مغایر و در تضاد دانسته و گفته «این وضعیت نه تنها روند تولید را مختل کرده بلکه سبب افزایش نگرانی‌ها از تأثیر آن بر اشتغال و بازارهای داخلی نیز شده است.»

پیمان عالمی آرانی، عضو شورای قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی نیز از آغاز قطع برق چاه‌های کشاورزی خبر داده و گفته «اکنون کشاورزان شش تا ۱۰ ساعت از شبانه‌روز را مجبور به تحمل قطعی برق هستند و وزارت نیرو همکاری لازم را با کشاورزان ندارد.»



تابستان نسبت به شرایط نرمال، ۳۶۰۰ مگاوات به مصرف پیک برق اضافه خواهد کرد.

«تسنیم» تأکید کرده از این‌رو، افزایش ناترازی‌های برق تابستان امسال به بیش از ۲۳ هزار مگاوات دور از ذهن نیست؛ این درحالی است که تولید و تأمین ۶۵ هزار مگاواتی برق پیک، با احتساب تولید حداقل ۶ هزار مگاواتی نیروگاه‌های برق‌آبی است؛ اما با توجه به کم‌بارشی‌های سال آبی جاری و ذخایر پایین سدهای مهمی که نیروگاه‌های بزرگ برق آبی دارند، استفاده از یک‌چهارم ظرفیت برق‌آبی‌ها، یعنی حدود ۳ هزار مگاوات از ظرفیت اسمی ۱۲ هزار مگاواتی، در بیشترین حالت برآورد می‌شود و کسری تولید برق از نیروگاه‌های برق آبی، دلیل مضاعفی بر افزایش ناترازی‌های برق در تابستان امسال خواهد بود.

مسعود پزشکیان رئیس دولت در جلسه سران قوا با حضور محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی و غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه از تدوین «راهبرد جامع» با محوریت کاهش شدت مصرف انرژی خبر داد.

مسعود پزشکیان در این جلسه با ادعای اینکه «به‌صورت روزانه موضوع حل چالش ناترازی‌ها را شخصاً پیگیری می‌کنم و این مسأله در اولویت نخست برنامه‌های اجرایی دولت قرار دارد» گفته «از مدت‌ها پیش فرآیند بهینه‌سازی مصرف را از درون دولت و دستگاه‌های اجرایی آغاز کرده‌ایم. بر اساس تکلیف مشخص‌شده، وزارتخانه‌ها موظف به خرید و نصب پنل‌های خورشیدی هستند و حداکثر تا دو ماه آینده، تمامی دستگاه‌های اجرایی موظف‌اند انرژی مورد نیاز خود را صرفاً از منابع تجدیدپذیر تأمین کنند.»

به نظر می‌رسد مهمترین محور برنامه «راهبرد جامع» دولت پزشکیان برای رفع کمبود برق، خرید و نصب پنل‌های خورشیدی در ادارات دولتی طی دو ماه آینده و جیره‌بندی برق بخش خانگی و صنایع است!

● وزارت نیرو در گزارشی معضل بی‌سابقه کمبود برق در تابستان امسال را تأیید کرده و «رشد شدید مصرف، کاهش ظرفیت تولید برق آبی، فشار مضاعف بر نیروگاه‌های حرارتی، و افزایش بار سرمایشی» را از دلایل این بحران عنوان کرده است.

● مسعود پزشکیان رئیس دولت در جلسه سران قوا با حضور محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی و غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه از تدوین «راهبرد جامع» با محوریت کاهش شدت مصرف انرژی خبر داد.

● به نظر می‌رسد مهمترین محور برنامه «راهبرد جامع» دولت پزشکیان برای رفع کمبود برق، خرید و نصب پنل‌های خورشیدی در ادارات دولتی طی دو ماه آینده و جیره‌بندی برق بخش خانگی و صنایع است!

گزارش تازه وزارت نیرو و شرکت توانیر از وضعیت صنعت برق کشور نشان می‌دهد در سال ۱۴۰۴ صنعت برق با چالش بی‌سابقه‌ای در کمبود برق روبرو است. دولت اما همچنان برنامه مشخصی برای مدیریت کمبود ندارد و مسعود پزشکیان لاف «راهبرد جامع» می‌زند.

وزارت نیرو در گزارشی معضل بی‌سابقه کمبود برق در تابستان امسال را تأیید کرده و «رشد شدید مصرف، کاهش ظرفیت تولید برق آبی، فشار مضاعف بر نیروگاه‌های حرارتی، و افزایش بار سرمایشی» را از دلایل این بحران عنوان کرده است.

وزارت نیرو جمهوری اسلامی مدعی شده در حالیکه ایران طی بیش از دو دهه گذشته موفق به حفظ پایداری شبکه سراسری برق و جلوگیری از خاموشی گسترده شده، نگاهی به خاموشی‌های تاریخی در کشورهای مختلف از جمله هند، برزیل، آمریکا و ترکیه، اهمیت این دستاورد را دوچندان می‌کند. با این حال، تداوم این روند در گروی تغییرات اساسی در سیاست‌های مصرف و سرمایه‌گذاری است.

این گزارش افزوده بررسی نمودارهای ده سال اخیر نیز نشان می‌دهد که فاصله بین نیاز مصرف و توان عملی تولید در حال افزایش است. از سوی دیگر، ذخیره مفید نیروگاه‌های برق‌آبی به دلیل کاهش بارندگی ۴۷ درصد افت کرده است.

گزارش وزارت نیرو همچنین اعلام کرده توانیر با طراحی ۳۶ اقدام عملیاتی و ۱۴ مگا پروژه، سعی در کاهش ناترازی تولید و مصرف در تابستان ۱۴۰۴ دارد. این برنامه‌ها شامل مدیریت بار سرمایشی، توسعه نیروگاه‌های خورشیدی، نصب کنتورهای هوشمند، کنترل مصرف صنایع بزرگ، کاهش روشنایی معابر و حتی مشارکت نیروهای مردمی و بسیج در پایش مصرف است.

گزارش وزارت نیرو نشان می‌دهد با ادامه روند فعلی، صنعت برق را به نقطه بحرانی خواهد رساند. خبرگزاری «تسنیم» نیز خبر داده ناترازی برق در تابستان به ۲۴ هزار مگاوات می‌رسد.

در گزارش «تسنیم» آمده در حالی که تکرار ناترازی ۲۰ هزار مگاواتی تابستان ۱۴۰۳ در تابستان ۱۴۰۴ پیش‌بینی شده بود، تحقق پیش‌بینی اخیر افزایش ۲ درجه‌ای دمای

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی:

صندوق توسعه ملی منبع جبران کسری بودجه دولت‌ها!

برای اجرای پروژه‌های اقتصادی وجود ندارد.» همانطور که مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تأکید کرده صندوق توسعه ملی که روزی برای تأمین منابع جهت سرمایه‌گذاری پایدار و بلندمدت برای نسل‌های آینده تأسیس شده بود سال‌هاست به فلک دولت‌های جمهوری اسلامی تبدیل شده است.

در یک نمونه طی هشت ماه گذشته دولت مسعود پزشکیان با رضایت علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی منابعی از صندوق برای هزینه‌های جاری برداشت کرده است.

دولت مسعود پزشکیان تنها چند روز پس از تشکیل در شهریورماه گذشته، از علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی اجازه گرفت تا معادل ۳۵۰ هزار میلیارد تومان از منابع صندوق توسعه ملی برای هزینه‌های جاری دولت برداشت کند.

دولت پزشکیان پرداخت معوقات پرستاران، کشاورزان و همچنین ارز مورد نیاز برای واردات دارو را با برداشت از صندوق توسعه ملی تأمین کرد.

دولت مسعود پزشکیان ۲۴ بهمن‌ماه گذشته نیز بار دیگر با دریافت مجوز از رهبر جمهوری اسلامی رقیمی معادل یک میلیارد دلار از منابع صندوق توسعه ملی به عنوان «حمایت معیشتی» از خانوارهای ۷ دهک کم‌درآمد جامعه برداشت کرد. این مبلغ طی دو ماه گذشته در دو نوبت کوپن بین بخشی از مردم توزیع شده است.

مهدی غضنفری رئیس هیئت عامل صندوق توسعه ملی جمهوری اسلامی در واکنش به برداشت‌های دولت از صندوق توسعه ملی در شبکه «ایکس» نوشته بود: «برداشت دولت‌ها از صندوق، نه تنها خلاف اساسنامه صندوق است بلکه خیلی زود، منابع آن را مثل حساب ذخیره ارزی تمام می‌کند. والسلام.»

«کیهان لندن» همان زمان که برداشت از صندوق ذخیره ارزی از سوی دولت پزشکیان در شهریورماه گذشته اعلام شد نوشت که «در چنین شرایطی مشخص است که در صورت تداوم روند کنونی در رابطه با بن‌بست مذاکرات و ادامه تحریم‌ها دولت رئیسی و به ویژه عبدالناصر همتی نخواهد توانست وعده‌های اقتصادی در رابطه با کاهش تورم را عملی کند بلکه باید تلاش کند رقم بدهی‌های دولت از جمله بدهی به صندوق توسعه ملی افزایش پیدا نکند!» بر اساس قانون بودجه دولت باید هر ساله سهمی از صادرات نفت را بطور مستقیم به صندوق توسعه ملی واریز کند. این سهم در لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ رقیمی معادل ۴۵ درصد تصویب شده بود اما در نیمه سال، و با آغاز به کار دولت مسعود پزشکیان، با موافقت علی خامنه‌ای سهم صندوق از درآمد دولت به ۲۰ درصد کاهش یافت تا ۲۵ درصد دیگر به جیب دولت ریخته شود تا آنطور که مسعود پزشکیان ادعا کرده برای «تسویه بخشی از بدهی‌ها» خرج شود.

پس از تأسیس صندوق توسعه ملی قرار شد هر ساله سهمی از درآمد ارزی حاصل از فروش نفت و گاز به این صندوق واریز شود تا برای نسل‌های بعد پس‌انداز شود. در سال اول برنامه پنجم (۱۳۹۰) قرار شد ۲۰ درصد از محل درآمدهای نفتی به این صندوق واریز و هر ساله سه درصد به رقم واریزی افزوده شود.



باعث تجمع ریسک در سبد سرمایه‌گذاری‌های صندوق شده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نوشته در حالیکه هدف نهایی صندوق‌های ثروت ملی، کاهش وابستگی به اقتصاد نفتی و تنوع‌بخشی به ساختار اقتصاد کشور است، تخصیص عمده تسهیلات به حوزه نفت و گاز نتیجه‌ای معکوس به همراه داشته است.

این گزارش همچنین نشان می‌دهد نرخ بازگشت سرمایه نیز در این تسهیلات بسیار پایین بوده است. از میان ۲۶ میلیارد دلار مطالبات سررسید شده، نزدیک به ۶۹ درصد تبدیل به مطالبات معوق شده‌اند. در برخی موارد، مانند نهادهای عمومی غیردولتی، نرخ نکول به ۷۶ درصد رسیده است که در مقایسه با بخش خصوصی (با نرخ نکول ۴۷ درصد) وضعیت بسیار نامطلوب‌تری دارد. این در حالی است که این نهادها به دلیل وابستگی و پیوند هایشان با دولت، از ضمانت‌های قوی‌تری برخوردار بوده‌اند. همچنین، کل سود حاصل از این تسهیلات تنها حدود ۳۰۰ میلیون دلار بوده که کمتر از یک درصد کل تسهیلات ارزی پرداخت‌شده را تشکیل می‌دهد.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تأکید کرده که در عملکرد صندوق توسعه ملی شفافیت وجود نداشته است: «صندوق توسعه ملی به‌رغم ارائه گزارشی ساختاریافته‌تر و شفاف‌تر نسبت به دوره‌های گذشته، همچنان با چالش‌هایی در حوزه گزارش‌گری شفاف مواجه است. از جمله مهم‌ترین این چالش‌ها، عدم ارائه اطلاعات دقیق درباره تسهیلات معوق، نام دریافت‌کنندگان و نحوه وصول مطالبات است. همچنین نقدشوندگی منابع ارزی صندوق نیز با محدودیت‌های جدی مواجه است، چرا که بخش بزرگی از این منابع نزد بانک مرکزی نگهداری شده و به‌دلیل تحریم‌ها و محدودیت‌های بانکی، امکان دسترسی و استفاده از آن‌ها

● مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی: صندوق توسعه ملی که با هدف تبدیل بخشی از درآمدهای نفت و گاز به سرمایه‌های مولد اقتصادی و حفظ سهم نسل‌های آینده تأسیس شده بود، در عمل از اهداف خود فاصله گرفته و با چالش‌های جدی مواجه است.

● دولت مسعود پزشکیان تنها چند روز پس از تشکیل در شهریورماه گذشته، از علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی اجازه گرفت تا معادل ۳۵۰ هزار میلیارد تومان از منابع صندوق توسعه ملی برای هزینه‌های جاری دولت برداشت کند.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارشی اعلام کرده صندوق توسعه ملی بیش از آنکه به سرمایه‌گذاری‌های زاینده اقتصادی بپردازد، به منبعی برای جبران کسری بودجه دولت‌ها تبدیل شده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارش عملکرد صندوق توسعه ملی تا پایان دی‌ماه ۱۴۰۲ نشان داده که این نهاد مالی که با هدف تبدیل بخشی از درآمدهای نفت و گاز به سرمایه‌های مولد اقتصادی و حفظ سهم نسل‌های آینده تأسیس شده بود، در عمل از اهداف خود فاصله گرفته و با چالش‌های جدی مواجه است.

این گزارش تأکید کرده مجموع منابع صندوق از ابتدای تأسیس تا کنون حدود ۱۶۰/۸ میلیارد دلار گزارش شده که ۱۵۳ میلیارد دلار آن مربوط به عواید حاصل از صادرات نفت و گاز بوده و تنها ۸ میلیارد دلار دیگر شامل سود حاصل از سپرده‌گذاری نزد بانک مرکزی و سود تسهیلات و سرمایه‌گذاری‌ها بوده است. این ترکیب منابع نشان می‌دهد که سهم فعالیت‌های اقتصادی سودآور از کل منابع صندوق بسیار ناچیز بوده و بازدهی سرمایه‌گذاری‌ها پایین بوده است.

بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، بخش عمده ذخایر صندوق توسعه ملی از عواید صادرات نفت و گاز محقق شده و تنها بخش کوچکی از آن سود حاصل از سپرده‌گذاری در بانک مرکزی بوده است.

از سوی دیگر، میزان مصارف صندوق بالغ بر ۱۳۲/۷ میلیارد دلار بوده که بیش از ۶۵ درصد آن به برداشت دولت‌ها برای جبران کسری‌های بودجه‌ای اختصاص یافته است. این در حالی است که تنها حدود ۳۶/۵ میلیارد دلار، معادل کمتر از ۳۰ درصد کل مصارف، به مصارفی که در چارچوب اهداف اساسنامه‌ای صندوق تعریف شده بودند، تعلق گرفته است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تأکید کرده که «این استفاده وسیع دولت‌ها از منابع صندوق برای مخارج جاری، عملاً با هدف بین‌نسلی و توسعه‌ای صندوق مغایرت داشته و یکی از عوامل اصلی ناکارآمدی آن به‌شمار می‌رود.» بخش دیگری از این گزارش نشان می‌دهد عملکرد صندوق در حوزه تسهیلات نیز با چالش‌هایی روبرو بوده است. از مجموع ۳۰/۵ میلیارد دلار تسهیلات ارزی اعطا شده، بخش عمده‌ای -حدود ۶۸ درصد- به بخش انرژی اختصاص یافته که شامل طرح‌های نفت، گاز، پالایشگاهی و نیروگاهی است. این تمرکز بالا بر حوزه انرژی با توجه به ریسک‌های قیمتی، تحریمی، و محدودیت‌های حاکم بر بازار داخلی،

پیش‌بینی جدید صندوق بین‌المللی پول درباره افزایش تورم و کاهش رشد اقتصادی و اشتغال در ایران



● صندوق بین‌المللی پول برآورد کرده است که اقتصاد ایران امسال تنها سه‌دهم درصد رشد داشته و نرخ رشد سال آینده خورشیدی هم یک و یک‌دهم درصد باشد. در گزارش سه ماه پیش این نهاد، نرخ رشد امسال و سال آینده به ترتیب ۳/۱ و ۲/۸ برآورد شده بود.

● در گزارش صندوق بین‌المللی پول برآورد شده نرخ تورم ایران در سال‌های ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵ به ترتیب ۴۳/۳ و ۴۲/۵ درصد خواهد بود.

صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی کرده نرخ تورم در ایران طی ماه‌ها آینده افزایش یافته و به بیش از ۴۲ درصد رسیده و نرخ بیکاری نیز به حدود ۱۰ درصد برسد. این نهاد بین‌المللی همچنین پیش‌بینی کرده رشد اقتصادی ایران به شدت کاهش یافته و نزدیک به صفر شود.

صندوق بین‌المللی پول در تازه‌ترین گزارش خود درباره «چشم‌انداز اقتصادی جهان» وضعیت اقتصاد ایران را بدتر از پیش‌بینی قبلی خود ارزیابی کرده است.

در این گزارش پیش‌بینی شده اقتصاد ایران امسال تنها سه‌دهم درصد رشد کند و نرخ رشد سال آینده خورشیدی هم یک و یک‌دهم درصد باشد. این در حالیست که در گزارش سه ماه پیش این نهاد، نرخ رشد امسال و سال آینده را به ترتیب ۳/۱ و ۲/۸ برآورد شده بود.

صندوق بین‌المللی پول در گزارش پیشین که ژانویه ۲۰۲۵ منتشر شده بود پیش‌بینی کرده بود که نرخ تورم ایران در سال جدید خورشیدی به کمتر از ۳۰ درصد برسد. بر اساس گزارش جدید که با اختلاف چهار ماه منتشر شده نرخ تورم ایران در سال‌های ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵ به ترتیب ۴۳/۳ و ۴۲/۵ درصد پیش‌بینی شده است. این گزارش همچنین پیش‌بینی کرده که نرخ بیکاری در ایران نیز با افزایش روبرو شود و به ۹/۵ درصد در سال ۱۴۰۴ و ۹/۲ درصد در سال ۱۴۰۵ افزایش یابد. برآورد قبلی این نهاد این بود که امسال نرخ بیکاری در ایران ۸/۴ درصد باشد.

قابل توجه اینکه ارزیابی‌های صندوق بین‌المللی پول از روی آمارهایی صورت گرفته که نهادهای رسمی و حکومتی در اختیار نهادهای بین‌المللی قرار می‌دهند؛ همان اعداد و ارقامی که همواره درباره درستی و شفافیت آنها تردیدهایی جدی وجود دارد. اقتصاددانان بارها ارقام اعلام شده توسط نهادهای رسمی جمهوری اسلامی برای شاخص‌هایی چون تورم و بیکاری را کمتر از ارقام واقعی ارزیابی کرده و حکومت را به دستکاری در آمارها و آمارسازی متهم ساخته‌اند. در هر صورت، بر اساس همین آمار دستکاری شده نیز افزایش نرخ تورم و افزایش نرخ بیکاری که از سوی صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی شده به معنای افزایش شاخص فلاکت در اقتصاد ایران است.

شاخص فلاکت از جمع دو نرخ تورم و بیکاری به دست می‌آید و افزایش آن بیانگر افزایش فشارهای معیشتی بر خانوارها، افزایش فقر و گسترش ناهنجاری‌ها و آسیب‌هایی چون حاشیه‌نشینی، سوء تغذیه و محرومیت است. آخرین محاسبات از شاخص فلاکت در ایران نشان می‌دهد این شاخص در زمستان سال گذشته به بالای ۴۰ واحد رسیده است. از سوی دیگر آمارهای دولتی درباره تورم و بیکاری نشان از افزایش این نرخ دارد. بر اساس گزارش مرکز آمار ایران در فروردین‌ماه تورم ماهانه حدود ۳/۹ درصد، تورم نقطه به

درصد در زمستان ۱۴۰۲ به ۴۰/۱ درصد در زمستان قبل رسیده است. نرخ مشارکت نشان می‌دهد که از هر ۱۰۰ نفری که در سن اشتغال قرار گرفته‌اند، چند نفر به صورت فعال (شاغل یا بیکار) در بازار کار حضور دارند. در انتهای زمستان، تعداد فعالان در بازار کار ایران ۲۶ میلیون و ۳۴۱ هزار و ۲۳۹ نفر بوده است.

کاهش نرخ مشارکت اقتصادی در حالیست که بر اساس برنامه هفتم توسعه دولت باید طی پنج سال اجرای این برنامه، که سال نخست آن رو به پایان است، سالانه یک میلیون فرصت شغلی ایجاد کند. کارشناسان اما معتقدند دستیابی به چنین رقمی دست‌کم طی سال اول و دوم این برنامه غیرممکن است و اساسا دولت‌های جمهوری اسلامی در ایجاد بسترهای اشتغال پایدار ناموفق بوده‌اند.

دور شدن دولت از اهداف نوشته شده در برنامه هفتم توسعه در مورد نرخ رشد اقتصادی نیز نمایان می‌شود. بر اساس برنامه هفتم توسعه رشد اقتصادی در این برنامه باید به هشت درصد افزایش پیدا کند این در حالیست که در نخستین سال اجرای این برنامه که هم‌اکنون رو به اتمام است، رشد اقتصادی نه تنها صعودی نبوده بلکه روندی نزولی را طی کرده است.

اکنون بر اساس پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول، رشد اقتصادی در سال جدید نیز مسیر کاهشی خود را طی کرده و به صفر درصد نزدیک خواهد شد!

این در حالیست که در بخش صنعت نیز بحران کمبود شدید انرژی و جیره‌بندی برق و گاز سبب کاهش تولید و صادرات شده و می‌تواند زمینه‌ساز ثبت رشد منفی اقتصادی در این بخش باشد.

بخش کشاورزی نیز شرایطی مشابه دارد. مشکلاتی چون بحران خشکسالی، قطع انرژی و سیاست‌ها ناکارآمد دستوری دولت از جمله عوامل تشدید رکود در بخش کشاورزی ایران است که می‌تواند به رشد اقتصادی منفی در این بخش منتهی شود.

نقطه ۳۸/۹ درصد و تورم سالانه ۳۳/۲ درصد بوده است. نرخ تورم در فروردین امسال رکورد ۱۷ ماه گذشته را شکسته که بیانگر ناکامی دولت در عملی کردن وعده مهار تورم است!

روزنامه «فرهیختگان» با اشاره به ثبت رکوردهای جدید در نرخ تورم ایران نوشته کارشناسان اقتصادی در خصوص دلایل جهش ترمی اخیر گفتند دلیل تورم دو یا سه ماه اخیر بیش از هر چیزی، ناشی از افزایش نرخ ارز و افزایش انتظار تورمی در پاییز و زمستان سال گذشته بوده است.

این گزارش تأکید کرده نمی‌توان انتظار کاهش پر سرعت نرخ تورم را حتی در صورت توافق میان جمهوری اسلامی و ایالات متحده داشت: «کارشناسان معتقدند کاهش ۲۰ درصدی نرخ ارز در دو هفته اخیر و سیگنال مثبت مذاکرات گرچه خیلی زود آثار خود را در بازار دارایی‌ها به نمایش گذاشت، اما با لحاظ اینکه تورم تولیدکننده در ماه‌های اخیر گارد صعودی به خود گرفته، حتی با تداوم فضای مثبت فعلی نیز، آثار جهش تورم تولید، انتظار تخلیه تورم مصرف‌کننده با سرعت بالا، کمی دور از ذهن است.»

از سوی دیگر با وجود تلاش نهادهای حکومتی در دستکاری آمار اشتغال، اما جزییات آماری نشان می‌دهد وضعیت اشتغال در ایران نیز در بحران قرار دارد.

مرکز آمار به تازگی در گزارشی مدعی شده که نرخ بیکاری در زمستان ۱۴۰۳ نسبت به مدت مشابه در سال قبل کاهش یافته و در فصل زمستان به ۷/۸ درصد رسیده است.

این در حالیست که جزییات آمارهای ارائه شده از سوی این مرکز نشان می‌دهد کاهش رقم «نرخ بیکاری» در پی افزایش اشتغال نبوده بلکه به علت کاهش نرخ مشارکت اقتصادی رخ داده است؛ به این معنا که افرادی که در سن اشتغال هستند به دلایلی از جمله مهاجرت یا ناامیدی از پیدا کردن شغل مناسب دیگر در بازار کار ایران فعال نبوده و حتی در جستجوی کار هم نیستند.

مرکز آمار اعلام کرده که نرخ مشارکت اقتصادی از ۴۰/۸

میانگین قیمت مسکن در تهران، ۱۰۲ میلیون تومان برای هر مترمربع



- میانگین «قیمت پیشنهادی» واحدهای مسکونی در محله‌های منتخب مناطق ۲۲ گانه تهران در فروردین ماه، به سطح ۱۰۲ میلیون تومان در هر مترمربع رسید.
- بر اساس اعلام آمار مرکز آمار ایران، تورم سالانه بخش مسکن در فروردین‌ماه امسال به ۴۰ درصد رسیده است. همچنین تورم نقطه به نقطه مسکن در ماه اشاره شده ۳۷/۷ و تورم ماهانه نیز ۲/۲ درصد بوده است.
- افزایش قیمت مسکن بر افزایش قیمت اجاره‌بها نیز موثر است و سبب افزایش تورم در این بازار می‌شود.

بازار مسکن در ابتدای سال جدید با رکوردهای تازه قیمت روبرو شده و میانگین قیمت هر مترمربع آپارتمان در تهران به ۱۰۲ میلیون تومان رسیده است. روزنامه «شرق» گزارش داده شاخص قیمت مسکن در ابتدای اردیبهشت امسال نشان می‌دهد، میانگین «قیمت پیشنهادی» واحدهای مسکونی در نوبت فروش ارائه‌شده به بازار، در محله‌های منتخب مناطق ۲۲ گانه تهران در فروردین ماه، به سطح ۱۰۲ میلیون تومان در هر مترمربع رسید که این رقم نسبت به اسفند ماه حاکی از رشد ماهانه ۲/۷ درصدی است.

این گزارش افزوده بازار معاملات مسکن در نخستین ماه سال ۱۴۰۴ حاکی از رفتار محتاطانه بازیگران این بازار است که با توجه به مسائل سیاسی فعلی کشور متأثر از روند مذاکرات ایران و آمریکا، اما همچنان رفتار سنتی بازار در فروردین توانست بر واکنش سیاسی غلبه کند و در ماه مذاکرات، نسبت به سه بازار رقیب خود کم‌نوسان‌ترین بازار باشد.

همچنین بر اساس اعلام آمار مرکز آمار ایران، تورم سالانه بخش مسکن در فروردین‌ماه امسال به ۴۰ درصد رسیده است. همچنین تورم نقطه به نقطه مسکن در ماه اشاره شده ۳۷/۷ و تورم ماهانه نیز ۲/۲ درصد بوده است. افزایش قیمت مسکن بر افزایش قیمت اجاره‌بها نیز موثر است و سبب افزایش تورم در این بازار می‌شود. روزنامه دولتی «ایران» گزارش داده روند تغییرات متوسط مبلغ اجاره یک متر آپارتمان در شهر تهران از زمستان ۱۳۹۲ تا زمستان ۱۴۰۰ افزایشی بوده و از ۱۵ هزار تومان در زمستان ۹۲ به ۱۰۰ هزار تومان در زمستان ۱۴۰۰ رسیده است. اما در چند سال اخیر متوسط قیمت اجاره یک متر آپارتمان در شهر تهران در آمار رسمی نیامده است. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی نیز دی‌ماه گذشته در گزارشی با عنوان «رفع فقر مسکن در کشور» از افزایش ۴۸ درصدی مستأجران فقیر در ایران در حد فاصل سال‌های ۹۵ تا ۱۴۰۱ خبر داده بود.

بر اساس این گزارش در سال ۱۴۰۱ بیش از یک میلیون خانوار مستأجر درگیر فقر در مناطق شهری درآمدی کمتر از خط فقر داشتند و ۳۳۲ هزار خانوار با اضافه شدن هزینه تأمین مسکن استیجاری به سبد هزینه آنها درگیر فقر شدند. در روستاها گروه اول معادل ۷۵ هزار خانوار و گروه دوم معادل ۳۱ هزار خانوار بودند.

این گزارش افزوده بود که فقر مستأجران بیشتر پدیده‌ای شهری است و محرومیت مسکونی که با ویژگی‌های کالبدی مسکن تعریف می‌شود، چهره‌ای روستایی دارد.

کنند، ناچار هستند خانوادگی در یک سوئیت زندگی کرده و یا حتی دو خانواده با هم یک آپارتمان را به صورت اشتراکی اجاره کنند.

این پدیده‌ها نوظهور در کنار دیگر پدیده‌هایی چون پشت‌بام خوابی و کانکس‌خوابی بیانگر فاجعه در زندگی مستأجرانی است که در مجموع حدود ۴۰ درصد از جمعیت شهرنشین و نیمی از جمعیت پایتخت را تشکیل می‌دهند. گفتنی است با توجه به تعداد بالای متقاضیان وام ودیعه، هر سال کمتر از یک چهارم مستأجران موفق به دریافت وام‌های حمایتی ندارند. امسال نیز معاون مسکن و ساختمان وزیر راه و شهرسازی با اشاره به تخصیص ۲۰۰ هزار میلیارد تومان برای پرداخت تسهیلات ودیعه، وعده داد که امسال اکثر متقاضیان می‌توانند وام را دریافت کنند. با اینهمه عملی شدن چنین وعده‌ای با توجه به کسری بودجه شدید دولت و بحران نقدینگی با تردید روبروست.

برنامه دیگری که دولت در بسته حمایتی از مستأجران تصویب کرده، واگذاری خانه‌های اجاره‌ای به متقاضیان در دهک‌های کم‌برخوردار بخصوص زوج‌های جوان دهک‌های درآمدی اول تا سوم، به عنوان کم‌درآمدترین اقشار، است. بر اساس این برنامه، دولت واحدهای مسکونی ساخته‌شده در مناطق کم‌برخوردار شهر را با قیمت کمتر از متوسط قیمت خریداری می‌کند و مابه‌التفاوت آن را به مالکان می‌پردازد. این برنامه بیشتر در قالب تهاتر زمین با مسکن یا تأمین منابع از محل مولدسازی دیده شده است.

این برنامه نیز با انتقادهایی روبرو است. منتقدان می‌گویند، ورود دولت به خرید واحد مسکونی موجب بالا رفتن بیشتر قیمت می‌شود. آنها پیشنهاد می‌دهند دولت این واحدها را تحت برنامه اجاره به شرط تملیک به مردم واگذار کند، به این صورت که واحدها در اختیار خانوار کم‌درآمد قرار گیرد و پرداخت اجاره ماهانه به عنوان پرداخت اقساط وام ساخت واحدها در نظر گرفته شود تا به تدریج و بعد از چند سال، مستأجران این واحدها صاحب خانه شوند!

همچنین وضعیت محرومیت مسکن در استان‌های مختلف متفاوت اعلام شده بود. برای مثال در استان‌هایی مثل البرز و قم، ۱۰۰ درصد مستأجران فقیر به دلیل درآمد ناکافی دچار فقرند و در استان‌های کردستان و آذربایجان غربی نرخ فقر ناشی از هزینه‌های تأمین مسکن استیجاری و تورم بخش اجاره‌بها بالا است.

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تأکید کرده بود با وجود اسکان بیشترین تعداد خانوار مستأجر درگیر فقر در استان تهران، نرخ محرومیت مسکونی در این استان پایین و تنها ۵ درصد و این نرخ در استان‌هایی مانند سیستان و بلوچستان نزدیک به ۶۰ درصد است. افزایش اجاره‌بها اما طی دو سال گذشته با سرعت بیشتری ادامه داشته و تورم در بازار اجاره‌بها در برخی محله‌ها به صد درصد رسیده است.

در سال جدید نیز افزایش قیمت‌ها در بازار اجاره‌بها نیز همزمان با آغاز فصل جابجایی مستأجران آغاز شده است. دولت پزشکیان به تازگی بسته سیاستی در شورای عالی مسکن تصویب کرد که هدف آن حمایت از مستأجران است. یکی از محورهای این بسته حمایتی، افزایش مبلغ وام ودیعه به ۳۰۰ میلیون تومان در شهر تهران است، اما جست‌وجوی فایل‌های عرضه شده برای اجاره و پرس‌وجو از مستأجران نشان می‌دهد، این وام با قیمت‌های فزاینده اجاره، گره کار مستأجران را کامل باز نمی‌کند.

برای فونه در مناطق کم‌برخوردار شهر و محله‌هایی که فقر امکانات شهری در آن هویداست واحدهایی با متراژهای پایین‌تر از ۳۰ تا ۴۰ متر برای اجاره فایل شده است. به گفته برخی مشاوران املاک، این واحدها به خاطر اینکه قبلاً کارگاه یا واحد تولیدی بوده امکانات یک خانه معمولی را هم ندارد و اصولاً برای زندگی خانوادگی مناسب نیست. گزارش‌ها همچنین از رونق اجاره سوئیت‌های ۲۰-۳۰ متری در کلانشهرها حکایت دارد. مستأجرانی که کاهش ارزش درآمد آنها سبب شده نتوانند یک واحد آپارتمانی اجاره

نمایشگاه گروهی با موضوع «بدن» در پاریس

حرکت نیاز دارد، روان درونی ما نیز تشنه‌ی آغوش، ترمیم و نوازش آگاهی‌ست. بدن احساسی ما باید شنیده و لمس شود و شفا یابد. با بازسازی چاکراها، با نوری که از درون می‌تابد و با رهایی از زخم‌های کهنه می‌توان دوباره با خویش در صلح نشست و آرام و روشن بود.»

پریا وطنخواه هنرمند تجسمی چندرشته‌ای ساکن پاریس موضوع پرفورمنس خود را «تبعید» انتخاب کرده بود. او در توضیح می‌گوید: «از سال ۲۰۰۹ ساکن فرانسه هستم و از زمانی که از ایران بیرون آمدم آثارم کم‌کم متعهد و سیاسی شد. هرچه بیشتر در آزادی زندگی کردم، بیشتر فهمیدم که در ایران چه ظلمی به ما رفته است. کارهای هنری و پژوهشی‌ام در مورد ایران همه سیاسی شدند. حتی تز دکترای خود را هم در مورد هنر سیاسی زنان در تبعید نوشتم. در پرفورمنسی که امروز اجرا شد، بیشتر تمرکز من روی تبعید بود. می‌خواستم دور بودن از سرزمین، خانواده و ریشه‌ها را نشان دهم. از دوستانم در ایران خواسته بودم که فیلم‌هایی کوتاه از کوچه پس‌کوچه‌های رشت، جایی که در آن بزرگ شدم و همچنین تهران برابم بفرستند. ویدئوها را روی تن خودم پروژکت کردم و شروع کردم به دوختن و یکی کردن عکس‌هایی که از گذشته‌ام در ایران و زندگی‌ام از سال ۲۰۰۹ داشتم. هدفم ساختن دنیای جدیدی در تبعید بود. در نهایت نتوانستم تنها از دوری و تبعید بگویم و درباره جنایت‌های رژیم ایران هم بگویم.»

مهدی یارمحمدی نقاش و مجسمه‌ساز ساکن پاریس در پرفورمنس خود با عنوان «قسمتی از بدن» یک مجسمه‌ی ۳متری فیگوراتیو با مواد سبک پلی استرن ساخته بود و آن را به قطعات مختلف تکه‌تکه کرده بود. در اجرا، هر تکه از بدن مجسمه را به یک نفر می‌داد و این بازدیدکنندگان بودند که مانند پازل تکه‌های مجسمه را سرهم می‌کردند و مجسمه را می‌ساختند.

رویداد «روز پرفورمنس» سال گذشته نیز در همین مجموعه‌ی «شکیرایی» توسط مهدی یارمحمدی سازماندهی و برگزار شده بود.



مهدی یارمحمدی

شلاق دیوار سفید را سیاه کرد و پس از آن شعری از مجموعه «عصیان» فروغ فرخزاد را خواندم.»

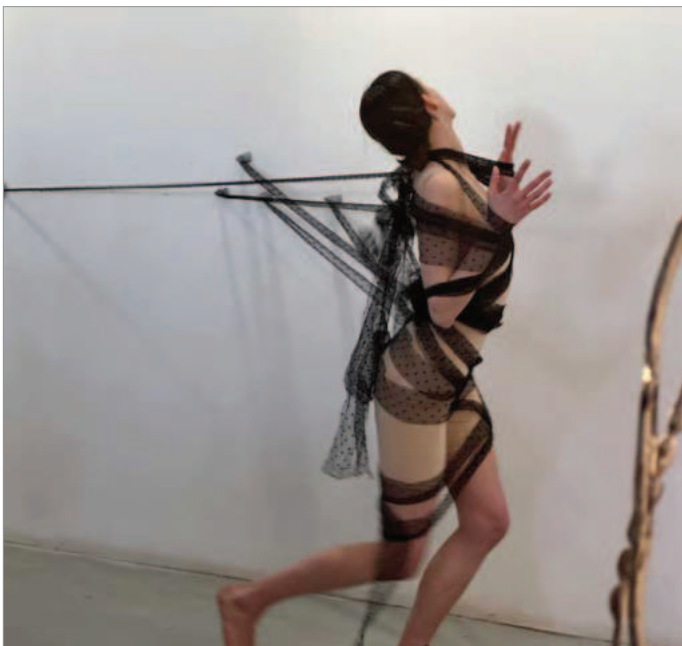
مریم آقایی هنرمند نقاش ساکن پاریس پرفورمنس خود را با همراهی «لورنا» اهل اکراین انجام داد. عنوان این اجرا «بدن احساسی» بود که حدود ۱۰ دقیقه طول کشید. مریم آقایی در توضیح می‌گوید: «ما تنها از گوشت و استخوان ساخته نشده‌ایم درون ما بدنی دیگر نیز جاریست. بدنی احساسی، لطیف و ناپیدا. بدنی که زخم‌اش دیده نمی‌شود اما حس می‌شود. اندوه‌ها و ترس‌ها چون موجی آرام اما عمیق از نسل‌های پیش به جان ما رسیده‌اند.»

او ادامه می‌دهد: «در دل این بدن احساسی حفره‌هایی خالی است. مهرهایی که نبوده‌اند و دردهایی که مانده‌اند. چاکراها ما این مراکز ناپیدای انرژی، گاه ناهماهنگ و پژمرده می‌شوند. همانگونه که تن خاکی ما به تغذیه و

● مهدی یارمحمدی هنرمند نقاش و مجسمه‌ساز ساکن پاریس یک نمایشگاه گروهی و همچنین «روز پرفورمنس» را در مجموعه «شکیرایی» در پاریس با موضوع «بدن» طراحی و کارگردانی کرد. در این نمایشگاه ۶ هنرمند فرانسوی به همراه مهدی یارمحمدی با آثار نقاشی، مجسمه و ویدئو شرکت کردند و همچنین برای رویداد «روز پرفورمنس» که در روز یکشنبه ۶ آوریل ۲۰۲۵ برگزار شد، ۱۶ هنرمند که ۴ نفر از آنان ایرانی و ساکن پاریس هستند، هورا میرشکاری، پریا وطنخواه، مریم آقایی و مهدی یارمحمدی، به اجراهای هنری پرداختند.

کتابیون حلاجان - مهدی یارمحمدی هنرمند نقاش و مجسمه‌ساز ساکن پاریس یک نمایشگاه گروهی و همچنین «روز پرفورمنس» را در مجموعه «شکیرایی» در پاریس با موضوع «بدن» طراحی و کارگردانی کرد. در این نمایشگاه ۶ هنرمند فرانسوی به همراه مهدی یارمحمدی با آثار نقاشی، مجسمه و ویدئو شرکت کردند و همچنین برای رویداد «روز پرفورمنس» که در روز یکشنبه ۶ آوریل ۲۰۲۵ برگزار شد، ۱۶ هنرمند که ۴ نفر از آنان ایرانی و ساکن پاریس هستند، هورا میرشکاری، پریا وطنخواه، مریم آقایی و مهدی یارمحمدی، به اجراهای هنری پرداختند.

هورا میرشکاری پرفورمنس آرتیست، نقاش، مجسمه‌ساز و خواننده ساکن پاریس، پرفورمنس خود را «بدن ستم‌دیده زنان ایران» انتخاب کرده بود. هورا میرشکاری می‌گوید: «من پروژه‌های بسیاری را در مورد سوژه بدن و خصوصاً بدن زن کار کرده‌ام. در این اجرا من سوژه بدن آسیب‌دیده‌ی زنان ایران را انتخاب کردم؛ زیرا مخاطبان غیرایرانی درباره درد و ستمی که در ایران بر ما می‌رود، هیچگونه تصویری ندارند. اتفاقاتی که برای زنان و مردان در ایران می‌افتد و جنایات‌هایی که می‌شود از تصور خارج است. من سعی می‌کنم به عنوان یک هنرمند تا جایی که می‌توانم این درد را در هنرمند فریاد بزنم و فکر می‌کنم بهترین راه نجات برای ما هنر است. من در این اجرا با همراهی هنرمند موزیسین «جنیا» اهل اکراین بر دیوار سفید شلاق زدم و ضربات



نمایشگاه لیلا پازوکی در گالری «سیمین پاریس»

شفابخش آفرینش باور دارم. فرآیند آفرینش تنها یک سفر شخصی نیست، بلکه راهی است برای جاری کردن انرژی‌هایی که به ایجاد آرامش و توازن درونی، هم در من و هم در کسانی که با آثارم مواجه می‌شوند، کمک می‌کند. آثار من نه تنها ابزاری برای شفاي درونی خودم هستند، بلکه شاید بتوانند فضاهایی را که در آن قرار می‌گیرند، و شاید حتی افرادی را که با آنها ارتباطی واقعی برقرار می‌کنند، دگرگون سازند. در بسیاری از آثارم، با زندگی معاصر و پدیده‌های فرهنگی، به ویژه آنهایی که از دل فناوری برآمده‌اند مثل بازی‌های ویدیویی چون «ماین کرافت» و «روبلاکس» درگیر می‌شوم. این فضاهای دیجیتال اغلب دنیایی دیگر را تداعی می‌کنند: واقعیت‌هایی موازی و امکان بی‌پایان برای خلق و کشف. برای من، پلتفرم‌هایی مثل روبلاکس و بازی‌های کامپیوتری یادآور این نکته هستند که اگر بتوانیم چیزی را تصور کنیم، می‌توانیم آن را بیافرینیم. آنها نماد امکانی برای خلق جهانی هستند که در آن می‌توانیم نزد عزیزانمان در سرزمین‌های دور ظاهر شویم، دیوارها و فاصله‌ها را در یک لحظه پشت سر بگذاریم، و زمانی باکیفیت را در کنار هم سپری کنیم. در این فضاها، به چیزی واقعی و معنادار بازمی‌گردیم بارها و بارها تا آنجا که واقعیت زندگی‌مان را دگرگون کرده، مرزها و محدودیت‌هایی که ما را از هم جدا می‌کنند، از میان برمی‌داریم.

لیلا پازوکی در مورد آثارش که در «سیمین پاریس» به نمایش درآمده می‌گوید: «نقاشی‌ها و اشیای این نمایشگاه، مخاطب را به تأمل بر یک پرسش دعوت می‌کنند: چه می‌شود اگر اشیاء بتوانند ما را به خاطر بسپارند، برای ما دلتنگ شوند، و با ما ارتباط برقرار کنند؟ شاید، مانند کودکی، هنوز توانایی گفتگو با اشیاء را داشته باشیم، ارتباطی فراتر از کارکرد صرف، که اغلب با گذر زمان و بزرگ شدنمان فراموش می‌شود. این مجموعه آثار، همچون بخش بزرگی از کار من، بازتاب‌دهنده تکامل پیوسته‌ی رابطه‌ی ما با جهان و ظرفیت ما برای عبور از محدودیت و خلق فضایی برای التیام، دگرگونی، و پیوند است.»



لیلا پازوکی

می‌تواند واسطه‌ای برای التیام فردی و جمعی باشد.» وی در همین ارتباط توضیح می‌دهد: «فیزیک کوانتوم پیش‌فرضی شگفت‌انگیز ارائه می‌دهد؛ اینکه همه‌چیز در حالتی از امکان وجود دارد و با مشاهده و ارتباط شکل می‌گیرد. از این منظر، آثار من با این اصول هم‌راستا هستند؛ بازتابی از ایده‌های جادویی دگرگونی، واقعیت‌های موازی، و انعطاف‌پذیری زمان و فضا. درست مانند اصول نظریه کوانتوم. هنر من بیانگر این است که جهانی که درک می‌کنیم، تنها واقعیت ممکن نیست و التیام و تغییر همواره در دسترس‌اند، اگر بتوانیم زاویه‌ی دیدمان را تغییر دهیم. این آثار ایده‌ی چندجهانی (مولتی‌ورس) را بازتاب می‌دهند، جایی که زمان‌بندی‌ها و امکانات گوناگون همزمان وجود دارند، و هنر می‌تواند درگاهی به این دنیاهای موازی باشد.» پازوکی سپس می‌افزاید: «به عنوان یک هنرمند، به قدرت

● اولین نمایشگاه لیلا پازوکی در شهر پاریس با همکاری گالری «سیمین پاریس» از تاریخ ۱۲ تا ۱۶ مارس ۲۰۲۵ برگزار شد که در آن آثار نقاشی، چیدمان، و همچنین گرافیتی‌های وی به نمایش گذاشته شد.

کتابتون حلاجان - لیلا پازوکی دانش‌آموخته رشته نقاشی در دانشگاه تهران و از سال ۲۰۰۲ ساکن کشور آلمان است. او در دانشگاه هنر مونیخ به فراگرفت هنر مدرن پرداخته و سپس در همین کشور در رشته‌های مجسمه‌سازی و «هنر محیط» تحصیل کرده است.

این هنرمند خیلی زود وارد فضای هنر ایران شد و در سن ۱۶ سالگی در پینال هنر نقاشی موزه هنرهای معاصر تهران شرکت کرد. او در ایران با گالری‌های «راه ابریشم»، «لیلی گلستان»، «برگ»، «اثر»، «اعتماد» و «دستان» کار کرده است. در خارج از ایران نیز در گالری‌های «ایزابل فان دن ایند»، «لیلا هلر»، «گالری نینا منوکال» در شهر مکزیکوسیتی و گالری «ارنست هیلگر» در وین و گالری «کریستین هسپ» و «Kunst Agenten Galerie» در برلین نمایشگاه برگزار کرده است.

لیلا پازوکی علاوه بر گالری‌ها در چندین موزه از جمله هنرهای غرب در توکیو، ZKM در کارلسروهه آلمان، Mu-seum Kunst Palast در شهر دوسلدورف، موزه هنرهای مدرن در تسالونیک و تعداد زیادی از موزه‌های دیگر در آمریکا نیز نمایشگاه برگزار کرده است. همچنین یکی از آثار این هنرمند با نام «شهرت همیشگی» روی جلد مجله «Les Cahiers» و «Centre Pompidou» منتشر شده است.

اولین نمایشگاه لیلا پازوکی در شهر پاریس با همکاری گالری «سیمین پاریس» از تاریخ ۱۲ تا ۱۶ مارس ۲۰۲۵ برگزار شد که در آن آثار نقاشی، چیدمان، و همچنین گرافیتی‌های وی به نمایش گذاشته شد.

لیلا پازوکی می‌گوید: «آثار من عمیقاً از تلاقی معنویت، فیزیک کوانتوم و نیروی دگرگون‌کننده‌ی هنر الهام گرفته‌اند. من ایده‌ی امکان، تغییر، و ظرفیت همیشگی برای التیام را کاوش می‌کنم. در قلب کار من، این باور وجود دارد که هنر



هشدار فرمانده یگان حفاظت شهرداری به شهروندان: از دستفروشان مترو خرید نکنید!

هادی موسوی فرمانده یگان حفاظت شهرداری تهران در یک برنامه تلویزیونی از شهروندان خواسته است از دستفروشان مترو خرید نکنند. او در این مصاحبه که سوم اردیبهشت ۱۴۰۴ از شبکه تهران پخش شد عنوان کرد، «بسیاری از اقلام مترو فاقد کیفیت هستند، از طرفی هنگام کارت کشیدن مراقب رقم پرداختی باشید.» دستفروشی در مترو هرچند جرم نیست اما تخلف محسوب می‌شود با اینهمه شهرداری امکانات ویژه‌ای در اختیار فروشندگانی که توان پرداخت کرایه مغازه را ندارند، قرار می‌دهد.

زلزله ۴/۲ ریشتری در اردکان استان فارس

زمین لرزه‌ای به بزرگی ۴/۲ ریشتر ساعت ۱۴:۱۲ روز دوشنبه اول اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۴ شهر اردکان از توابع شهرستان سپیدان استان فارس را لرزاند. این زلزله در عمق ۶ کیلومتری زمین رخ داده است. مدیرکل بحران استانداری فارس اعلام کرده «این زمین‌لرزه موجب خسارت جزئی به بعضی از منازل شهر اردکان و روستای ممیلو شهرستان سپیدان شده و خسارت جانی نداشته است.»

بازداشت خبرنگار ایرانی- فرانسوی در پاریس؛ وقتی جمهوری اسلامی مدافعان خودش و حماس را قربانی قلمداد می‌کند

در حالی که جمهوری اسلامی همواره از آزادی بیان در غرب به عنوان «افسانه‌ای دروغین» یاد می‌کند، بازداشت یک خبرنگار ایرانی- فرانسوی در پاریس به دلیل تبلیغات رسانه‌ای در دفاع از «آرمان فلسطین» و تروریسم دولتی گروه «حماس» را بهانه کرده تا بار دیگر خود و مدافعانش را «قربانی» جلوه دهد بی‌آنکه به سرکوب سیستماتیک روزنامه‌نگاران و فعالان رسانه‌ای در داخل ایران اشاره‌ای کند.



«شاهین حزامی» که توسط خبرگزاری‌های جمهوری اسلامی فعال رسانه‌ای معرفی شده، صبح سه‌شنبه ۲ اردیبهشت توسط پلیس فرانسه بازداشت شد. به نوشته‌ی رسانه‌های داخل ایران، منابع نزدیک به این روزنامه‌نگار می‌گویند علت بازداشت وی، فعالیت‌های اخیر او در شبکه‌های اجتماعی «در حمایت از مردم غزه و انتقاد از دولت فرانسه در قبال حملات اسرائیل» بوده است.

اعتراض هواداران نظام به مذاکره با آمریکا؛ «گفتگو با ترامپ بیعت با یزید زمان است»

عقب‌نشینی علی خامنه‌ای و مذاکره با دولت ترامپ با انتقاد برخی هواداران جمهوری اسلامی مواجه شده است. یکی از معترضان در جلسه‌ای که سعید جلیلی دبیر پیشین شورای عالی امنیت جمهوری اسلامی در آن حضور داشت با انتقاد از تصمیم رهبر نظام برای مذاکره با آمریکا می‌گوید: «گفتگو با ترامپ بیعت با یزید زمان است.» تاریخ دقیق این ویدیو مشخص نیست اما اظهارات زن معترض با انتقاد جلیلی و اطرافیانش مواجه شد.

فاکس نیوز:

رژیم ایران همزمان با مذاکرات اتمی با آمریکا، اعدام‌ها را افزایش داده است

شبکه «فاکس نیوز» سه‌شنبه دوم اردیبهشت ۱۴۰۴ در گزارشی درباره از افزایش شمار اعدام‌ها در ایران نوشت: «جمهوری اسلامی در بحبوحه مذاکرات هسته‌ای با آمریکا، اعدام‌های حکومتی را افزایش می‌دهد.» جمهوری اسلامی از زمان روی کار آمدن مسعود پزشکیان بیش از هزار نفر را اعدام کرده است. افزایشی که به گفته کارشناسان امنیتی، ایالات متحده باید در مذاکرات هسته‌ای با تهران به آن توجه کند.

مخالفت نمایندگان مجلس شورای اسلامی با فوریت «لایحه تغییر ساعت رسمی کشور»

در جلسه علنی روز چهارشنبه سوم اردیبهشت‌ماه مجلس شورای اسلامی، بررسی تقاضای دو فوریت در مورد لایحه اختیار دولت در تغییر ساعت رسمی کشور و تعیین ساعات کار کارکنان در دستور کار قرار گرفت که نمایندگان با آن مخالفت کردند. یک فوریت این لایحه نیز به رأی گذاشته شد که نمایندگان با این موضوع هم مخالفت کردند.



در چنین شرایطی لایحه ارائه شده از سوی دولت در روند «عادی» مجلس در نوبت بررسی قرار خواهد گرفت. دولت پزشکیان قصد داشت به علت بحران کمبود برق موافقت مجلس را برای تغییر ساعت رسمی کشور بگیرد تا مثلاً در مصرف برق صرفه‌جویی شود. حالا مشخص نیست به چه علت نمایندگان مجلس شورای اسلامی بررسی «فوری» این لایحه را ضروری ندانستند!

«رضا شاه، روح شاد» شعار دختران پرسپولیس در استادیوم «آزادی»

دختران طرفداران تیم پرسپولیس تهران پس از پایان مسابقه مقابل تیم سپاهان اصفهان که جمعه ۲۹ فروردین ۱۴۰۴ در استادیوم «آزادی» (آریامهر) برگزار شد، شعار «رضاشاه روح شاد» سر دادند. در این مسابقه به دلیل محرومیت دو تیم، مردان اجازه حضور در استادیوم را نداشتند.

جمهوری اسلامی نماینده مردم ایران نیست!

در ارتباط با پروژه «صد شهر یک‌صد» @p100cities ایرانیان حامی شاهزاده رضا پهلوی با پخش بروشور و تجمع در شهر بروکسل در نزدیکی پارلمان اروپا به روشنگری درباره وضعیت و حقوق مردم ایران پرداختند. آنها در این بروشور توضیح داده‌اند که جمهوری اسلامی حامی تروریسم منابع مالی کشور را خرج برنامه اتمی و موشکی و نیابتی‌هایش می‌کند و نماینده مردم ایران نیست. همچنین از مردم بلژیک خواسته می‌شد تا از مردم ایران حمایت کنند و به هر طریق که می‌توانند صدای آنها باشند.

فاکس نیوز:

احتمال حمله آمریکا خامنه‌ای را پای میز مذاکره کشاند

همزمان با برگزاری دومین گفتگوی نمایندگان آمریکا و جمهوری اسلامی که اینبار در رُم پایتخت ایتالیا برگزار می‌شود، فاکس نیوز ۱۹ آوریل (۳۰ فروردین) در مقاله‌ای به قلم «بنجامین وینتال» نوشت که به گفته‌ی یک کارشناس، «تهدید نظامی توسط ترامپ همانچیز است که باعث شد خامنه‌ای تن به مذاکره بدهد.»

دیوارنگاره «میدان فلسطین» علیه اسرائیل؛ «بار دیگر فرعون غرق خواهد شد!»

جمهوری اسلامی همزمان با مذاکره با آمریکا نیز دست



از تهدید موجودیت اسرائیل برمی‌دارد. از آخرین روزهای فروردین ۱۴۰۴ بر دیوارنگاره «میدان فلسطین» (میدان کاخ) در تهران که از سال ۱۳۳۹ تا پیش از بهمن ۵۷ در خیابان آن سفارت اسرائیل مستقر بود، نوشته شده «بار دیگر فرعون غرق خواهد شد!» بر این طرح بزرگ دیواری پرچم اسرائیل نیز نقاشی شده و به دو زبان فارسی و عبری آمده است: «صهیونیست‌ها منتظر تازیانه خدا باشند!»

اعتصاب کارگران شهرداری برازجان

کارگران شهرداری برازجان واقع در استان بوشهر در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و پایین بودن حقوق ماهانه دست از کار کشیده‌اند.

آنها روز چهارشنبه سوم اردیبهشت ۱۴۰۴ در مقابل ساختمان شهرداری تجمع کردند.

اعتصاب آنها طی روزهای اخیر باعث شده در گوشه و کنار خیابان‌ها انبوهی زباله انباشته شود.

کارگران خواستار رسیدگی فوری به وضعیت حقوق، مزایا و شرایط کاری خود هستند.

با این تعرفه‌ها، برق را قطع کنید خیال همه راحت شود!

کیوان کاشفی عضو هیات رئیسه اتاق بازرگانی می‌گوید: «تعرفه افزایش قیمت برق باید طبق قانون تا فروردین ماه اعلام می‌شد ولی پارسال در مهرماه اعلام شد و می‌خواستند از ابتدای سال حساب کنند که ما جلوی آن را گرفتیم.» وی می‌افزاید قیمت‌ها را آنقدر عجیب و غریب و متفاوت بالا برده‌اند که انگار بهتر است قطع‌اش کنند تا خیال همه راحت شود.

توصیه رئیس سازمان حج و زیارت:

زائران استوری سیاسی نگذارند و مواد مخدر نبرند!

علیرضا بیات رئیس سازمان حج و زیارت جمهوری اسلامی، در یک مصاحبه که اول اردیبهشت ۱۴۰۴ منتشر شد از زائران ایرانی مکه خواسته از بردن مواد مخدر و داروهای حاوی مواد مخدر خودداری کنند. او تأکید کرد زائران از انتشار «استوری‌های سیاسی» در فضای مجازی خودداری کنند.

او همچنین تأکید کرد تأکید عربستان بر جلوگیری از برگزاری تجمعات و دعای دستجمعی در مقابل بقیع و

توهم مزمن جمهوری اسلامی:

چین و روسیه شریک راهبردی و دوستان ما در دوران سخت هستند!

جمهوری اسلامی که با «ایران‌فروشی» سعی کرده از حمایت جمهوری خلق چین و روسیه برخوردار شود هنوز متوجه نشده که این دو قدرت جهانی در رقابت با غرب و به ویژه آمریکا است که آن را به بازی گرفته‌اند. یکی از دلایل ناکام ماندن مذاکرات جمهوری اسلامی با دولت بایدن همزمان با حمله نظامی روسیه به اوکراین، بازی کردن پوتین با کارت مذاکرات اتمی در ارتباط با تحریم‌های غرب علیه خود بود. در یک نمونه‌ی جدید، سفیر روسیه در عراق نیز وقتی خبرنگار از وی پرسید در صورت حمله نظامی آیا روسیه در کنار جمهوری اسلامی خواهد بود گفت: بله! برایش دعا می‌کنیم!

جمهوری خلق چین کمونیست نیز تا کنون «نقش سازنده»‌ای برای جمعیت میلیاردری خودش از طریق سیاست «ایران‌فروشی» جمهوری اسلامی بازی کرده و در مذاکرات اتمی کاملاً محتاطانه به اظهارات کلی بسنده کرده است. با اینهمه عباس عراقچی وزیر خارجه دولت پزشکیان که «افتخار» گفتگو با استیو ویتکاف فرستاده‌ی دونالد ترامپ را یافته، ساده‌لوحانه سیاست «نگاه به شرق» رژیم را که علیه منافع ملی ایران است، تکرار می‌کند.

اولیانوف: متأسفانه موضع آمریکا در مذاکره با ایران روشن نیست

میخائیل اولیانوف نماینده روسیه در سازمان‌های بین‌المللی مستقر در وین چهارشنبه سوم اردیبهشت ۱۴۰۴ در واکنش به مذاکرات جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در «ایکس» نوشت که موضع دولت آمریکا به ریاست «دونالد ترامپ» در قبال جمهوری اسلامی ایران هنوز مشخص نیست. وی توضیح داد: «مواضع ایران روشن است، ولی متأسفانه نمی‌توانیم از همین تعریف برای موضع آمریکا استفاده کنیم. صبر می‌کنیم، اما نمی‌توانیم زیاد صبر کنیم.» اولیانوف

۶۰ درصد دندان‌های افراد بالای ۵۰ سال در ایران پوسیده یا کشیده شده است

علیرضا رئیسی معاون بهداشت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی گفته «یکی از مواردی که پرداختی از جیب مردم در آن واقعا زیاد و کمرشکن است، حوزه دندانپزشکی است. اکنون ۶۰ درصد از دندان‌های افراد بالای ۵۰ سال ما سالم نیست؛ یا پوسیده است یا کشیده شده است.»

وی مدعی شده تعرفه دندانپزشکی بخش دولتی گران نیست و راهکار را «پیشگیری» دانسته است: «راهکار ما این است که در حوزه پیشگیری وارد شویم؛ یعنی باید از قبل مدرسه به سراغ آموزش و پیشگیری برویم تا بچه‌ها حین بزرگ شدن با فرهنگ مسواک زدن و رعایت کردن بهداشت دهان و دندان آشنا شوند که در آینده به این مشکل دچار نگردند.» معاون وزیر بهداشت در عمل راهکاری برای حل بحران «بی‌دندانی» در بیش از نیمی از جمعیت بالای ۵۰ سال در ایران ارائه نکرده است!

پیش‌بینی جدید صندوق بین‌المللی پول درباره افزایش تورم و کاهش رشد اقتصادی و اشتغال در ایران

صندوق بین‌المللی پول برآورد کرده است که اقتصاد ایران امسال تنها سه‌دهم درصد رشد داشته و نرخ رشد سال آینده خورشیدی هم یک و یک‌دهم درصد باشد. در گزارش سه ماه پیش این نهاد، نرخ رشد امسال و سال آینده به ترتیب ۳/۱ و ۲/۸ برآورد شده بود. در گزارش صندوق بین‌المللی پول برآورد شده نرخ تورم ایران در سال‌های ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵ به ترتیب ۳/۳ و ۴۲/۵ درصد خواهد بود.

این گزارش همچنین پیش‌بینی کرده که نرخ بیکاری در ایران نیز با افزایش روبرو شود و به ۹/۵ درصد در سال ۱۴۰۴ و ۹/۲ درصد در سال ۱۴۰۵ افزایش یابد. برآورد قبلی این نهاد این بود که امسال نرخ بیکاری در ایران ۸/۴ درصد باشد. قابل توجه اینکه ارزیابی‌های صندوق بین‌المللی پول از



روی آمارهایی صورت گرفته که نهادهای رسمی و حکومتی در اختیار نهادهای بین‌المللی قرار می‌دهند؛ همان اعداد و ارقامی که همواره درباره درستی و شفافیت آنها تردیدهایی جدی وجود دارد. بر اساس همین آمار دستکاری شده نیز افزایش نرخ تورم و افزایش نرخ بیکاری که از سوی صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی شده به معنای افزایش شاخص فلاکت در اقتصاد ایران است.

نماینده روسیه در مذاکرات اتمی وین بود. او ۱۳ اسفند سال ۱۴۰۰ (وقتی دولت رئیسی برای معامله با دولت بایدن مذاکره می‌کرد) پیش‌بینی کرده بود که «ظرف ۲۴ تا ۴۸ ساعت دیگر توافق اتمی با جمهوری اسلامی اعلام می‌شود!» از آن زمان نزدیک به چهار سال می‌گذرد اما هنوز آن توافق با دولت بایدن که جای خود را به دولت ترامپ داده، اعلام نشده است!

اماکن زیارتی هشدار داده است. این نخستین بار است که جمهوری اسلامی که هربار با سوء استفاده از مراسم مذهبی حج به شلوغ‌بازی و تظاهرات اعتراضی و سیاسی در عربستان سعودی می‌پرداخت، اینبار به زائران و همچنین مأموران خود توصیه می‌کند که سرشان را پایین انداخته و آهسته بروند و آهسته بایند و کاری نکنند که سعودی‌ها عصبانی شوند!



عکس هفته | با عکس گروگان‌های «حماس» در آشویتس

در ۲۴ آوریل ۲۰۲۵ روز یادبود قربانیان هولوکاست، اردوگاه مرگ آشویتس در لهستان شاهد تظاهرات شهروندانی بود که عکس گروگان‌های باقیمانده در اسارت گروه تروریستی حماس را در دست داشتند و خواستار آزادی آنها بودند.